تاریخ

درسهٔ عالی سپهسالار

تألیف ابوالقاسم سحاب







مرحوم میرزا حسینخان سپهسالار بانی مسجد و مدرسهٔ
عالی سپهسالار درایران آثار زیادی ازخویش بیادگار گذارده است
طرح پرچم سه رنك ایران باینصورت، نیز از کارهای
این مرد بزرگ وطنخواه است.

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس وستایش خداوندی را سزاست که آدمی را بزیور دانش آراسته وبه‌نیروی بیان برتری بخشیده ودرود فراوان بروان پاك پیغمبر ستوده ای که باب معرفت بروی جهانیان گشوده و چراغ هدایت براه آدمیان گذاشته است

استاد بشر نبی امجد ختم همه انبیا محمد(ص)

و تحیات بیشمار نثار ارواح طیبه اولادامجاداو بادکه پیشوایان دین و مروجین مذهب وآئینـند خصوصاً آفتاب سپهر ولایت وکاروان سالار تقوی و شرافت اسدالله‌الغالب علی بن ابیطالب علیه‌السلام .

امابعد بر رأی منیرصاحبان‌دانش وبینش پوشیده نماند که‌دیرزمانی است این بنده در صدد بر آمد که تاریخی برای بنای مدرسه عالی سپهسالار و سرگذشت بانی آن و جریان امور این مؤسسه شریف تدوین نماید زیرا جای دریغ بود که چنین بنای عظیم و رفیع دارای تاریخ مدونی نباشد و بااینکه در دنیای متمدن معمول است که هر بنا و مؤسسه ای را با نگاشتن تاریخ آن و وقایعی که بخود دیده است جزء بجزء معرفی میکنند و کوچکترین اطلاع مربوط بآنرا در معرض اطلاع عموم میگذارند،نسل جوان را کمتر اطلاع و وقوف از کیفیت این مدرسه وبانی و منظور موجد و چگونگی وضع فعلی آن بود و مخصوصاً آگاهی بترجمه احوال مرد مسلمان و خیر خواه و سیاست پیشه‌ای را که درتمام عمرخود بامصائب و مشکلاتی روبرو بوده و در زدو خورد ها و کشمکش‌هائی که معمولاً در کار های سیاسی و

اجتماعی روی میدهد مقاومت شدید کرده و در میان طوفان حوادث و تحریکات حسودان و مغرضان توانسته است مصدر خدمت های بزرگی واقع شود و پس از خودنیز بنای جاویدانی بیادگار گذاشته که مرکز ترویج دین ودانش است برای نسل معاصر و آینده واجب ولازم است چه گفته‌اندتاریخ گذشتگان آئینه عبرت برای آیندگان است و « چهره امروز در آئینهٔ فردا خوش است »

با اینکه رنج فراوان در تدوین این کتاب بکار بردم و کوشش کردم که حقایق را برشته تحریر در آورم و هریك از ارباب فضل که آنرا دیدند ستودند چاپ و انتشار آن.در طی سالیان دراز مقدور نگردید و نواب تولیت و وزارت فرهنگ وعده ها دادند و نامه های رسمی و غیر رسمی ردوبدل کردند ولی آن گفته ها و نوشته ها جامهٔ عمل بخود نپوشید تا در این اوان که بیمن همت و تدبیر شاهنشاه دانش‌پرور و دل آگاه اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی شهریار جوان‌بخت ایران آب‌رفته بجوی باز آمدو آتش‌فتنه که‌سالهااشتعال‌داشت خاموش گردیدو کشور کهن‌سال ایران فرجوانی ازسر گرفت و بفرمان مبارك شاهنشاه نیابت تولیت این کاخ رفیع اسلامی بمصلح بزرگوار وفیلسوف عالی مقدار حضرت سیدالعراقین‌تفویض گردیدواین‌شخصیت مهم و مشهور باصلاحات بسیاری در اندك مدت توفیق حاصل کرد ، نگارنده را نیز مساعدت و تشویق فرمود که این کتاب را که سالها در گوشه خاموشی مانده‌بود چاپ و در دسترس همگان بگذارم .

در این کتاب کوشش شده است که بطور ایجاز ترجمه حال و خدمات مرحوم میرزا حسینخان سپهسالار و مختصری از احوال کسانی از رجال و معاریف که بااوپیوستگی داشته اند و چگونگی ایجاد بنا و تصرفات و تحولاتی که در آن شده نوشته شود و همچنین

صورت وقفنامه ها و تعریفی از کتابخانه نفیس مدرسه سپهسالار و تراجم احوال نایب التولیه ها و مدرسین وائمه جماعت ودرآمد و هزینهٔ سالیانه را نگاشتم ویك قسمت را نیز بوضع فعلی مدرسه وشرح حال استادانی که اکنون بافاضه مشغولند و مختصری از اصلاحات جدید که بدست توانای علامه حجة‌الاسلام حضرت سیدالعراقین انجام شده از قبیل تنظیم امور مدرسه وپیشرفت دروس وایجاد درمانگاه ونصب بلندگو وتنظیم فهرست برای کتابخانه و توازن درآمد وهزینه و تهیه آب مشروب و روشنائی وپاکیزگی برای ساکنان مدرسه اختصاص دادم وبسیار سرافرازم که این کتاب بترجمه حال شخصیتی چون مرحوم سپهسالار آغـاز گردید که جزء شخصیت های ممتازه قرن اخیر ایران بشمار میرود و کارهای نیك او را همه می‌ستایند و انجام آن‌هم شرح خدمات شخصیتی است که امروز در ممالك اسلامی ممتاز و انگشت نماست و پادشاهان و رؤسای جمهور کشور های اسلامی و سران ورجال علمی و سیاسی خاور او را بادیدهٔ تجلیل و تکریم مینگرند وشهریار ایران که پرچم‌-دار دانش و پشتیبان دین است همواره او را مورد عنایت شاهانه قرار میدهند وسرپرستی این سید جلیل‌القدر دراین مؤسسه دینی نوید میدهد که بزودی مدرسه عالی سپهسالار در امور مربوطه بخود به پیشرفت‌ها و ترقیات شایانی نائل شود و توجهات شهریار دانش پرور و کاردانی مصلح بافضل‌وهنر، این موسسه را بعظمت وشئونی که‌درخورآن است موفق دارد و بابسط علم‌ودانش‌و تربیت مجتهدان وحامیان‌دیانت‌موجب ترویج دین و رونق کشور و دعاگوئی شاهنشاه و باعث‌شادمانی‌روان پاك‌بانی گردد و بنفع ملك‌وملت‌این‌دستگاه‌عظیم‌دینی‌وعلمی‌سامان‌پذیرد

باش تا صبح دولتت بدمد — کاین هنوز از نتایج سحراست

طهران آذرماه ۱۳۲۹ — ابوالقاسم سحاب



مرحوم میرزا حسین‌خان سپهسالار

بخش اول

زندگانی مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار

(۱۲۴۱ - ۱۲۹۸ هجری قمری)

نسب شخصی و آغاز زندگانی سپهسالار

مرحوم حاج میرزا حسین‌خان سپهسالار فرزند مرحوم میرزا نبی‌خان امیر دیوان قزوینی اواخر سال ۱۲۴۱ هجری درقزوین متولدشد . پدرش میرزانبی‌خان از رجال‌دربار قاجاریه فرزندابوالقاسم خان مازندرانی است که بقزوین آمده ودرآنجا سکونت گزیده و بعداً فرزندان او بقزوینی اشتهار یافته‌اند پسردیگراو ابراهیم خان میراخور محمد شاه بود (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) .

امیر دیوان دورهٔ محمد شاه مراتبی طی نموده و ترقیات قابل ملاحظه‌ای کرده چنانکه ابتداء بحکومت‌خمسه ، اصفهان وفارس‌رسیده بعدها وزیر دیوانخانه (عدلیه) شده ودرهر کار ابرازلیاقت کرده است .

بین میرزا نبی خان و میرزا تقی‌خان امیر کبیر فراهانی روابط صمیمانه‌ای برقرار بود وامیر باو محبت و مودتی مخصوص داشت‌بهمین جهت موقعی که امیر با ناصرالدین‌شاه از تبریز بطهران‌میآمد (۱۲۶٤) درقزوین دوپسر میرزا نبی‌خان‌میرزا حسین‌خان ویحیی‌خان راخواسته مورد عواطف‌قرار داد وآنهارا با خود بطهران‌آورده‌ودر ترتیب آندو

اهتمام نمود. امیر دیوان برای خدمت بایران چهار فرزند شایسته از خویش بیادگار گذاشت که هر یک بنوبت خود باین کشور خدمتی نموده اند.

یکی از آنها مرحوم حاج میرزا حسین خان سپهسالار است که از رجال بزرگ وطنخواه و وزرای کافی و کاردان ایران بشمار میرود. دیگری یحیی خان (مشیرالدوله) است که او نیز از بزرگان رجال و وزرای معروف ایران است.

مرحوم سپهسالار فرزند اول میرزا نبی خان و مشیرالدوله فرزند دوم (۱) او بوده و مادر این دو پسر قزوینی است.

---

۱ – یحیی خان مشیرالدوله (۱۲۴۳ – ۱۳۰۹ قمری) برادر کوچکتر سپهسالار در اوایل سال ۱۲۴۳ در قزوین متولد شد. پس از تحصیلات ابتدائی باتفاق برادرش سپهسالار باروپا رفت و پس از تکمیل تحصیلات بایران باز گشت و در قزوین بود تا میرزا تقی خان امیر کبیر اورا با برادرش بتهران آورد.

در همان هنگامی که سپهسالار کارپرداز بمبئی شد مشیرالدوله وارد مشاغل درباری گشت.

درسال ۱۲۷۳ به پطروگراد و در سال ۱۲۷۵ باستانبول مأموریت رفت وازسلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی نشان مجیدی دریافت داشت و پس از مراجعت از استانبول به معتمدالملك ملقب شد.

یحیی خان در موقع صدارت سپهسالار در سال ۱۲۸۸ مدیر مشورت خانه شاهی بوده ودر اواخر همین سال وزیر مخصوص و سر کشیکچی باشی اردو شده وضمناً بدامادی شاه نائل گردید.

یحیی خان درسال ۱۲۹۱ با ناصرالدین شاه بفرنك رفت و پس از بازگشت والی فارس و بعداً درسال ۱۲۹٤ ایالت مازندران باو واگذارشد.

پس از فوت سپهسالار در سال ۱۲۹۹ - یحیی خان معتمدالملك ملقب به مشیرالدوله شده و بسمت وزیر عدلیه انتخاب گردید. درهمین هنگام مشغول اتمام بنای مسجد ومدرسه سپهسالار بوده ودر سال ۱۳۰۲ بوزارت امور خارجه و بعد وزارت تجارت ومجدداً بوزارت دادگستری منصوب شد.

یحیی خان در ماه جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۹ هنگامی که در تهران مرض انفلوانزا شیوع یافته بوده باین مرض بدرود زندگانی گفت و نعش او را به مشهد فرستادند ودرجوارقبر برادرش سپهسالار بخاك سپردند.

دو پسر دیگر میرزا نبی خان یکی : نصرالله خان نصرالملک(۱)



نصرالملك

است که مادراو علویه بوده دیگری حاج میرزا عبدالله خان علاء الملک(۲) است که نوادهٔ دختری فتحعلی شاه ومادرش افتخار السلطنه بوده که خواهر او قمرالسلطنه عیال سپهسالار است این دو برادر هم هر کدام از رجال بزرگ آنزمان بشمار رفته‌اند.

سپهسالار تحصیلات ابتدائی خود را درقزوین وطهران مطابق مقتضیات آنزمان انجام داده وبرای تکمیل تحصیل باروپا رفته وجود خودرا برای خدمت بوطن مهیا کرد بطوریکه نگاشته شد بعد ازفوت

---

۱ ـ نصرالملك ـ نصرالله خان درسال ۱۲۵۳ که اوایل جوانی او بود داخل خدمت شده وازدرجه سرهنگی بامیر تومانی رسید درسفراول ناصرالدین‌شاه بفرنك باروپا رفت.

در اردوهای بزرك نظامی چندین بار در سرحدات کشوری سمت ریاست وفرماندهی داشت وفاتش در سال ۱۳۰۷ قمری و قبرش در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم است.

۲ ـ علاءالملك ـ حاج میرزا عبدالله خان درسال ۱۲۶۳ از جانب پدرش میرزا نبی خان نایب الحکومه اصفهان و در ۱۲۷۶ پیشکار قزوین شد.

در سال ۱۲۷۷ حاکم همدان و در هنگامی که در همدان بوده ملقب به علاءالملك گردید.

علاءالملك درسال ۱۲۸٤ بسمت پیشکار مالیه اصفهان منصوب ودر ۱۲۸۹ مدیر کل وظایف ایران شد.

وفاتش در سال ۱۳۱۱ هجری قمری و قبرش در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم است.

قرآن چاپ علاء الملك معروف میباشد.

پدرش عنصر قابل ولایق اومنظور نظر یگانه وزیر جوهرشناس بی نظیر میرزا تقی خان امیر کبیر واقع شده در پرتو تربیت او استعداد ذاتی سپهسالار بروز و ظهور نمود .

دورهٔ کارپردازی سپهسالار در هند

امیر کبیر که لیاقت وقابلیت سپهسالار را دید بانهایت‌میل و رغبت در ۱۲۶۷ که در آنوقت سپهسالار ۲۶ ساله بود او را به کارپردازی بمبئی مأمور کرد وتعلیمات و دستورات لازمه را بوی داده شخصاً در امور این جوان تازه‌کار و هوشیار توجه ونظارت داشت .



علاءالملك

سپهسالار باذکاوت‌ذاتی‌وهوش واستعدادی که داشت ازهمان وقت پا بمدارج ترقی گذاشته در این مأموریت مراتب عقل و کفایت وحسن خدمت و درایت را آشکار نمودوتمام امورمرجوعه را بخوبی انجام دادو بالاخره همه مرام و مقصود امیر کبیر را که‌سودمملکت ونفع ملت در آن بود بنظر گرفته در کشورهندوستان دیگر بار اسم وآوازهٔ ایران را بلند نمود وتوجه مردم آنسامان‌را بجانب این کشور معطوف‌داشته کفایت و کاردانی خودرا باولیای امور نشان‌داد . پوشیده نماند که درآنوقت‌ازجانب دولت‌ایران نماینده‌ووزیر مختارمقیمی‌مأمور هندوستان نشده و کارپرداز بمبئی جمیع امور مربوط باتباع ایران را

در تمام خاك هند انجام میداد و در حقیقت کارپرداز بجای سفیر کبیر کنونی بود.

سپهسالار زمان اقامت در بمبئی سفری بکلکته نموده واوضاع آنجارا بخوبی تحت نظر و مطالعه در آورد و اطلاعات مفیدی از این سیروسیاحت برای خود وهموطنانش اندوخته و بر بسیاری از رموز و اسرار سیاسی و طرز رفتار کارکنان دولت بریتانیا در آن سرزمین آگاهی پیدا نموده و بر مطالعات و تجربیات خود افزود.

سپهسالار پس از اینکه این مأموریت را در هندوستان انجام دادبا جوانی، کار پیران‌مجرب ومردان آزموده را نموده وبرای دولت متبوعهٔ خویش اهمیت و آبروئی احراز کرد و خدمات او مورد توجه ومنظور نظردولت شده و وجودش رالایق وقابل‌استفادهٔ زیادترازآن دیدند وبهمین جهت برحسب تمایل‌شاه وپیشنهاد صدراعظم وقت(میرزا آقا خان اعتمادالدوله نوری) که بعد از قتل ونفی امیر کبیر بصدارت رسیده و شخص اول دولت بود سپهسالار را بطهران احضار نمودند.

ژنرال قونسولگری سپهسالار در تفلیس

اوائل ۱۲۷۱ قمری هجری‌سپهسالار بارتبهٔ ژنرال قونسولگری مأمور تفلیس شد.در این هنگام حکومت روس تزاری کمال نیرو و اقتدار را داشت وبین‌دول اروپا موقعیت مهمی را دارابود.

سپهسالار دراین‌مأموریت نیز مانند گذشته لیاقت و کفایت‌خوبی بخرج داده تجربیاتی که در مأموریت هندوستان اندوخته و معلوماتی که‌درآن‌مورد فرا گرفته بود دراینجابکار برد، مشارالیه دراین‌مأموریت هم ازطرز رفتار کار کنان روسیه و وضع سیاست و کردارایشان آگاهی تمام یافته ضمناً از روش سیاسی دولت مزبور که در آنوقت نفوذی فوق‌العاده در وطن ما داشت اطلاع پیدا کرد.

در این سفر نیز سپهسالار برای ازدیاد آبرو و حیثیت دولت

متبوعه خود ازهیچ کوششی فروگذار نکردودرانجام وظائف مرجوعه موفقیت شایانی یافت و بالاخره پس از چهار سال که در تفلیس مأمور مقیم بود بمرکز احضار و از طرف دولت نسبت بزحمات و خدماتیکه انجام داده بود قدردانی و تشویق بعمل آمد .

مأموریت سپهسالار در استانبول

در ۱۲۷۵ (سال آخر صدارت اعتمادالدوله نوری) سپهسالار بخلعت خاص شاهی مخلع شده از طرف دولت بمنصب وزیر مختاری واقامت در دربار عثمانی مأمور گردید .

سپهسالار اولین وزیر مختاری است که از طرف دولت ایران بخارجه اعزام شده وتاآنوقت عنوان وزیر مختاری در کار نبوداشخاص ذیل نیز بعضویت سفارت استانبول برحسب پیشنهاداوانتخاب شدند : نریمان خان سرتیپ مستشار سفارت ـ سلیمان خان فرزند مؤتمن الملك وزیر امور خارجه نایب اول وچندنفر دیگر بسمت کارپرداز معین گردیدند .

مأموریت سپهسالاردر آنوقت مقارن بادورهٔ شوکت واقتداردولت عثمانی و زمان سلطنت سلطان عبدالمجید بود و در اواخر سال ۱۲۷۸ سلطان مزبور وفات یافته بجای او پسرش سلطان عبدالعزیز بسلطنت بر قرار شد .

این اوقات موضوع رقابت واختلاف سرحدی بین دولت عثمانی وایران بمیان آمد وتصفیه‌این کار ازطرف دولت ایران بعهدهٔ سپهسالار واگذار گردید . مشارالیه انجام دادن این خدمت راهم بحسن کاردانی و کفایت ازعهده برآمده بین دولتین روابط حسنه‌ایجادواختلافات موجوده را رفع کرد ومصالح ومنافع تجارتی ایران راتأمین نمود .

درهمین سال از طرف سلطان عثمانی نشان مجیدی (کماندر) باوداده‌شده عملیات اودردربار عثمانی‌ودربار ایران منظور نظراولیای

امور گردید وامنای دولت عثمانی بوی کمال احترام را مینمودند .

تشرف سپهسالار بمکه معظمه

در ۱۲۷۹ سپهسالار از استانبول بخاك حجاز رهسپارشد و بزیارت خانه خدامشرف گردید . در این سفر طرز رفتار و وضع کردار مأمورین عثمانی و شریف مکه رابازوار وحاجیان ایرانی تحت نظر آورده موجبات آسایش ایشان رافراهم کرد و باشریف مکه جهت ترفیه و آسایش خاطر حجاج وزائرین ایران مذاکراتی مفید و مؤثر بمیان آورد .

در نتیجه قرارشد که کنسول دائمی ازایران درجده برای سرپرستی ورسیدگی بامور ایرانیان برقرار گردد این هم یکی از قدمهای مفیدی بود که این شخص برای رفاهیت هموطنان خود برداشته ووسائل راحتی زائرین ایرانی راکه تاآنوقت دچار تهاجم وحملات وغارت گری اعراب بدوی و دزدان صحرا بودند تأمین کرده است .

ضمناً شریف مکه راموافق وهمراه نمود که ازآن ببعد باحاجیان ایرانی یك دسته عسگر محافظ بگمارد تا از مدینه بمکه وبالعکس از ایشان پاسبانی نمایند .

در ۱۲۷۹ سپهسالار بیکقطعه نشان تمثال شاهی مکلل بالماس نائل گردیده آوازهٔ کفایت وشایستگی واشتهار لیاقت او دردربار ناصری انعکاس تمام یافت .

عضویت سپهسالار در شورای دولتی

در ۱۲۸۰ سپهسالار از استانبول بطهران احضارشده بعضویت شورای کبرای دولتی انتخاب گردید .

شاه که طرز حرکات و سکنات و هوش و استعداد او را دید و بعلاوه راستی و درستی او را درخدمتگذاری مشاهده نمود علاقه زیادی

بسپهسالار پیدا کرد خواست در پایتخت از وجود او استفادهٔ زیادتری بنماید لیکن مقتضیات طوری بود که دیگربار حضور او را باستانبول و باب عالی ایجاب مینمود.

سپهسالار در اواخر ۱۲۸۰ مجدداً از طرف دولت ایران بعنوان وزیر مختاری باستانبول بر گشت در این مأموریت حامل یك قطعه نشان شیرو خورشید مکلل بالماس و حمایل آبی و تحف دیگر جهة سلطان عبدالعزیز خان بود.

ازاین سفر که سپهسالار بطهران آمد باغ بهارستان راخریداری و بعد در آنجا ساختمان نمود.

در ۱۲۸۲ که میرزاجعفر خان مهندس مشیرالدوله بدرودزندگانی گفت لقب او ازطرف دولت بحاج میرزاحسینخان اعطاء و بمشیرالدوله ملقب گردید. مشیرالدوله دردورهٔ وزیر مختاری خودبواسطه کاردانی و کفایتی که داشت محبوبیتی در ایران وعثمانی کسب کرده بود درسال ۱۲۸۵ از استانبول بعنوان مرخصی بطهران آمده در مراجعت بعنوان سفیر کبیر مفتخر گردید.

هنگامیکه ناصرالدین شاه بعتبات میرفت سپهسالار بعراق آمد

در ۱۲۸۷ ناصرالدین شاه از ایران بعنوان زیارت عتبات بعراق عرب رهسپار شد. این مسافرت از ۲ جمادی الاخره ۱۲۸۷ تاغرهٔ ذی الحجه همانسال طول کشید.

امور کشوری درغیاب شاه با کامران میرزا نایب السلطنه ومیرزا یوسف مستوفی الممالك بود.

در این سفر برای شاه مشگلاتی روی داد و بین دولت ایران و عثمانی اختلاف نظری پیش آمد باین معنی که دولت عثمانی نظر بمصالح سیاسی سفر شاه را به بین النهرین صلاح نمیدانست زیرا عثمانی ها همیشه

ایران را تنها رقیب خود در بین‌النهرین میدانستند بدینجهت توقف شاه بین راه قدری بطول انجامید.

سپهسالار با کفایت و کاردانی و حسن سلوکی که داشت توانست رفع اشکال نموده و دولت عثمانی را مجبور کند رسماً ازشاه ایران دعوت نماید و ناصرالدین شاه در ۲۱ رجب ۱۲۸۷ از خانقین عبور و باعدهٔ از قشون سوار و پیاده و همراهان در حدود هشت هزار نفر بجانب بغداد روانه گردیدند.

در این بین سپهسالار از استانبول حرکت واز راه حلب ببغداد آمده واز آنجا بکرمانشاه رفت و بشاه ملحق گردید. مدحت پاشا والی بغداد برای استقبال و پذیرائی تا خانقین آمده بود.

شاه که ازدیرگاهی بکفایت و کاردانی سپهسالار آگاه شده این خدمت مهم که سیاست ایران‌را در آنموقع پیش انداخت در نظر شاه جلوه نمود خواست که اینمرد کافی‌را ترقی دهد لذا دستخطی صادر و وزارت عدلیه را بضمیمهٔ وزارت اوقاف و وظائف بسپهسالار واگذار کرد و او را باعطای جبهٔ شمسه‌دار و یك حلقه انگشتری الماس خاصه سرفراز گردانید.

در موقعی که شاه بنجف اشرف تشرف یافته بود خزانهٔ مبارکه علوی(ع) در آنوقت ممنوع از مشاهده وسقف خزانه ازسرب پوشیده شده بود.

برای گشایش خزانه بین دولت و علماء وسفارت ایران و مدحت پاشا با دولت عثمانی تلگرافاتی مخابره شد و بالاخره خزانه را بازواز تمام محتویات در حضور سپهسالار و مدحت پاشا و کمال پاشا و میرزا زکی نایب مستوفی دیوان و وزیر حرمخانه صورت برداشته در کتابچهٔ مخصوصی ثبت وهریك از نمایندگان دولتین نسخه برداشتند.

دوره وزارت سپهسالاری وصدارت

در۲۹ رمضان ۱۲۸۷ در بغداد فرمان وزارت سپهسالار(۱) صادر واز آنجا باشاه بجانب طهران حرکت نمود واولین امری که به تصفیه آن مأمور شدرفع اختلاف بین عمادالدوله فرزند محمدعلی میرزادولتشاه وبرادران او در کرمانشاه بود که سپهسالار چندروزی در آنجا توقف نموده وپس ازرفع اختلاف بطهران آمد.

مشارالیه در وزارت عدلیه و اوقاف خدماتی شایسته نموده بدعاوی حقوقی و تنظیم امور اوقاف ووظایف ومستمریات رسیدگی و موجبات رضایت عموم را فراهم آورد امور دیوانخانهٔ عدلیه بوجود این وزیر پیشرفت نموده هیچگونه حکمی در آنجا معطل و بدون اجراء نمیماند.

میرزا حسینخان طبق قوانین شرع وفقه اسلامی وعرف وعادت و نظامنامه های داخلی بامور قضا رسیدگی مینمود. در آن زمان حکام و دیگرمراجع صلاحیتداراحکامی صادر میکردند که باعث اذیت و آزار مردم میشدند ازاینرو سپهسالار طبق معمول فرنك در صدد برآمد که درقوانین ایران تجدید نظر نموده واز تعدی و آزار نسبت بمردم جلوگیری بنماید. بدینجهت متحدالمآلی صادر نمود که حکام

---

(۱) سواد دستخط همایون بافتخار مشیرالدوله

بنابرخدمات عدیده که درممالك خارجه خاصه دردربار دولت عثمانیه بخصوص درآمدن مابسفرعراق عرب وزیارت قبورمطهره منوره ائمه هدی علیهم السلام از میرزا حسینخان مشیرالدوله سمت ظهور یافته است وبنابر التفات مخصوصی که نسبت بشخص اوداریم لازم شد یك التفات خاصی نسبت باو بفرمائیم که جوهر کاردانی خودرادر آن روزبمنصه ظهور برساند و لیاقت خود راعاطل وباطل نگذارد لهذا ازتاریخ بیست ونهم رمضان سنه ۱۲۸۷ یونت ئیل اورا بمنصب وزارت عدلیه اعظم کل ممالك ایران بعلاوه وزارت وظایف وموقوفات ایران هم ضمیمه وزارت عدلیه کرده سرافراز فرمودیم انشاءالله بعمل این سه وزارتخانه کمال نظم رابدهد از بغداد نوشته شد.

طبق آن دستور که بامضای شاه موشح شده بود حق ضرب و شکنجه وقتل را نداشتند واین عمل بقدرت و نفوذ آنان صدمه زد وجلو تعدیات آنها را گرفت و چنانکه اعتمادالسلطنه میگوید عدل دورهٔ خلفاء را تجدید کرد و در بین مردم محبوبیتی حاصل نمود و بیش از پیش‌مورد مرحمت شاه قرار گرفت.

در سیزدهم رجب‌المرجب سال ۱۲۸۸ که مصادف با روز تولد حضرت علی‌ابن ابی طالب امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بود سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد شد. ناصرالدین شاه در این روز میرزا حسین خان را به سپهسالاری قشون منصوب کرد.

در این تاریخ وضع قشون ایران نامرتب و امور لشکری ازهم گسیخته شده بود وبا تحولاتیکه در جهان آنروز بوقوع می پیوست لازم بود که در سازمان لشکری و کشوری ایران تجدید نظری‌شود.

ناصرالدین شاه در سلام عام باحضور عدهٔ زیادی که جهت‌عرض تبریك بکاخ مرمر آمده بودند نطق ذیل را ایراد نمود:

« البته امروز خیال میکنید که چرامن ملبس بلباس نظام شده‌ام علت‌آنست که چون امروز روز عید مولود امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و روز فرخنده و مبارکیست ریاست کلیه قشون را بعهده گرفته ام واز امروز ببعد داخل خدمت قشون محسوب خواهم‌بود وسبب‌این‌را البته‌میدانیدکه دراین سنوات گذشته آنطور که باید و شایسته دولت ایران است و آن قسمی که منظور نظر مابود ترقیات در شعبات نظامی وغیر نظامی حاصل نشده بخصوص آن ترقیاتیکه دراسلحه جدیده یوروپ ودرقواعد مشق ودرس نظامی آناً فاناً درتزاید است سرایت بایران نکرد وسرکردگان وصاحب منصبان از بزرك و کوچك تکالیف حدود و خدمات خود را گم کرده شأن واحترام نظامی ازمیان رفته بود و سرکردگان و رؤسا و کسانی که راضی‌درخدمت لشکریه بودند وببعضی اعمال ناشایسته‌عادت کرده‌وقوانین نظامیه را فراموش نموده بودند و اردو هائی که دائم در مشق و حرکت باید باشند چه در سرحدات چه درداخله و نقاط معینه بی‌حرکت مانده کم کم فراموش شده بودوهمچنین بعضی معایب دیگر که رفع آنها الزم امور دولتیه است این است که ریاست

نظامی‌را بنفس نفیس لازم دانستم درکار و انتظام آنرا بعهده گرفتم وچون یکنفر نوکر دولتخواه صدیق قاعده دان لازم است که واسط میان ما وامور قشون باشد لهذا حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله را که حاضر حضور است ازجانب خود نایب کرده ملقب بسپهسالار اعظم و وزیر عسکریه میفرمائیم و این دو کتاب قانون نظام را که سابقاً نوشته شده وهنوز اجرا نیافته بود بدست خودمان بدومیدهیم که انشاءالله تعالی الی نقطه آخر مجری دارد و نکته‌ای فرو نگذارد و ازاین‌روز ببعد القاب و مناصب نظامیه باستحقاق باید باشد نه بواسطه وراثت‌واز امروزهرخدمت‌را پاداشی نیك خواهیم داد و هر خیانت را تنبیه و سیاست و گذشت و اغماض بهیچوجه نخواهدشد خادم محروم نخواهد ماند مقصر آزاد نخواهدگردید ».

سپهسالار در جواب ناصر الدین شاه چنین گفت :

« نهایت مفاخرت و کمال مباهات افراد و آحاد قشون ایران راحاصل‌است که از امروز ببعد احترامات لایقه و اکرامات مستحقه خود واصل و نایل خواهند گشت مقدار عنایت در تقدیم خدمت دانسته و اندازه سیاست را درظهور خیانت شناخته اند تکالیف شخصیه و امور معینه هریك معدود و محدود گشت انشاءالله بهمین‌وسیله‌ازترقیات‌منظوره خاطرمبارك عنقریب‌سمت ظهوروبروز خواهدیافت ».

بعد از اتمام نطق وزراء و شاهزادگان‌و امراء و صاحب‌منصبان نظام و غیر نظام باتفاق سپهسالار باطاق‌مخصوص رفتند و معیرالممالك درآنجادستخط‌ناصرالدین‌شاه‌را بشرح زیر به‌میرزا حسینخان ابلاغ نمود.

سواد دستخط

« چون میل خاطرما درترقی دولت خاصه قشون‌ونظام است وحالا میخواهیم که یك قرار و انتظام تازه دراین امر بدهیم که هیچ دخل وشباهتی بسابق نداشته باشد انشاءالله تعالی جزئاً و کلا امور عسکریه موافق دستورالعمل باید در تحت قاعده و قانون باشد لهذا در اواسط سنه قوی ئیل خیریت دلیل مشیرالدوله میرزا حسینخان را که یکی از وزراء خاص دولت و از دولتخواهان این دولت است بوزارت اعظم عساکر منصوره نظام و غیر نظام و بلقب سپهسالاری اعظم ملقب فرمودیم که در اجرای قوانین مستحسنه عسکریه مختار کل باشد از جانب ما آنچه صلاح دانسته حکم بکند همان حکم ماست بی تخلف ۱۲۸۸ ».

لقب سپهسالار قبلامختص میرزا محمد خان سپهسالار بود و بعد

از فوت او تا آنوقت بکسی داده نشده بود در همانسال یك قبضه شمشیر مرصع الماس نشان که در آن موقع ده هزار تومان ارزش داشت بسپهسالار اعطا شد و مشاغل قبلی را کمافی السابق عهده دار بود .

سپهسالار که از امور نظام و ترتیب سپاه و مقررات و قوانین ارتش خارجه بخوبی آگاه بود و نظامات عسگری را بحد کافی میدانست باصلاح سپاه ایران پرداخت و در اندك مدتی توانست ارتش ایران را سر و صورتی دهد .

برنامه اصلاحی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم در امور سپاه عبارت بود از :

اجرای قوانین نظام و برقراری انضباط سربازی بوسیله اردو کشی و دیدن سان و آماده کردن قشون و تحت سلاح داشتن آن و الغاء امتیازات قشونی که بوسیله وراثت معمول بود و تشویق حکام به برقراری قوانین جدید و آوردن معلمین و متخصصین نظامی ازاروپا و تأسیس مدارس نظام در غالب از شهرها و تنظیم امور نظامی بسبك اروپا و ساختن قلاع محکم در سرحدات و مخصوصاً تنظیم دخل و خرج ورسیدگی کامل بمحاسبات قشون ورساندن جیره و مواجب سربازان بافراد سپاه سرلوحه برنامه اصلاحی سپهسالار را تشکیل میداد .

سپهسالار برای امور مالی و طریقهٔ گرفتن مالیات و طرز جمع آوری عوارض ومنال دیوانی که زمان میرزا تقی خان امیر کبیر شالودهٔ آن ریخته شده و بحالت وقفه درآمده بود ترتیبی داد و برای تعلیمات نظامی و تربیت افراد سپاه و سربازان ایران مستشارانی از اطریش استخدام نمود و مدرسهٔ نظام آنزمان را تأسیس کرد وخلاصه در کمتر مدتی بقشون ایران انتظام و قوائی بروش نظام اروپا برای این کشور مهیا گردانید .

شاه که از قتل و نفی امیر کبیر پشیمان و متأسف بود در این

موقع از خدمات وزحمات سپهسالار و قدمهائیکه این مرد بزرک برای حفظ شئونات و ترقی مملکت و تقویت ملت برمیداشت تا حدی متنبه شده میخواست با او بقدر امکان مساعدت و همراهی نموده باشد . لذا روز ۲۹ شعبان همان سال ۱۲۸۸ سپهسالار بمنصب صدارت عظمی انتخاب گردید .

عصر آن روز باحضور جمیع شاهزادگان ورجال دولت واعیان و اشراف مملکت معتمدالملك وزیر مخصوص جبه ترمه وشمشیرمرصع که از لباسهای خاص شاه بود بادستخط مطرز از طرف ناصرالدین شاه را بهسپهسالار ابلاغ نمود .

سواد دستخط صدارت عظمی

« چون درهردولت رسم وقرار این است که یکنفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت مینمایند و نظم جمیع امورلشکر و کشور و مالیات وجمع وخرج آسودگی حال رعایارا ازاو میخواهندوچون این امر در دولت ایران متروک ومهمل مانده بود وبدین واسطه بعضی اختلالات در امور دولت پیداشده لهذادرینوقت که سنه ۱۲۸۸ قوی ئیل خیریت دلیل است چنانچه مصلحت دانستیم که قاعده متداوله سابق را مجری داشته وشخص کافی دولتخواهی را مسئول کرده امور دولت را کلیة باو بسپاریم میرزا حسینخان سپهسالاراعظم راکه از چاکران آزموده دولت است بلقب صدارت اعظم سرافراز و نیك و بدجمیع امور دولت راازقشون ومالیات حکام وولات وکل رتق وفتق دولت از او خواهیم خواست .

امیدوارهستیم که انشاءالله تعالی قصدتازه ملوکانه مارا امداد نماید » .

در ذیل این دستخط اختیارات سپهسالار در ده فصل قید گردیده بود واز این فصول بخوبی بر میآید که بین شاه وصدر اعظم قبلاقرار و مداری گذاشته شده و شاه تمام اختیارات حتـی مداخله در بیوتـات سلطنتی را هم ازخود سلب کرده وباو واگذاشته است .

سپهسالار که مردی وطن پرست و عشق بترقی کشور و انتظام امور دراو جبلی بود و برای این جمله احکام و دستور های او که در کارهای کشور داده دلیلی بس هویداست باهرچه کهنه بود دشمن ودر

همه چیز بنوی و تازگی معتقد بود و بافکار پوسیده و رسوم قدیم وقعی نمیگذاشت .

این مرد هوشمند و تربیت شده و با فراست و آزموده که در حقیقت دست پرورده امیر کبیر بود دنباله کار و افکار بلند و نیت خیرخواهانه و ترقی طلبانه استاد خودرا گرفته بافراغ خیال باطمینان اینکه شاه از هر جهت با او همراه است در کمال فداکاری باصلاح امر قشون وداد گستری و جلوگیری از ظلم و بیدادگری پرداخته جور و ستم را رفع و موجبات راحت مردم و سر بلندی ملت و مملکت را فراهم مینمود.

از جمله برای بیداری مردم بنشر روزنامه و تأسیس مدرسه و تشکیل دارالترجمه و ایجاد کارخانه چراغ گاز واصلاح دربار و وزارتخانه‌ها و وصول و ایصال مالیات و ازدیاد عوائد کشوری و جلوگیری از حیف ومیل مالیه مملکت مبادرت و حقوق و مستمریات بیمورد را حذف و دست شاهزادگان درباری و اشخاص مفت خوار را از خزانه دولت کوتاه نمود .

پس از یکی دو ماه متحدالمآلی بنام کارکنان اداری دولت و حکومت های ولایات نوشت و از رشوه خواری عمال دولت که سابقاً موجب خرابی کارها بوده است نکوهش کرد واز اینکه این رسم بد را رؤسای دولتی ترک گفته‌اند اظهار خوشوقتی وحکام و عمال‌ولایات را تهدید نمود که اگر این رویه را ترک نگویند با اصرار از حضور همایونی استدعای عزل و مجازات آنها را خواهد کرد در این نامه مخصوصاً قید میکنند که « چشم من همه‌جا با شما است دولت بشما بقدر اعاشه حقوق میدهد وضامن متمول کردن شما نیست شما هم برای متمول شدن در خالصجات دولتی که تحت اختیار شما ست آبادی کنیداز اضافه حاصل آن برخوردار شوید تاخیر آن بخلق خدا هم برسد » .

این متحدالمال بدون اینکه عنوانی وخطابی داشته باشد درحقیقت

اولتیماتومی بود که بامضای صدراعظم برای تمام حکام وعمال فرستاده شد.

ازسال ۱۲۶۸ که امیر کبیر از کار بر کنار شده بودتا این تاریخ بیست ویکسال میگذشت و دراین مدت از این قماش احکام هیچ بگوش مردم نخوده بود.

سپهسالار باجدیتی خستگی ناپذیر دنبال اقدامات خودرا برای اصلاح قشون و مالیه مملکت وسایر دوائر دولتی گرفت وبزودی کارها نظم و نسق مرتبی پیدا کرد.

سپهسالار در نشانها هم اصلاحاتی بعمل آورد واز روی نشان «لژیون دُنر» فرانسه نشان پنج درجه‌ای باسم نشان شیروخورشید برقرار کرد و برای هریك نظامنامه‌ای نوشت و در اعطای نشان ورتبه نظامی بسیار کف‌ید میکرد.

سابقاً زمینه بیرق شیروخورشید ایران معین نبود حاشیه‌ای برنگ سرخ یا سبز یاملمع از این دورنگ بعرض چهار انگشت بیش و کم در دوره پرده سفید قرار میدادند واجمالا رنگ سرخ وسبز وسفید سه رنگ پرده بیرق ایران بشمار میآمد. تقسیم این سه رنگ بسه قسمت که ازسبز شروع و بسرخ ختم شود و شیر و خورشید در وسط رسم گردد از کارهای میرزا حسینخان سپهسالار است.

خلاصه سپهسالار در اندك وقتی امور این کشور را بقدری که توانست سروصورت داده دست بکارهائی زد که طلیعه مشروطیت از آن نمودار میشد شاید که او از همان وقت شالوده این اساس را میریخت.

در سال ۱۲۸۹ باسم گزارش یا راپرت و قانون و آئین نامه سه فقره مشروحه بعرض شاه رسانده است که در اولی روزها وساعات ومحل رسیدگی بکارها رامعین و مخصوصاً برای جلوگیری از تلف وقت ورود اشخاص بیکار را درهیئت دولت سخت قدغن وروزهای پنجشنبه را برای پذیرائی اشخاصی که بااو کار خاصی داشته باشند تعیین کرده است

دومی گزارشی است که‌در اواخر شعبان سال مذکور از کارهای انجام شده یکساله‌زمان صدارت که فوق‌العاده‌مورد تحسین ناصرالدین شاه قرار گرفته است.

سومی لایحه قانونی است در باب محسنات دربار اعظم که از نه وزارتخانه(۱)ویك صدارت تشکیل میشدوشرایط مشورت‌وزراء واصول ترتیب وزارتخانه‌هاازاین‌لایحه بخوبی معلوم‌میشود که‌نظر مشیرالدوله برای اداره کشورایران طرز حکومت مقننه بوده است زیرا مسئولیت مشترك وزراء در کلیات ومسئولیت اختصاصی آنها در وزارتخانه خود در آن مصرح است.

از سوء اتفاق در آغازصدارت‌سپهسالار قحطی شدید ۱۲۸۸ پیش آمد که‌ازمهمترین‌حوادث‌تاریخی آن دوره بود .

وقوع این حادثه در آغاز کار شکست بزرگی بکارسپهسالار وارد آورد لیکن آن وجود خیرخواه برای آسایش حال بیچارگـان بمحمد علیخان سرتیپ رئیس نظمیه (شهربانی) طهران دستور داد تا فقرا و بینوایان را ازغریب وبومی گرد آورده در قلعهٔ نصرت آباد جا ومأوی دهد . درسال‌قحطی سپهسالار کمك‌های عمده‌ای بدرماندگان و قحطی زدگان مینمود تا این سال پرخطر بآخر رسید .

بواسطهٔ این خدمات عموم مردم نسبت باورغبتی زیاد پیدانموده راضی و سپاسـگذار گردیدند و هـر روزه تمایل عمومی نسبت بـاو زیادتر میگردید .

سپهسالار بامخالفت وضدیتی که ازدشمنان وی در مورد عمل و اقدامات‌او میشدو کارشکنی هائی که‌همواره‌از بدخواهان‌ومفسدان‌نسبت باوانجام میگرفت دلسرد نشده بافعالیت‌تمام‌وجدیت‌زیاد مشغول کاربود

۱ ــ نه وزارتخانه عبارت بود از: وزارت داخله ــ وزارت خارجه ــ وزارت جنك وزارت مالیات ــ وزارت عدلیه ــ وزارت علوم ــ وزارت فوائد ــ وزارت‌تجارت وزراعت ــ وزارت دربار.

و این اندازه اقدام و عملیات را جهت پیشرفت و ترقی کشور کافی ندانسته نظر خود را بطرف امور مهمتری معطوف نمود باینمعنی که خواست ترقیات ملل اروپا و اختراعات حیرت آور مردم مغرب زمین و کار های عجیب و غریب دانشمندان فرنگ را بشاه معلوم و جریان امور آن سرزمین را خاطر نشان وی سازد و تمدن غرب را با نتایج عدل و داد و انتظام قوانین و اجرای آن و رفاهیتی که برای اروپائیان پیدا شده آشکار نماید لهذا متدرجاً خیال شاه را بعزیمت فرنگ متوجه و ضمناً زمینه را برای عملی نمودن این تصمیم حاضر و نظامات کشوری را باین طرز و روش مهیا مینمود و در ۱۲۸۹ مدرسه مجانی دولتی باسم (مدرسه مشیریه) افتتاح کرد(۱)

سپهسالار با شاه بفرنگ میرود

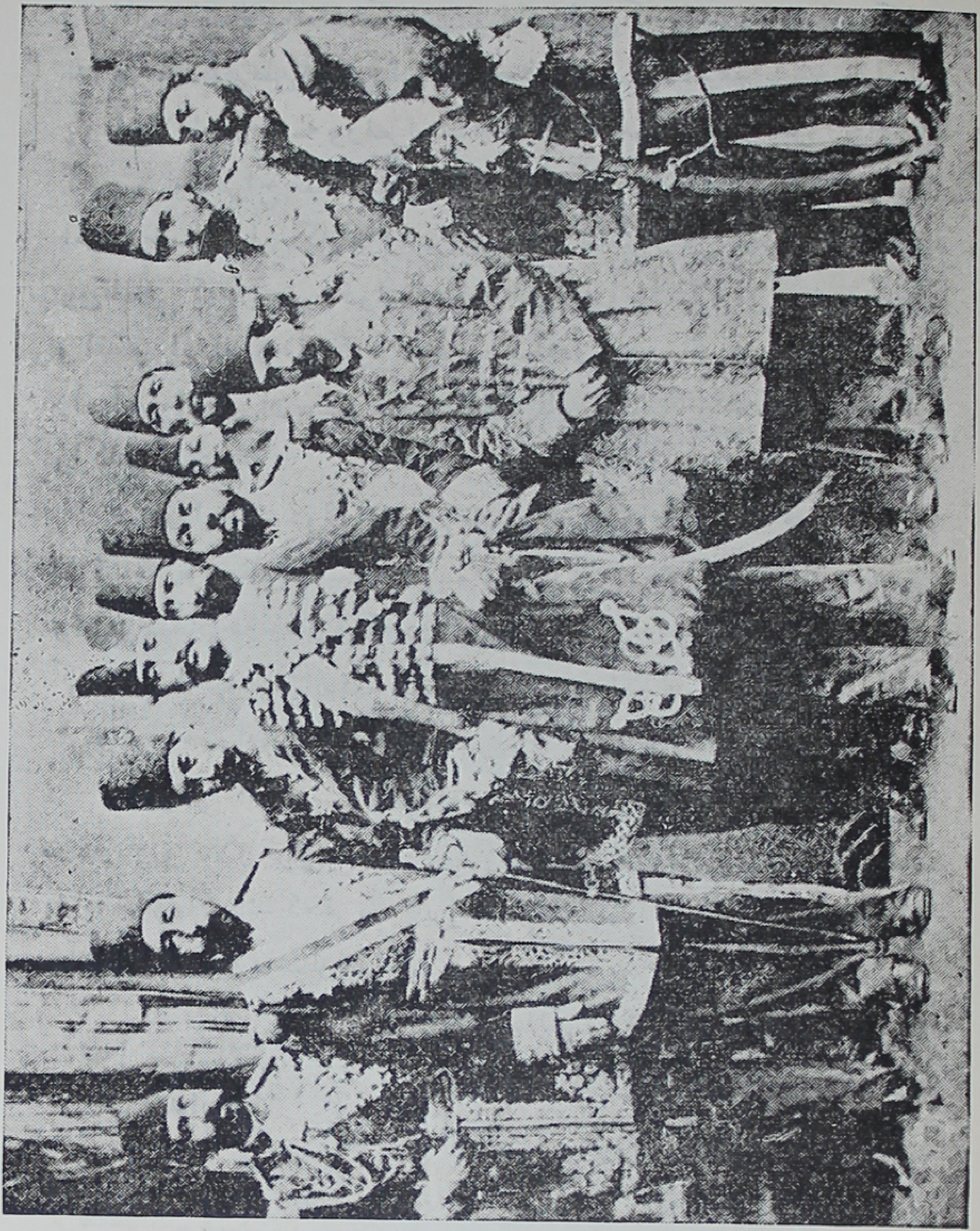
بنا بمراتب سابق الذکر سپهسالار جهت تشیید مبانی دوستی و ایجاد روابط حسنه بین دولت ایران و دول اروپا و طرح اتحاد دولت متبوعهٔ خود با دول مترقی غرب و بالاخره برای هوشیاری و بیداری شاه موجبات سفر اروپا را فراهم آورد و در ۱۲۹۰ هجری قمری سپهسالار بهمراهی شاه و عدهٔ از رجال درباری باروپا رهسپار گردیدند.

او در هرجا شاه را راهنما و دلیل و برای مملکت خود موجبات سر بلندی و افتخار را فراهم مینمود زرنگی و کاردانی صدراعظم و متانت و وقار ایرانیان با اینکه تقریباً همه از آداب اروپائی بی اطلاع بودند همه جا چراغ راه آنها بوده براز ندگی ایرانی را در تمام عالم منتشر کرده است.

با این وصف در غیاب شاه و نبودن سپهسالار دوباره در مرکز از پس پرده همان نیرنگها و کارشکنی ها و موجبات پیشین پدیدار شد و فتنه جویان دیگربار لوازم خرابی کار را فراهم آوردند.

---

۱ - مدرسه مشیریه در دارالترجمه تأسیس شد و اعیان‌زاده‌ها و اولاد رجال دولت و شاهزادگان در آن مدرسه زبان خارجه و علوم جغرافیا و ریاضی و هندسه تحصیل مینمودند.



از راست بچپ : یحیی خان معتمدالملک ـ عماد الدوله ـ عزالدوله ـ نصرت الدوله ـ میرزا قهرمان امین لشکر ـ مشیر الدوله ـ حسینعلی خان ـ ناصرالدین شاه ـ اعتضاد ـ السلطنه ـ حسام السلطنه ـ الله قلی میرزا ایلخانی .

این عکس در لندن برداشته شده است

سپهسالار نظر بکفایت و استعدادی که داشت میخواست که با تدابیر عاقلانه وطن خودرا ازفشار نفوذ اجانب نجات دهد بدینجهت برای پاره‌ای از امور مهمه ورفع احتیاجات لازمه مملکتی ازقبیل ایجاد راه آهن و استخراج معادن وتأسیس بانك و بنای کارخانجات وغیره مبادرت نمود ومقدمات این کارها را فراهم آورد وامتیازاتی ببعضی از کمپانیها بین المللی که جزو تبعه دولتین همسایه نبوددادو باآنها برای بستن قرارداد و اقدام باین امور مذاکره نمود من جمله در ۱۲۹۰ قمری امتیاز کشیدن راه آهن ازطهران بحضرت عبدالعظیم علیه السلام رابیك کمپانی بلژیکی واگذار کرد.

در اینوقت دولت تزاری تحمل این امور را ننموده موقعیکه شاه در فرنك بود بنای زمینه سازی و نیرنك را ساخته با بعضی از متنفذین وشاهزادگان درجهٔ اول که در آنوقت در طهران و در غیاب شاه امور کشوری را عهده‌دار بودند مشغول کار شدند چندنفر ازعلماء روحانیین طراز اول طهران را نیز باخود همراه و برضد سپهسالار قیام نمودند.

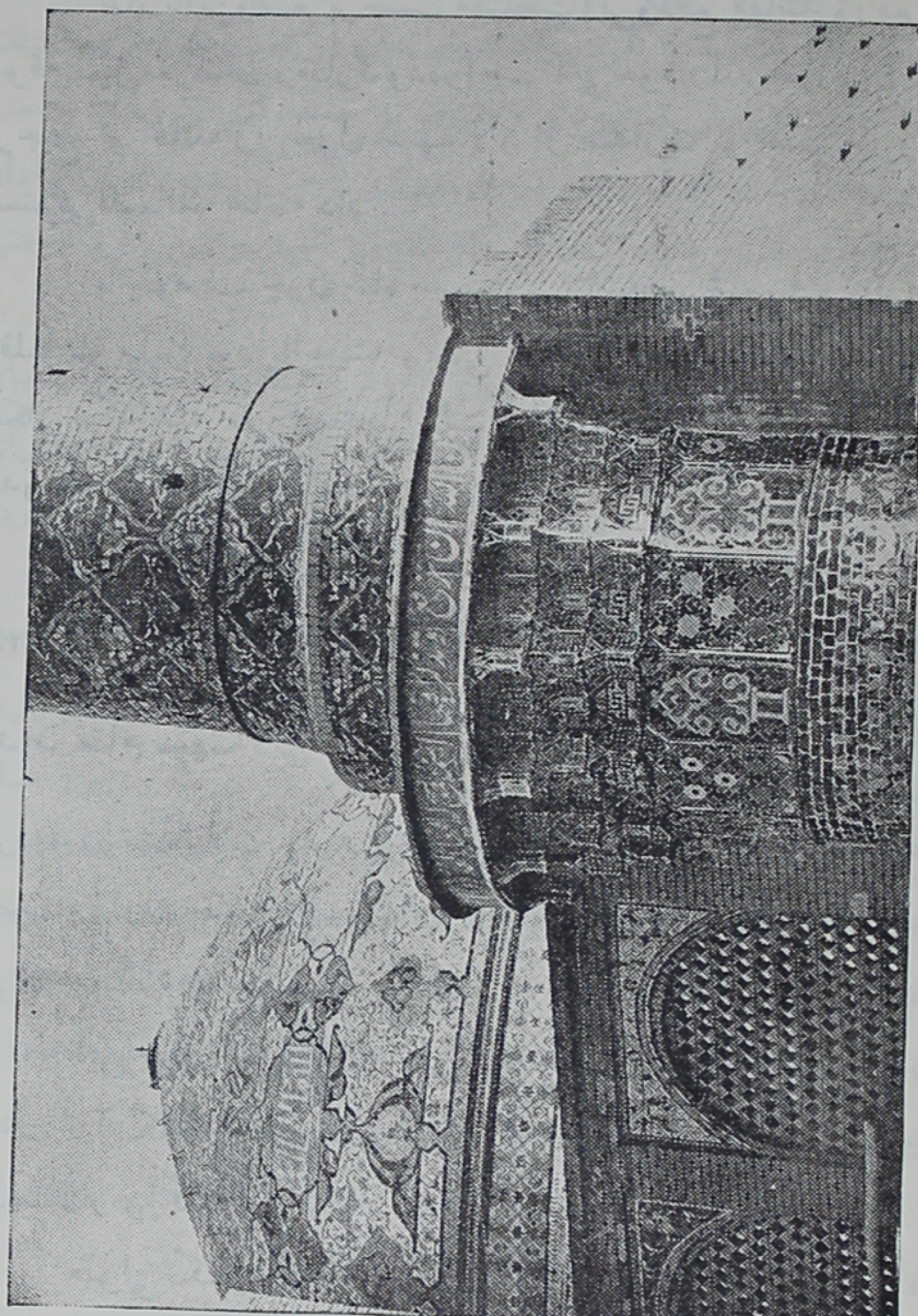
موقعی که خبر ورود شاه ببندر انزلی (پهلوی) رسید حضرات دربار و تالار برلیان جمع شده وصورت تلگرافی ترتیب داده برشت بشاه مخابره کردند که قریب باین مضمون بود «اگربا قزوینی بطهران میآئید نیائید که ماشمارانمی پذیریم».

عزل سپهسالار از صدارت

باتفصیل مذکوروقتی که این اقدام جسورانه ومخالفت از طرف متنفذین بعمل آمدشاه از اقتدار روحانیون وشاهزادگان قاجاریه که درتحت نفوذبودند ترسیده ناچار سپهسالار رادر رشت ازکارمعزول و کلیه عملیات ترقی خواهانه آن مرد خدمتگذار درستکار راعاطل و باطل نمودوامتیازاتی راکه بکمپانی‌های خارجه داده بود الغا کرد.

مردم غافل آنروز که ملتفت محسنات کار وحسن تدبیر ورفتار شایسته

وخیرخواهانه سپهسالار نبودند بدستیاری و اغفال بیگانگان و اغوای آنان‌عنوان مذهب ودیانت را بهانه کرده‌عملیات شایسته وترقی‌خواهانهٔ



در اطراف گنبد و گلدسته های مدرسه عالی سپهسالار آیاتی از کلام‌الله مجید نوشته شده است

اورامنافی‌دیانت دانستند و در فراهم کردن موجبات عزل و انفصال او از هیچگونه اقدامی فروگذار نکردند .

در نتیجه زحمات ومنویات عالیه اینمرد کافی ضایع و در حقیقت دست وپای اورا بستند ویکباره ازهر کاری مأیوس و بی رغبت نمودند .

شاه بااین وضع برحسب مصلحت آنی ودفع مفاسد ورفع اختلاف، موقة بمیل مغرضان رفتار نموده راحت آنی خود را برخرابی آتی کشور ترجیح و غائله را بعزل سپهسالار از صدارت و نصب میرزا یوسف مستوفی الممالك خاتمه داد .

بااینوصف چون شاه سپهسالار راشخصی شایسته و کافی میدانست وقلباً باو مایل بود بااندیشه و بیمی کـه از متنفذین داشت سپهسالار را بیکار نگذاشته در همانجا ایالت گیلان و طوالش و فرمانفرمائی آن حدودرا باو واگذار کرد .

پس از چند ماه که فتنه تا حدی خوابید و صدا ها افتاد شاه سپهسالاررا بطهران خواسته شغل وزارت خارجه راباو واگذار نمود .

تجدید مقام سپهسالار

در رجب ۱۲۹۱ قمری بموجب دستخط شاه اعضای هیئت دولت ازشش نفر وزیر تشکیل گردید در تشکیلات جدید برای انتظام سپاه امور لشکری راعلاوه بر منصب وزارت خارجه بسپهسالار تفویض وعنوان سپهسالاری دوباره باو اعطاء گردید .

این نوبت سپهسالار بیش ازپیش موجبات رضایت شاه رافراهم ساخت تاآنکه در ۱۲۹۳ امور ایالت خراسان هم ضمیمهٔ مشاغل فوق الذکر بسپهسالار واگذار گردید .

طولی نکشید که امور ایالت استرابادوفارس هم علاوه وهرروزه درجه ومقام او فزونی میگرفت .

در ۱۲۹۳ سپهسالار جشن صاحبقرانی شاه را برپانمود ودراینموقع خدماتی شایسته وقابل تقدیرانجام دادناصرالدین شاه گاهگاهی بانهایت

محافظه کاری در نگهداری و تقویب کار سپهسالار قدمهائی برمیداشت ولی از عاقبت کار بیمناك و متوحش بود سپهسالار هم آن شوق و رغبت اولیه را از دست داده و این موضوع را احساس مینمود .

سپهسالار میدید با نفوذیکه بدخواهان او در وجود و روحیات شاه دارند کاری از پیش نمیرود و زحمات و جانفشانی او بیفایده است منتهی حس فعالیت و عرق وطن پرستی برای آخرین دفعه او را وادار نمود که جدیت بخرج داده تا حدی که مقدور بود بوطن خودخدمتی مفید نماید .

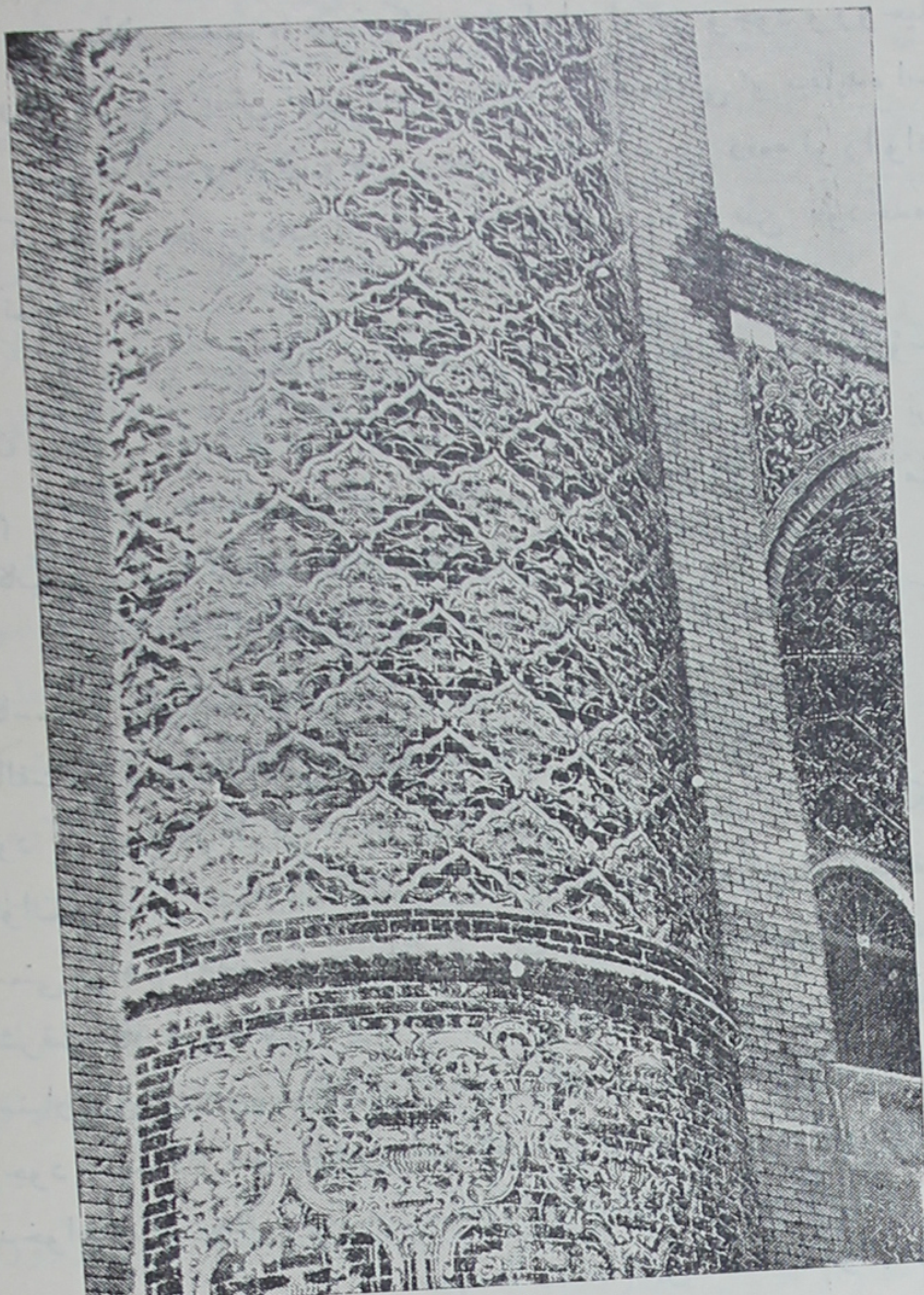
در ۱۲۹٤ سپهسالار برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون و امور کشوری و آسایش خاطر عموم لایحه و مقرراتی برای حکام و دستور عملیات و طرز رفتار و وضع مجازات آنها در مورد ارتکاب جرم تهیه نموده بعرض رسانید .

اجرای آن لایحه چون از نفوذ شاهزادگان و حکام و کار کنان میکاست و راه استفاده را برای آنها مسدود میکرد دو باره در صدد مخالفت برآمده دسایس و حیله ها بکار بردند که لایحه مزبور عملی نشود و چون از طرفی مستمری و تیول اشخاص بنفع مالیه مملکت و بعنوان هزینه و مصارف ارتش بریده میشد بیشتر موجبات مخالفت و دشمنی فراهم آمده مغرضـان هر یك بنوبت خود مانع انجام عمل و پیشرفت کار سپهسالار گردیدند و در صدد برآمدند بوسیلهٔ علماء و دستیاری ایشان سپهسالار را تکفیر کنند این نسبت نامتناسب مناسب وجود سپهسالار نبود ازاین بابت کوشش بی مورد و تدابیر و اغراض بدخواهان او بجائی نرسیده مساعی ایشان نقش برآب گردید .

مجدداً سپهسالار با شاه بفرنگ میرود

سپهسالار باتمام این مشکلات مواجه واز کار خسته نشده مقاومت و پایداری مینمود تا برای دومین دفعه درسال ۱۲۹۵ بهمراهی

شاه عازم اروپا شد موجبات این سفر را نیز سپهسالار فراهم آورد زیرا تمام سعی وجدیتش بیداری شاه وازدیاد آگاهی ومشاهدات او از ترقیات اروپا بود .



کاشی کاری بدنه گلدسته های مدرسه عالی سپهسالار مورد توجه هر بیننده ایست

در غیاب سپهسالار برادرش یحیی خان مشاغل لشکری ووزارت جنگ و کفالت وزارت خارجه را عهده دار بود .

در مراجعت شاه از فرنك تصمیم براین شد که وزارتخانه ها و ادارات را تکمیل و تکلیف کار هر وزارتخانه محدود و معین گردد لذا شاه از نایب‌السلطنه کامران میرزا فرزند خـود و سپهسالار و مستوفی‌الممالك اصلاح این امور را خواستار گردید .

در روز ۱۲ شوال ۱۲۹۵ مجلسی از شاهزادگان درجه اول و وزراء و رجال و اعاظم تشکیل شده دستورالعمل ادارات مستقله را که قبلا بانظر سپهسالار تهیه شده بود قرائت کردند .

با تمام این اقدامات بالاخره زحمات سپهسالار بی نتیجه ماند شاید که‌اگر عزل سپهسالار در این بین روی نمیداد کشور ایران که مستعد ترقی شده وموجبات ومقتضیات تعالی از برای آن فراهم آمده بود از آنروز میتوانست مدارج عالیه راطی نماید .

عزل سپهسالار

در ۱۲۹۷ اسباب چینی و سعایت مخالفین وکارشکنی شاهزادگان قاجاریه ودسایس دیگران که درهرلحظه خاطرشاه را باندیشهٔ تازه‌تری مشوب مینمودند کارخودرا کرده بدگمانی وسوء تدبیر آنهادروجودشاه تأثیر تامی کرد وشاه را ازسپهسالار ظنین وبدگمان نمود ودرنتیجه شاه از خدمات او صرفنظر واورا از امور لشگری ومشاغل وزارت خارجه بر کنار کرد ومستوفی‌الممالك صدراعظم و زمامدار امور شد .

شاه تنها باین امرا کتفاء ننموده بلکه بمستوفی دستور داد کـه سپهسالاررا هرچه زودتر بقزوین روانه نماید .

دراین وقت پیش آمدنا گواری روی داد وآن حادثه کردستان وظهور فتنه شیخ‌عبیدالله کرد در ساوجبلاغ مکری (مهاباد) بود که بتدریج صفحه کردستان ایران و قسمت آذربایجان را دچار آشوب و اغتشاش کرد .

دامنه فتنه شیخ عبیدالله روز بروز بالا میگرفت تا آنکه تبریز مورد خطر واقع شد.

مظفرالدین میرزا ولیعهد برای رفع و دفع این فتنه درمانده وسر بگریبان شده بمرکز متوسل گشت وحشمت‌الدوله حمزه میرزا را باپانزده‌هزار نفر قشون مأمور دفع‌فتنه کرد ولی نامبرده هنوز بااشرار مشغول مبارزه و پیکار نشده که بناخوشی گرفتار و بدرود زندگانی گفت ونیروی دولتی که تحت‌فرمان‌او بود بی‌سرپرست‌ماند. این‌پیش‌آمد بیشتر اسباب تشویش خیال شاه را فراهم آورد و چنین صلاح دانست که دوباره سپهسالار با همان عنوان سپهسالاری به پیشکاری کل آذربایجان و سرکردگی قشون آنجا انتخاب شود سپهسالار بحسن تدبیرو کفایت فتنه آذربایجان را خوابانید.

بعدازامنیت حدود آذربایجان سپهسالار مختصری درتبریز ماند ولی‌خرابی اوضاع دستگاه ولایتعهد بخاطر اوناپسندآمده اصلاح آنرا با اطرافیان نامتناسب مشکل دانست لذامکرر از شاه تقاضای آمدن بمرکز رامی‌نمودوبالاخره تقاضای اوپذیرفته شده بطهران آمد.

درماه ربیع الثانی سال ۱۲۹۸ ناصرالدین شاه‌سپهسالاررا برای تسلیت وتهنیت به‌الکساندرسوم بدربار روسیه مأمور کرد.

سپهسالار پس‌ازاین مأموریت بطهران بازگشت ولی دسیسه و سعایت درباریان مفسد ناصرالدین شاه را برآن داشت که سپهسالار را از مرکز دور سازد.

پایان کار سپهسالار

بدینجهت اورابعنوان فرمانفرمائی ایالتین خراسان و سیستان وتولیت آستان قدس رضوی بخراسان مأمور ساخت.

بدخواهان نیز در اخلال کار همراهی نمودند تابمقصود خود که تبعید و نفی او بود موفق گردیدند. سپهسالار درهفتم ماه شعبان ۱۲۹۸

ازطهران بمشهد عزیمت نمودودرماه ذی‌القعده همانسال برحسب دستور ناصرالدین‌شاه برای سرکشی و مشاهده‌ٔ سرحدات به کلات رفت‌ودر پنجم ذی‌الحجه بمشهد مراجعت ودر لیله سه‌شنبه ۲۲ ماه ذی‌الحجه سال ۱۲۹۸ درمشهد بسن پنجاه وهفت سالگی جهان‌رابدرود گفت میرزاناصراصفهانی درماده تاریخ سپهسالار گفته(۱) .

سپهسالار ایران از جهان رفت | که نایدباز چون تیراز کمان‌رفت
یکی شمشیر سرتا پای جوهر | زدست خسرو صاحبقران رفت
پی تاریخ فوتش گفت ناصر | سپهسالار صد حیف‌ازجهان‌رفت

(۱۲۹۸)

دیگری گفته : « حسین پای رضا زدبوس وآسود »

(۱۲۹۸)

سپهسالار را در مقبره خودش درمشهد که قبلا آنرا ساخته بود دفن کردند .

برای‌ساختن این‌مقبره سپهسالار زیادعجله میکرد ودر مدتی که درمشهد بودبیشتراوقات خودرابساختن آن مصروف میداشت .

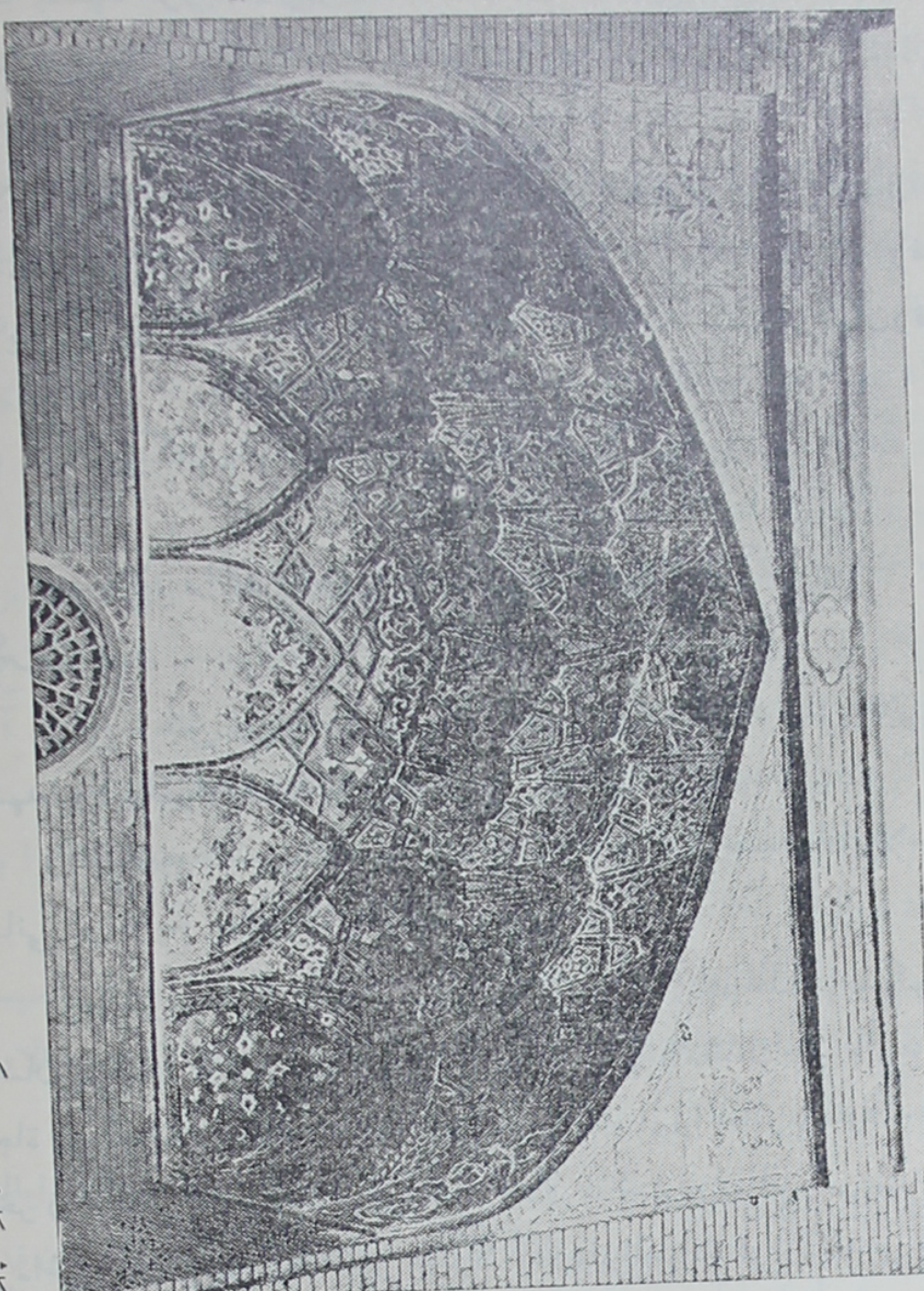
راجع به‌فوت‌سپهسالار روایات‌بسیاری هست‌ازجمله ناظم‌الاسلام کرمانی درتاریخ بیداری ایرانیان مینویسد :

« مرحوم حاج‌میرزا حسینخان سپهسالار ازکارخلع وبحکومت خراسان برقرار گردید پس‌ازیکسال‌حکومت وتمام‌شدن مقبره‌او بمرض مفاجاة درگذشت ویاآنکه بامر ناصرالدین‌شاه اورا معدوم نمودند . در اواخر زندگانی خود اصرار وعجله زیادی داشت دراتمام ومرمت شدن مقبره‌اش همان روزیکه تعمیر مقبره اودردارالسیادة ارض اقدس بآخر رسید درگذشت » صاحب منتظم ناصری مینویسد :

---

۱ – درتاریخ بیداری‌ایرانیان ناظم‌الاسلام کرمانی این‌شعررابناصرالدین‌شاه نسبت داده ولی البته صحیح نیست .

«میرزا حسینخان سپهسالار والی مملکت خراسان در ۲۱ ذی الحجه ۱۲۹۸ بمرض درد پا و سوء مزاج در سن ۵۷ سالگی دعوت حق را لبیک گفت».



کاشی کاری سردر یکی از حجرات مدرسه – در اطراف صحن مدرسه عالی سپهسالار شصت حجره ساخته شده ولی کاشی های سر در هر یک از حجرات از نوع خاصی است

مرحوم حاج پیرزاده که با مرحوم سپهسالار روابط صمیمانه‌ای داشت در یکی از یادداشتهای خود چنین نوشته : «مرحوم مغفور سپهسالار

اعظم رحمة‌الله علیه در شب هیجدهم مـاه ذی‌حجه سال ۱۲۹۸ که شب عیدغدیر است ناخوش شدند . درارك شهرمشهدمقدس یك‌ساعت بغروب مانده به‌حمام تشریف بردند و غسل کردند و بدرشکه نشسته که بیایند بحرم مشرف شوند در بین راه‌تب کردند وارد حرم مطهر شده زیارت نمودند ودر بالاخانه ایوان طلای‌صحن نوتشریف آوردند تب‌شدت‌نمود تاوقت صبح ابداً نخوابیدند وقت صبح باز زیارت نموده مراجعت بارك نمودند روز عید برای استقبال خلعت حضرت شهریاری بـا حالت تب تابیرون دروازه تشریف‌بردند وازآنجا وارد صحن‌مقدس شده بعدبارك تشریف آوردند سه‌شب دیگر ناخوش بودند ومرحوم شدند » .

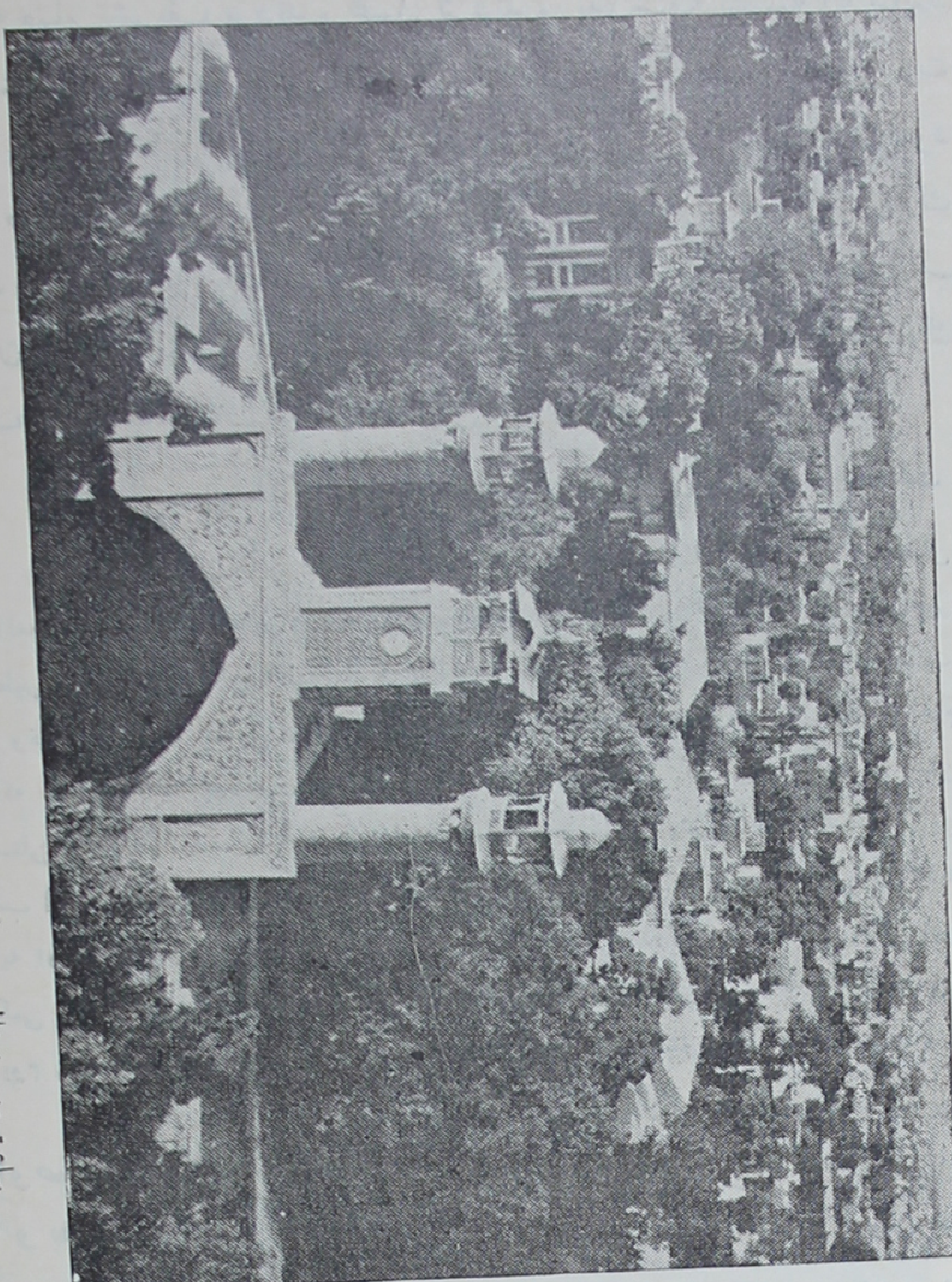
زندگانی سپهسالار درلوحه مزارش اینطور نگاشته شده‌است :

« جناب غفران مآب طوبی مکان خلد آشیان افتخارالحاج میرزا حسینخان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و صدر اعظم دولت علیه ایران ولد اسعد ارجمند امیر بی نظیر میرزا نبی خـان طاب‌ثراه وصل‌الجنة مثواه بعداز آنکه از دستگاه‌سلطنت بمقام وقوام صدارت عظمی رسید از خدمات دین ودولت چنان محسود خاص و عام شد که در ۱۲۹۸ بوزارت تولیت جلیله عظمی و ایالت کبرای مملکت خراسان وسیستان مفتخر گردیده برتبهٔ مؤتمن‌الحضرة‌الرضویه علیه آلاف‌التحیه که اعلی‌ترین مراتب است رسید وبانی مبانی‌ها شدکه‌کسی را دست بآن مقام نرسد یکی از ابنیه خیریه او واقعه در دارالخلافه باهره ناصری میباشد که درایران تاکنون بنائی باین محکمی واستواری‌دیده نشده وبحکم اذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعة ولایستقدمون در یوم ۲۱ شهر ذی‌حجة‌الحرام ۱۲۹۸ ازاین دار فنا بکشور بقا رحلت‌نمود » .

اوصاف پسندیده سپهسالار و بعضی آثار خالده او

سپهسالار مردی نیك سیرت و کریم‌النفس‌ومتدین ودرعین حال باتمدن جدید تربیت شده بود با معاشرت های طولانی و آمیزش و اختلاطی که از اول جوانی تا آخر عمر بامردمان مختلف اروپائی داشت در مجالس و محافل و مهمانیهای رسمی ایرانی وفرنگی خود را از بسیاری ازاعمال نکوهیده

بر کنار داشته ممنوعات شرعی و محظورات مذهبی را همواره رعایت میکرد .
بطوریکه معروف است سپهسالار در سیر و سلوك قدم میزده و



ساعت مدرسه عالی سپهسالار و منظره قسمتی از باغ بهارستان محل فعلی مجلس شورای ملی ایران
که منزل مسکونی مرحوم سپهسالار بوده است

طریقه عرفان و تصوف می پیموده و شخصی درویش مسلك و در عین گرفتاری بمشاغل و مناصب وزارت و صدارت خود را از اهل صفاو

تجرید میشمرده و بخاکساری افتخار داشته است .

مشارالیه در دوره مأموریت در استانبول بمرحوم حاج میرزا صفا عقیده و اخلاص پیدا کرده خودرا سرسپرده و مرید او میدانست .

حاج میرزا صفا در بارهٔ سپهسالار و ترقیات آیندهٔ او پیش بینی هائی نموده که اغلب بحقیقت پیوسته است .

سپهسالار مردی سحرخیز و ثابت قدم و پشتکار دار وروشنفکر بود هر کاری را بامتانت و ملایمت انجام میداد و نا ملایمات را تحمل میکرد همه روزه پیش از طلوع آفتاب مشغول رسیدگی بامور شده عرایض وشکایات ارباب رجوع و دادخواهان را شخصاً وارسی مینمود وسپس بامور اداری و کار های سپاهی می پرداخت .

سپهسالار در زندگانی خود آثار خیریه زیاد بیادگار گذارده وچون بواسطه نداشتن اولاد همواره مایل بود اثر جاویدانی برای خدمت بایران ازخویش باقی گذارد پس از پنجاه وچند سال زندگانی که قسمت عمده آنرا صرف خدمت باین آب وخاك نمود تشخیص داد بهترین خدمت بایران بسط فرهنگ ودانش و آشنا کردن مردم بعلم ومعرفت است لذا تمام دارائی خودرا وقف ساختن و نگهداری بنای بزرگ وجاودانی مسجد و مدرسه‌ای کرد که امروز از مجلل ترین و معظم ترین بناهای ایران و شرح آن در بخش بعدی بتفصیل خواهد آمد .

قسمت عمده مؤسسات اروپائی که ازدوره گذشته درایران مانده ازکار های سپهسالار است تنظیم امور مالیه بسبك اروپائی ، استخراج معادن ، ایجاد طرق وشوارع، تسطیح راهها ، تحت نظم وقاعده درآوردن گمرکات ، تأسیس کارخانه چراغ گاز ، مرتب کردن پست وتلگراف و ضرابخانه، وادار کردن متصدیان موقوفات بعمران و آبادی رقبات وقف، ترویج زبان خارجه ، اصلاح دار الفنون ومؤسسه آثار علمی امیر کبیر

وتشکیل مدرسه نظام نتیجه زحمات میرزاحسینخان سپهسالار است .

عمارت بهارستان که اکنون محل مجلس شورایملی است ودر قسمت شمالی مدرسه سپهسالار واقع شده‌از آثار میرزا حسینخان سپهسالار و منزل مسکونی او بوده است .

چنانکه‌قبلا گفته‌شد یکی‌از آرزوهای‌سپهسالار ایجادمشروطیت وحکومت پارلمانی درایران‌بود و باید گفت که بواسطه نیت‌خیروپاکی سیرت وی بود که‌بعداز مرگ خانه‌اش محل پارلمان و قوه قانونگذاری ایران گردید .بنای مقبره مقداد بن‌اسود صحابی بین شهروان ویعقوبیه نیز ازآثار سپهسالار است .

بخش دوم

تاریخ بنا وطرز ساختمان مسجد و مدرسه عالی سپهسالار

مهمترین اثر سپهسالار

مهمترین اثر ابدی مرحوم حاج میرزا حسینخان سپهسالار بنای مدرسه و مسجد رفیع البنیانی است که روی عقیده پاك ونیت حسنه وخالص او بناشده واز باشکوه ترین آثار اسلامی وشاهکار معماری قرن اخیر این کشور بشمار میرود.

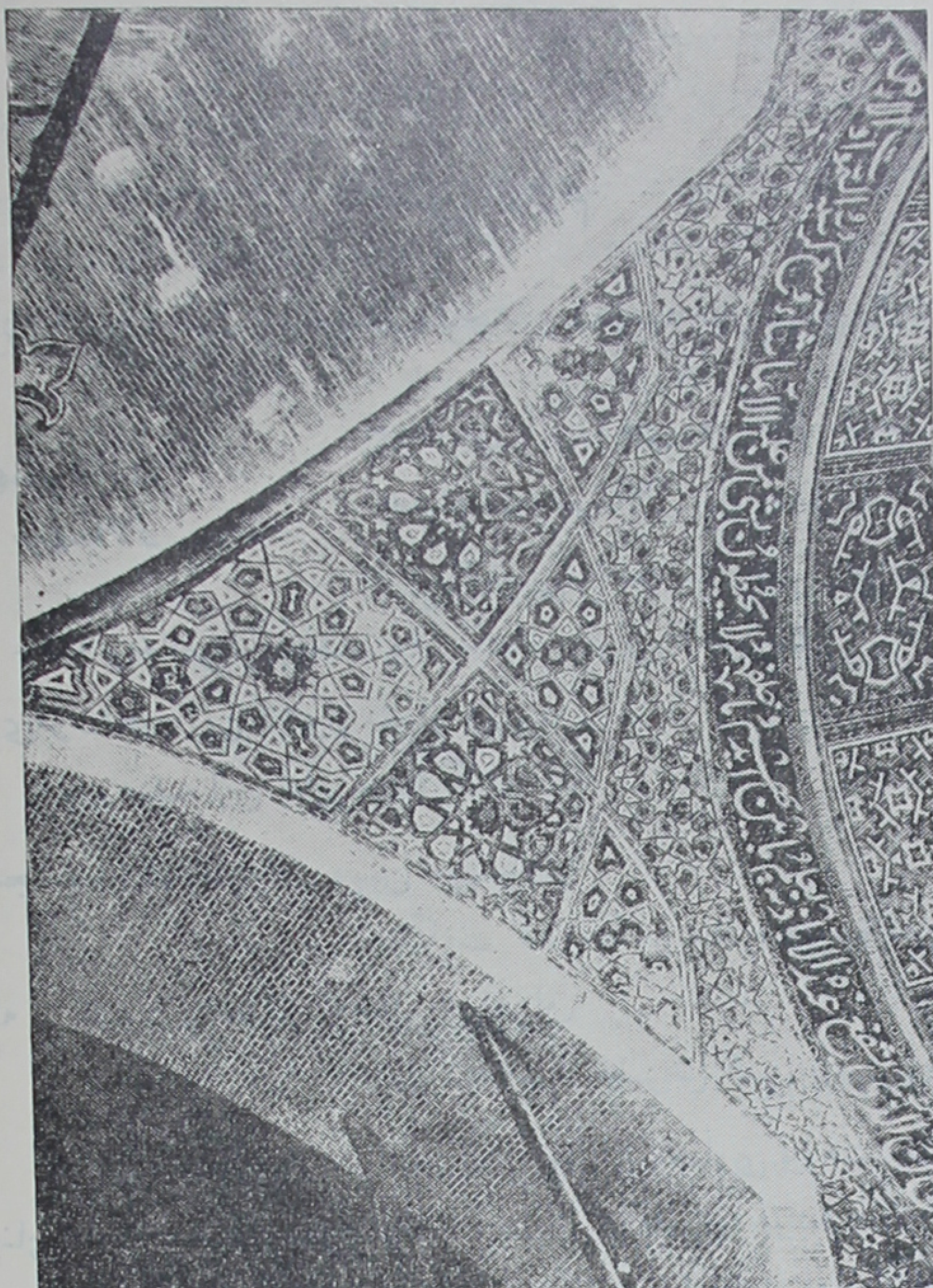
در وصف این بنای مجلل گفته اند:

زمجد ساخت بطهران مهین سپهسالار
شگفت مدرسهٔ رشك صحن خلد برین
که ازحقیقت وانصاف وخالی ازاغراق
نساخته است نظیرش کسی بروی زمین

مرحوم سپهسالار درنقشه کشی وطرز معماری ووضع ساختمان این بنای بزرگ شکل بناو نقشه ابنیه شرقی اسلامی را در نظر داشته ودر حقیقت دراین بنا حسن سلیقه معماری دوره اخیر شرقی بحدی که بایست انجام گرفته است.

سپهسالار درباره این بنا بهیچوجه ازسعی واهتمام وصرف مال مضایقه ننموده وبرای استحکام ومتانت آن سعی وافی مبذول میداشته است.

در موقع پی ریزی این بنا بطوری که شنیده شده سپهسالار شخصا
مراقبت میکرده زیرا منظورش از بنیاد این بنای اسلامی آن بوده که



قسمتی از کاشی کاریهای زیر گنبد

قرنها دوام نماید لذا بدواً بعمق ۱۷ متر تمام محوطه بنارا حفر کرده و
شفته ریزی محکمی نموده است .

آنچه که معلوم است سپهسالار بنای مدرسه و مسجد راازدارائی

شخصی وعواید املاک موروثی پدری ساخته وموقوفاتی برای مصارف ومخارج دائمی وحفظ رقبات آن برطبق وقفنامه مختصر ومفصل که شرح آن بجای خود نگاشته میشود تعیین کرده است.

شروع بنا مسجد ومدرسه

درسال ۱۲۹۶ هجری قمری سپهسالار شروع بساختمان مدرسه ومسجد نموده ودرموقع بنا قسمتی را شخصاً حاضر وامور بنائی را مراقبت ومواظبت میکرده وتاسال ۱۲۹۷ باینکار اشتغال داشته که موجبات عزل اواز کار فراهم وبقزوین رهسپار شده.

ازآنوقت بنانیمه کار ماندتاآنکه سپهسالار مجدداً روی کار آمده وبه پیشکاری کل ایالت آذربایجان وفرماندهی قوای آن حدود برقرار گردیدعمل بناهم دوباره بجریان افتاد ودرموقع مأموریت خراسان تقریباً بعضی از ابنیه تحتانی مدرسه قابل سکونت شده ولی او باحسرت وتأسفی تمام ازتکمیل واتمام این آثار بدیعه محروم ماند.

سپهسالار مقدمات تأسیس کتابخانه مدرسه را هم خودش شخصاً فراهم ومجلدات زیادی از کتب نفسیه وگرانبهای خطی وغیره چنان که درظهر بعضی ازآنها نگاشته شده بسعی خود گرد آورده وتهیه نموده بود.

درسال ۱۲۹۸ سپهسالار ازطرف دولت مأمور حکمرانی خراسان وفرمانفرمائی آنحدود و تولیت آستان اقدس رضوی علیه آلاف التحیة والثنا گردید و چنانکه قبلا گفته شد در همانسال در مشهد زندگی را بدرود گفت.

بعدازفوت سپهسالار چون تولیت مدرسه و مسجد برحسب وقف نامه بعهده سلطان عصر وپادشاه وقت است ناصرالدین شاه در آنوقت برای استمالت وجبران رفتاری که بسپهسالار شده بود وبرای اتمام و انجام ساختمان این آثار برجسته تاریخی یحیی خان مشیرالدوله برادر او را که در آنموقع وزارت عدلیه را داشت بانظارت خاصه مشارالیه برحسب

وقفنامه مأمور انجام وتکمیل بنا گردانید(۱) .

مشیرالدوله نیزاهتمامی وافی وسعی کافی در تسریع اتمام بنابخرج میداد و باصداقت وصمیمیت در تکمیل آن میکوشید ولی روزگار باو مجالی نداده وقبل از اتمام بنا فوت کرد لذا قسمتی از تزئینات وتعمیرات لازمه مدرسه و ظرافت کاری وساختمان مسجد ناتمام ماند .

وضع بنای مدرسه ومسجد

این مدرسه ومسجد که در متانت اساس و رفعت ورزانت بنا و وسعت فضا و منظره عالی و ساحت دلگشا اولین و بزرگترین

---

۱ — مخارج ساختمان - یکی از مطلعین برای نگارنده اینگونه عنوان نمود که مطابق صورت هائی که برای ساختمان مدرسه ومسجد توسط میرزا یوسف علاءالملک منشی احمد علیخان سرتیپ (که مدتها درحیات مرحوم سپهسالار و بعد درزمان یحیی خان مشیرالدوله بامور ساختمانی مدرسه رسیدگی مینموده) ترتیب داده شده بود قسمتی از بنا درحدود ۲۴۰ هزار تومان در زمان سپهسالار و یحیی خان مشیرالدوله مخارج پیدا نموده و بدین قرار که بنای قابل ومعمار لایق ازقرار نفری ۲ قران اجرت یومیه و بناهای جزء نفری سی شاهی وعمله ازده شاهی ودوعباسی و ناوه کش در حدود چهارعباسی مزد داده میشد آجرهای مرغوب و محکمی که دراین بنا بکار رفته از قرار هزاری سه تومان — گچ خرواری ۲ قران ونیم وسه قران آهك خرواری پنج قران بمصرف میرسیده است .

بعداً هم درزمان نائب التولیه های بعدی در حدود چهل هزار تومان بمصرف تعمیر رسیده است که جمعاً بالغ بر ۳۰۰ هزارتومان آن زمان بوده ومرحوم احمد علیخان بواسطهٔ کاردانی و مهارتی که درین باب داشته مخارج و مصارف را خیلی بانهایت صرفه ودقت بمصرف میرسانده .

وباز از مطلعی شنیده شد که مشیرالدوله مصدقینی برای برآورد مخارج بنائی ومصارف مدرسه از قبیل آقا ابراهیم وزیر نظام معمارباشی متوفی ۱۳۰۸ قمری و حاج ابوالحسن معمار ومعماران دیگر جهت تفریغ ومفاصا حساب احمدعلیخان سرتیپ خواسته و بعد ازرسیدگی مخارج بنای مدرسه را تا آنوقت در حدود ۴۵۰ هزار تومان وسه هزار تومان هم جهت رفع نواقص وتکمیل بنا تصدیق نمودند که مجموع چهارصدو هشتادهزار تومان میشده است بااین تفصیل اکنون مخارج تزیینات وتکمیل طاق مقصوره وزیر گنبد وتوسیع کتابخانه ورفع دیگر نواقص امروز درحدود هفت میلیون ریال پول امروز خواهد شد .

مسجد و مدرسه عالی پایتخت بشمار میرود روی وضعیت و طرز ذیل بنا شده است.

صحن مدرسه طولا ٦١ ذرع و عرضاً ٦٠ ذرع است و از چهار



قسمت دیگری از کاشی های زیر گنبد که هنوز ناتمام مانده

جهت دو طبقه ساخته شده و مشتمل بر حجرات فوقانی و تحتانی است که تعداد آنها در حدود شصت حجره طلبه نشین است و طلاب علوم دینیه در

آنها سکونت میکنند و مابین چهارطرف بنا چهارایوان رفیع البنیان در مقابل یکدیگر ساخته شده که یکی از آنان مقصوره مسجد و رو بقبله است و بالای آن گنبدی مدور و عالی بصورتی زیبا برپا نموده‌اند.

گنبد بطرزی خاص ساخته شده که بادیگر گنبدهای ابنیه قدیمی تفاوت دارد.

چهار مناره بلندتر که پایه‌های هریك تا کمر ازسنگ و بطرزی مستظرف ومطبوع حجاری گردیده ودرمفاصل ورخنه سنگهای تراش برای متانت ومحکمی بناسرب ریزی ودر طرفین مقصوره بالارفته ودو مناره پیوسته بدوپهلوی ایوان و دو دیگری بر کنارتر است و گلدسته یا مناره‌ها تمامی کاشی مصور ومنقوش میباشد.

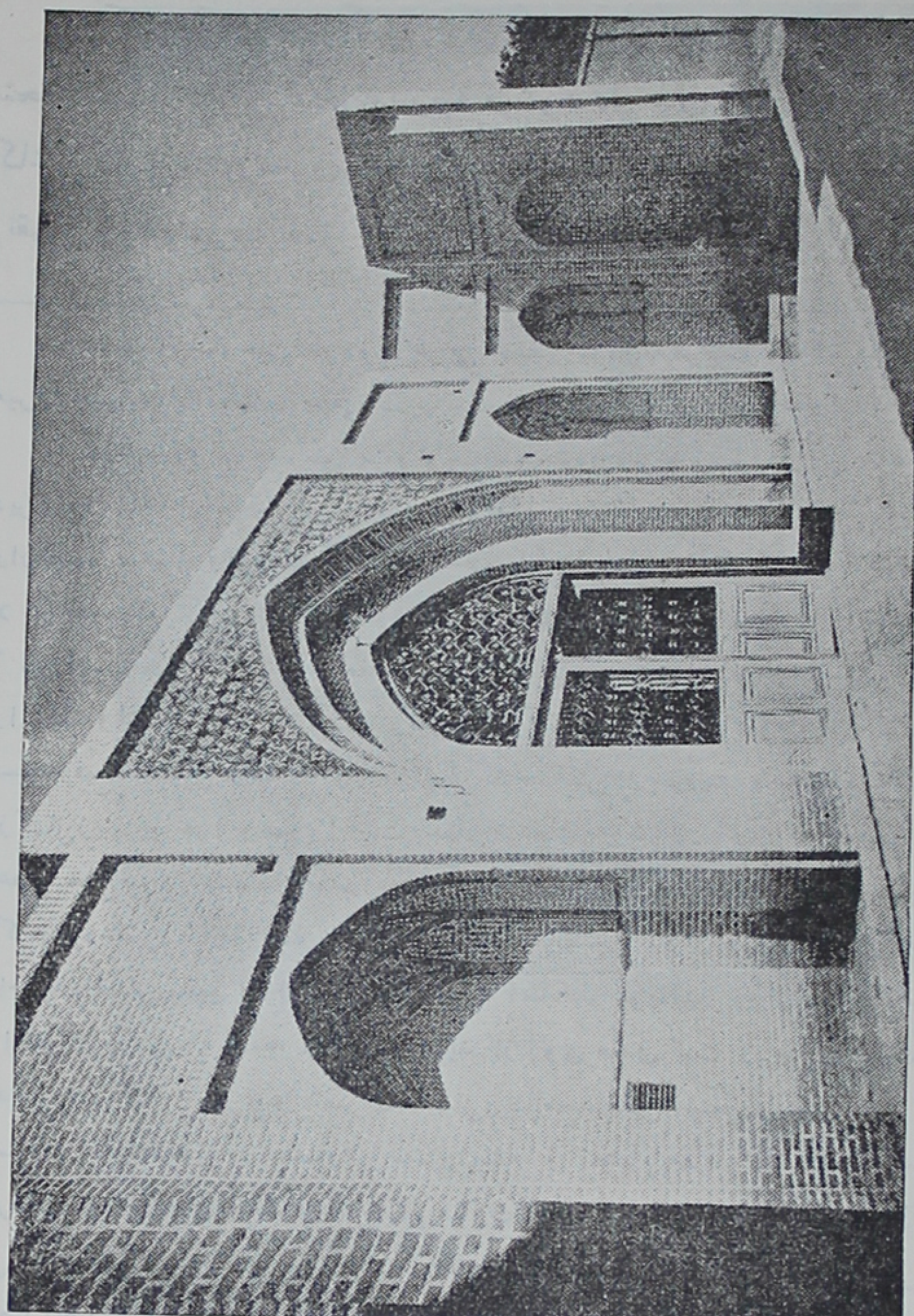
درزوایای در بزرگ ورودی وطرفین جلوخان غربی هم دومناره یامأذنه که نسبت بمناره‌های جنب مقصوره کوتاه‌تر است بناشده.

در اثر مرور زمان کاشی های گنبد که متلاشی شده بود مجدداً درسال ۱۳۴۷ و۱۳۴۸ قمری هجری (۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ شمسی) بطرز ظریف وزیبائی کاشی کاری گردیده ودراطراف گنبد کلمه (لااله‌الاالله محمداً رسول‌الله) بخط کوفی خیلی واضحی منقوش شده است داخله مقصوره‌هم که ناتمام بوده‌اخیراً تاحدی در تکمیل آن بذل‌اهتمام نموده اند و شبستان های وسیعه و عالی اطراف مقصوره را بوضعی خاص برای مدرس تعیین ودربهای شیشه متناسب درجلوی آن نصب گردیده‌است.

سطح مقصوره و گنبد از حدود محراب تا محاذی صحن مسجد ۴۲ ذرع وعرض آن ۴۰ ذرع وارتفاع گنبد ۳۶ ذرع است.

نمازخانه یا چهل‌ستون این مسجد درقسمت شرقی صحن واقع و مشتمل بر ۴۴ ستون سنگی یکپارچه مرتفع ودروسط هر چهار ستون طاقی محکم برافراشته شده است.

جلوخان طرف درغربی مدرسه باروح وجالب نظر وانواع سلیقه وظرافت را درصنعت کاشی سازی آن بخرج داده اند وبا نقش ونگارهای



سردر و جلوخان شرقی مدرسه

متناسب زینت گردیده در کتیبه ها شرح اهتمام و انجام بنا ونام متصدی وتاریخ اتمام را روی کاشی بخط سفید ومتن آبی مسطور داشته وطاقهای

جناقی قابل توجه در آن بکار برده شده است (۱) و طرفین این در برا با طاق نما های فوقانی و تحتانی که بکاشی های زیبا تزئین شده جلوه داده اند .

کریاس در بزرگ ورودی طرف غربی از دو سمت بواسطه دهلیز متحد الشکل داخل صحن مدرسه میشود در طاق ورواق این کریاس هم کاشی کاری ممتاز معرق و میناکاری باالوان مختلفه و صور بدیعه و مستظرف و نقوش و رسوم زیبا بعمل آمده و حجاری های ممتازی در این قسمت انجام

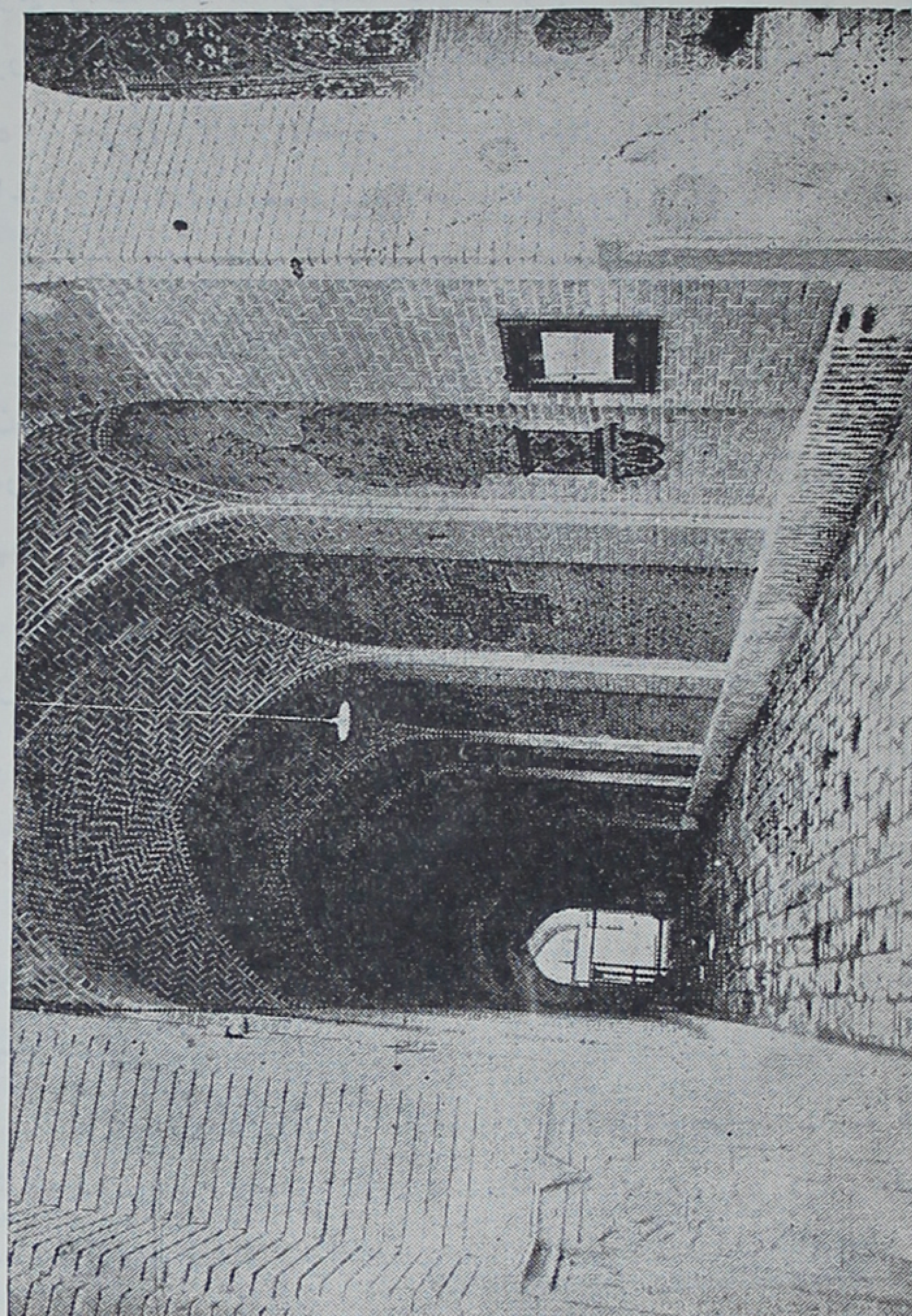
---

۱ ــ کتیبه جلوخان سردرب غربی بخط میرزا غلامرضای خوشنویس و قسمتی بخط میرزا حسین عماد الکتاب سیفی در نهایت ظرافت و زیبائی این عبارات نگاشته شده:

در عهد دولت معدلت آیت و نوبت سلطنت دوران عدت روزافزون شاهنشاه کامکار دین پرور تاجدار معدلت گستر مایهٔ امن و امان و مستغاث مظلومان اعظم الملوك قدراً وارجهم صدراً وازمهم مجداً واسعدهم جداً السلطان السلاطین وخاقان الخواقین « برحسب امر بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران «رضاشاه پهلوی» (این قسمت درزمان شاهنشاه فقید هنگام تعمیر مدرسه اضافه شده است) خلدالله ملکه وابدالله دولته این مدرسه تکمیل و مقر دانشکده علوم معقول ومنقول گردید » این مسجد رفیع البنیان ومنیع الارکان را که فضایش از نهایت وسعت دلگشا وبنایش از کمال زینت جانفزا وغم زوا است. جناب مستطاب رضوان باب اکرم افخم سپهسالار اعظم حاج میرزا حسینخان صدراعظم و وزیر امور خارجه بدستیاری واستظهار برادر اکرم خود حضرت اجل ارفع اشرف امجد آقای مشیرالدوله یحیی خان وزیر عدلیه اعظم دام مجده العالی رفعاً لقواعد دعائم الاسلام ابقاء لرسوم السنن والاحکام وتبعاً للرحمة والغفران بوجهیکه شاید ووضعیکه باید از روی صدق نیت و صفای طویت بنا نهاد بدون امساك در خرج و تصرف اموال و تسامح عاملین اشتغال و اعمال بسعی و مراقبت استادان نازك اندیشه و معماران سنمار پیشه و اهتمام مقرب الخاقان احمد علیخان سرتیپ کار فرمای مسجد جدید البناء مبارك ناصری صورت انجام داد وکان ذلك البناء فی سنة اثنتین و ثلثماه بعدالالف ۱۳۰۲ من الهجرة النبویه علی هاجرها واله افضل الصلوة والسلام و اکمل التحیة والاکرام (العبدالحقیر المذنب غلام رضا) .

بعضی حواشی و کتیبه های کوچك در اطراف سردرب جدیداً نصب شده و کاشیهای جدید برای آن تهیه نموده اند ودر بعضی از زوایا اسامی استادان کاشی ساز و معمار ومباشر وغیره هم نگاشته شده است .

گرفته‌است ودری آهنین و باشکوه که‌صنایع بدیعه در آن بخرج داده‌اند
نصب شده و جبهه و نمای این در دارای آویز های مقرنس زیبا و



دهلیز شرقی مدرسه‌عالی سپهسالار

دلربائی است .

درب طرف مشرق مدرسه دارای کریاسی کوچکتر وجلوخانی

متناسب ودهلیزی طولانی است که مستقیماً بصحن مدرسه داخل میشود .

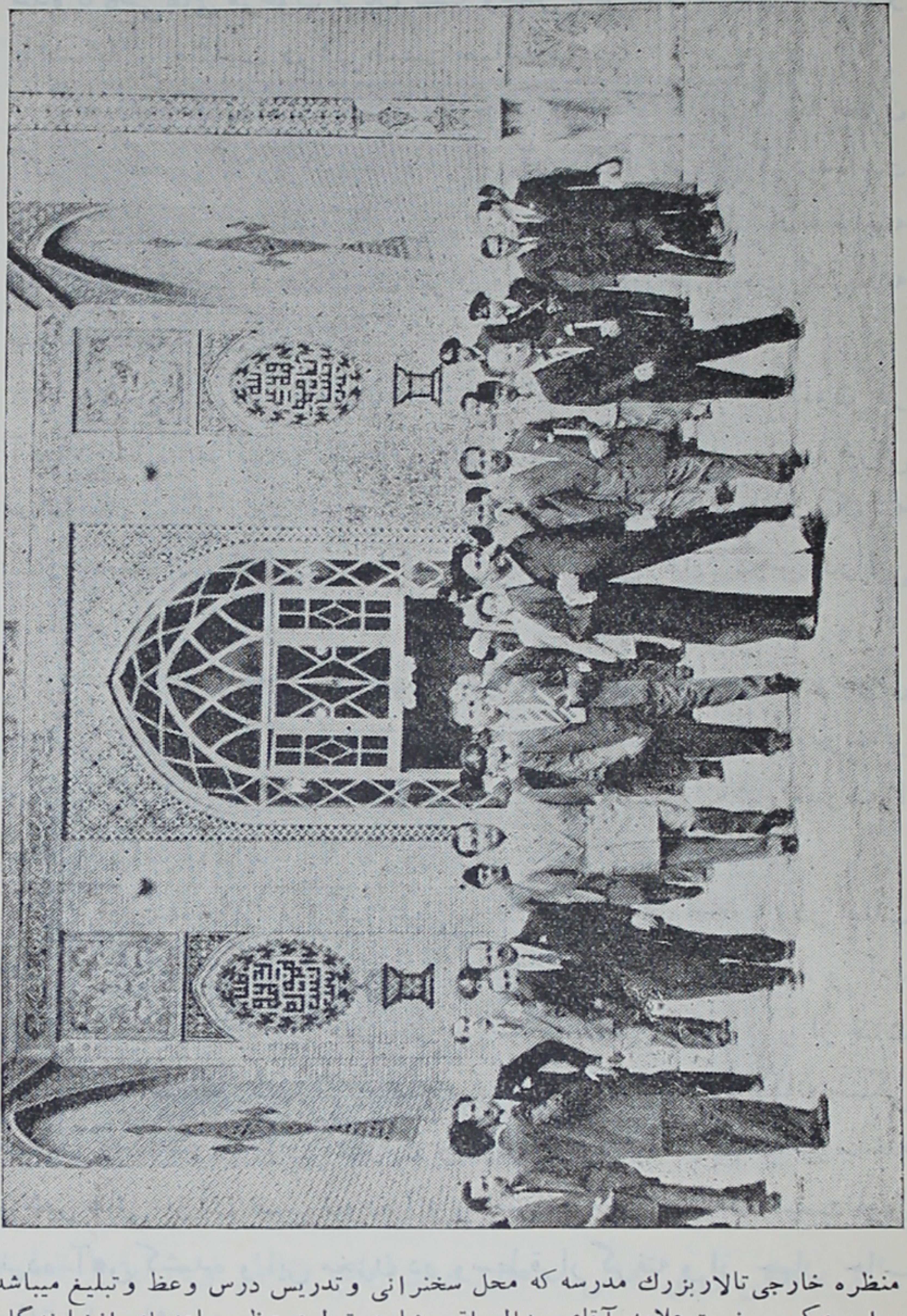
طاق هفت کاسه معروف بطاق معلق در مدخل و کریاس در سمت شرقی واقع شده که از جمله عملیات . برجسته و شاهکارهای معمار معروف دوره اخیر طهران استاد جعفرخان معمار باشی کاشانی (متوفی بسال ۱۳۵۲ قمری - ۱۳۱۲ شمسی) میباشد که آنرا در دوره شاگردی خود ساخته وعمده کار معماری را حاج ابوالحسن معمار انجام داده است .

جدیداً برای مدخل شرقی مدرسه و مسجد در متناسب جدیدی ساخته و نصب نموده اند ازمدخل در و جانب جنوبی بدو حیاط خلوت این مدرسه داخل میشود که ساختمان آنها هم متناسب با وضعیات دیگر مدرسه است و در بدنه جنوبی دهلیز سه در بزرگ بداخل شبستان و چهل ستون باز میشود و در بزرگ دیگری برای چهل ستون است که در ایوان بزرگ سمت شرقی صحن قرار گرفته و در جانب جنوبی آن نیز دری است که بطرف حیاط خلوت جنوب شرقی مفتوح میگردد و در قسمت فوق ایوان شمالی دو گلدسته و مأذنه برپا شده که در وسط آن ساعت بزرگ مسجد ومدرسه نصب گردیده است .

این ساعت دارای دو صفحه است که یکی بطرف صحن مدرسه ودیگری بجانب عمارت بهارستان (مجلس شورای ملی) مواجه شده گنبد مسجد و مناره ها که در طرف قبله و جهت جنوبی باغ مجلس شورای ملی و رو بروی عمارت پارلمان واقع شده منظره فوق العاده باشکوه وجالب توجهی دارد و در انظار عموم بزرگی وعلو همت و خلوص نیت سپهسالار را مجسم مینماید .

در دنباله ایوان شمالی و قسمت زیر ساعت که سابقاً گلخانه زمستانی مدرسه بوده از سال ۱۳۱۰ شمسی (۱۳۵۰ قمری) مبدل بتالار بزرگ ومدرسی گردیده که فعلا محل سخنرانی و تدریس درس وعظ

و تبلیغ میباشد یکی از تمثال های قلمی با جلال و وقار سپهسالار که از شاهکار های مرحوم کمال الملک است باین تالار زینت و شکوه خاصی داده است .



منظره خارجی تالار بزرگ مدرسه که محل سخنرانی و تدریس درس وعظ و تبلیغ میباشد
در این عکس حضرت علامه آقای سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی باعده‌ای از نمایندگان
کشور های اسلامی که برای ملاقات معظم‌له بمدرسه آمده اند دیده میشوند

حیاط کتابخانه مدرسه که در قسمت شمال شرقی صحن بزرک واقع شده باکاشی های مرغوب تزئین گشته ومحل دفتر مدرسه عالی سپهسالار با تشکیلاتی متناسب در این قسمت میباشد .

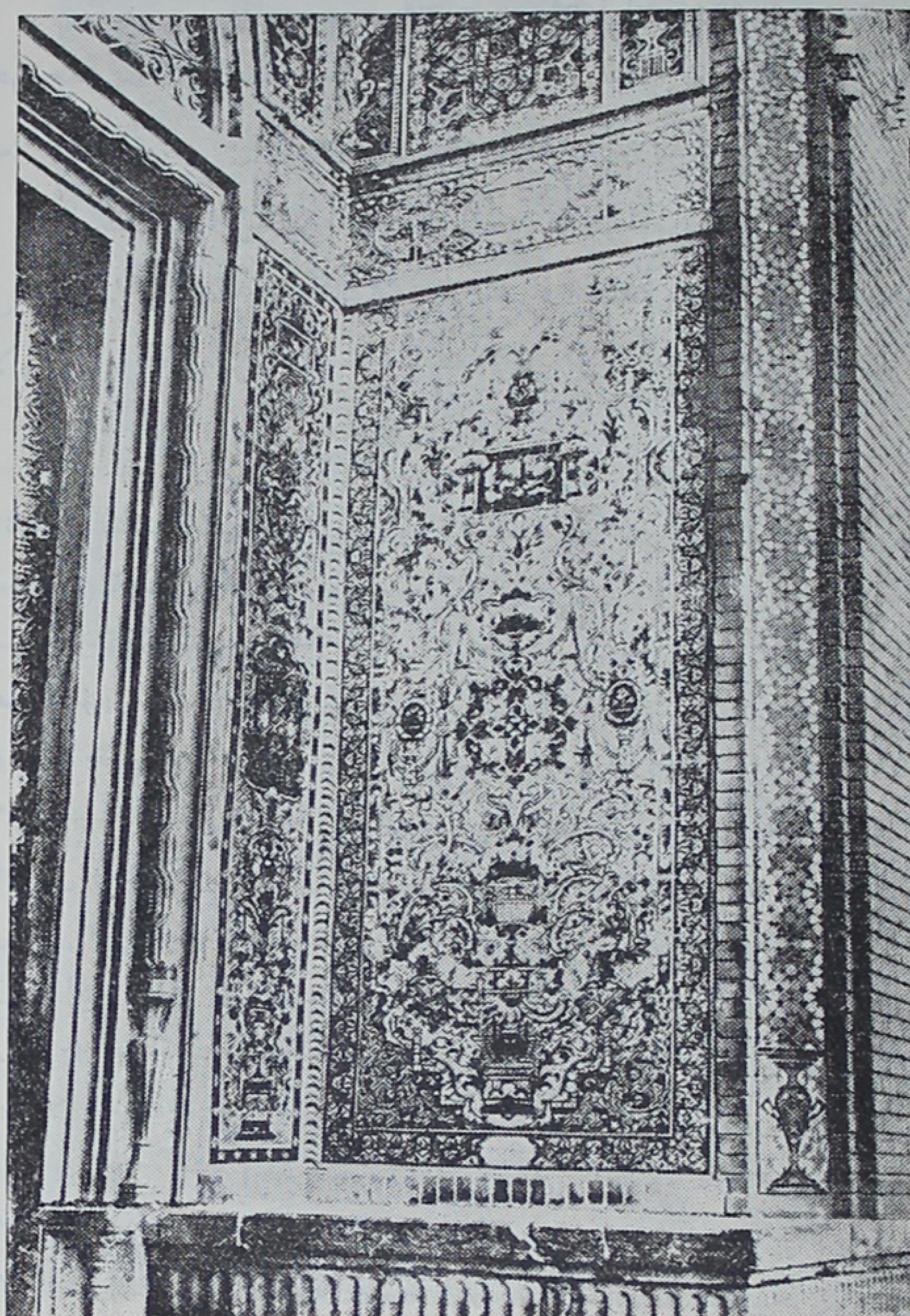
بنای کتابخانه در قسمت مشرقی این حیاط قرار گرفته مخزن کتب در عقب وتالار قرائت خانه درجلو آن مبله ومفروش گردیده‌است در قسمت شرقی کتابخانه بنای بزرك و زیبائی برای کتابخانه ساخته شده که فعلا محل فرهنگستان ایران میباشد و در نظر است کتابخانه مدرسه بآنجا انتقال داده شود .

در پشت کتابخانه محل مکتب خانه سابق است که اکنون در آنجا دبستان ابتدائی دولتی دائر است دریکی از زوایای جنوب شرقی حیاط خلوت کوچکی است که از سمت جنوبی آن نیز دری بکوچه پشت مسجد باز میگردد و اکنون محل کلاس های درس در این قسمت می باشد .

صحن مدرسه دارای چهار باغچه مشجر و چهار خیابان وحوض بزرگی است که آب جاری قنات مهران اختصاصی مسجد و مدرسه و عمارت بهارستان در آن روان وطراوت وصفای صحن دلگشای مدرسه‌را چندین برابر مینماید .

از مدخل در بزرگ غربی (طرف خیابان نظامیه) در جانب شمال غربی محل چهل شیر است که بسلیقه خاصی ساخته شده و آب انبار یا جای ذخیره آب مشروب مدرسه محسوب میگردد و از قنات اختصاصی مجرائی دارد . این بنا بواسطه ستون های هشتگانه سنگی ضخیمی بالارفته ومخزن آب‌را ازچهار طرف با سنگهای تراش ساخته و شیر هائی برآن نصب نموده اند و اطراف مخزن را از قسمت فوق نرده آهن کشیده و این مخزن در وسط قرار گرفته و از چهار جانب طاق نما میباشد .

در حواشی داخلی و خارجی و بالای ایوان‌های چهار طرف و غیره و بالای گلدسته‌ها و قسمت داخل شبستان مقصوره و محراب چهل ستون



منظره‌ای از کاشیکاریهای جلوخان در بزرگ غربی

کتیبه هائی روی کاشی مسطور ودر اغلب مناظر و مرایا با خطوط

کوفی آیات قرآنی واسامی مقدسه منقوش گردیده و برزیبائی وشکوه بنا افزوده است.(۱)

و قفنامه ها

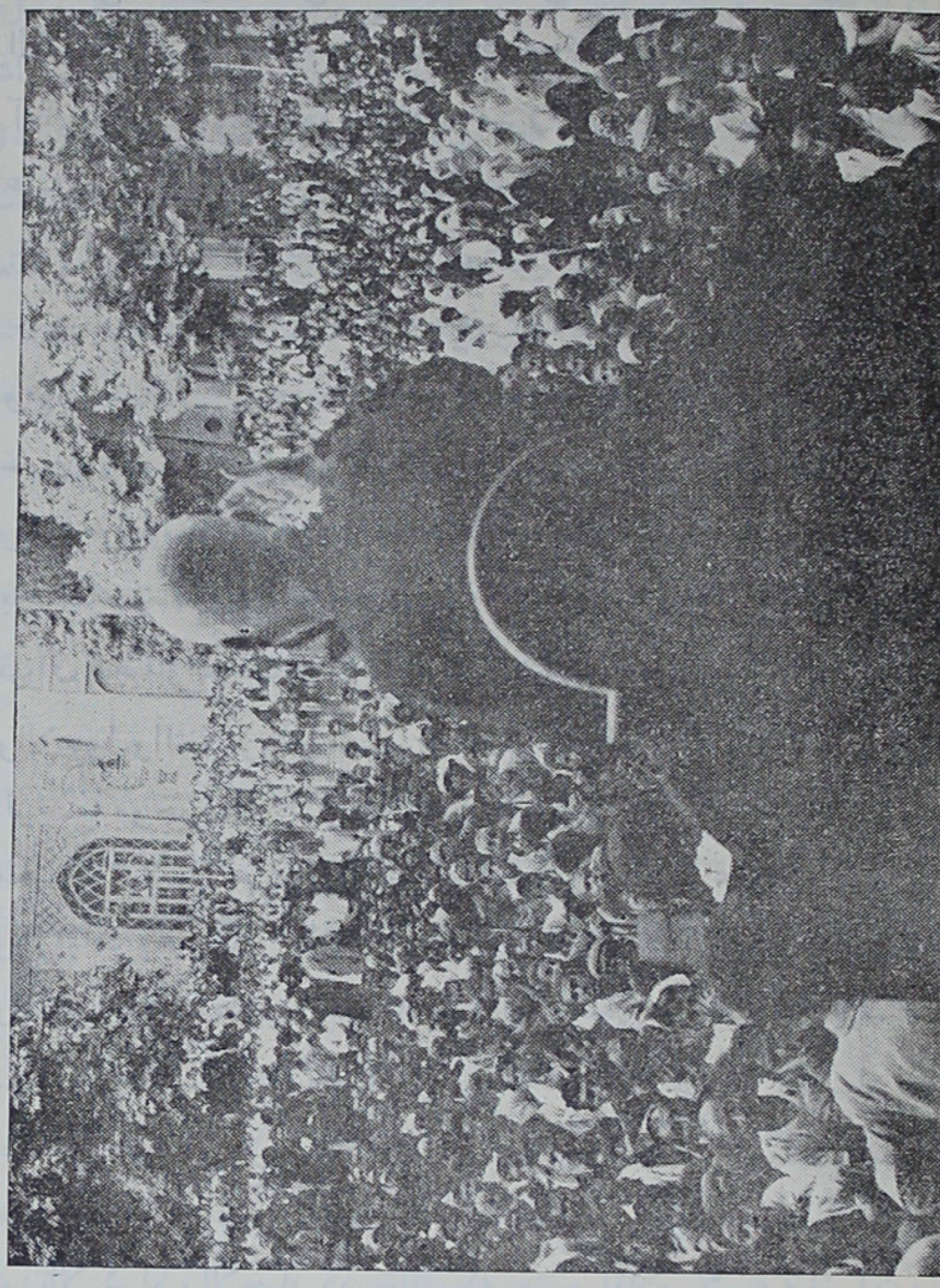
مدرسه و موقوفات آن دارای دو وقفنامه مختصر و مفصل است وقفنامه مختصر در کتیبه صحن مدرسه از قسمت بدنهٔ راست جهت غربی شروع شده و بسمت بدنهٔ چپ طرف غربی منتهی میشود بدین مضمون :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر و الصلوة والسلام علی اشرف خلقه محمد و آله سید الاوائل والاواخر واهل منزل الوحی و مدارس الایات ماوقفت الارضون ودارت

---

۱ – کتیبه دور طاق شبستانهای اطراف مقصوره بخط کوفی بسیار جلی (انافتحنا لك فتحاً مبیناً) – کتیبهٔ زیر گلدسته طرف شرقی – یاایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة الخ – طرفین طاق جلو مقصوره : طرف غربی – قال رسول الله صلی الله علیه و آله الصلوة قربان کل تقی ۱۳۴۵ طرف شرقی قال الرسول (ص) الصلوة معراج المؤمن (عمل محمود و محمد) – اطراف طاق – عجلوا بالصلوة قبل الفوت – کتیبهٔ ما بین گلدسته جلو خان مقصوره و ایوان جنوبی – الحمدلله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولداً الخ کتیبهٔ بالای گلدسته طرفین مقصوره و ایوان جنوبی قال الله تعالی – ماکان محمد صلی الله علیه و آله اباا حدمن رجالکم – کتیبهٔ بالای گلدسته های طاق مقصوره – ان الله وملئکة یصلون علی النبی الخ – کتیبهٔ قسمت داخلی ایوان شمالی – بسم الله الرحمن الرحیم لم یکن الذین کفروا الخ – کتیبهٔ بالای قسمت خارجی ایوان سمت غربی سورهٔ – اذاجاء نصرالله وانما یعمر مساجدالله – کتیبهٔ بالای قسمت خارجی ایوان سمت شرقی انافتحنالك فتحاً مبیناً – کتیبه بالای قسمت خارجی ایوان جنوبی بین دو گلدسته الله نورالسموات والارض مثل نوره الخ – کتیبهٔ پایهٔ گلدسته طرف جنوبی جلو ایوان مقصوره – بتوفیقات سبحانی وسعی واهتمام مقرب الخاقان احمدعلیخان سرتیپ سرکار مسجد جدیدالبناء ناصری مرحوم حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم طاب ثراه اتمام پذیرفت – کتیبه بالای قسمت خارجی ایوان قسمت خارجی ایوان شمالی بین گلدسته ها و ساعت قل اللهم مالك الملك الخ – کتیبهٔ پایهٔ گلدسته طرف شرقی جلو ایوان مقصوره انما یعمر مساجدالله من امن بالله والیوم الاخر الخ (مرقوم بخط میرزا عمو ۱۳۰۲) کتیبهٔ جلو محراب چهلستون سورهٔ سبح اسم ربك الاعلی – الخ

السموات در عهد سلطنت اعلیحضرت قدر قدرت خاقان الامم خلیفة الله
و حامی شریعة الاسلام و داعی الملة البیضاء سلطان السلاطین الزمان و



منظره ای از صحن مدرسه در یکی از روزهای سوگواری هنگامی که یکی از وعاظ معروف تهران برای مردم مشغول موعظه میباشند

خاقان خواقین الدوران کهف الاسلام و المسلمین نصرة الدنیا و الدین طراز
کسوت سلطنت و جهانداری سایهٔ بلند پایهٔ عدل و رحمت حضرت پروردگاری

(این مدرسه بناء و در عهد سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی ادام‌الله سلطنة مرمت و تعمیر گردید)(۱) در ساعتی مسعود و زمانی محمود و طالعی همایون و تاریخی میمون بندگان عالی خداوندمعالی الامیر الباذل و الصاحب العادل جناب مستطاب اجل ارفع امجد اشرف اکرم آقای مشیرالدوله الحاج الافخم میرزا حسینخان سپهسالار اعظم دولت علیه ایران حرسه‌الله عن طوارق الحدثان این جامع کبیر و مدرس منیع را بتمام از حجرات فوقانی و تحتانی و مقصورات تابستانی و زمستانی که بر حسب اشاره و اختیار اعلیحضرت همایونی که عهد سلطنتش پاینده و مهر معدلتش تابنده باد بمسجد و مدرسهٔ ناصریه نامیده بعلاوه مارستانی حصین و دبستانی رزین و گرمابه و آبگیری متین و انبار آب والمیضاء (کذا) والحوض والمطبخ والانبار والمرافق والدروب والابواب والدهالیز وغیرها باعرصه مشتمله بر آنها مع جمیع ما یتعلق بها و یحتاج الیه فیها از نسخ قرآن مجید و صحف دعوات و تصانیف علوم و فنون و مؤلفات من کتب الفقه والاصول والتفسیر والحدیث والکلام والحکمة والطب والادب وسائر الفنون الرسمیه موجوده در کتابخانه علمیه مدرسه و اثاث و بساط و ادوات و ظروف محتاج الیها من السرج والقداور والمصافی والقصاع والبواطی والانماط والزلیات و غیرها من الاسباب والالات اللازمه که از برای مسجد و مدرسه و سائر ابنیه مسطور است که مصداق حقیقی صدقات جاریاتست مهیا و ممهد نموده همه اینها را کلا و ارقاماً اصولا و فروعاً بانضمام سه دانگ مختصی خود از کل ششدانگ قنات مشهوره بقنات مهران وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمودند متقرباً الی‌الله و طلباً لمرضات‌الله بالطوع والاختیار دون الاکراه والاجبار در حالتیکه جمیع اقاریر شرعیه از آن ممضی و نافذ بود بر جمیع طلاب علوم و مصلیان مرضای سکان مدرسه و اطفال

---

۱ — این قسمت درزمان شاهنشاه فقید هنگام تعمیر نوشته شده است .

مسلمین واشخاصیکه نوعاً مقرر فرموده اند از امام جماعت و نائب امام ویکنفر مدرس منقول از فقه واصول ویك نفر معلم ریاضی ویك نفر مدرس معقول از حکمت و کلام ویك نفر تالی مدرس منقول ویك نفر تالی مدرس معقول ویك نفر معلم مقدمات ویك نفر معلم ادبیات ویك نفر حکیم باشی دار الشفا که هشت نفر مجموع مدرس ومعلم ویك نفر مستوفی ویك نفر ضابط موقوفات و یك نفر واعظ ویك نفر کتاب دار ویك نفر خادم باشی وشش نفر خادم ودو نفر قاری و یکصدو بیست نفر طلاب وچهار نفر معلم مکتب خانهٔ اطفال ودو نفر خوشنویس مشاق مکتب خانه اطفال و دو نفر طبیب دار الشفاء ویك نفر دواساز ویك نفر شاگرد دواساز و یکنفر ناظر مطبخ ویکنفر طباخ وچهار نفر پرستار مریض وده نفر رخت شوی مرضی ویکنفر ساعت ساز ودو نفر حافظ کتب وچهار نفر مؤذن ودو نفر مکبر وسه نفر چراغچی و یکنفر دربان و یکنفر باغبان یکنفر خادم مکتب خانهٔ اطفال باشروط هریك که خواهد آمد بعلاوه عامهٔ مسلمانان و صورت موقوفات مسجد بدین تفصیل است :

در طهران قیصریه مع سی وپنج باب دکاکین بانضمام دو باب حمام زنانه ومردانه نزدیکی آن و هیجده باب دکاکین واقعه در بازار امیرو قریه گرك تپه شش دانك در ورامین و قریه میان آباد ششدانك در غار قریهٔ شهرك سه دانك واقعه در طالقان .

املاك واقعه در قزوین قریهٔ کمال آباد شش دانك وقریهٔ فیض آباد چهاردانك ونیم وقریه آقابابا دودانك ونیم الی نیم فرد .

املاك واقعه در خمسه : قریهٔ حمید آباد شش دانك - قریهٔ داشلوجه شش دانك وقریه علی گزبر شش دانك وارهان ششدانك بانضمام یکباب کاروانسرای ذغالی جدید البناء نزدیکی مسجد مع ششدانک دکاکین که همه ساله منافع املاك مزبوره را در وجه مخصوصین مذکوره بتفصیلی که اشاره میشود در فتار نمایند آخر کتیبه - عمل استاد صادق کاشی » .

دیگری وقفنامه تفصیلی که اصل نسخه خطی آن مسجل وممهور بمهر مرحوم سپهسالار میباشد .

اصل وقفنامه کتابچه‌ای است مشتمل بر ۷۹ صفحه ویك ورق سفید پشت جلدی که باخط خوب و کاغذی مرغوب و جلد روغنی پشت بوته‌دار مقوا که قسمت داخلی آن برنك لاکی ساده درست شده در کتابخانه مدرسه مضبوط است .



مرحوم احمد علیخان سرتیپ
که مدتها در امور ساختمانی مدرسه نظارت داشته

در صفحه آخر این وقفنامه سجلات و مهر مرحوم واقف باامهار علماء مسجل وممهور گردیده ولی نکته قابل توجه این است که تاریخ متن وقفنامه در سال ۱۲۹۷ مسطور گردیده ولیکن سجل علما مورخ بتاریخ شهر ربیع الاول ۱۲۹۹ چندی بعداز وفات واقف است و این موضوع معلوم میدارد که ابتدا وقفنامه مسوده شده و بمهر رسیده وبعد از آن پاکنویس واجرای صیغه درهفت شوال ۱۲۹۷ بعمل آمده سپس سوانح و حوادثیکه برای سپهسالار روی داده باو مجال نداده است که وقفنامه را تکمیل کند ودر صفحه ۱۶ وقفنامه ذیل صورت املاك و رقبات سجل ومهر مرحوم حاج آقامحمد نجم آبادی رازی است وآخر وقفنامه بمهر اسمی سپهسالار (حسین) ممهور گردیده وازاین قرار وقفنامه رامشیرالدوله بعدازفوت برادرش تکمیل نموده است .

وقفنامه مفصل

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی السرائر والضمائر، والصلوة علی محمد سید الاوائل والا واخر، و آله اهل منزل الوحی و مدارس الایات ، ماوقفت الارضون ودارت السموات.

« امابعد »

فقد علمت قیس بن عیلان اننی اذا اقلت اما بعدانی خطیبها ،

ترا زندهٔ بنیان دار ایجاد وفرازندهٔ ایوان سبع شداد چون بر اقتضاء حکمت بالغه بسر پنجه قدرت کاملهٔ خویش قواعد بیت پیکر جنس انس برافراخت ومشعلهٔ روان هیکل معشر بشر بیفروخت تولیت حل وعقد امور و قبض و بسط مهمات آن با سلطان عقل باز گذارد که سالار سپاه نشأهٔ آفرینش است ، وواقف رموز مدرس دانش و بینش، تا زوایای صحن خاطر آن از تعلقات اعلاق این سرای مزخرف بپردازد، وسرایای حجره درونش بفروغ معرفت صانع خویش منورسازد. قال الله عزاسمه و ما خلقت الجن والانس الالیعبدون در ذیل تفسیر این کریمه بسند شیخ صدوق رضی الله عنه از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت میکنند که گفت : ریحانهٔ نبی حسین ارواحنا فداه از سرای معلای خویش بر آمد و با اصحاب چنین خطاب نمود : که ایها الناس ان الله جل ذکره ماخلق العباد الالیعرفوه فاذاعرفوه عبدوه واذاعبدوه استغنوا بعبادته عن عبادة

من سواه. ای وربی ، هر که‌را دولت شناخت بانی اعیان عرصه غیب وشهود آنچنانکه باید نصیب افتاد، وسعادت پرستش عامر دیار خطهٔ ملك وملکوت بدانسان که‌شاید روزی گشت ، درهوای وی تار و پود زنار پرستش درهم ودینار از هم گسیخت . و در رضای او عرض وطول غبار بستگی ملك و عقاردر هم درید، و سپس آئینه ضمیر حقیقت پذیرش هیچگاه زنك تعلق از این دار غرور نپذیرفت ، و شاهباز همت و الا نهمتش هرگز سایه التفات بر این قنطرهٔ عبور نینداخت ، فان الدنیار نق مشربها ردغ مشرعها یونق منظرها و یوبق مخبرها غرور حائل وضوء آفل و ظل زائل وسناد مائل ، واین گونه مردم سعادتمند بالفرض اگر بتمام کنوز دنیا و خزائن ارض مما تنفست عنه معادن الجبال وضحکت عنه اصداف البحار من فلز اللجین و العقیان و نثارة الدر و حصید المرجان دست استیلا پیدا نموده و در جمیع مزارع معموره و املاك عالم من کل برة سمراء وروضة خضراء واریاف محدقة وعراص مغدقة وزروع ناضرة وجنات عامرة حق تصرف بهمرسانیده باشند هم در طعنشان نمیتوان گفت که سودای سیم وزر در سر دارند ، وعشق آب و گل در دل، چه این گروه عاقبت پژوه وقتیکه ببازار تحصیل رضای ملك الملوك هردو جهان گذرند وخواهند که‌سپاس عوارف ولی نعمت کل عوالم امکان گذارند تمامت آن منقول بردرد که دلاله هل ادلکم علی تجارة تنجیکم درساعتی مصروف سازند ، وجمله این اصول در خریداری کالای شجرة الخلد و ملك لا یبلی تا ابد موقوف دارند ، امام ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق سلام‌الله علیه در مدح اینگونه زخارف ستوده فرموده: که نعم العون علی الاخرة الدنیا و امیر المؤمنین علی علیه وعلی اله صلوات‌الله که این عجوز شوها را سه طلاق فرموده بود در خطبه این چنین کریمه حسناء گفته: که الدنیا دار صدق لمن صدقها، و دارغنی لمن تزود منها ، مسجد احباء‌الله و متجر اولیاء‌الله ، اکتسبوا فیها الرحمة وادخروا منها الجنة. واز جلائل همتها و شرایف عزیمتهای این

طایفه در اکتساب رحمت و ادخار جنت عمارت مساجد است ، و انشاء مدارس، که خدای تعالی در تصدیق ایمان بانی آن عمارت فرموده انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم الاخر و رسول صلی الله علیه واله تقدیر مزدوی این چنین نموده که من بنی مسجد فی الدنیا اعطاه الله بکل شبر منه مسیرة اربعین الف عام مدینة من ذهب وفضة ودر ویاقوت وزمرد وزبرجد ولؤلؤ ودر خبر دیگر آمده که من بنی مسجد اکمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة،و در حوالت اجرت خداوند آن انشاء پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده:

من اعان طالب العلم ولو بالقلم المکسور فکانما زار الکعبة سبعین مرة وجبرئیل خبر داده که یامحمد صم ان الصدقة علی خمسة اوجه الواحدة بعشرة والواحدة بسبعین ، والواحدة بسبعمائة ، والواحدة بسبعین الفاً ، والواحدة بمائة الف ختم رسل میفرماید: یا امین وحی گفتم اخبرنی عن الواحدة بعشرة گفت :

ان تدفعها الی رجل صحیح البدن والیدین والرجلین والعینین والواحدة بسبعین ان تدفعها الی زمن والتی بسبعمائة ان تدفعها الی الوالدین والتی بسبعین الف ان تدفعها الی الاموات والتی بمائة الف ان تدفعها الی طالب العلم . الحاصل اصول این دو بنیان از مسانید صحاح اخبار و مراسیل صراح آثار در کتب و افواه بسیار است ، بلکه بیرون اندازه شمار ، ولی در خصوص مدارس جمله از عموم ایاتند ، مانند : تعاونوا علی البر والتقوی و شمول روایات الا ان الله یحب بغاة العلم ، چه این عنوان مخصوص را اختراع تخطیط اساس در اواسط خلافت آل عباس اتفاق افتاد قاضی القضاة شمس الدین احمد بن خلکان اربلی در شرح مآثر نظام الملك حسن وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی گفته:«و بنی المدارس والربط والمساجد فی البلاد وهو اول من انشأ المدارس فاقتدی به الناس»

و برخی از متتبعین اهل سیر بچند سال قبل از تاریخ نظامیهٔ بغداد از چند مدرسه نامی نشان داده اند ، و گفته اند : نخستین مدرسهٔ اسلام بیهقیه است که آنرا مردم ایرانشهر بنیاد نهاده اند ، لیکن چون در مدرسهٔ خواجه وظایف و مرسوم مقرر بود ، وجرایات معلوم مستمر ، مجمع فحول رجال گردید ، ومنتجع رواد کمال ، وازاین روی نامش در آفاق چندان مذکور شد که در عداد اولیات مسطور گشت ، .

حياك من لم تكن ترجو تحية لولاالدار هم ماحياك انسان تقی الدین احمدبن علی مقریزی در کتاب المواعظ والاعتبار میگوید که : « والمدارس مما حدث فی الاسلام ولم تكن تعرف فی زمن الصحابة ولا التابعين ، وانما حدث عملها بعدالاربعمائة من سنى الهجرة واول من حفظ عنه انه بنى مدرسة في الاسلام اهل نيسابور ، فبنيت بها المدرسة البيهقية وبنى بها ايضاالامير نصر بن سبكتكين ، اخوالسلطان محمود مدرسة ، وبنى بها ايضاالمدرسة السعيدية واشهر مابنى فى القديم المدرسة النظامية ببغداد ، لانها اول مدرسة قرر بها للفقهاء معاليم ، و كيفما كان عمارت مدارس از آثار رواج علم است ، ورواج علم از آثار عمارت ملك ، قالت الفلاسفة فى فن السياسات « ان الصنايع والعلوم انما تكمل بكمال العمران الحضرى » .

جناب مستطاب اجل ارفع امجد اشرف اکرم مشیرالدوله الحاج میرزا حسین خان سپهسالار اعظم وزیر امور دول متحابهٔ خارجه و ملل مختلفهٔ داخلهٔ جمع الله له بين العمر المديد ، والعيش الرغيد ، ومحامات الايمان ، و موالاةالسلطان ، چون براقتضای سالاری غازیان خون آشام ، سرداری حافظان بیضهٔ اسلام ، وجود عاقبت محمود را همواره آمادهٔ جهاد با اهل طغیان و فساد میدارد ، خواست که کالای کنوز اموال نیز ضمیمهٔ متاع ذات بیهمال بماند ، تادر بازار ان الله اشترى من المؤمنين

انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة » با مبیع کامل در آید . و ثمن تمام دریابد . پس درساعتی مسعود و طالعی میمون وزمانی مبارك‌وتاریخی همایون ، که امیر دین پرور وصاحب داد گستر را .

جهان بکام‌وفلك بنده وظفر همدم امیدتازه‌و دولت‌قوی‌و بخت‌جوان

بود بفرمود تا مهندسان اقلیدس اندیشه و معماران سنمار پیشه ؛ در قبة‌الاسلام طهران ، از اراضی مجاورهٔ سرای محروس وی ، عرصهٔ را که‌خاکش‌چون‌زمین‌یونان‌دانش‌انگیزاست‌وفرهنگ‌آمیز ، وهوایش مانند‌نسیم‌جنان‌مایهٔ‌نشاط‌است‌وروان‌انبساط ، برای‌تأسیس‌ابواب‌البر بری شکرف اختطاط کردند و سرکاران نکته گیر و مباشران مشکل پذیر ، بنایان‌شیده حرفت‌واستادان‌میکلانژ‌صنعت ، وحجاران فرهادشعار ونجاران بدیع کردار وجصاصان کارآزمون‌ومزدوران عفریت نمون‌از هر نقطهٔ درآن خطه حاضر آوردند وهریك را در سر شغل مخصوص خویش منصوب داشتندو برصفت سیاراتشان هیچ‌دقیقهٔ از حرکت‌مهمل نگذاشتند ، تا پس از حمل بسی‌رنج‌فراوان ، وبذل بسی گنج شایگان؛ جامعی کبیر ومدرسهٔ منیع و مارستانی‌حصین ودبستانی قویم‌و کتابخانهٔ محیط و گرمابهٔ وثیق و آبگیری عمیق ، بلواحقها ، ایجاد کردند که‌از بریق‌صخرهای‌مصقول ، ولمعان رخامهای‌املس ،وتلالؤمرمرهای‌شفاف وشعاع حجارهای مسنون آن آئینهٔ عقول تیره است ودیدهٔ اوهام‌خیره ودر ارتفاع طاق عظیم و امتداد دعائم متین‌وعرض ایوان مشید وطول مأذنهای رفیعش مهندس خیال در حیرتست ومساح اندیشه در دهشت ، گوئی آصف روزگار آیا صوفیه‌بوزنطیای روم را بطرفة‌العین‌دراین مرزو بوم احضار نمود ویا ازجانب سلیمان زمان مسخرات الشیاطین‌را بنیاد مسجد اقصای دیگر فرمود :

اكل بناء انت بانيه معجز بنيت المعالی ام بنيت المنازلا
اصائلها للنور اضحت هواجرا هواجرها للطيب اضحت اصائلا
هی الدار امست مطرح العلم فاغتدی بهـا ناهل الا مال ريان ناهلا

وانگاه از نفايس نسخ قرآن مجيد، وصحف دعوات، وتصانيف علوم، ومؤلفات فنون، من كتب الاصوليين، والفقة، والتفسير، والحديث، والحكمة، والطب، والادب، وغيرها، بقدر حاجت، واز امتعهٔ واثاث وبسط واعراض لازمه من القدور، والمصافی، والقصاع، والبواطی، و الانماط، والاوانی، والزليات، والقوالی، وغيرها، باندازهٔ ضرورت كه تفصيل آنها نگارش خواهد يافت، ازاموال خاصهٔ خويش، برای آن ابنيهٔ مشيد، معد وممهد داشت. پس بر حاليكه متكلم عقل در عنوان صدقات جاريات ازدر استشهاد كريمهٔ: «وافعلوا الخير لعلكم تفلحون» تلاوت ميكرد و مستمع رضا درخاصهٔ باقيات صالحات بلسان تصديق صحيحهٔ «لم يكن احد من الصحابة ذومقدرة الاوقف» روايت مينمود، به نيتی آنچنان صافی كه نه دردبيم عذاب نار جحيمش آلوده تواند ساخت، ونه آميغ خلود جنت نعيمش تيره تواند داشت، بل خالصاً لوجه الله وابتغاء رضوانه، وقف مؤبد وحبس مخلد نمود، تمام عرصه واعيان اين صفحه مشتمل برمسجد، ومدرسه، ودار الشفا، وبيت التعليم، و مخزن كتب و انبار آب، وحمام، ومايتعلق بهارا: من المطبخ؛ والميضا (كذا) والانبار والمرافق والدروب، والابواب، والدهاليز، وغيرها «مماذ كرام لم يذ كروز برام لم يز بر» كه محدود داست بحدود ار بعهٔ مسطورهٔ ذيل، بضميمت يك دانك و نيم ازسه دانك مختصی خود از كل ششدانك يكرشته قنات مشهور بقنات مهران، باضافت تمامت آن كتب و اسباب معينه، وبسط واوانی معلومه، برعموم اهل اسلام، ومصليان مسجد، و اصناف طلبه علوم، ومرضای سكان مدرسه، واطفال مسلمين، علی ماتقرر فی الفصل الاول من الفصول الاربعة الاتيه.

(ومغبة ذلك) ازمیان رساتیق ورقبات ، و مزارع و مستغلات ، وعیون وقنوات ، ودکاکین وخانات ، خاصه متصرفه خود ، املاك مفصلهٔ ذیل را اختیار نموده وجمله را :

املاك واقعه در دار الخلافه طهران وتوابع

املاك واقعه در دار الخلافه

قیصریه حالیه بانضمام دو باب حمام زنانه ومردانه نزدیك آن دو باب دکاکین نزدیك قیصریه سی و پنج باب .

دکاکین واقعه در بازار معروف ببازار امیر هجده باب .

املاك واقعه در توابع دار الخلافه .

قریه گل تپه واقعه در ورامین ششدانگ .

قریه میان آباد واقعه درغار ششدانگ .

قریه شهرك واقعه در طالقان سه دانگ .

املاك واقعه در قزوین وخمسه

واقعه در قزوین

قریه کمال آباد ششدانگ .

قریه فیض آباد چهاردانگ (و) نیم .

قریه آقابابا دودانگ الانیم فرد .

واقعه در خمسه

قریه حمید آباد ششدانگ .

قریه داشلوجه ششدانگ .

قریه علی گز بر ششدانگ .

قریه ار بال باتوابع ششدانگ .

بسم الله خیر الاسماء

بتاریخ روز هفتم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ در خانهٔ مرحوم واقف خیر مواقف صیغهٔ وقف املاك مفصله بجهة عموم وجوه خیریه که

در کتابچهٔ شریفه ذکرشده بطور عموم واطلاق بتوکیل مرحوم واقف قدس‌الله نفسه سمت جریان پذیرفت .

حرره فی ۲۶ ربیع الاول ۱۲۹۹ محل مهر مرحوم حجة‌الاسلام حاجی آقا محمد نجم آبادی اعلی‌الله مقامه الشریف در ظهر ورقه محل مهر حاجی ملا احمد محرر .

بضمائمها الشرعیه و توابعها العرفیه بالطوع والرغبة والاختیار ناویا للتقرب الی الله تعالی واقف مؤبد، وحبس مخلد نمود ، برارباب مناصب و اجزاء دایرهٔ اوقاف، مسطوره و مصارف معینه متعلقهٔ بآنکه همه‌ساله منافع ومحاصیل آنهادروجه وظایف نایب التولیه،و ناظر، وامام،ومدرسین، و نایب امام ، و حکیمباشی ، و مستوفی ، و ضابط ، و حفظهٔ کتب ، و واعظ ، وطلاب ومعلمان و مکتبیان ، وطبیبان ، و ممرضان ، ومؤذنان ، و مکبران ، و چراغچیان ، و خادمان ، و در وجوه اخراجات آبادی خرابیهای موقوفات ، و نسق املاك ، و اصلاح کتب ، و ظروف ، و فرشها ، و ابتیاع عوض تفریط شده ، و تعزیه داری (۱) عشر اول محرم، و لیالی متبرکه، و احیاآت لیالی مخصوصه ، وتهیه‌اغذیه واشربه‌مرضی، و لوازم مکتب خانه ، و چراغخانه ، وحمام ،وباغچه ، و امتحان طلاب، وغیر ذلك ، پرداخته شود ، علی ما تقرر فی الفصل الثانی من الفصول الاربعه الاتیه ، و تولیت حل وعقد امور این موقوفات‌را برمتها (۲) و قبض و بسط مراتب مسطورات را بازمتها مدت (کذا) الحیوة که‌مانند اظله رآیات ظفر آیات شاهنشاه عهد همی ممدود بادبخوداختصاص داد و پس از خود تولیت اوقاف‌مزبوره راکه‌بحقیقت حفظ ناموس شریعت است و حراست سفینه سعادت ، تا پایان دهر بسلطان‌دهر مفوض‌داشت،

(۱) ذیل جمله تعزیه داری : مهر (حسین ۱۲۹۳) واقف است .

(۲) ما بین سطور در این موضوع که مطابق ظهر صفحه قبل است : ثبت شده یااحمد خط و مهر حاج ملااحمد محرر است .

که آنچه مقتضای کرایم خصایص دادگستری ، و شرایف خصال عنصر دین پروریست ، در ایراد و اصدار احکام معدلت ، و امضاء و انفاذ تکالیف تولیت ، مبذول فرمایند ، و چون تصدی تمامت آن تکالیف من حیث المباشرة منافی حفظ احترام سلطنت است ، مقرر گشت که سلطان عصر یکی از رجال دولت را که بکفایت و امانت و صلاح موصوف باشد ، بتصدیق ناظر و امام و مدرسین منقول و معقول ، از جانب خود بنیابت منصوب فرمایند ، تا انجام تکالیف متعلقه بتولیت را که در اول فصل سیم مسطور است مباشرت نماید ، ولی بخصوص تغییر ناظر و امام و مدرسین منقول و معقول را بحکم صریح و توقیع مبارك خود اختصاص دهند ، وارجو که خدای توانا بر حسب قدرت نگاهداری این اثر جمیل ؛ و پاسبانی این حماء جلیل را ، بدرازی دوران ، و فراخای زمان بر عهده شاهنشاه عهد همی موکول دارد و نظارت اوقاف مزبوره را شخصاً با برادر والا گهر خویش روان پیکر مجد و شهامت ، جوهر شمشیر عزم و صرامت ، مؤسس ارکان عظمت و جلال ، و مشید بنیان حشمت و اقبال ، مقرب خاقان ، صهر سلطان ، جناب جلالتمآب امیر الامراء العظام یحیی خان معتمد الملك ، وزیر مخصوص ، دام اقباله العالی مفوض داشت ، و مقرر نمود که نظارت مادام الحیوة با معزی الیه باشد ، و پس ازاو نوعاً با ارشد و اصلح اولاد ذکور او و اولاد ذکور از اولاد ذکور او ، و هکذا با رعایت تقدم طبقه اولی بر ثانیه و ثانیه بر ثالثه ، و هکذا الی ماشاءالله ، و در صورت فقدان واجد وصفین در طبقات اولاد او و یا العیاذ بالله انقراض ایشان ، مفوض باشد بارشد و اصلح از دو برادر دیگر واقف معظم مقربی الخاقان و معتمدی السلطان نصرالله خان نصر الملك و حاج میرزا عبدالله خان علاء الملك ، دام اقبالهما ، و بعد از فوت احد هما با دیگری و پس از هردو با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان و اولاد ذکور از اولاد ذکور ایشان ، و هکذا با رعایت ترتیب مابین طبقات اعقاب ایشان و در صورت انقراض یا فقدان واجد وصفین معاً ؛ در ذکور اعقاب

هردو وا گذاراست بشخصی از امناء در بار سلطنت که بوصفین مذکورین متصف باشد و متولی اورا بتصدیق نایب التولیه وامام مسجد ومدرسین منقول ومعقول منصوب فرماید، ومقام امامت ومحراب عبادت را شخصاً بوجود حقیقت نمود علامة العلماء و استادالفقها عمادالمحققین و فخرالمجتهدین قبلة الانام وحجة الاسلام (۱) منور داشت وبعد از ایشان نوعاً باکسی است از اولاد ایشان که صلاحیت مقام امامت راداشته باشد بارعایت ترتیب ما بین طبقات اعقاب، درصورت تعدد باکسی است که بقرعهٔ محضر نایب التولیه وناظر ومدرسین منقول ومعقول معین شود، وبر تقدیر انقراض اعقاب ایشان یاعدم وجدان صالح این مقام در آنها باشخصی است که واجد شرایط امامت باشد، ومتولی بتصدیق نایب التولیه و ناظر ومدرسین منقول ومعقول وجمعی از ثقات طلاب مدرسه اوراتعیین فرمایند. ومسند تدریس منقولات شرعیه را من الفقه والاصول وما یتلوهما شخصاً بوجود فاضل نحریر ومحقق خبیر جامع المسموع والمعقول، ومجتهدالفروع والاصول، مروج الاحکام، مرجع الانام من الحاضر والبادی، تاج الحاج حاج **آقامحمد النجم آبادی** (لازال نادی ایادیه غاصاً بالمستفیدین) مزین ساخت وبعد از ایشان نوعاً واگذار است باعلم اولاد ایشان در اصول وفقه که اهلیت تدریس طلاب مدرسهٔ مزبوره را داشته باشد با رعایت تقدیم طبقه اولی بر ثانیه، وثانیه بر ثالثه، وهکذا الی ماشاءالله ودر صورت تساوی ایشان در اهلیت وعلم، مفوض است بآنکه بقرعهٔ محضر نایب التولیه و ناظر و امام ومدرس دیگر معین گردد، ودر صورت انقراض و یا فقدان واجد وصفین واگذار است بر کسی که اهلیت تدریس طلاب مدرسهٔ مزبوره را داشته باشد ومتولی اورا بتصدیق نایب التولیه وناظر وجمعی از ثقات طلاب مدرسه تعیین فرماید، ومجلس افاضت مطالب معقوله را شخصاً بجلوهٔ جمال حکیم اعلم، وفیلسوف اعظم قطب المرتاضین ولب المکاشفین

(۱) بیاض است در اصل :

صدرالدین الثانی الا(قا) میرزاابوالحسن اصفهانی لازال‌طول حضوره آهلا بالمقتبسین آراسته‌داشت ، وبعداز ایشان نوعاًواگذار است باولاد ایشان ، یاغیرهم ، بشرحی که در نوع مدرس فقه‌واصول مقرر گشت .

ونیز نوعاً یکنفر نایب امام ،ویك تالی مدرس منقول ویك تالی مدرس معقول ویك معلم ریاضی ،و یك معلم مقدمات ،ویك معلم‌ادبیات ویك‌حکیم باشی دارالشفاء ویك مستوفی و یك ضابط موقوفات و یك کتابدار ویك خادم باشی ویك واعظ ودوقاری ، ویکصد و بیست نفر طلاب وچهار معلم مکتب خانه اطفال ودو خوشنویس‌مشاق مکتب‌خانه اطفال ودو طبیب‌دارالشفا ویك دواساز و یك شاگرددواساز ویك‌ناظر مطبخ ویك طباخ‌وچهار پرستار ودورخت‌شوی مرضی‌ودو حافظ کتب و یك ساعت ساز وچهار مؤذن ودو مکبر وسه چراغچی ویك دربان‌و شش خادم ویك باغبان‌ویك خـادم مکتب خانهٔ اطفال برقرار نمود .

و برای هریك از موقوف علیهم تکالیف چند مقرر داشت که مطابق آن عمل نمایند. (علی ماتقر فی الفصل الثالث من الفصول-الاربعةالاتیه) و مقرر نمود که همه ساله در لیالی عشر اول‌محرم و شبهای جمه و لیالی متبر که در مسجد مجلس تعزیه داری منعقد و ذکر مصیبت ائمهٔ اطهار سلام‌الله علیهم بشود، و در لیالی مزبوره وروز عاشورا طلاب و غیرهم اطعام شوند و در لیـالی احیا ده نفر از طلاب و شبهای اعیاد عموم طلاب اطعام شوند ، و در آخر هر سال طلاب مدرسه امتحان شده بهر کس ترقی بین در تحصیل‌علم کرده باشد هدیه یاخلعت داده شود و استمراراً بیست نفر مریض از موقوف علیهم و غیرهم در دارالشفا نگاهداری و پرستاری شود و مستمراً یك صد نفر یاکمتر اطفال‌مسلمین‌درمکتب‌خانه تربیت شوند ،و شبهای‌عشر اول محرم و احیا یکصد وشصت چراغ وسایر لیالی تمام سال یکصد چراغ در چراغدانهای معلوم بمدت معین در مسجد و مدرسه روشن

باشد و حمام و باغچه موقوفه دایر و با صفا باشد (علی ماتقرر فی الفصل الرابع من الفصول الاربعة الاتیه) و نیز مقرر نمود که هر گاه بر بناء مسجد و مدرسه و مایتلوهما و مستقلات و املاك موقوفه قسمی خرابی وارد شود که یك عشر از کل منافع املاك موقوفه که برای چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات در اوایل فصل دویم مقرر شده وفا باصلاح آن ننماید خرج اصلاح چهار فقره مزبوره هرقدر بشود کلا بر تمام سهام موقوف علیهم سوای نیم عشر حق الزحمهٔ نایب التولیه و ناظر مقدم باشد باین قسم : که از کل منافع یکساله املاك موقوفه بعداز وضع نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر اصلاح آن چهار فقره تا هر مبلغ باشد کاملا شده آنچه میماند تقسیم بسهام شده بطوریکه در فصل دویم مقرر است معمول شود و هر گاه خرابی فاحش بموقوفات مزبوره وارد شود چنانکه مخارج اعادت آن بصورت اولی مستوعب حاصل و منافع یکساله املاك موقوفه باشد تمام منافع املاك بعد از وضع نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر در تدارك خرابی مزبور مصروف شود تا بصورت اولی آباد گردد و در صورتیکه خرابی قسمی وارد شده باشد که منافع یك ساله نیز بشرح مسطور کافی نشود در چند سال متوالی بشرح مسطور عمل شود تا بحالت اول آباد گردد .

و هر گاه اتفاقاً حادثهٔ روی دهد که ظلماً وعدواناً او بوجه آخر اعیان مسجد و مدرسه و مایتلوها (کذا) بکلی منهدم و معدوم و عرصهٔ آن هم از دست برود در هر چندسال که کافی شود از منافع و محصول املاك موقوفه بعد از نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر در مکانی دیگر جامع و مدرسه و دار الشفاء و کتابخانه و مکتب خانه و حمام و انبار آب و ملحقات آنها ساخته و دایر شود اگر چه مختصرتر و کم زینت تراز بناهای اول باشد ، وفقط باستحکام بنا اکتفا شده باشد با رعایت (الاقرب مکاناً فالاقرب) وصیغ وقوف حسب مارقم فی السطور السالفه والفصول الاتیه

حاوية لجميع شرايطها الشرعية و قيودها المقررة بالفارسية و العربية جاری و واقع گردید و تحقیقاً للزوم الوقف قبض و اقباض بعمل آمد، و تصرفات مشروعه بعنوان وقفیت در هر یك از موقوفات حاصل گردید ،(فصارت كل ما ذبر فی تلك الورقات من الجامع والمدرسة ، ودار الشفاء ،والمخزن ، و بيت التعليم و الحمام والمطبخ ، والمستراح والمركز و ما يتعلق بها، والكتب، والدفاتر ؛ والبسط ،والاوعيه ، والامتعة والاثقال ، والضياع، والقنوات ،والحوانيت ،وغيرها من اللواحق والتوابع والضمايم والتوالى ماسمى ام لم يسم ورقم ام لم يرقم و قفاً صحيحاً شرعياً لازماً دائماً بحيث لايباع ولايشترى ولا يوهب ولا يرهن ولا يستبدل فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم .

« الفصل الاول »

« فی تبیین الاوقاف و توابعها »

مسجد بتمامه از مقصوره و شبستان و مایتبعهما وقف است بر عموم مسلمانان که در آن بصلوة و اعتکاف و دیگر وظایف عبادات و اعمال مباحه قیام نمایند .

مدرسه بتمامها از حجرات فوقانیه و تحتانیه وزوایا و مایلحقها وقف است بر طلبهٔ علوم و محصلین فنون تا بر طبق تکالیف مقرره در حق ایشان که در فصل سیم مرقوم است در آنها سکنی گرفته بتحصیل و تکمیل اشتغال جویند ، هشت مدرس معین وقف است برای تدریس مدرسین و تالیان ایشان و معلمین ریاضی و مقدمات و ادبیات و حکیمباشی دار الشفا و مباحثه و مذاکره طلاب و متعلمین ، صحن مدرسه و دهلیز و حوض و حیاط خلوتخانها و مایتلوها عیناً و عرصة وقف است بر جمهور مسلمین که از منافع متعارفهٔ هریك از آنها منتفع گردند .

مخزن کتابخانه وقف است برای حفظ کتب موقوفهٔ مدرسه و سکنای کتابدار ومراودهٔ امین صندوق نقد ودو نفر حافظ کتب، وسایر بیوت آنجاوصحن آن وقف‌است بر کتابدار وامین صندوق نقد ودو نفر حافظ کتب و بر صنف اشخاصیکه اهلیت انتفاع من حیث المطالعه وتصحیح النسخه واستنساخ از روی کتب موقوفه را داشته باشند، و اشخاصیکه برای اصلاح و استنساخ کتب برای مدرسه باذن کتابدار بآنجا دعوت میشوند از قبیل صحاف و کاتب ومذهب ومصحح وامثال ایشان .

مکتب خانه وقف است بر چهار نفر معلم ودو نفر مشاق ویکصد نفر شاگرد از اطفال مسلمین ویکنفر خادم مخصوص آنجا واشخاصیکه ضرورة بآنجا مراوده مینمایند .

دار الشفا بجمیع مافیها من الحجرات وغیره‌ها وقف است بر حکیم باشی ودوطبیب وعملجات دار الشفا وبیست نفر مریض نوعاً از طلاب و سایر عملجات وخدمهٔ مدرسه واطفال مکتب خانه وسایر مرضای مسلمین بارعایت تقدیم الاخص ثم الاخص واشخاصیکه ضرورة بآنجا مراوده نمایند .

حمام وقف است برخصوص طلاب مدرسه وسایر موقوف علیهم وکسانی از مسلمین که در مسجد احیاء ویااعتکاف بدارند یا بر موقوف علیهم مهمان شده در مدرسه بیتوته کرده باشند یامتولی ونایب التولیه و ناظر ومدرسین منقول ومعقول احدهم بآنها اذن داده باشند .

مطبخ بآلاته واسبابه وقف‌است برطلاب واهل مریضخانه وسایر موقوف علیهم وبرای طبخ روضه خوانی مخصوص واقف وطبخ کسانیکه بخواهند اهل مدرسه را در مدرسه اطعام نمایند ویا در مسجد ومدرسه تعزیه داری سیدالشهدا ارواحنا الفداء برپادارند ولی روضه خوانی باشد نه شبیه سازی .

انبار آب وقف‌است برعامه‌مسلمین که از آن رفع حاجت نمایند،

انبار وقف است برای حفظ اسباب متعلقه بمسجد و مدرسه و دارالشفاء وسایر لواحق آنها (ومایتعلق بالاوقاف المزبوره) ، یك دانك ونیم از سه دانك قناة مختصی واقف از کل شش دانك یکرشته قناة مهران وقف است بر حوض وحمام وانبار آب و باغچه‌های مدرسه وسایر انتفاعات موقوف علیهم در محل وقف ، وفاضل آن وقف است فقط برای شرب واستعمال اهل بلد عموماً بارعایت الاقرب فالاقرب ، باغ و باغچه های اهل بلدرا حق الشرب از آب مزبور نخواهد بود ، قرآنها و کتب ادعیه و سایر نسخ جمیعاً وقف است بر خصوص اهل علم مدرسه از طلاب و مدرسین وغیرهم ، و بر صنف کسانیکه لیاقت انتفاع از آنها را استنساخاً وتلاوة ومطالعة وتصحیحاً داشته باشند ، مشروط براینکه مطلقاً ازمدرسه خارج نشود و اصلاح آنها هم عندالضروره در کتابخانه بشود ، مگر کتابچه وقفنامه که از این حکم مستثنی است .

وزیلوهای مسجد وقف است برعامه مصلیان واهل عبادت مسجدین تابستانی وزمستانی که برروی آنها بفرایض وسنن عبادات واعمال مباحه قیام کنند .

فرشهای حجرات ومسینه آلات وسایر اسباب موقوفه وقف است بطلاب مدرسه واهل دارالشفاودارالکتب و بیت التعلیم که هریك از حصهٔ مقررهٔ خویش استیفاء منفعت کنند ، مشروط براینکه فرشها وظروف و سایر اسباب و آلات موقوفه از مدرسه خارج نشود ، الا برای اصلاح و تفصیل کتب واسباب و آلات موقوفه از این قرار است (۱)

۱ — در اینجا سه صفحه بیاض است .

الفصل الثانی

در متن عقد وقف املاك ورقبات و مستغلات موقوفهٔ مسطوره در ذیل تقسیم منافع و محصول آنها باین نحو مقرر شده است (۱)

که همه ساله از کل منافع یکساله املاك مسطوره فوق وملحقات آنها بدواً یکعشر و نیم موضوع گردیده نیم عشر آن در عوض حق الزحمه نایب التولیه و ناظر بالسویه مقرر باشد و یکعشر در وجوه اخراجات این چهار فقره که اسباب انتظام و بقاء موقوفاتست عندالضروره صرف شود.

۱ - مصارف ساختن خرابی وارده برمسجد ومدرسه و کتابخانه ومکتب خانه و مریضخانه و حمام ودکاکین ومستغلات موقوفه فقط.

۲ - مخارج خرابی وارده برقراء وقنواة و املاك موقوفه و بذر وتقاوی رعایا.

۳ - مصارف اصلاح و استنساخ کتب وظروف و فرشها وسایر اسباب موقوفه.

٤ - ادای ارش وابتیاع عوض اسباب و آلات تفریط شده با عدم تمکن مفرط آزادی عوض آن.

آنگاه آنچه از منافع مزبوره بعد از وضع یکعشر و نیم باقی میماند بهزار سهم مساوی منقسم گردد، وآن هزار سهم دروجه وظائف امام ومدرسین و نایب امام و تالیان مدرسین منقول و معقول و معلمان و حکیم باشی دار الشفا و مستوفی و ضابط موقوفات و واعظ و قاری و طلاب و عملهٔ کتابخانه و عملهٔ چراغخانه و عملهٔ مکتب خانه و عملهٔ مریضخانه و خدمه ومخارج تعزیه داری عشر اول محرم و روضه خوانی شبهای جمعه و لیالی متبرکه و اطعام طلاب در لیالی مخصوص معین و امتحان طلاب و مریضخانه ومکتب خانه و چراغخانه و حمام و باغچه از این قرار داده شود:

---

۱ - شش سطرو نیم بیاض است.

امام بیست و پنج سهم .

مدرس منقول بیست و پنج سهم .

مدرس معقول بیست و پنج سهم.

نایب امام ده سهم.

تالی مدرس منقول ده سهم.

تالی مدرس معقول ده سهم .

معلم ریاضی ده سهم .

معلم مقدمات ده سهم .

معلم ادبیات ده سهم .

حکیم باشی دارالشفا پانزده سهم .

مستوفی پانزده سهم .

ضابط موقوفات پانزده سهم .

کتابدار دوازده سهم .

خادم باشی دوازده سهم .

واعظ پنج سهم.

قاری دو نفر ده سهم که هر یك پنج سهم باشد .

طلاب یکصد و بیست نفر چهارصد و بیست سهم که هر یك سه سهم و نیم باشد .

معلمین مکتبخانه اطفال چهار نفر شانزده سهم که هر یك چهار سهم باشد .

خوشنویس مشاق دو نفر ده سهم که هر یك پنج سهم باشد .

طبیبین دارالشفا دو نفر پانزده سهم که هر یك هفت سهم و نیم باشد .

دوا ساز پنج سهم .

شاگرد دواساز سه سهم .

ناظر مطبخ دار الشفا پنج سهم .

طباخ دار الشفا چهار سهم .

پرستار مرضای دار الشفا چهار نفر شانزده سهم که هر یك چهار سهم باشد .

رخت شوی مرضای دار الشفا دو نفر پنج سهم که هر یك دو سهم و نیم باشد .

حافظ کتب کتابخانه دو نفر هشت سهم که هر یك چهار سهم باشد.

ساعت ساز پنج سهم .

مؤذن چهار نفر ده سهم که هر یك دو سهم و نیم باشد.

مکبر دو نفر پنج سهم که هر یك دو سهم و نیم باشد .

چراغچی سه نفر هفت سهم و نیم که هر یك دو سهم و نیم باشد.

دربان دو سهم .

خدام مسجد و مدرسه شش نفر دوازده سهم که هر یك دو سهم باشد.

باغبان دو سهم (و) نیم .

خادم مکتب خانه دو سهم .

اخراجات تعزیه داری عشر اول محرم و روزه خوانی شبهای جمعه و لیالی متبر که پنجاه سهم .

اخراجات اطعام طلاب در لیالی مخصوصه ده سهم .

اخراجات امتحان و هدیهٔ طلاب ده سهم.

اخراجات دار الشفا هفتاد سهم .

اخراجات مکتب خانه پنجاه سهم .

اخراجات چراغخانه بیست و پنج سهم .

اخراجات حمام و باغچه پانزده سهم .

و نیز در متن عقد مقرر شده : که از یك عشر موضوعه از کل

منافع یکسالهٔ املاك موقوفه برای چهارفقره اسباب انتظام و بقای موقوفات هر گاه چیزی فاضل آید در صندوق دخل موقوفه ذخیره شود بصلاحدید متولی یا نایب التولیه بمصارف خیریه ازقبیل کدخدائی عزبان ازفقرای سادات وانفاق بفقرای مسلمین و کفن و دفن اموات فقرای اسلام وامثال آنها ازاعمال خیر صرف شود .

و نیز مقرر شده: که از صاحبان حقوق مفصله مقرره فوق عموماً هروقت بعضی از ایشان، متوفی یا علاوه براندازه غیبت که برای هریك مقررشده غیبت نمایند یا بجهات دیگر که خلاف تکالیف ایشان است حقوق ایشان ساقط شود و از مسجد و مدرسه و غیره خارج گردند تا زمانی که عوض آنها بجای ایشان مستقر گردد . و هریك از موقوف علیهم که مریض و جزو مرضای دارالشفا گردد هر چند روز توقف او در دارالشفا طول کشد وخرج او در دارالشفا داده شود سهام ایشان کم یا زیاد در صندوق کتابخانه ضبط شود .

و نیز ازمخارج مقرره اطعام طلاب در لیالی مخصوصه وامتحان طلاب در دارالشفا و مکتب خانه و چراغخانه و حمام وباغچه اگرچیزی فاضل آیدد آخرسال از آن حقوق واین فاضل اگراتفاقاً بواسطهٔ مرض عام عدد مرضای موقوف علیهم از مأخذروزی بیست نفر علاوه شده باشد ودر دارالشفاپرستاری شده باشدو هفتاد سهم مقرره دارالشفاوفا بمخارج آنها نکرده باشدهر چه کسر داشته باشد داده شود.

و نیز چیزی مختصر که نایب التولیه صلاح داند بطلاب خارج مدرسه ناصریه که روزها بمدرسه مزبوره بیایند و درس بخوانند هدیه داده شود و آنچه علاوه بماند بقدریکه کتب جدیده برای کتابخانه ضرور باشد ابتیاع و وقف شود واگراز آن نیز فاضل آیداملاك ابتیاع شود ، و بقواعدی که مقرر شده وقف وعلاوه موقوفات گرددو تقسیم منافع

وحاصل آن املاك جديده بنحويست كه در موقوفات اصلى حاليه مقرر شده است.

الفصل الثالث

تكاليف نايب التوليه

اول: در انتظام و رونق موقوفات عموماً بذل توجه نموده بدخل وخرج آن قسمی دقت کند که رعایت صرفه و غبطهٔ وقف کاملا شده باشد.

دویم: اخراجات چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات را که در فصل دویم قبل از تقسیم سهام یك عشر برای آن معین و مقرر گردیده است باطلاع ناظر و تصدیق امام ومدرسین منقول و معقول بنماید.

سیم: حقوق موقوف علیهم را که در فصل دویم معین ومشروحاً مسطور است هرقدر بوظایف طلاب و خرج دوا وغذا وملزومات فوری دیگر مرضای دار الشفاو ماهیانهٔ نقدی و لوازم تعلیم اطفال مکتب خانه و خرج چراغخانه و حمام مقرر است ماه بماه وهرقدر برای لباس و بستر مرضای دار الشفا ولباس اطفال مکتب خانه مقرر است در اول سال و ونیمه سال در موقع و وقت خود و هر قدر برای مصارف تعزیه داری معین گردیده در عشر اول محرم و لیالی متبرکه از اجاره مستغلات و محصولات املاك که سریع الوصول است رسانیده باقی حقوق را بسه قسط: در سرطان و عقرب و حوت از کلیهٔ حاصل و منافع موقوفات عاید دارد.

چهارم: تغییر در اعیان املاك موقوفه را برای زیادتی منافع آنها باقتضای صرفهٔ وقف اگر صلاح بداند میتواند داد مشروط بر آنکه عرصهٔ آن تغییر نکند، مثل اینکه دکان را خراب کرده بجای آن حمام بسازد، ویا دکان خبازی را خراب کرده قنادی بسازد او بالعکس.

پنجم: در اجزای اداره وقف تخلیط و تداخل در اشغال را

مطلقاً تجویز ننماید که یکنفر خود را دارای دو مقام و صاحب دوحق بداند، بلکه فقط هر شغل را راجع بشخصی و حق مقررهٔ آن شغل را بآن شخص مخصوص دارد، که هر شخص یك مقام داشته ومستحق یك حق معین باشد.

ششم: در صورتیکه عمل هر یك از موقوف علیهم با تکالیفی که در حق او مقرر شده مطابق نباشد خود را قادر بر تغییر او بروجه مسطور در ذیل بداند:

برتغییر هر یك از ناظر و امام ومدرسین بتصدیق جمعی از ثقات وعدول طلاب وصدور حکم صریح ازشخص متولی.

و برتغییر نایب امام و هریك از تالیان مدرسین ومعلمین ریاضی و مقدمات و ادبیات بتصدیق امام و مدرسین.

و بر تغییر هریك از حکیم باشی دارالشفا و مستوفی و ضابط موقوفات و کتابدار وخادم باشی بتصدیق ناظر وامام و مدرسین.

و بر تغییر واعظ وقاری وخدمهٔ مسجد بتصدیق امام ونایب امام.

و بر تغییر طلاب و معلمین و خوش نویسان مشاق مکتب خانهٔ اطفال وخدمهٔ مدرسه بتصدیق مدرسین.

و برتغییر اجزاء دارالشفابتصدیق ناظر وحکیم باشی دارالشفاء.

وبر تغییر سایر عملجات عموماً بتصدیق ناظر.

هفتم: کتب و سایر اسباب موقوفه هر گاه بتفریط من هی فی تصرفه تلف یامعیوب (کذا) شود امتیاز ارش وقیمت عوض را ازمفرط در صورت تمکن او نموده در تحصیل مثل یا اصلاح صرف نمایند که ضرر وقف نشود.

هشتم: در هر ششماه یکمرتبه کتب ولوازم کتابخانه وسایر اسباب موقوفه‌را باطلاع ناظروحکیم باشی دارالشفاومستوفی و کتابدار

و خادم باشی و چهار نفر از ثقات طلاب بازدید کرده اگر مرمتی در جلود و اوراق کتب و اصلاحی در اسباب بحسب عادت لازم شده باشد یا چیزی از آنها تفریط شده باشد و مفرط تمکن ارش و قیمت عوض آنرا نداشته باشد از بابت یك عشر خرج چهار فقره خرج بقای وقف که در فصل دویم قبل از تسهیم سهام برای اینکار معین گردیده اصلاح و تحصیل مثل آنرا بنمایند .

نهم : از طلاب هر گاه احدی منشاء شرارت باشد وسه دفعه این عمل را تکرار کند بعد از تحقق اورا از مدرسه اخراج نماید ، اگر چه استعداد ولیاقت تحصیل را کاملا داشته باشد .

دهم : بهیچکس اجازه ندهد که کتب موقوفه را مطلقاً ازمسجد ومدرسه بخارج برند ، مگر کتابچه وقف نامه را که از این حکم مستثنی دانسته بلکه بقدر میسور آنرا در میان مردم عامه منتشر نمایند ،وسایر اسباب موقوفه را نیز اجازه بیرون بردن از مکانهای خود ندهند مگر برای اصلاح ومرمت .

یازدهم : دونفر مدرسین ودونفر تالیان ایشان وسه نفر معلمین ریاضی ومقدمات وادبیات وحکیم باشی دارالشفا هریك بخواهند درمدرسه حجرهٔ داشته منزل مخصوص خود قراردهند حجره مناسب بآنها بدهد، ولی ایشان رادر عداد طلاب محسوب ندانسته وحقی بایشان ازسهم مقرره درحق طلاب ندهد ، زیرا که حقوق ایشان در فصل دویم علیحده مقرر ومعین گردیده است .

دوازدهم : درحجرات مخصوص بطلاب بهر حجره دونفر طالب علم که متصف بصفات مقرره درحق آنها باشند سکنی بدهد ،وسکون بیشتر و کمتر از دونفررادر یك حجره تجویز ننماید .

سیزدهم : طفل غیر ممیز راحق سکنی درحجرات ندهند .

چهاردهم : هریك از طلاب که در خصوص بیتوته بشرحی که در تکالیف طلاب مقرر شده از قراریکه باشریك حجره خود برضایت یکدیکر داده اند تخلف کندو بیتوته ننمایدو پنج مرتبه این عمل راتکرار کند در یکماه ومحقق شود اورا از مدرسه اخراج نماید .

پانزدهم : هریك ازطلاب درمدت یکسال علاوه برتعطیلات عرفی عمومی ومدتی که درحالت اختیارواضطرار برای ایشان درجزوتکالیف ایشان مقرر شده است ازراه مسامحه درتحصیل از مدرسه غیبت نمایند حق سکنای اورا ساقطدانسته مکان اورا بدیگری ازطلاب که صلاحیت داشته باشد بدهد ، اگر چه بطور حیله در مدت سال بتفاریق در ایام تحصیل غیبت نماید ، که مدت هریك کم باشد ، همینکه غیبت اودرسال چند دفعه‌وبقسمی شود که عرفاً گفته شود در تحصیل مسامحه دارد حق سکنای اورا خارج بداند .

شانزدهم : سواد وقفنامه که چاپ شده و نسخه‌جات متعدده در کتابخانه محفوظونزد موقوف علیهم وغیر هم هست هرزمان ازصد نسخه کمتر شود نسخهٔ دیگر چاپ کرده منتشر نماید که هیچوقت ازصد نسخه کمتر نباشد و مخارج آنرا از بابت خرج کتابخانه که در جزو یکعشراخراجات چهار فقره‌اسباب انتظام وبقای موقوفات در فصل‌دویم قبل از تسهیم معین ومقرر گردیده است محسوب نماید .

هفدهم : هریك از طلاب که در دوامتحان متوالی درظرف‌دو سال در علمی که تحصیل کرده ترقی نکرده باشد حق سکنای اورا از مدرسه ساقط دانسته مکان او را بدیگری که استعداد تحصیل داشته باشد بدهند .

هیجدهم : تمام وجوهی که از مستغلات و املاك موقوفه عاید میشود درصندوق بزرك آهنی که سه کلید مختلف دارد و در کتابخانه

موجود است ضبط کرده کلیدهای آنرا یکی خود نگاه دارد ویکی را بناظر بسپارد ویکی دیگررا بکتابدار وهنگام ادای حقوق مردم خود حاضر شده ناظرو کتابدار را نیز حاضر کرده باحضور هم درب صندوق را گشاده حقوق مردم را نقد بدهند .

نوزدهم : هنگام ادای حقوق اشخاص ووجوه اخراجات معینه قبض بمهر ارباب حقوق ومباشرین اخراجات که حاشیهٔ آنرا امام ومدرسین مهر کرده باشند گرفته در صندوق دخل موقوفه ضبط کرده حقوق را بر طبق آن بپردازند تا اشتباهی واقع نشود ، ودرآخر سال که کتابچه از جمع وخرج کل مینویسند ودر کتابخانه ضبط میشود از روی اسناد و بدون اشتباه باشد .

بیستم : درمدت سال ازاشخاصی که ازمنافع املاك موقوفه سهامی در حق آنها مقرر است هر کس تغییر یابد یا متوفی شود از روز تغییر یا وفات اوتاروزیکه دیگری بجای او نصب شود حقوق آنها را در آن ایام متخلله ضبط نماید ، ونیزهر کس از ایشان مریض و داخل مرضای دارالشفا شوداز روز ورودایشان بدارالشفاتا روزصحت وخروج ایشان از آنجایاوفات ایشان حقوق مقررهٔ آنها راضبط نماید ، ونیزهر گاه علاوه بر تعطیلات عرفی عمومی وچهل روز غیبت اختیاری موقوف علیهم را سفری اضطراراً یا زیارتی در پیش آید که متولی یا خود او اجازه سفر بایشان بدهد حقوق مدرسین وتـالیان ایشان و معلمین را بعد از مضی ششماه ازسفر ایشان ببعد ، وحقوق حکیم باشی ومستوفی وضابط موقوفات و کتابدار وخادم باشی وواعظ وقاریان ومعلمین وخوشنویسان مکتبخانه اطفال را بعداز مضی سه ماه از سفر ایشان ببعد ، وحقوق سـایر موقوف علیهم را عموماً از اول سفر ایشان بعد از وضع حق نایب اشخاصی که موافق آنچه در تکلیف ایشان مقرر است حق سهامشان ساقط شده ودر مدت معین حق سهامشان باقی است وباید ازسهام مضبوطه ایشان در آن

مدت حق نایب داده شود تازمان نصب منوب عنه ضبط نماید ، ونیز از مخارج مقرره اطعام طلاب در لیالی مخصوص ودارالشفا ومکتبخانه و چراغخانه وحمام و باغچه و امتحان طلاب اگر چیزی فاضل آید ضبط نماید ، وآن وجوه را در صندوق دخل موقوفه محفوظ کرده ودرآخر سال برطبق آنچه درفصل دویم مسطور است معمول دارد .

تکالیف ناظر

اول : در نظارت فقط بمسمی اکتفا ننماید بلکه مراقبت تمام مبذول دارد و در اعمال نایب التولیه بدقت نظر کند که برطبق وقفنامه باشد ، واگر خلاف آنرا مشاهده نماید حتی المقدور اورا ملتفت کرده وممانعت نماید ، اگر قبول ننماید بعرض متولی رساند که متولی اصلاح فرماید .

دویم : صحت وفساد مباشرین جزو را همه وقت واقف باشد ، واگر چیزی از آنها بخلاف وقف ملاحظه نماید فوراً نایب التولیه را آگاه کرده مراقبت نماید که آن عمل اصلاح شود .

تکالیف امام و نایب امام

اول : امام بایددرصورت امکان عادی درهرسه وقت نمازرا بجماعت درمسجد بگزارد ، واگر مشقتی نسبت بحال او در استدامت جماعت باشد دووقت راوالا لامحاله یکوقترا برای اقامت جماعت حاضر شود، مگرآنکه عذر شرعی مانع شود .

دویم : درهریك ازاوقات که خود نمیتواند حاضر شد نایب امام راآگاه کند که بوظیفهٔ جماعت قیام نماید ، تادرهرسه وقت حتی الامکان انعقاد جماعت ترك نشده باشد .

سیم : شبهای جمعه وسایر لیالی متبرکه که برطبق قرار وقف بعدازنمازجماعت درمسجد ذکرمصیبت میشودامام تاآخر مجلس بنشیند ، مگرآنکه تکلیف شرعی دیگر مزاحم گردد .

چهارم : اگر بزیارت یاییلاق برود یا سفر دیگر بحسب ضرورت برای او پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه غیبت نماید قرار دهد که نایب امام حتی المقدور نماز جماعت را ترك نكند ، در این صورت اگر سفر او از ششماه تجاوز نکند خود را مستحق سهم امامت که در جزو سهام در فصل دوم مقرر است بداند والافلا ، اگر غیبت او از یکسال بیشتر شود حق امامت خود را نیز ساقط بداند .

تکالیف مدرسین منقول و معقول و تالیان ایشان و معلمان ریاضی و مقدمات وادبیات

اول : در این جماعت عموماً شرط است که دارای ملکهٔ خروج از عهده تدریس کتب مشکله متعلقه بفن هریك باشند ، مثلا : مدرس منقول باید کتاب ریاض سید طاب ثراه و قواعد علامه اعلی الله مقامه را درفقه و فراید شیخ مرتضی رضوان الله علیه و فصول شیخ محمد حسین را در اصول کماهو حقه بتحقیق بتواند درس گفت ، و مدرس حکمت شفاء شیخ رئیس و اسفار ملاصدرا (کذا) را و معلم ریاضی شرح چقمینی (کذا) و شروح تذکرهٔ خواجه ، و عیون الحساب ، و تحریر اقلیدس را ، و تالی مدرس منقول شرح لمعه ، و اصول معالم و قوانین میرزا رفع الله درجته را و تالی مدرس معقول شوارق الالهام ، و شرح مطالع را ، و معلم مقدمات مغنی ، و مطول را ، و معلم ادبیات مقامات بدیع الزمان و حریری و دیوان ابوالطیب را (و ما یحذ و حذو تلك الکتب فی کل من تلك الفنون) .

دویم : در صورتیکه شاگرد از اهل مدرسه یافت بشود و طالب باشد باید هرروز از ایام تحصیل هریك از عهدهٔ درس در کتب صناعات خاصه خود بر آیند ، (وان کان الاقل فالاقل) .

سیم : هریك از شاگردان هریك اگر در درسهائی که نزد او خوانده اشتباهی داشته باشد و سئوال نماید بر استاد اوست که بقدر میسور رفع اشتباه او را بنماید .

چهارم : در تعیین اقات و تقدیم و تأخیر دروس و آنچه از این قبیل است رأی خود را مناط دانند نه رأی تلامیذ را .

پنجم : هریك از این جماعت را علاوه بر تعطیلات عرفی عمومی وچهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است اگر سفری اضطراراً یا زیارتی پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کنند تا ششماه از جانب خود نایبی تعیین نمایند که در غیاب ایشان درس طلاب تعطیل نشود ، وحق نایب را از سهام مقرره خود بدهند ، در این صورت اگر سفر ایشان از ششماه تجاوز کند حق سهم مقرره خود را ساقط بدانند ، و اگر از یك سال تجاوز کند حق مقام مدرسی و معلمی خود را نیز ساقط بدانند.

ششم : هر یك از مدرسین و تالیان آنها و معلمین علاوه بر علوم مخصوصهٔ خود دارای علوم مدرس و معلم دیگر باشند وطلاب آن علم بخواهند نزد آنها درس بخوانند ، مثل اینکه : نزد مدرس منقول درس معقول بخوانند و نزد معلم ریاضی درس مقدمات وغیرها ، و بالعکس ، در صورتیکه مشقتی برای ایشان نباشد مضایقه از تدریس و تعلیم آنها ننمایند و تدریس را منحصر بعلم مخصوص خود ندانند .

تکالیف حکیم باشی

اول : هر گاه از طلاب مدرسه بعضی مایل بتحصیل علم طب باشند میباید روزی تا سه درس از کتب طبی برای آنها بگوید ، (وان کان الاقل فالاقل) ، واز گفتن اشتباهات طلاب مضایقه نکنند .

دویم: مراقبت وسر کشی تمام بامور اجزای دارالشفا و مرضای آنجا داشته باشد که در هیچ مورد در پرستاری مرضی غفلت و در امور آنها بی احتیاطی نشود .

سیم: حتی المقدور در معالجهٔ مرضای دارالشفا خود مباشرت نماید، ودر صورت عدم امکان عرفی در بعضی از اوقات رجوع باطبای دارالشفا

نماید ،لیکن خود نیز بکلی غفلت نداشته باشد ،و از معالجات آنها آگاه باشد که خطائی واقع نشود .

چهارم :قرار بدهد ازدو نفر طبیب بطور کشیك ونوبه روزی یکنفر بدار الشفا حاضر شده مراقب احوال مرضی باشد .

پنجم : هرشب که در میان مرضای دار الشفا مریضی سخت باشد قرار بدهد یکنفر از دو طبیب در دار الشفا بماند.

ششم : بدواسازو شاگرد او قدغن کند که همیشه یکنفر ازآنها دردار الشفاباشند که هیچوقت دار الشفاخالی ازوجودیکی ازایشان نباشد.

هفتم :اطلاع از امور ناظر و طباخ مطبخ دار الشفا داشته باشد که غذای بیماران بوقت وموقع بآنها برسد .

هشتم: بیماران راقسمت کرده بپرستاران بسپارد، ومواظبت کند که هر یك غفلت از حالت مرضای سپرده بخود ننماید .

نهم : شست و شوی لباس و بستر و ملزومات مرضی را که بعهدهٔ دو نفر رختشوی محول است رسیدگی نماید که بقاعده بشود و عفونت در لباس و بستر وملزومات ومکان ایشان پیدا نشود.

دهم: قدغن کند که همه‌روزه عدد واردین ومرخصین دار الشفا و همچنین متوفی راعصر در دوروزنامه‌نوشته ، یکی برای نایب‌التولیه، و یکی برای مستوفی بفرستند .

یازدهم: قرار بدهد اگر ناخوشی یکی از مرضی مسری باشد مثل جذام و غیره او را در اطاقی جداگانه منزل بدهند ، و بستر و ظروف ولوازم دیگر او را از دیگران جدا کنند ، و بعد از بهبودی یا وفات آنچه را که برای او جدا کرده بودند از اسباب وآلات وغیره علیحده شسته و تطهیر کنند ، و اگر لازم بداند که سوخته شودقدغن کند بسوزانندتاسرایت بدیگری نکنند .

دوازدهم : درایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است ، ونیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی او را پیش آید و باذن متولی یانایب التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید، وحق نایب را از سهام خود بدهد دراین صورت اگر مدت غیبت اواز سه ماه تجاوز کند سهم مقرره خود را ساقط بداند ، واگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرره وحق مقام هردو را ساقط بداند.

تکالیف مستوفی

اول : همه ساله دفتری مخصوص معاملات ومحاسبات موقوفه در کمال صحت واعتبار ترتیب داده در آخر هرسال آن دفتر را مرتباً و منظماً بکتابدار بسپارد که در کتابخانه محفوظ دارد ، تاهنگام ضرورت رجوع بجزو معاملات موقوفه توانند نمود .

دویم : دخل منافع مستغلات ورقبات واملاك موقوفه وملحقات آنهارا مطابق اجاره نامجات وتمسکات مستأجرین و مباشرین باخرج متعلقه بموقوفه جزو بجزو دردفتر ثبت نماید .

سیم : همه ساله ثبت چهار فقره خرجی که تعلق ببقای وقف دارد ودر فصل دویم مقرر شده قبل از تسهیم ازیك عشر منافع موقوفه شود (کذا) باکمال دقت برداشته صورت صحیح آنرا در دفتر ثبت نماید که هرسال معلوم باشد چه مبلغ از آن یکعشر خرج آن چهار فقره شده است.

چهارم : اسامی تمام اشخاصی که ازمنافع موقوفات برطبق آنچه در فصل دویم مقرر شد حقی دارند در دفتر ثبت نموده هروقت تغییری درهریك داده شود اسم شخص ثانی را نوشته واسم اولی را محو کند ، تاریخ وعلت تغییر را هم بنویسد ، ونیز هروقت کسی از آنها متوفی شود تاریخ وفات او وتاریخ نصب عوض اورا در دفتر ثبت نماید ، ونیز اگر از موقوف علیهم کسی مریض وداخل مرضای دارالشفا بشود تاریخ دخول وخروج اورا ثبت کند ، تا اگریك مدتی فیمابین تغییر یافته وعوض

او ومتوفی ومنصوب بجای او فاصله شود یا یك مدتی مریض در دارالشفا بماند حقوق مقررهٔ آنها در آن مدت متخلله هرچه باشد کم یا زیاد معلوم ومضبوط گردیده مطابق آنچه در اواخر فصل دوم مقرر شده عمل شود .

پنجم : مخارج اطعام طلاب ومریضخانه و مکتب خانه و چراغخانه و حمام و باغچه و امتحان طلاب را از روی دقت ثبت بردارد ، ومراقبت نماید از مباشرین افراط وتفریطی در آنها نشود ، تا هرگاه از سهامی که برای آن مخارج از منافع موقوفات در فصل دویم مقرر شده چیزی علاوه ماند ضبط گردیده مطابق آنچه در اواخر فصل مزبور مقرر گردیده عمل شود .

ششم : صورت املاك واسباب موقوفه را تماماً در دفتر ثبت نموده هر وقت کتب و اسباب برطبق آنچه در فصل دویم مقرر گردیده خریده بر کتب واسباب و املاك موقوفه ملحق شود ثبت آنها را هم بتاریخ خود علاوهٔ کتب و اسباب و املاك موقوفه نماید :

هفتم : در آخر هر سال که جمع و خرج عمل یکساله موقوفه موافق آنچه در تکلیف نایب‌التولیه مسطور شده در مجلس مفروغ میگردد ، کتابچه جمع و خرج آنرا نوشته بامضاء و مهر اهل مجلس رسانیده بکتابدار بسپارد ، که در کتابخانه محفوظ بماند که عندالحاجه بآن رجوع شود .

هشتم : هرگاه از اشخاص موقوف علیهم کسی برای امور اتفاقی یا زیارت باجازهٔ متولی یا نایب‌التولیه سفری کند تاریخ رفتن او بآن سفر و تاریخ مراجعت را ثبت کند که تمام مدت ایام غیبت او معلوم باشد تا هر یك بر طبق آنچه در تکلیف نایب‌التولیه مقرر است حق سهام ایام غیبت را نداشته باشند حقوق ایشان در آنمدت معین وضبط گردد ، و مطابق آنچه در اواخر فصل دویم مقرر شده رفتار شود .

نهم : در ایام چهل روز غیبت اختیاری که ازحقوق عامه موقوف

علیهم است و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی اورا پیش آید و باذن متولی یا نایب‌التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید که بامور محولهٔ باو رسیدگی کند، و حق نایب را از سهام خود بدهد، در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقررهٔ خود را ساقط بداند، و اگر سفر او از ششماه تجاوز نماید حق سهام مقرره و حق مقام هر دو راساقط بداند.

تکالیف ضابط موقوفات

اول: صرفه و غبطهٔ وقف را هنگام اجاره و استجاره مستغلات (کذا) و املاك موقوفه کاملا منظور نماید.

دویم: سر کشی و مراقبت تمام دردهات موقوفه نموده اگر اتفاقاً یا طبعاً خرابی باملاك و قنوات (کـذا) و مزارع موقوفه وارد شود بدون تأخیر نایب‌التولیه و ناظر رامطلع نموده خود نیز مواظبت نماید که بحکم نایب‌التولیه اصلاح خرابی وارده هر قدرزودتر ممکن است بشود.

سیم: همه وقت توجه نماید که در حدود اراضی املاك ودهات موقوفه از همسایگان ملك تعدی و تخطی بهیچوجه نشود؛ و اگردفع این قسم امور را درقوهٔ خود نبیند فوراً بعرض نایب‌التولیه و ناظر برساند و بحکم و تقویت ایشان رفع تعدی را بنماید.

چهارم: در ترفیه آسایش حال رعایا و مستأجرین موقوفه اهتمام داشته باشد.

پنجم: هر گاه املاك موقوفه کلا ام بعضاً باجارهٔ کسی مقرر یا باقتضای صلاح وقت صرفه در اجاره دادن نباشد و بحکم متولی یا نایب‌التولیه بضبطی عمل شود باید باندازه امکان عادی و عرفی جاهد باشد که محصول موقوفه از میان نرود؛ و حقوق موقوفه کاملا استیفا شود، و افراط و تفریطی در عمل املاك موقوفه و حاصل آن نشود.

ششم: هر گاه از روی بصیرتی که در املاك و رعایای موقوفه

دارد بذر و تقاوی و مساعده لازم داند که بکسی داده شود باجازه نایب‌التولیه بآن شخص داده تمسک بگیرد؛ و مراقب شده در موعد آن وصول و ایصال دارد.

هفتم: بر طبق فرمان جهان مطاع مبارک که صادر شده ومقرر است از مستغلات و املاک و رغبات موقوفه علاوه بر مالیات دیوانی که در فرمان مبارک معین و مشخص گردیده و بهیچ اسم و رسم دیناری مطالبه نشود میباید عمل نمود جز مالیات مقرره حبه و دیناری از نقد و جنس املاک خالصه بحکام ندهد و اگر حکام علاوه بخواهند وازمدلول فرمان مبارک تقاعد ورزند بنایب‌التولیه اطلاع بدهدو بتقویت اوجواب بدهد که تعدی و ضرر باملاک موقوفه وارد نشود.

هشتم: در ایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی اورا پیش آیدو باذن متولی یا نایب‌التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید و حق نایب را از سهام خود بدهد؛ و در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرره خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق‌سهام مقرره وحق‌مقام‌هردوراساقط بدانند.

کتابدار

اول: باید درمحافظت‌وحفظ کتب وقفیهٔ‌مدرسه اهتمام کامل نماید.

دویم: کتابها را از مدرسه مطلقاً بیرون نبرد.

و نیز نگذارد دیگری بیرون ببرد جز کتابچه‌وقف‌نامه که‌ازاین حکم مستثنی است

سیم: غیر از اهل مدرسه اگر کسی اهلیت انتفاع و تمتع از نسخ موقوفه‌مدرسه‌را داشته‌باشد مضایقه ننمایدولی نگذارد که آن‌شخص کتاب را از محوطه کتابخانه بیرون ببرد.

چهارم : کتاب بطلاب مدرسه نباید بدهد الا با قبض که بخط آن طالب مرقوم و بمهر او مختوم باشد .

پنجم : در هر ماه یکبار ثبت کتب را با نسخ موجوده کتابخانه و صورت قبوض طلاب تطبیق کند ؛ اگر عیبی وارد شده باشد رفع نماید .

ششم : اگر در بعضی موارد لازم بداند قبض کتاب را بامهر طالب و دو نفر از مدرسین یا ثقات طلاب قبول کند آنقسم قبض گرفته کتابرا بدهد .

هفتم : اگر یکی از طلاب در باره کتب بر خلاف تکالیف مقرره خود رفتار کرده باشد اگر لازم شود بنایب التولیه اعلام نماید تا بهر نوع مقتضی داند در باره او رفتار نماید .

هشتم : دو نفر حافظ کتب را باید بعد از معرفت تامه بامانت و دیانت آنها بخدمت کتابخانه بگمارد و مسئولیت را بر عهده خود بداند .

نهم : از هر یك از حافظین کتب اگر خیانتی بروز کند بنایب التولیه اظهار داشته واورا اخراج کند وشخص دیگر که موصوف بامانت و دیانت باشد بجای او نصب کند .

دهم : در میان دو نفر حافظ کتب نوبه قرار بدهد که هر شب یکنفر در کتابخانه بماند .

یازدهم : اگر یکی ازطلاب کتب واسباب موقوفه را تلف یا معیوب (کذا) کند باید بنایب التولیه اطلاع بدهد که ارزش یا قیمت عوض را از او بخواهد .

دوازدهم : هر گاه لازم شود کتب واسباب کتابخانه را اصلاح و مرمت کنند کاتب و صحاف و مذهب وامثال ایشان را بکتابخانه حاضر سازد در کتابخانه اصلاح ومرمت نمایند .

سیزدهم : در صورتیکه کتب و اسباب کتابخانه بتفریط در

دست او تلف یا معیوب شود از عهدهٔ ارش وقیمت عوض خود باید بر آید .

چهاردهم : در چهل روز باختیار که از حقوق عامهٔ موقوف علیهم است و نیز تاسه ماه باضطرار یابرای زیارت بااذن متولی یانایب - التولیه اگر غیبت نماید نایبی امین که اهلیت حراست کتب را داشته باشد بجای خود بگذارد وحق نایب رااز سهم مقرره خود بدهد ومسئولیت را بعهده خود بداند و در اینصورت اگرمدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرره خود را ساقط بداند و اگر از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرره و حق مقام هر دو را ساقط بداند .

تکالیف خادم باشی

اول : رسیدگی وسرپرستی بخدمات محوله ساعت سازومؤذنها و مکبران وچراغچیان ودربان وخدام مسجد ومدرسه و باغبان را کلیة بعهده خود داند .

دویم : مراقبت نماید که ساعت سازمدرسه همه وقت سرکشی بساعت وقفی کرده اگر اصلاحی لازم داشته باشد بکند .

سیم - دونفر ازمؤذنان خوش صوت راقرار بدهد درشبهای احیا دراوایل شب وسحر مناجات کنند ودر لیالی متبرکه و شبهای جمعه نیز درصورت امکان عادی وعرفی هم در اوایل شب وهم وقت سحر هردو مناجات نمایند وباعدم امکان درهر یك از آن دو وقت یکنفر از ایشان بنوبه که درمیان آنها قرار داده شود مناجات کنند که هیچ یك ازدووقت مناجات ترك نشود ودر ایام ماه رمضان هردودرصورت امکان عادی و عرفی و الایکنفر درمسجد اذان جماعت بگوید .

چهارم - قرار بدهد که دومؤذن دیگر با امکان عادی وعرفی هردو در هر سه وقت اذان بگویند و باعدم امکان لامحاله یکنفر اذان

سه‌وقت را بگوید یا بنوبه که درمیان آنها قرارداده شود اذان سه‌وقت را ترك ننمایند .

پنجم - قرار بدهد درصورتیکه جماعتی عظیم درمسجد منعقد شود و بتعدد مکبرین حاجت افتد هر چهار نفر مؤذن با امکان عادی و عرفی تکبیر نیز بگویند چه اینگونه جماعت دررمضان باشد نه غیر آن .

ششم - قدغن نماید دو نفر مکبر درصورت احتیاج بوجود هردو بواسطهٔ کثرت مأمومین با امکان عادی وعرفی درمسجد تکبیر بگویند ودرصورت عدم احتیاج بنوبه که فیمابین آنها قرارداده شود یکنفر تکبیر بگوید و نیز محافظت سجادهٔ امام و گستردن و برچیدن آنرا برعهدهٔ دو مکبر واگذارد .

هفتم - مراقبت تمام نماید که چراغچیان عدد چراغهای مسجد ومدرسه را کمتر از آنچه درفصل چهارم معین گردیده است ننمایند ، و درمدتی که نیز در آن فصل مقررشده روشن باشد .

هشتم - قدغن نماید دربان ازمراقبت دربهای مسجد غفلت ننموده شبها دراوقات معینه دربهارا بسته وقبل ازاذان صبح بگشاید .

نهم - خدام مسجد ومدرسه را به تنظیف وپاکیزگی مسجد ومدرسه درهر روز وازالهٔ برف وپاك کردن وآب بستن حوضها وانبار های آب عندالضروره مکلف دانسته قدغن نماید ازاین قسم خدمات کوتاهی ننمایند و نیز حتی المقدور ازخدمات امام و مدرسین وغیره از موقوف علیهم مضایقه نکنند .

دهم - مراقبت نماید که باغبان باغچه محوطهٔ مدرسه را که منظر طلاب است پاکیزه و باصفا نگاهدارد .

یازدهم - بخادم مکتب خانهٔ اطفال قدغن کند درخدمات معلمین ومشاقها وپاکیزگی مکتبخانه ومراقبت امور متعلق بآنجا مسامحه نکنند .

دوازدهم - درایام چهل روزغیبت اختیاری که ازحقوق عامهٔ موقوف علیهم است ونیز اگر سفری اضطراراً یازیارتی او را پیش آید، باذن متولی یانایب التولیه سفر کند از جانب خودنایبی تعیین نماید، وحق نایب را ازسهام خودبدهد، ودراین صورت اگر مدت غیبت اوازسه‌ماه تجاوز کند سهم‌مقررهٔ خودرا ساقط بداند، واگر سفراوازشش‌ماه‌تجاوز نماید حق‌سهام مقرره وحق‌مقام هردورا ساقط بداند.

تکالیف واعظ

اول - درماه‌مبارک‌رمضان بایدهمه روز بعداز نمازظهر و عصر موعظه کند مگردرصورتی که‌امام‌مسجدخود درشهر رمضان‌وعظ‌نماید، که‌دراینصورت‌عوض‌رمضان‌رادرماه‌رجب وشعبان‌سی‌روز موعظه‌نماید.

دویم - درایام جمعه بعداز نماز ظهر وعصر وعظ کند.

سیم - اگر اورا سفری یامهمی پیش‌آید و باجازهٔ متولی یانایب التولیه سفر کند نایبی ازجانب‌خودتعیین کند که درغیبت اووعظ مقرره ترک نشود وحق نایبرا از سهم خودبدهد، و در این صورت اگر مدت غیبت‌او ازسه‌ماه تجاوزنماید سهم‌مقرره خودراساقط‌بداند واگرسفراو ازششماه تجاوز کند حق‌سهام مقرره وحق مقام هردو راساقط بداند.

تکالیف قاریان

اول - همه روزه یکنفر از قاریان برطبق نوبه که فیمابین خود قرار بدهند بعداز نماز ظهر و عصر وبعداز نماز مغرب و عشابمکانی که برای‌قاری‌معین‌است‌صعودنموده‌چندآیه‌از کلام‌الله‌مجیدجهراًقرائت‌نماید.

دویم - همه‌روز یکنفر بنوبه دروقت معینی بمسجد حاضر شده بمردم فن‌تجوید ووجوه قرائت تعلیم دهند.

سیم - هر یك را علاوه بر چهل روز اختیاری سفری پیش آید وباذن متولی یانایب التولیه سفر کند نایبی بجای خود بگذارد و حق

اورا ازسهام خودبدهد ودر این صورت اگرمدت غیبت او ازسه ماه تجاوز کند سهم مقررهٔ خودرا ساقط بداند واگر سفراو از ششماه تجاوز کند حق سهام وحق مقام هردو راساقط بداند.

تکالیف طلاب

اول - در سکون مدرسه وحلیت وظیفه اذن صریح نایب التولیهٔ موقوفات راشرط بدانند.

دویم: دراشیائیکه مابین هریک بارفیق منزلش بالاشاعه مشترک است زیاده از حق خودمتصرف نگردد مگر باجاهٔ شریک خودودراستعمال شریک آنهارا بقدرسهم خودش مزاحم نباشد.

سیم: درتحصیل ساعی وبدرس مواظب باشد لامحاله درغیرایام تعطیلات متعارفه واتفاقیه باید درهرروزدو درس بخواند ودودفعه مذاکره بکندو حسب المقدور درفهم واتقان آنها بکوشد. وبصدق مسمی اکتفانمناید.

چهارم: درحفظ فرش وکتاب واسباب موقوفه اهتمام تمام بکار ببرد

پنجم: فرش وکتاب واسباب راهیچوقت وبرای هیچ مصرف از مدرسه خارج ننماید.

ششم: درکتب موقوفه چیزی ننویسد. وجائی از آنها را سیاه نکندواگر تصحیح غلطی بخواهد بکند باید بخط خوب وسلیقهٔ خوش باشد واگر فائده صحیح ملاحظه نماید وبخواهد درحاشیهٔ کتابی بنویسد در خارج نوشته بمدرس آن علم بنماید اگر قابل دانست و تصدیق نمود درحاشیه کتاب بخط خوش بنویسد یابنویساند.

هفتم: مادام که دراساتید خارج مدرسه مزیدفائدهٔ من حیث العلم برای خود نمی بیند و ایشان را باستادان مدرسه در این باب یکسان و بلارجحان میداند مأذون نیست که مدرسین واساتید مدرسه را گذاشته درنزد خارجین مدرسه درس بخواند.

هشتم : اگر در مدرسه منشأ شرارت و نزاع گردند خود را از عداد موقوف علیهم باطناً وظاهراً خارج بدانند .

نهم : اگر کتاب یا اسباب موقوفه را بتفریط تلف یا معیب نماید خورا مکلف بادای قیمت یا ارش آن بداند .

دهم : درمدرسه شاگرد نگاه ندارند ، چه ممیز باشد وچه غیر ممیز ، ولی اگر طالب العلمی مکلف از خارج بیاید و نزدیکی ازشریکین حجره درس بخواندو یا بااو مباحثه بکند و بخواهد بارضای شریك دیگر زیاده از زمان اشتغال بدرس و بحث هم در آن حجره متوقف گردد مانع نشوند بجزعاریه که اگر بخواهد بیاید ودر آنجا بماند اجازه ندهند .

یازدهم : مهمان را که از خارج دارالخلافه برایشان وارد شده باشد بیشتر از سه شبانه روز نگاه ندارند .

دوازدهم : از اهل بلد یاامثال آن اگریکی بعنوان دیدو بازدید ویا کاری که‌ازاین قبیل است براهل حجرات وارد شود او را ازشش ساعت زیادتر درحجره نگاه ندارند که اسباب تعطیل آنهاشود .

سیزدهم : هرروز باید هریك حزبی ازقرآن مجید قرائت کنند . واگر روزی ترك شود قضاء فائت رادروقت دیگر بجاآورند .

چهاردهم : آحاد طلبهٔ مدرسه باید در بارهٔ نایب التولیه و ناظر حق احترام و تبجیل بگذارند وطریق ادب و تکریم ایشان را ازدست ندهند .

پانزدهم : اگر وقت ایصال مقرری طلبه رسیده باشد وازنایب التولیه ومباشر تسامحی بین بظهور برسد حق دارند که مطالبهٔ حق خود کنند ، ولی هم بارعایت شرایط حرمت ولوازم ادب .

شانزدهم : در طول یکسال اختیاراً علاوهٔ برتعطیلات متعارفه عمومی ویك اربعین که برای ییلاق یا امر دیگر ذیحق است از مدرسه غایب نشود ، اگر زیاده از آن غیبت نماید خود رامستحق سکنی مدرسه

ووظيفه مقرره نداند الا باذن من اليه الاذن ، و بعضی حیل را نیز اسباب مسامحهٔ خود را در تحصیل قرار ندهد مثل اینکه بتفاریق از مدرسه غیبت کرده متعذر شوند که ایام غیبت‌ما زیاد امتداد نیافته زیرا که اگر درمدت سال سوای تعطیلات متعارفهٔ عمومی و چهلروز مقرره چنددفعه غیبت کند که عرفا گفته‌شوددرتحصیل مسامحه‌دارند نیزازعداد موقوف علیهم خارج خواهند بود .

هفدهم : در صورتیکه ضرورتی داعی غیبت ایشان علاوه بر چهل روز مقرر بشود و یا بخواهند بزیارت یکی از مشاهد ائمه اطهار علیهم‌السلام بروند با اذن متولی و نایب‌التولیه باید بروندودراینصورت تا سه ماه فقط حق سکنی حجرهٔ خود را بدون وظیفه مقرره ثابت و علاوه بر سه ماه حق وظیفه و حق سکنای خود هردورا از مدرسه و موقوفه ساقط بدانند .

هیجدهم : شریکین باید هرشب بلزوم کفائی در حجرهٔ خود بیتوته نمایند ، و البته بدون ضرورت قویه هیچ شب از ادای تکلیف بیتوته سرنپیچند ، و اگراحد هما را درخارج خانهٔ باشد وبخواهدشب بخانهٔ خود برود باید شریك خود را بادای حقوق بیتوته او راضی سازد والا خود از عهده تکلیف نوبه خود بر وجهی که با یکدیگر مقرر داشته اند برآید ،

نوزدهم : کتب موقوفه را زیاده ازقدر ضرورت درپیش‌خود نگاه ندارد ، ودرصورت ضرورت ازنمودن بغیر خود از طلاب مدرسه وغیرهم مضایقه نکنند .

بیستم . هر یك از طلاب که در دو امتحان متوالی در علم خود ترقی نکرده باشد حق سکنای خودرا درمدرسه ساقط بداند .

تکالیف معلمین اطفال

اول : در تعلیم هر یك از بیست و پنج طفل در صورت امکان و کمتر در صورت عدم امکان که زحمت ایشان بر عهده او است باید حق مواظبت و سعی بقصد ترقی ایشان بگذارند ،

دویم : در صورت لزوم تأدیب و سیاست خارج ازمقدار مشروع اطفال را نیازارند .

سیم : سوای چهلروز مدت غیبت اختیاری اگر بخواهد باذن متولی یانایب التولیه برای زیارت یاضرورت دیگر سفر کند نایبی بجای خود بگذارد ، وحق اورا ازسهم مقررهٔ خود بدهد ودر اینصورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقررهٔ خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرره وحق مقام هردو را ساقط بداند .

چهارم : هریك ازاطفال آنچه ضرور داشته باشند از کتاب درس ولوازم کتابت بنایب التولیه اطلاع بدهد ومراقب تحصیل آنهم باشد .

تکالیف خوشنویس مشاق اطفال

اول : همه روزه سوای ایام تعطیل چهار ساعت بغروب مانده بمکتب خانه حاضر شده تایکساعت بغروب مانده شاگردانی که استعداد مشق وتعلیم را دارند مشق وتعلیم بدهند .

دویم: در صورتیکه عذر شرعی برای یکی از آنها پیداشود دیگری از آن دورسیدگی بمشق وتعلیم تمام شاگرد های مستعد نماید که در کار آنها تعطیل نشود .

سیم : هریك را علاوه از چهل روز اختیاری سفری پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند نایبی بجای خود بگذارد ، وحق او

را ازسهام خود بدهد ، و دراینصورت اگر مدت غیبت او ازسه ماه تجاوز کند سهم مقررهٔ خود را ساقط بداند ، واگر سفر او ازشش ماه تجاوز نماید حق سهام مقررهٔ وحق مقام هردورا ساقط بداند .

چهارم : هرگاه در کتابخانه برای کتب موقوفه حاشیه نویسی جزئی لازم شود و کتابدار اظهار کند از نوشتن آن مضایقه ننماید .

الفصل الرابع

تعزیه داری

اول : در لیالی عشر اول محرم همه‌شب مجلس روضه‌خوانی در مسجد منعقد شود وسه نفر ذاکر صادق اللسان دعوت شده ذکر مصائب ائمه اطهار سلام الله علیهم بشود .

دویم : یکنفر ذاکر موصوف بصفت مزبور معین شود که در طول سال هرشب جمعه ولیالی متبرکه در مسجد بعد از نماز جماعت ذکر مصیبت نماید .

سیم : درهریك از شب وروز دهم محرم پنجاه من هشت عباسی برنج باقدر متعارف آن ازگوشت وروغن و ملزومات طعام طبخ شود ودر مسجد بعموم فقرا اطعام گردد .

چهارم : از پنجاه سهم مقرره درفصل دویم که برای اخراجات تعزیه داری مقرر شده حق سه نفر ذاکر عشر اول محرم ویکنفرذاکر شبهای جمعه ولیالی متبرکه باخرج طبخ یکصد من برنج شب و روز دهم محرم موضوع شود . آنچه باقی بماند بالتمام صرف شام وقهوه وقلیان لایق ده شب عشراول محرم شده هرشب تمام طلاب مدرسهٔ ناصریه دعوت شده درمجلس روضه استماع ذکرمصیبت وصرف شام وقهوه و قلیان نمایند .

پنجم: در هرشب عشر اول محرم یکنفر از علمای دار الخلافه و اصحاب او بمجلس روضه واطعام باید دعوت شود .

اطعام طلاب

اول : در شب اول جمعه رجب و شبهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بیست و هفتم رجب ودرشبهای سیزدهم وچهاردهم و پانزدهم شعبان ودر شبهای نوزدهم و بیست ویکم و بیست وسیم و بیست وهفتم شهر رمضان هردوازده شب شبی بده نفر ازطلاب مدرسهٔ ناصریه که مجموع یکصدو بیست نفر طلاب میشوند یك حقی داده شود که بنیت طلب مغفرت برای واقف احیا بدارند ، وخرج آن از بابت ده سهم مقررهٔ که درفصل دویم برای اطعام طلاب مقرر شده داده شود .

دویم: در شب عید فطر و عیداضحی وشب عید غدیر وشب عید مولودحضرت ختمی مآب وعیدنوروز هرپنج شب تمام طلاب فقط بطعام پخته اطعام شوندوخرج آن نیز ازبابت ده سهم مقرره درفصل دویم داده شود .

امتحان طلاب

اول : در آخر هرسال هرچند روز که کافی شود مجلس امتحان از چهارساعت تقریبی بغروب آفتاب مانده تا غروب منعقد گردد در هر روز دوسه نفر از فضلای اهل بلد بمجلس امتحان دعوت شود و طلاب مدرسه درهرعلم که تحصیل کرده اند یکان یکان امتحان شوند واهل مجلس از ایشان سئوالات متعلقه بفن ایشان بفراخور حال هریك نمایند و درجهٔ ترقی ایشان را بدون اظهار بخودشان بهتعیین اهل مجلس مستوفی ثبت کند تا مجالس امتحان بپایان رسد واجزاء آن مجالس ازموقوف علیهم از این قرار باشند :

نایب التولیه ناظر مدس آنعلم که امتحان میشود تالی
مدرس علمی که امتحان میشود متعلم علمی که از آن امتحان میشود
مستوفی .

دویم : چند نفر از طلاب که درعلم وفن خود ترقی فوق العاده کرده باشند باندازه ترقی ایشان نایب التولیه بتصدیق اهل مجلس امتحان هدیه از بابت ده سهم که در فصل دویم برای اخراجات امتحان و هدیهٔ طلاب مقررشده ازنقدی وخلعت آماده کرده وروزی مخصوص درحضور جمع بآنها بدهند ، تا اسباب ترغیب وتشویق ایشان درتحصیل علم باشد .

سیم : خرج چای وقهوه وقلیان مجلس امتحان در ایام امتحان ازبابت ده سهم مقررهٔ مزبوره داده شود .

چهارم : هرسال صورت امتحان را که حاکی ترقی وتنزل طلاب وهدایائیکه بایشان داده شده باشد بعد ازاتمام مجالس امتحان مستوفی در کتابچه ثبت کرده اهل مجلس امتحان مهر نموده در کتابخانه محفوظ شود که عندالضروره بآن رجوع گردد .

مریضخانه

اول : همه روزه در صورت امکان بیست نفر مریض از طلاب و اطفال مکتب خانه وخدمه وسایر اجزای ادارهٔ موقوفه باید در دارالشفا نگاهداری وپرستاری شود .

دویم : هرزمان عدد مرضای طلاب وغیره از اجزای ادارهٔ موقوفه اتفاقاً از بیست نفرمتجاوز باشد علاوه بر بیست نفر نیز میباید نگاهداری وپرستاری شود و در عوض ایامی که عدد ایشان کمتر از بیست نفر باشد محسوب گردد تامرضای طلاب واطفال مکتب خانه وخدمه و سایر

اجزای اداره موقوفه محتاج رجوع باطبای خارج دارالشفا و نگاهداری وپرستاری کسی نباشند .

سیم : هر گاه اتفاقاً بواسطهٔ مرض عام وغیره در تمام مدت سال که حساب شود فقط عدد مرضای طلاب وخدمه و اجزای ادارهٔ موقوفه از ازروزی بیست نفر روی هم علاوه شده باشد و هفتاد سهم مقرره که در فصل دویم برای خرج دارالشفا معین است وفاباخراجات آنها نکرده باشد هرچه علاوه خرج آن شده باشد از بابت غایب ومتوفی وغیره که در آخر فصل دویم مقرر شده محسوب شود .

چهارم : هرزمان عدد مرضای طلاب و خدمه و سایر اجزای ادارهٔ موقوفه کمتر از بیست نفر باشد واز مرضای ایام گذشته هم علاوه نباشد که در عوض کسر این زمان محسوب شود عدد بیست نفر مریض از فقرای شهر بارعایت الاقرب فالاقرب تکمیل شود .

پنجم : خرج دوا و غذا و فصد و زلو و امثال آنها که برای مرضی لازم است حکیم باشی و دو نفر طبیب دارالشفا نسخه کنند و دستورالعمل دهند از بابت هفتاد سهم اخراجات دارالشفا که در فصل دویم مقرر شده داده شود .

ششم : در هر سال شصت دست پیراهن و زیر جامهٔ چلواری و بیست دست پیراهن و زیر جامهٔ کرباسی و چهل ثوب ارخالق چیت پنبه دار و بیست ثوب جبه برك پنبه دار و چهل شمد چلواری و بیست فرد شب کلاه چلواری پنبه‌دار و بیست فرد شب کلاه ماهوت بطانه پوست یا نظیر آنها و یکصد دستمال چلواری از بابت هفتاد سهم اخراجات دارالشفا که درفصل دویم مقرر شده تهیه و تدارك نموده ودر صندوقخانهٔ دارالشفا پاك و پاکیزه محفوظ شود که مرضای وارده بر دارالشفا برطبق دستورالعمل هر یك از حکیم باشی ودو نفرطبیب باقتضای فصل بپوشند

و استعمال نمایند . و بعد از صحت و خارج شدن از دارالشفا یا وفات باز پاك و پاکیزه کرده در صندوقخانه دارالشفا محفوظ شود که مرضای دیگر استعمال نمایند و این ملبوس و غیره هر قدر از سال قبل مانده و قابل اصلاح باشد اصلاح شود ، باقی جدید ابتیاع و تدارك شود که همیشه این مقدار ملبوس و غیره در دارالشفا موجود باشد .

هفتم : در هر سال سی عدد لحاف چیت یا قلمکار وسطو بیست دوشك هر دو روقدك و پنج دوشك رویه کتان و آستر قدك و پنج دوشك رویه مشمع و آستر قدك و سی متکای پنبه یا نظیر آنها از بابت هفتاد سهم مقرره تدارك شده در صندوقخانه مریضخانه محفوظ شود که برای مرضی بتفصیل فوق استعمال شود ، و از این مسطورات نیز هر قدر از سال قبل قابل اصلاح باشد اصلاح شود کسر آن جدید ابتیاع شود که این مقدار دردارالشفا موجود باشد .

هشتم : در آخر هر سال باز دید لباس و بستر و اسباب و آلات مریضخانه بشود هر چه قابل اصلاح است اصلاح شده برای سال بعد منظور شود و آنچه قابل اصلاح نیست بحکم نایب‌التولیه بفقرای شهر با رعایت الاقرب فالاقرب بذل شود .

نهم : سوای اصلاح فرش و ظروف که حکم علیحده دارد هر قسم اصلاحات در اسباب و آلات و ادوات طبی و جراحی و مطبخ و دواخانه و غیره و غیره آنچه تعلق بدارالشفا دارد لازم است از بابت هفتاد سهم مقرره که در فصل دویم معین است بشود .

دهم : صرف روشنائیها و ذوغال و هیزم زمستان بقدریکه اطاقهای مرضی بر وفق دستورالعمل حکیمباشی و دو طبیب دارالشفا گرم باشد ، و یخ تابستان و صابون واشنان و غیره که بجهة پاکیزگی

لباس و تطهیر و شست و شوی بستر مرضی لازم است از هفتاد سهم مقرره داده شود .

یازدهم : از مرضای دارالشفا هر کس متوفی شود خرج غسل و کفن ودفن آن از بابت هفتاد سهم مقرره داده شود .

مکتب خانه

اول : در صورت امکان همه روزه یکصد نفر واگر جمع آوری یکصد نفر ممکن نشود هر قدر مقدور است از اطفال مسلمین بلد در مکتب خانه موقوفه می باید درس فارسی و عربی بخوانند وخط بیاموزند و تربیت شوند .

دویم : از یکصد نفر و کمتر اطفال مسلمین هرچند نفر اولیای ایشان بضاعت کفالت غذا و لباس ایشان را داشته باشند و به مکتب خانه بسپارند مجاناً ایشان‌را درس بدهندو خط بیاموزندو تربیت نمایند ، غذا و لباس ایشان بااولیای ایشان خواهد بود ، وهرچند نفراز فقرا باشند بهر کدام یك ماهیانه نقدی برای غذای روز ایشان باندازهٔ که در مدت سه سال ماهیانه های کل اطفال مکتب خانه از بیست سهم موقوفه علاوه نشود داده شود و در هر سال بهر نفر دو دست ملبوس از اجناس مسطور در ذیل یا نظیر آنها بقرار تفصیل ذیل داده ماهیانه‌ها و خرج ملبوس مسطوره از بابت پنجاه سهم مقرره در فصل دویم برای اخراجات مکتبخانه محسوب گردد :

تابستانی دست

پیراهن مدغال بلند رنك کرده ثوب　　زیر جامهٔ مدغال رنك کرده ثوب　　کلاه چلواری پنبه دار فرد　　کفش زوج　　کمر بند چرمی عدد　　ندارد

زمستانی دست

پیراهن مدغال رنك کرده ثوب زیر جامه ایضاً توپ

کلاه نمد فرد کفش زوج

کمربند چرمی عدد ار خالق قدك پنبه‌دار ثوب

جبه کوتاه برك پنبه دار ثوب ندارد

سیم: اصلاح کتب موجودهٔ مکتب خانه که برای اطفال لازم است و ابتیاع عوض اسقاط شده وابتیاع کتب جدیداگر لازم شود ازعم‌جزو و کتب‌فارسی الی‌امثله‌و صرف‌میر وامثال آن‌از بابت‌پنجاه سهم‌مقرره در فصل دویم که برای اخراجات مکتبخانه مقرر شده داده شود.

چهارم: لوازم مشق از قلم و کاغذ و مرکب و دوات و امثال آن از بابت پنجاه سهم مقرره در فصل دویم آماده شود.

پنجم: هیزم و ذوغال مکتب خانه در زمستان‌و یخ در تابستان و سایر لوازم جزئی‌از قبیل کوزه و ابریق‌و غیرها از‌پنجاه‌سهم‌مقرره درفصل دویم مهیاشود.

چراغخانه

اول: درعشر اول محرم که شبهاروضه خوانی میشود هر شب در مسجد و مدرسه یکصدو شصت چراغ بتفصیل‌ذیل روشن باشد:

از مغرب تا پنج ساعت تقریبی‌از شب گذشته‌یکصدو بیست‌چراغ

در محراب مسجد دو چراغ در پلهٔ منبر مسجد دو چراغ در فضای‌مسجد هرجا مقتضی باشد ۵۰ چراغ در صحن مدرسه ۴۰ چراغ در دهلیز و دالانها هشت چراغ در مطبخ و شربت خانه و دالانهای متعلق بآن ده چراغ در مبال و دالانهای آن ۶ چراغ

در منارههای مسجد دو چراغ   از یکساعت بطلوع فجر مانده تا روشنی روز چهل چراغ   در محراب ۲ چراغ   در پلهٔ منبر ۲ چراغ   در فضای مسجد هر جا مقتضی باشد ۲۰ چراغ   در درب دهلیز ودالانها ۵ چراغ   در مطبخ و دالانها ۵ چراغ   در مبال و دالانهای آن ۶ چراغ.

دویم : در لیالی احیا از اول مغرب تا روشنائی روز یکصد و شصت چراغ بتفصیل مسطور درفوق تمام شب روشن باشد.

سیم : در سایر لیالی تمام سال سوای عشر اول محرم و لیالی احیا هرشب در مسجد ومدرسه یکصد چراغ بتفصیل ذیل روشن‌شود :

از مغرب تا سه ساعت تقریبی از شب گذشته ۶۵ چراغ

در محراب مسجد۲چراغ   در منبرمسجد۲چراغ   در فضای مسجد ۲۵ چراغ   در صحن مدرسه۲۰ چراغ   در دهلیز ودالانها عموماً ۸ چراغ   مبال و دالانهای آن ۶ چراغ   منارها ۲ چراغ ندارد.

از یکساعت بطلوع فجر مانده تا روشنی روز۳۵چراغ

در محراب ۲چراغ   در پلهٔ منبر ۲ چراغ   در فضای مسجد هرجا مقتضی باشد ۱۸ چراغ   درب دهلیز و دالانها عموماً ۸ چراغ   مبال ۵ چراغ

چهارم :در اوقات مقررهٔ در فوق دو چراغ‌محراب ودو چراغ منبر از شمع گچی که در این زمان متداول است یا شموع دیگر که در نظافت نظیر آن باشد روشن شود وچراغهای مسجد وصحن‌مدرسه از شمع پیه یاپیه خالص ، ودرب دهلیز و دالانها ومبال ومناره‌ازروغن کرچك ونظیر آن.

پنجم: چراغهای محراب ومنبر میبایست درلالۀ بلور و نظیر آن روشن شود و چراغهای مسجدو مدرسه در فانوسهای شیشۀ ونظیر آن و چراغهای درب دهلیز و غیره در هر چه خـادم باشی صلاح بداند و مقتضی باشد .

ششم: اصلاح ومرمت اسباب وآلات چراغخانه از لاله‌وفانوس‌و غیره عندالضروره،و قیمت شمع و روغن و پیه و فتیله و غیره از لوازم چراغخانه باندازۀ مسطوره در فوق کماً و کیفاً در مدت سال از بابت بیست‌وپنج سهم که‌در فصل دویم‌برای اخراجات چراغخانه‌مقرر گردیده است داده شود .

حمام و باغچه

اول : اجرت یکنفر حمامی ویکنفر جامه‌دار ودو نفر دلاك و یکنفر گلخن افروز از بابت پانزده سهم مقرره در فصل دویم که برای اخراجات حمام‌و باغچه مقرر شده‌با رعایت صرفۀ وقف داده شود.

دویم: صرف روشنائی وسوخت‌حمام وقلیان و صابون از بابت پانزده سهم مقرره در فصل دویم بشود.

سیم : لنگ وکشکول و دلو و سیخ آهن و امثال آن بقدر ضرورت از پانزده سهم مقرره مزبوره تهیه‌شود .

چهارم : تخم گل و نهال و لوازم دیگر برای باغچه ها بقدر ضرورت که باغبان لازم بداند ازپانزده سهم مقرره مزبوره داده شود.

مورخۀ هفتم شهرشوال‌المکرم‌سنۀ ۱۲۹۷ لوی‌ئیل‌ترکی(حسین ۱۲۹۳)

در مجلس اجراء عقد وقف حاضر بودم که صیغهٔ وقف بتفصیلی که جناب مستطاب شریعتمدار مجتهد الزمان آقای حاجی آقا محمد سلمه‌الله تعالی نوشته و مهر نموده‌اند.

جاری شد تحریراً فی ربیع الاول ۱۲۹۹ (عبده سید زین‌العابدین‌بن ابوالقاسم الحسنی الحسینی).

بسم‌الله خیر الاسماء الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی و بعد در خوشترین وقتی از اوقات مقرونه بخیر و سعادت و برکات روز هفتم شهر شوال‌المکرم سنهٔ ۱۲۹۷ در خانهٔ مرحوم خلد مکان سپهسالار اعظم رحمه‌الله تعالی در مجلسی که اکثر علماء بلد باصنافهم زادالله فی شرفهم حضور داشتند صیغهٔ وقف املاک مفصلة الاسلامی در صفحهٔ پانزدهم و شانزدهم بتوکیل آن جنت آشیان بجهة عموم خیرات و مبرات راجعه بعامهٔ اهل ایمان از علماء و طلاب علوم دینیه و مرضای مسلمانان و تعلیم اطفال ایشان و اهل عبادت و غیرهم سمت جریان پذیرفت بطوریکه تفصیل مصارف در نظر انور واقف خیر مواقف که متولی اول بود جلوه گر شود تقسیماً و تسهیماً و کیفیة و کمیة و مرحوم واقف اظهار داشت که من خود را من حیث المالکیة للاملاک المفصلة تخلیه نمودم و من باب التولیه این املاک را نگاهداری مینمایم و درهمان مجلس امر تولیه خود را بمرحمت شأن خلد آشیان اعتضادالسلطنه واگذار نموده و سجدهٔ شکر بجهة جریان عقد وقف بجای آورد حرره فی ۲۶ شهر ربیع الاول ۱۲۹۹

(محل مهر مرحوم خلد آشیان حاج آقا محمد نجم آبادی اعلی الله مقامه)

بسم الله تعالی

بلی در حضور علماء اعلام عصر کثر الله امثالهم اجرای صیغهٔ

موقوفهٔ معینهٔ مشخصه بنحویکه مشروحاً دراین کتابچهٔ وقفنامه مرقوم شده (در اینجا یك کلمه حك شده است) با تفصیل سهام داعی در آن مجلس شریف حاضر بودم تمام بیان واقع است خداوند بتوجه اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وجود مبارك اعلیحضرت شاهنشاه دین پناه را باقی و مستدام بدارد که انشاء الله این امور خیریه بزودی انجام پذیرد و بسلامتی وجود مبارك با کمال استحکام تمام شود که درواقع شعار ملت و شکوه دولت است کتبه الداعی فی شهر ربیع الاول ۱۲۹۹ (عبده سید مرتضی بن محمد محسن الحسنی الحسینی)

بسم الله تعالی

بلی در مجلس اجراء صیغهٔ وقف این اقل دعا گویان دولت ابد مدت حاضر بود و املاك مزبوره را بر جهات مرقومه وقف فرمودند و من حیث التولیه بعنوان وقفیت اظهار انشاء قبض نمودند و بنهایت خرسندی سجدهٔ شکر بجا آوردند خداوند عالم حضرت ظل الله شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و دولته را توفیق اتمام کرامت فرماید

حرره الاقل الراجی لرحمة مولاه عبدالرحیم النهاوندی

(سجع مهر آن مرحوم اعلی الله مقامه)

(الراجی عبدالرحیم)

هو

قد جرت صیغة الصدقة الجاریة و وقف الاملاك والعقارات والحمام والحوانیت المشخصة المعینة بتحبیس اصلها و تسبیل منافعها فی مطلق - الخیرات والمبرات الراجعة الی اهل الایمان قاطبة و جعل تعیین السهام و المصارف کماً و کیفاً و جهة موکولا الی نظر جنابه العالی من حیث

التوليه و اقبضها من يد الملكية بيده التوليه و كل ذلك كان بمحضر جماعة من اعلام الطايفة و اقل الخليقة العبد الجانی (امن المتوكلون محمد حسن بن علی)

میان دو هلال سجع مهر شیخ محمد حسن قمی است

قوبل باصله و صحت المعارضة به فی السلخ من رمضان المبارك سنة ۱۳۵۵

محمد الحسینی المشكوة

متن وقف نامه در کتابخانه مدرسه موجود وضبط است

بسم الله وله الحمد هوالواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على محمدو آله خير القبائل والعشائر

مخفی نماناد چون حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم آقای یحیی خان مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم دام اقباله العالی در اراضی جنب جنوبی مدرسهٔ جدیده جلیلهٔ مرحوم مغفور جنب مکان خلد آشیان طوبی مقام طائر روضهٔ جنان حاج میرزا حسینخان سپهسالار اعظم نورالله مضجعهٔ الشریف یکباب کاروانسرا و پنج باب دکاکین بنا فرموده بودند ودر تاریخ ذیل توفیقات ربانی و تأییدات سبحانی شامل حال و کافل احوال خیریت مآل حضرت اجل اکرم اعظم معظم گردید قربة الی الله وطلباً لمرضاته وقف مؤبد ملی و حبس مخلد شرعی نمودند همگی و تمامی من حیث المجموع کل ششدانك یکباب کاروانسراء مرقومه جدید البناء ملکی خودرا واقعه در خارج دروازهٔ قدیم شمیران جنب جنوبی مدرسهٔ مرقومه محدود بحدود ذیل باکافهٔ ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه آن ازممر و مدخل و حجرات و انبار و طویله و بهار بند و صحن و دالان

حدی بخیابان و جلو خیابان	حدی بمکتب خانه	حدی بخانهٔ کربلائی حسن و رضا قلی	حدی بخانه

و کما یتعلق بهارا بحیث لا یستثنی منهاشیئی باانضمام کل ششدانك پنجباب دکاکین متصله بسراء مزبور ودود که برمدرسهٔ جدیده مرقومه مرحوم مغفور جنت مکان علیین آشیان سپهسالار اطاب الله رمسه از قرار در ورقهٔ وقفنامچه سایر موقوفات مدرسهٔ مرقومه وامر تولیت را راجع نمودند با متولی سایر موقوفات مدرسهٔ مرقومه و نظارت موقوفه مرقومه را قرار دادند باناظر سایر موقوفات مدرسه مرقومه ازقرار تعیین وتفصیل

در ورقه وقفنامچه سایر موقوفات مدرسهٔ مرقومـه و صیغهٔ وقف مزبور مشتملة علی الایجاب و القبول بالفارسیه و العربیه واقع و جاری شدو عین موقوفه بتصرف وقف داده شد قبض و اقباض که شرط صحت وقف است بعمل آمدفمن بدله بعد ماسمعه فانه آثم و کان وقوع ذلك الوقف فی یوم دوازدهم شهر ذی حجة الحرام من شهور سنه ۱۳۰۷ هجری

(سجع مهر - مشیرالدوله ۱۲۹۹)

بسم الله تعالی

وقع الوقف والقبض والتولیة والنظارت حسبما سطر فی الورقه بایجاب منی فی ذی حجة الحرام ۱۳۰۷ - سجع مهر - افوض امری الی الله علی اکبر حسینی.

بسم الله خیر الاسماء

نعم قد جرت صیغة الوقف بشرایطها فی الثانی و العشریـن من ذی حجة الحرام ۱۳۰۷

(سجع مهر) عبده علی اکبر

هو الواقف علی الضمائر و المطلع علی السرائر

بسم الله رب الارض و السماء

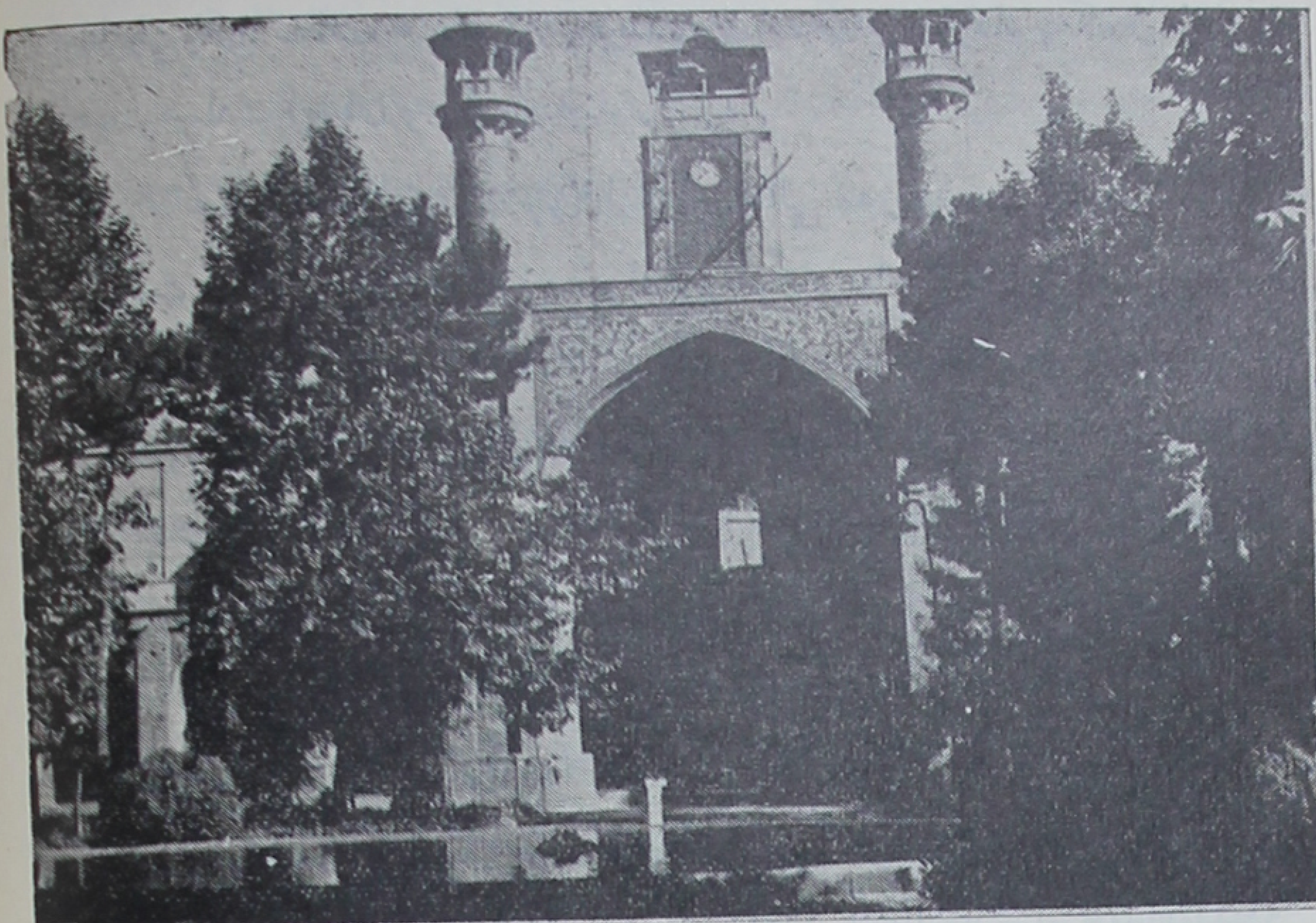
شکر و سپاس فزون از قیاس وقف بـارگاه واقف الاسراری است که حوض خانـه قلوب محبان را بمیاه معرفت سیراب و بسرچشمه مراد رسانیده و اقفان محکمات را که متولی بر عقد کایناتند از سایر مخلوقات ممتاز و بعین مراد رسانیده و صلوة و سلام بی آغاز انجام بر آن یگانه گوهر دریای ولکن رسول اله و خاتم النبیین و مخاطب بخطاب وما ارسلناك الارحمة للعالمین و رسالت گاه انك لمن المرسلین علی صراط مستقیم

و تحیت ودرود بی قیاس بر اهل بیت آن بزرگوار که عطوف رؤف اراضی صدور مخلصان را بولای ایشان مبتهج فرموده که گم شدگان دریای مناهی توسل بسفینه مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیهانجیومن تخلف عنهاغرق جویندورقمات صدور ارقام و کمال‌اذعان بجهت سیادت ایشان وصف نمایند.

غب‌الحمدو الصلوة چون‌از برای عالی مدرسه ومسجدجدیدالبناء مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان آرامگاه حاجی میرزا محمدحسین خان سپه سالار اعظم که در جنب عمارت و باغ مختصی خود بنا نموده و مسمی بمدرسه ناصری و از بناهای مستحکمه دولت جاوید آیت‌علیه ایران میباشد آبی لازم بود مختص بمدرسه ومسجد وحوضهای آنجا که ساکنین مدرسه و عابدین در مسجد از اهل علم و فضل کثرالله امثالهم همیشه اوقات لیلا ونهاراً از آن آب منتفع و بفراغت بتحصیل علوم‌دینیه ومراتب کمالیه ودعاگوئی ذات اقدس همایونی اشتغال نمایند.

لهذا بعداز آنکه از الطاف عمیمه و مراحم خسروانه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه‌عالمیان‌پناه خلدالله‌ملکه ودولته سه دانگ ملکی مختصی شاهنشاه دین پناه مشاع از ششدانگ مجری یکرشته قناة مهران بصلح شرعی منتقل و مرحمت شد بجناب جلالتمآب اجل اکرم یحیی‌خان مشیرالدوله و دونفر اخوان گرام و دو نفر همشیره‌های‌مکرمه ایشان که ورثه مرحمت‌و غفران مآب سپه‌سالار اعظم غفرله‌میباشندبازاء‌مبلغ ده هزار تومان وجه ریال مسکوک بسکه مبار که‌بالتمام تقدیم حضور مهر ظهور اعلی شد جناب معظم بمفاد آیهٔ شریفه وماتقدموالانفسکم من خیر تجدوه عندالله هو خیراً واعظم اجراً قربة الی الله تعالی‌و طلباًلرضاه از جانب خود باذن‌و اجازه‌دونفراخوان گرام و دو نفر همشیرهٔ مکرمهٔ خودشان وقف مؤبد و حبس مخلد

شرعی نمودند همگی و تمامی و جملگی این سه دانك را که از جانب اعلیحضرت ظل اللهی بایشان مرحمت و واگذار شد مشاع از ششدانك قناة موسومه فوق برعالی مدرسه و مسجد ناصری که محل ظهور و بروز



قسمت شمال مدرسه که ساعت بزرك بالای آن نصب است

آب این قنات در سه دانگی از بالای بنای مدرسه مرقومه باشد و جاری بشود در حوض خانه مدرسه و حوض صحن مدرسه و حوض مسجد و از بالاتر از محل ظهور آب احدی را حق بردن از این آب نمیباشد و اضافه از مشروب شدن مدرسه و مسجد و مملو شدن حوضهای آنجاها که از مدرسه و مسجد بیرون برود وقف است بر آبادیها و ابنیه و عمارات مسلمانان که در زیر مسجد بنا شده است که سکنه و مالکین آن بناها از آن اضافه منتفع و بهره مند شده ثواب آن عاید غفران مآب معظم شود و در بردن آب اضافه به آبادیها و بناهای زیر مسجد تعیین

وتعین آن منوط است بصلاح متولی در هر زمان هرطور اصلح وانفع بحال مسلمانان باشد معمول داردو تولیت وقف مزبور کسایر موقوفات مسجد و مدرسه مفوض است بقبضه قدرت و اختیار اعلیحضرت قدر قدرت اقدس ظل اللهی لازال مؤیداً بالنصر والفتح و نظارت آن نیز از قرار ترتیبی است که در سایر موقوفات برقرار شده است وصیغه وقف ایجاباً و قبولا جاری شد وقبض و اقباض بعمل آمد علی التولیه والنظاره فمن بدله بعد ما سمعه فانما اسمه علی الذین یدلونه و کان ذلک بتاریخ بیست وششم جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۰

مهر - ورود بدفتر کل	بتاریخ ۲۶ برج حمل اودئیل ۱۳۳۱
۱۴ شهر حوت ۱۳۳۱	در تحت نمرهٔ ۹ در دفتر شرعیات ادارهٔ
نمرهٔ ۲۶۸۰	جلیلهٔ کل اوقاف ثبت شده

امضاء لایقرء

جری عقد الوقف المؤبد حسبما فصل فیه مع الاقباض المعتبر بعد الانتقال الیهم کما اشیر الیه حرره جمادی الاخره ۱۳۰۰

(سجع مهر- المحتاج الی ربه الغنی الاعلی علی)

وقع الوقف الصحیح المشتمل علی التولیه و النظاره

مع الاقباض ۲۶ ج ۲ - ۱۳۰۰

(سجع مهر- عبده الراجی حمزه)

« قنات مهران »

قنات مدرسه عالی سپهسالار از بهترین قنوات طهران است و مرحوم سپهسالار این قنات را ۳ دانك برای مدرسه و ۳ دانك برای عمارتی است که اکنون محل مجلس شورای ملی میباشد ولی در اثر دخالت بعضی ، اکنون برخلاف امر واقف عمل میشود و با آنکه تصریح شده که استفاده از آب فقط باید از مظهر قنات بپائین باشد قبل از مدرسه محل های دیگری از آن استفاده می نمایند و خلاصه با اینکه آب این قنات ٤ سنك است اکنون بیش از نیم سنك آب بمدرسه نمیرسد .

قصيدهٔ تاریخی که مرحوم فتح‌الله‌خان شیبانی(۱) درگزارش‌حال ونهایت روزگار مرحوم سپهسالار بنظم آورده و برای معتمدالملك (تقی‌خان‌مشیرالدوله) برادراو فرستاده تابعرض شاه رسانده‌وشاه‌را ازکردارخود متنبه‌سازد

شاه فرستاد خواجه را بخراسان — کار خراسان بساز کرد و بسامان
لیکن اگر می نشاندیش بسر صدر — کار دگر گونه بود و حال دگرسان
حشمت شه بر همیگذشت بعیوق — دولت شه سر همی فراشت بکیوان
شاه بباید بتخت و خواجه بمسند — تا نشود کار دین و ملك پریشان
خواجه اگر نیستی بصدر وزارت — ملك بسان تنی است کش نبود جان
از تن بیجان چه‌آید ارچه بصورت — هست قویتر زکوه جودی و سهلان
روسیر خسروان رفته نگه کن — ازگه گلشاه تا بدوره خاقان
هر ملکی را بملك بوده وزیری — واسطه کار دین و دولت سلطان
با همه دست‌قوی که داشت، بهارون — کرد قوی پشت خویش موسی عمران
ورچه بفرمانش بادودیو و پری بود — باز بآصف نیاز داشت سلیمان
احمد آخرزمان به بوالحسن آراست — کار وزارت بحکم آیت قرآن
شاه قویتر نبد زخسرو و کاوس — داشت وزیری بدست ملك چو دستان
ورچه‌سکندرجهان گرفت ولی‌داشت — همچو ارسطو یکی وزیر بیونان
نیز انوشیروان که شاه جهان بود — خواجه بدش چون بزرجمهر بایران

فتح‌الله خان شیبانی ـ فرزند محمد کاظمخان ولد مرحوم محمد حسین خان کاشانی ادیب کامل وپیر طریقت وسرحلقه اهل عرفان ازاهالی کاشان بودکه اورا (ابونصر فتح‌الله خان) میگفتند اشعاری شیرین وادبیاتی دلنشین داردکه چاپ شده وفات او در ۱۳۰۸ واقع شده .

ور خلفا را نظر کنی همه را بود — از هنر خواجگان زمانه بفرمان
وز مدد رای فضل سهل بمأمون — سهل شد آن کار های مشکل ایران
هم که سامانیان زغزنویان بود — ایران از رای خواجگان چو گلستان
احمد عبدالصمد بدآنکه بخوارزم — کرد چنان کار های خوب نمایان
هم بگه آل بویه بود بصاحب — دولت ایران قوی قوائم وارکان
ملکت سلجوقیان بخواجهٔ ازطوس — بود بسان عروس خرم و خندان
شاه هم آغاز پادشاهی خود داشت — خوب یکی خواجه بزرگ بدیوان
حشمت او تفته جان چینی وورومی — هیبت او رفته تا بهندو به برمان
وزپس او نیز خواجگان دگر داشت — زبدهٔ ایران و برگزیده کیهان
لیکن از آن پس که خواجه آمد از روم — راست چو از شرق آفتاب فروزان
شاه نشاندش بصدر ملك وخرد گفت — اینت جهانرا یکی بزرك جهانبان
دولت ایران شد از کفایت ودانش — خوبتر از باغ و راغ درمه نیسان
شاه سفر کرد و آفتاب جمالش — تافت بپاریس و روس ولندن و آلمان
خواجه بهمراه شاه رفت وپس آمد — تاکه زدریا بر آمدند بگیلان
دولت ایران شب سیه بد ودرشب — بیش اثر میکند وساوس شیطان
ملکی آشفته بود و قومی هم‌رای — تا رمه شه دهد بدیگر چوپان
شاه چو پروردگان نعمت خود را — دید همهٔ رخ نهاده اند بکفران
کشورولشکردو بهره کرد ومراورا — داد بلشکر بزرگواری و فرمان
خواجه فرزانه یوسف بن حسن را — نیز بکشور وزیر کرد و نگهبان
چندکه آسوده بودملك وهمیداشت — فتنه سر خویش را بزیر گریبان
باز بتضریب چند ساعی نمام — خواجه جدا شد زکار و رفت زطهران
راست بقزوین و شهر قزوین گفتی — چرخ بد و خواجه آفتاب درخشان
مجلسی آراستند باز بدر بار — شسته در او زید وعمر وخالدوبهمان
محضری انجا نبشته شدکه به بندند — چند گناهی بخواجه از ره بهتان
شاه نپذرفت و یوسف بن‌حسن نیز — بود از این کار زشت سخت گریزان
عادل کل هم بعدل خود نپسندید — خواجه شود پایمال تهمت دونان
مغرب ایران زگردکرد پرآشوب — نیز بمشرق فغان فتاد در افغان
از پی اصلاح کار کرد بتبریز — شاه بفرمود و خواجه رفت بفرمان

کرد درآنملک آنچه درگه کاوس — رستم دستان بهند کرد و بتوران
باز پسش خواندشاه و گفت که یکچند — باش چو بلبل بباغ و سرو ببستان
خواجه بباغ اندرون نشست و تو گفتی — باغ بهشت است و خواجه راست چو رضوان
مردم روس اندرین میانه بکشتند — خسرو خود را زجهل غفلت و عصیان
خسروی از نو نشست وواجب آمد — تهنیت و تعزیت ز شاه بدیشان
هیچکس ازخواجه شه ندیدنکوتر — در خور این کار کار فهم وسخندان
کردش از ری گسیل روس سفارت — خوبتر از هر سفیر برد بپایان
باز پس آمد زروس وشاه بدوداد — مملکت طوس و شهر های خراسان
رفت بدان ملک ومردمان همه گفتند — مشتری آمد بقوس و زهره بمیزان
گفت چو بونصر اینحکایت بشنید — زان پس کانگشت خود گزید بدندان
خواجه حسین نبی سپهبد اعظم — آن چو حسین علی ستودهٔ دو جهان
سخت دریغ است اگر نباشدباشاه — در سفر و در حضر ببزم و بمیدان
گرچه فزونتر زنیم ملک بدوشاه — داد همان نیمروز رستم دستان
لیکن در خورد قدر خواجه نباشد — ملک خراسان و شهر های بجستان
خواجه بباید بصدر ملک و به پیشش — صف بزرگان و ترک و تازی ودهقان
تیغ بدستی گرفته خامه بدستی — درد بر اعداء و برموافق درمان
باز امید من آنکه شاه بیارد — همچو بهارش بسر نرفته زمستان
زانکه گرو پیش تخت شاه نباشد — شاه نباشد زبخت خرم و خندان
شاه به از هر که خواجه را بشناسد — در هنرو رای و عقل و دانش وایمان
داند کایدر بملک او دوتن استند — پیرو دین نبی و پاک و مسلمان
وان دگرانرا گمان که احمد مختار — نامدو ناورد امرو نهی زیزدان
جمله گرفتار صورتند و زتوحید — غافل و بی بهره ازمعانی قرآن
شب همه شب مست و بامدادان مخمور — زوتن اندر میان نوزی وکتان
قاصداین سوی آن که هین چه پزی هین — نامهٔ آن سوی این که هان چه خوری هان
پیك فرستاده این بآن که بیازود — مرغ و بره هست وخان و نعمت الوان
آن بجواب این به پیك گوید کامروز — برسر خوان منند جمعی مهمان
شاه مرا خوانده بود نیز نرفتم — ورچه فرستاد چند حاجب و دربان

قومی دیگر زبهر تـاختن خلق / جامه بتن بر بعمد ساخته خلقـان
نرم سخن میکنند لیك بسختی / جـان رعیت همی زنند بسوهـان
گرت بگویم زهر گروه حکایت / ناید تـا حشر این قصیده بپایـان
اینان خود راکفات دیوان دانند / اینت عجب کافیان زاده زدیوان
شاه سلیمان دیگر است وددودیو / بایدش او را بزیر طاعت و فرمـان
لیکن اگر مملکت بدیو سپارد / زود شود او زفعل خویش پشیمـان
بادگر این چامه را بمعتمد شاه / بدهد وگوید به پیش شاه فروخوان
هست امیدم که مشکبوی بشبگیر / بـاز بیارد زری بجـانب کاشان
مژده بیاردکه شاه خواندوپسندید / گفت بماکس سخن نکرده بدینشان
باهمه نیزآن همی کنیم که او گفت / کاین سخنان است محض حکمت‌لقمان
معتمدالملك شاه نیز بمـا داد / زانکـه بود اعتمـاد شاه بدیشان
شاه بمانـاد شادمـان بسر تخت / اختر بخشش بدین دوخواجه دوران

بخش سوم

متصدیان امور مدرسه ومسجد

نائب التولیه ها ـ نظار ـ مدرسین ـ ائمه جماعت

نائب التولیه ها امر تولیت وحل وعقد امور موقوفات مدرسه ومسجد بطوری که در متن وقفنامه اصلی خطی مضبوط در کتابخانه مصرح است مادام الحیاة با خود سپهسالار بوده ودرعین حال بطوریکه وقفنامه تصریح مینمایدواقف تولیت خود را بمرحوم شاهزاده اعتضادالسلطنه وزیر علوم واگذار نموده و در مسافرت بآذربایجان و مأموریت خراسان سپهسالار شاهزاده وزیر علوم بامور بنائی وتشکیل کتابخانه وغیره اهتمام مینموده و نیز پس از خود تولیت را که بمنزلهٔ ناموس شریعت و سفینهٔ سعادت ملت دانسته ابدالدهر بسلطان عصر و زمان مفوض داشته تاروی مقتضیات مراسم دادگستری و خصائل صفات دین پروری عادلانه در باب پیشرفت امور



مرحوم اعتضاد السلطنه

موقوفه و امضاء یا اجرای تکلیف تولیت مبذول گردد .

ضمناً بپاس حفظ احترام سلطنت مقرر داشته که سلطان عصر هر که را از رجال دولت که کافی و امین و صلاحیتدار بداند از جانب خود بنیابت تولیت منصوب فرماید تا تکالیف مربوطه بتولیت‌را بتفاصیل مصرحه در وقفنامه مباشرت نماید .

در دورهٔ ناصری اول کسی که از طرف در بار متصدی و عهده دار اموراین‌مؤسسه گردیده مرحوم غلامعلی خان امین همایون آبدار باشی شاه بود که بعد از وفات یحیی خان مشیرالدوله بواسطه بستگی و انتسابی که با او داشت برای تکمیل وانجام قسمتی ازابنیه ورسیدگی باموروموقوفه‌وتشکیلات مدرسه تعیین شد ولی از وی کاری پیشرفت نکردوامرمهمی انجام نداد.


مرحوم حاج میرزا ابوالفضل
مجتهد کلانتر تهرانی

در سال ۱۳۱۳ مرحوم حاج میرزاابوالفضل‌مجتهدتهرانی(۱)از طرف شاه برای عمل بوقفنامه تعیین شد .

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تکالیف مدرسه و مسجد را از

(۱) — حاج‌میرزاابوالفضل (۱۲۷۳ — ۱۳۱۶قمری) فرزندمیرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی نوری صاحب کتاب مطارح است که از علمای طراز اول مرکز بود (متوفی بسال ۱۲۹۲ قمری) .پدرش از اکابر علمای تهران و از رجال متبحر زمان خود بود — از آثار و تألیفات حاج میرزا ابوالفضل کتاب صدح الحمامه فی شرح‌احوال والدی العلامه‌ومنظومه درعلم تصریف و منظومه در نحو ورساله‌عشقیه ودیوان قصائد و غزلیات بعربی و فارسی و کتاب شفاء الصدور و حواشی براسفار و رسائل و مکاسب وغیره است .

درس و بحث ومحراب و منبر وغیره معین و پنجاه نفر طلبه در حجرات تحتانی مدرسه سکنی گرفتند ومقرر گردید که بهرطلبه ماهی دو تومان شهریه داده شود.

درسال ۱۳۱۶ قمری که مرحوم حاج میرزا ابوالفضل بدرود زندگانی گفت نیابت تولیت از طرف دربار بموثق الملك واگذار شد. در دوره ایشان متدرجاً شهریه و تعداد طلاب فزونی یافته و مبلغ ماهیانه آنها تا پنج تومان رسید وتقریباً امور مدرسه و مسجدسر وصورتی گرفت (۱)



مرحوم موثق الملك

پس از چندی از طرف مظفر الدین شاه امر نیابت تولیت بحاجی میرزا کاظم آقای تبریزی (۲) واگذار گردید و درضمن امامت جماعت مسجد هم باایشان بود. ولی زمان او چندان دوامی نیافته و بنیابت تولیت آستان قدس رضوی (ع) انتخاب شد.

دراوائل سال ۱۳۲٤ قمری زمان صدارت عین الدوله جناب آقای حاج سیدجواد ظهیرالاسلام بنیابت تولیت ازطرف دربار منصوب شدند.

دردورهٔ ظهیرالاسلام موضوع مشروطیت و انقلاب بمیان آمده توپ بستن مجلس و مسجد اتفاق افتاد و تا مدتی مدرسه بحالت تعطیل بود و مختصر خرابی نیز بواسطه تصادم گلوله توپ ببعضی ازقسمتهای

۱- میرزا سیدعلیخان موثق الملك فرزند سیدحسن لواسانی وزیر صندوقخانه مظفرالدین شاه ومکرر ازطرف دربار درامور مدرسه مداخله داشته است تاریخ وفات اوسال ۱۳٤۲ قمری میباشد.

۲ - حاج میرزا کاظم آقاتبریزی ازعلمای تبریز وداماد مظفرالدین شاه بود.

ابنیه از قبیل گنبد و گلدسته‌ها وجایگاه ساعت وارد آمد.

درزمان تصدی ظهیرالاسلام صحن مدرسه از آجر مفروش و حجرات آن سفید کاری گردیده باغچه بندی صحن مدرسه و غرس اشجار آن بعمل آمد.

ظهیرالاسلام در اوائل سال ۱۳۲۷ وقفنامه‌را از حاج معتمدالملك ناظر مدرسه گرفته و بطبع رسانیده انتشار داد.

درنهم شعبان ۱۳۲۷ حاج صدرالدوله (۱۲۷۰ - ۱۳۵۳ قمری) بنیابت تولیت مدرسه انتخاب شد. مرحوم حاج صدرالدوله در ۱۲۲۹ باصفهان مسافرت نموده فرزنداو عبدالحسینخان ظهیرهمایون متصدی امور مدرسه و موقوفات گردید و در موقع تصدی او در ۹ جمادی الاولی ۱۳۲۹ مرحوم آقاحسین نجم آبادی مجتهد را بر حسب حقیکه در وقف نامه مدرسه از برای والدش مرحوم حاج آقا محمد نجم آبادی (۱) نسبت بتدریس منظور شده بود برای تدریس فقه در نظر گرفته واز دربار تعیین ایشانرا تقاضا نمودند از طرف دربار سلطنتی و ناصرالملك نایب السلطنه وقت هم نظریهٔ ایشان تأیید و استاد مذکور را برای تدریس بمدرسه دعوت نمودند.



مرحوم حاج صدرالدوله

مرحوم آقاحسین تا ۱۳۳۰ قمری با آنکه مکاتباتی با ایشان

---

۱ — مرحوم حاج آقامحمد نجم آبادی رازی ازعلمای بزرك و معروف دورهٔ ناصری متوفی بسال ۱۳۰۲ قمری است که وقفنامه مدرسه را صیغه خوانده و تسجیل نموده.

شده ازحضور درمدرسه امتناع نمودند لذاظهیرهمایون مرحوم آقاسید حسن مدرس اصفهانی را بمقام نیابت سلطنت پیشنهاد نموده و تدریس ایشان برای قسمت منقول تصویب گردید.



مرحوم آقامیرزامحسن صدرالعلماء

زمان نیابت تولیت حاج صدرالدوله ضابط مدرسه میرزاعلیخان صنیع الملک زرگرباشی (متوفی ۱۳۴۳) و مستوفی مدرسه میرزا ابوالقاسم علاءالممالك بوده‌اند.

در ۲۳ رجب ۱۳۲۹ دورهٔ حاج صدرالدوله منقضی و چند روزی مشیراکرم فرزند میرزا موسی وزیر بنیابت تولیت معین شدند. در اوائل ماه شعبان ۱۳۲۹ عبدالعلیخان نجم الدوله باتصویب وزارت دربار بنیابت تولیت برقرار گردید.

در ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ مرحوم سید حسن مدرس در امور مدرسه مداخلاتی داشته و برای رسیدگی بحساب مدرسه اقداماتی کرده‌است.

در سال ۱۳۳۲ ازطرف دربار سلطنتی امر نیابت تولیت مجدداً بمیرزا سید علیخان موثق الملك واگذار شده ومشارالیه چند ماهی



مرحوم عضدالملك

بامور مدرسه رسیدگی مینموده تا آنکه در همانسال مجدداً ظهیر الاسلام نائب التولیه شده و تا ۱۳۳٤ کارهای مدرسه و موقوفات را عهده‌دار بودو درینسال بنیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردیده بخراسان رفت در ۱۳۳۵ آقامیرزا محسن (۱) که از علمای معروف تهران بود به نیابت تولیت انتخاب و در سال ۱۳۳٦ مقتول گردید پس از وی لطفعلی خان قویم السلطنه از شوال ۱۳۳٦ تا محرم ۱۳۳٦ از جانب دربار در امور مدرسه مداخلهٔ مستقیم نموده سپس در کابینهٔ وثوق الدوله سلیمان



مرحوم موثق الدوله

خان عضد الملك در محرم ۱۳۳٦ نائب التولیه شده و تا ذی الحجه سال ۱۳۳۷ مشارالیه باین سمت برقرار بوده است .

درسال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ مرحوم قویم السلطنه و سپس شاهزاده موثق الدوله وزیر دربار مستقیماً از طرف مقام سلطنت بامور مدرسه رسیدگی مینموده اند .

در جمادی الاولی ۱۳۳۹ وقسمتی از ۱۳٤۰ مرحوم حاج شیخ محمد معروف به ابن الشیخ نیابت تولیت یافته است در ۱۳٤۱ برای سومین دفعه مرحوم موثق الملك از طرف دربار در امور مدرسه مداخله نموده و درسال ۱۳٤۲ برای سومین بار جناب آقای ظهیر الاسلام نائب التولیه گردیده

---

۱ - مرحوم آقامیرزا محسن صدر العلماء فرزند سید محمد باقر صدر العلماء است که در ۱۳۳٦ قمری موقع عبور در بازار حلبی سازهای طهران بقتل رسید .

و تا ماه چهارم از سال ۱۳۴۴ قمری (تیر ماه ۱۳۰٤ شمسی) باین سمت بر قرار بوده اند .



مرحوم ابن الشیخ

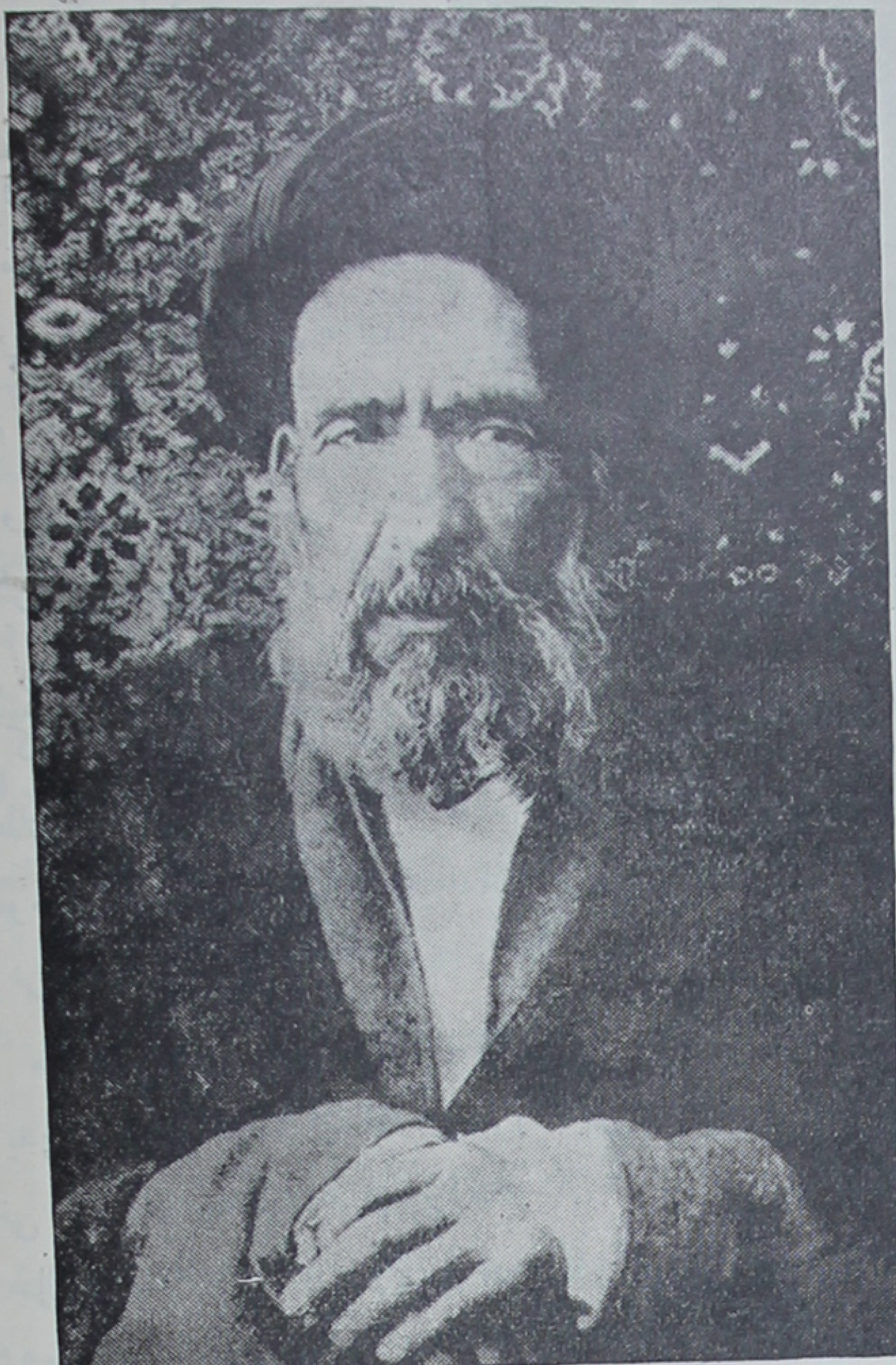
در ۲۷ تیر ماه ۱۳۰٤ مرحوم آقا سید حسن مدرس از طرف ریاست وزراء و دربار در امور مدرسه و موقوفات آن مداخله نموده و اقداماتی کرده اند از جمله ابتداء موضوع امتحان طلاب را بمیان آورده و از نو طلابی برای مدرسه معین کرد مرحوم مدرس اولین مؤسس برنامه رسمی این مدرسه میباشد که باتهیه و تدوین نظامنامه‌ای برای طلاب سر و صورتی بامور تحصیلی مدرسه عالی سپهسالار دادند و مرحوم قراگزلو هم دنباله اقدامات مرحوم مدرس را گرفت ولی بجائی نرسید .

مرحوم مدرس جهت اعضاء و کار کنان حقوق متناسب معلوم نمود و عوایدی جهت مدرسه ایجاد کرده و برای ازدیاد در آمد موقوفات زحماتی کشیده چنانکه عواید را در سال اول در حدود ۱۳ هزار تومان و در سال دوم بالغ بر ۱٦ هزار و در سال سوم به ۲٤ هزار تومان رسانید.

مرحوم مدرس بیشتر هم خود را معطوف بتکمیل بنای مدرسه نموده و دکاکینی نیز در جنب مدرسه ساخته و در داخلهٔ مدرسه ایوان غربی و ایوان جنوبی طرف مقصوره را با قسمتهای مختلف دیگر مرمت و کاشی کاری کرده است .

در ۲۷ ربیع الثانی ۱۳٤۷ (۱۳۰۷) جناب آقای صادق صادق

(مستشار الدوله) از طرف مقام سلطنت بنیابت تولیت مدرسه بر قرار گردیده و در دوره او گنبد مقصوره مسجد که کاشیهای آن ریخته



مرحوم آقاسید حسن مدرس

ورو بخرابی میرفت تعمیر و مجدداً گنبد کاشی کاری شد.

در اول بهمن ماه ۱۳۴۹ قمری (۱۳۰۹ شمسی) حسب الامر ملوکانه

نیابت تولیت مدرسه و موقوفات آن رسماً بوزیران فرهنگ محول گردید و این امر تا شهریور ماه ۱۳۲۲ ادامه داشت.



جناب آقای صادق صادق
مستشارالدوله

وزیران فرهنك هریك در دوران نیابت تولیت خود خدماتی باین مدرسه نموده و برای تنظیم امور آموزشی وافزایش درآمد موقوفات آن زحماتی کشیده اند.

جناب آقای علی اصغر حکمت که از رجال برجسته و مطلع و دانشمند ایران بوده و در کشور های خارج نیز شهرت فراوانی دارند در بین وزیران فرهنك خدماتی شایسته بمدرسه عالی سپهسالار نموده‌اند.

چنانکه در شهریور ماه ۱۳۱۲ که ایشان نیابت تولیت مدرسه‌را عهده‌دار شدند ابتدا بازدیاد درآمد موقوفات پرداخته و برحسب دستور ایشان برای مدرسه بودجه‌ای تنظیم وصورت دقیق عایدات و مخارج راتهیه کردند وسپس قروض مدرسه را مستهلك و نسبت به تعمیرو عمران رقبات موقوفه اقداماتی بعمل آوردند بنای دکاکین دارالشفاء واقع درخیابان بوذرجمهری مقابل مسجد



جناب آقای علی اصغر حکمت

شاه وعمارت فرهنگستان که برای محل کتابخانه مدرسه ساخته‌شده نتیجه

زحمات ایشان است .

جناب آقای حکمت برای امور علمی مدرسه شورای مدرسین را تشکیل داده وشخصاً در جلسات آن شرکت میکردند تا اساسنامه و آئین نامه و برنامه‌ای مطابق مقتضیات روز تهیه و تدوین و طلاب مدرسه مطابق آن مشغول تحصیل شدند .

طبع جلداول ودوم فهرست کتب خطی کتابخانه نیز ازخدمات ایشان میباشد آقای حکمت تعمیراتی هم در قسمت‌های مختلفه مدرسه انجام داده و آثاری از خود برجای گذارده اند (۱) .

در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۲۲ از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی جناب آقای محسن صدر (صدرالاشراف) که از رجال بافضل و متدین کشور میباشند و در آنموقع عهده‌دار وزارت دادگستری بودند بسمت نیابت تولیت مدرسه منصوب و مشغول کارشدند.

در آبانماه همانسال جناب آقای صدر قانون اصلاح ماده ۱۴ قانون شورایعالی فرهنگ را تهیه و بتصویب مجلس شورایملی رساندند. بموجب این قانون باید شورائی مرکب از ده نفر از علماودانشمندان معروف کشور بنام شورای علوم دینی درمدرسه عالی سپهسالار برای اهتمام در تنظیم امور مدارس قدیمه وسعی در ترقی وتکمیل علوم دینیه تشکیل شود .

جناب آقای صدرالاشراف سعی وافی برای اجرای وقفنامه میداشتند و بهمین جهت چند نفر طلبه در مدرسه پذیرفته و مشغول تحصیل شدند.

در تاریخ دوم مرداد ماه ۱۳۲۵ شمسی برای چهارمین بار جناب

---

(۱) جناب آقای علی‌اصغر حکمت فرزند مرحوم میرزا احمد علیخان حشمت الممالك شیرازی متولد در ۲۳ رمضان ۱۳۱۰ قمری درشیراز میباشند که معلومات ابتدائی را در شیراز فراگرفته وبرای تحصیل دوره متوسطه بتهران آمده و سپس درسال ۱۳۰۹ شمسی ازطرف وزارت دادگستری برای تکمیل تحصیلات عالی باروپا رفتند.

در شهریور ۱۳۱۲ بکفالت و سپس وزارت فرهنگ منصوب شدند و در مواقع مختلف عهده‌دار وزارتخانه های بهداری — دادگستری — کشور — امورخارجه وغیره بوده اند .

آقای ظهیر الاسلام بنیابت تولیت مدرسه منصوب گشتند ودر دورهٔ نیابت تولیت خودشان مصدر خدماتی شدند.

از جمله برای ازدیاد موقوفات بتجدید اجاره رقبات اقدام و در جلو دبستان سعدی در خیابان برق دکاکینی احداث و کاروانسرا ودکاکین جنب مدرسه واقع در خیابان نظامیه را خراب و بساختن چهل باب مغازه مشغول شدند.



جناب آقای ظهیر الاسلام

بر حسب دستور ایشان در بنای مسجد ومدرسه تعمیراتی انجام و کاشی ها مرمت یافته است.

در دوره جناب آقای ظهیر الاسلام حجرات مدرسه سیم کشی شده و مقرری طلاب افزایش یافته و برای امور آموزشی مدرسه هم اساسنامه و برنامه و آئین نامه ای تهیه و تدوین گردیده است.

نظار مدرسه

بطوریکه در وقفنامه مصرح ومسطور است نظارت موقوفات مدرسه و مسجد وجریان اوضاع و عوائد و مخارج آن بقید مادام الحیوة با شخص یحیی خان مشیرالدوله بوده و ایشان بعداز سپهسالار مدتی را که حیات داشته اند

تا سال ۱۳۰۹ هجری قمری در تکمیل و اتمام بنای مدرسه با نهایت دلسوزی و مراقبت اهتمام نموده ودر اثر جدیت و فعالیت او ساختمان این بنا تاحدیکه ممکن بوده انجام گرفته است .

پس از مشیرالدوله نظارت با ارشد واصلح اولاد ذکور ایشان شد ومرحوم حاج میرزاحسینخان معتمدالملك باین سمت منصوب گردید.

بعدازفوت مرحوم معتمدالملك چون ایشان اولاد ذکوری نداشتند در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۲۲ برحسب دستوراعلیحضرت همایون شاهنشاهی جناب آقای ابراهیم آشتیانی که از رجال باتقوی میباشند برای نظارت موقوفات مدرسه عالی سپهسالار را انتخاب وهم اکنون باین سمت اشتغال دارند.

مدرسان مدرسه

بطوریکه در متن وقفنامه تصریح گردیده برای تدریس قسمت معقول مدرسه مرحوم میرزا ابولجسن جلوهٔ اصفهانی (۱) حکیم عارف ودانشمند معروف وجهت تدریس منقول مرحوم حاج آقا محمد نجم آبادی رازی عالم و مجتهد مشهور انتخاب شده بودند .

موقعیکه بنای مدرسه قابل استفاده شد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل مجتهد کلانتر تهرانی تاوقتی که بود دراین مدرسه فقه واصول تدریس مینمود.

دردورهٔ حاج میرزاابوالفضل ، آقامیرزاحسین حکیم سبزواری از شاگردان موجه مرحوم حاج ملاهادی حکیم سبزواری که ازاساتید عالی مقام درحکمت وریاضی بوده چند ماهی دراینمدرسه علوم ریاضی وحکمت تدریس مینموده است .

---

۱ میرزا ابوالحسن جلوه حکیم عالیمقام ودانشمند وفیلسوف ومتأله مشهور است . اوفرزندسیدمحمدزوارهٔ اصفهانی است مرحوم جلوه دردوره زندگانی منبع فیض وریزش لالی حکمت وعرفان بود ومدتها حکما وفضلای طهران از محضرش استفاده مینموده اند .

دانشمند مذکور راحاشیه بر اسفار آخوند ملا صدرا و تعلیقه برشرح هدایه میبدی است وفاتش درسال ۱۳۱٤ قمری ومدفنش درباغ ابن بابویه میباشد .

مرحوم آقامیرزا هاشم حکیم اشکوری گیلانی معروف هم‌مدت چندین سال در قسمت معقول مدرسه مدرس بوده اند و تا ۱۳۳۳ قمری پایان عمر خود بامر تدریس اشتغال‌داشته استاد مزبور اغلب درموقع حل وتصفیه امور مدرسه ومسائل لازمهٔ آن اهتمام وتوحید مساعی میکرده‌است.

پس ازوی مرحوم حاجی شیخعلی حکیم نوری که‌از اساتید معروف وقت بوده برای تدریس معقول بجای حکیم گیلانی تعیین شد.

مرحوم حاج شیخ عبدالنبی که ازمعاریف علمای عصر بوده نیز دراین مدرسه قسمت منقول را ازفقه واصول وغیره تدریس مینمود. در دورهٔ اخیر مرحوم آقاشیخ محمد حسین یزدی متوفی بسال ۱۳۵۲ بتدریس فقه واصول دریمدرسه مشغول بود.

مرحوم میرزا طاهر تنکابنی(۱) (طبرسی) هم که از اساتید عالیمقام معقول بود مدتها دریمدرسه تدریس نموده است.

مرحوم آقاشیخ آقابزرك ساوجی که از بزرگان فضل و ادب بوده‌عهده‌دار تدریس قسمت ادبیات مدرسه بود و نیز مرحوم صدرالعلمای شیرازی متوفی در ۱۹ رجب ۱۳۳۱ قمری مدتی تدریس ادبیات دراین مدرسه مینموده وجناب آقای میرزا احمد آشتیانی هم که‌ازدانشمندان معاصر میباشند چندی دریمدرسه بتدریس معقول اشتغال داشته اند.

تالی مدرسان

ازجمله‌دانشمندانی که‌دراین‌مدرسه بعنوان تالی مدرس تدریس نموده‌اند آقاشیخعلی نوری است که‌مدتها درقسمت مقدماتی فقه و اصول اشتغال‌داشته ودیگر مرحوم میرزا محمد تقی متوفی بسال ۱۳۲۷ فرزند سلطان العلماء بود که مدتی دراین مدسه تدریس مینمود.

مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی نیز رشته‌ای ازتدریس را بعهده‌داشته

---

۱ - مرحوم میرزاطاهر تنکابنی ازدانشمندان واساتید معروف در کلام وحکمت وصاحب‌حاشیه بر کتاب جوهرالنضید علامه ورسائل عدیده درمنطق وغیره است.

وهمچنین آقای شیخ احمد نوری تالی مدرس فقه‌واصول بوده‌اند .

آقاشیخ محمد حسین دامغانی وحاجی میرزا ابراهیم مازندرانی هم دراین مدرسه تالی مدرس معقول ومنقول بوده‌اند .

ائمه جماعت ونائبان آنها

اول کسیکه درمسجد سپهسالار اقامه نماز جماعت نموده وخلقی انبوه بحضرتش اقتدا نموده‌اند مرحوم آیت‌الله حاجی شیخ محمد جعفر شوشتری(۱) اعلی‌الله مقامه بوده که آن عالم بزرك درسفریکه از نجف اشرف بعزم زیارت آستان قدس رضوی بخراسان حرکت فرموده وبزاویهٔ مقدسه حضرت عبدالعظیم درری ورودنمودند (ماه‌صیام ۱۳۰۲

---

۱ - مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری فرزند مرحوم حاج ملاحسین بن حاج ملاعلی شوشتری ازخاندان کبار اهل‌فضل ودانش وازفحول علمای اعلام و اکابر دانشمندان زمان خودبود .

ولادت این‌عالم بزرك درشوشتر بسال ۱۲۳۰ هجری قمری میباشد .

مرحوم شوشتری درهشت سالگی از شوشتر باوالد خودبرای تحصیل و نیل بمقامات عالیه بنجف‌اشرف مشرف‌شده درمحضرعلمای بزرك ازقبیل مرحوم‌شیخ‌حسن فرزند شیخ جعفر کبیرومرحوم شیخ‌راضی نجفی ومرحوم سیدعبداله نواده‌سیدنعمت‌اله جزائری و مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده است مؤلفات این دانشمند عالیمقام عبارت است:ازکتاب خصائل السنیه-منهج الرشاد درفقه -کتاب مجالس و مواعظ -کتاب فوائدالمشاهد وچندکتاب دیگر درفقه‌واصول وغیره .

مرحوم‌شیخ‌درموقع‌وعظ ومنبرمانند بحری‌مواج‌بود وهزاران مردم ازطبقات مختلف‌دراطراف منبروی گردآمده وازمحضرشریفش‌استفاده مینمودند .

عالم مزبوردر مـاه رمضان سال ۱۳۰۲ هجری قمری برای تشرف بارض اقدس بحضرت‌عبدالعظیم واردشدند ومرحوم حاج‌ملاعلی کنی که اعلم علمای طهران ونافذالامر آن‌اوان بودند ازحضرتش دعوت ضیافت بطهران نموده وازطرف‌دولت وقت‌هم نهایت احترامات لازمه ازآن عالم‌بزرگوار بعمل‌آمد .

مرحوم شیخ‌ابتدادرمدرسه خان‌مروی‌وسپس بخواهش مشیرالدوله در مسجد سپهسالار باقامه نمازجماعت قیام فرمود .

روزنامه شرف‌درشماره ۳۲ سال ۱۳۰۲ قمری‌مینویسد « روزی متجاوز از چهل‌هزارنفرازاهالی بایشان اقتدامینمودند وبعداز نمازهمه‌روز بمنبررفته از مواعظ مردم رامستفیض وروزعیدفطر بطرف مشهد حرکت‌فرمودند » .

وفاتش درسال ۱۳۰۳ هجری‌قمری موقع‌مراجعت اززیارت روضه رضوی(ع) درقریه کرند کرمانشاه بودوجسدش‌راباتجلیلات زیادی بنجف‌اشرف انتقال دادند .

قمری) برحسب خواهش ودعوت مرحوم حاج ملاعلی کنی ویحیی خان مشیرالدوله بطهران آمده وده روز آخر ماه رمضانرا باقامهٔ نماز جماعت درمیان مقصوره مسجد قیام فرموده ودر منبر افاضه میفرمودند .

زمان مراجعت ازارض اقدس مجدداً در ماه محرم در طهران چند روزی اقامت وبنماز جماعت و موعظه درشبستان مسجد سپهسالار قیام فرمودند .



مرحوم آیت‌الله
حاج شیخ محمد جعفر شوشتری

بعد از آن مرحوم آخوند ملا محمدعلی رستم آبادی در زمان نظارت یحیی خان مشیرالدوله ماه رمضان المبارك را تاچند سال در مسجدامامت جماعت مینمود .

مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا ابوالفضل کلانترطهرانی هم‌از دورهٔ اشتغال بامور مدرسه اقامه جماعت وامامت کرده‌وبعد ازوی مرحوم حاج میرزا کاظم آقای تبریزی باعنوان نیابت تولیت امام جماعت بوده ودر دورهٔ نیابت تولیت‌ایشان پس‌از چندی مرحوم آقا سید کمال‌الدین فرزند مرحوم آقا سید اسمـاعیل بهبهانی بسمت امام جماعت مسجد انتخاب‌شده‌اند .

بعد ازوی مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد آقا طالقانی که عالمی بزرك و صاحب فضل وتقوی بود بامامت جماعت رسمی برقرار شده وسالهااینمقام‌را عهده دار بودند و اغلب شبها را بعداز ادای فریضه به بیان مسائل لازم شرعیه و تقریر مطالب واجبهٔ عملیه مبادرت

میفرمود بعد از ایشان مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ اسحق (متولد ۱۳۰۰ قمری هجری) فرزند مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله مجتهد رشتی بامامت جماعت انتخاب گردیده وسپس در مرداد ماه ۱۳۱۷ حضرت حجة‌الاسلام آقای حاج آقارفیع رفیع باین سمت منسوب شدند.

از جمله کسانی که‌در این مسجد نیابت امام جماعت نموده‌اند مرحوم سیدالعلماء جمارانی است که‌در دوره نیابت تولیت حاج میرزا کاظم آقا تبریزی نایب امام بوده ونیز مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی تا چندی در دوره اول نیابت تولیت جناب آقای ظهیرالاسلام نایب امام بوده‌و بعدها خود امام جماعت گردیده است.

در دوره امامت مرحوم آقا شیخ محمد آقا طالقانی چندی حجة‌الاسلام آقاسید آقا بابا نایب امام‌مسجدسپهسالار بوده‌و بعد مرحوم حجة‌الاسلام شیخ جعفر نهاوندی باین سمت‌منصوب وفعلا آقای حاج شیخ محمدجواد جاراللهی نائب امام میباشند.

وعاظ مسجد

بعد از مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری اعلی‌الله مقامه مدتی مرحوم حاج ملاباقر واعظ درمسجد سپهسالار موعظه مینموده وبعد از او چندی مرحوم شیخ‌الرئیس وازسال ۱۳۳۰ قمری تاکنون آقای حاج میرزاعبدالله‌سبوحی واعظ مسجد سپهسالار میباشند.

مدیران کتابخانه و اطبای مدرسه

در زمان‌مشیرالدوله‌اداره کتابخانه‌مدرسه با مرحوم حاج ملا محمد ابراهیم ملاباشی لاریجانی‌معلم او بوده وبعدازاو میرزا ابوالقاسم فرزندارشدملاباشی مدیر کتابخانه گردیده‌و سپس بدیع‌الحکما پسر دیگر ملاباشی در اوایل مشروطیت حافظ کتب و ضمناً طبیب

طلاب هم بوده است و نیز سقراط الحکماء تا سال ۱۳۳۱ قمری طبیب رسمی مدرسه بود .

در سال ۱۳۳۸ قمری زمان نیابت تولیت عضدالملك آقای حاج آقا احمد آل آقا بریاست کتابخانه انتخاب واز آنوقت تا کنون با دو نفر کتابدار آقایان اسداله آل آقا و حاج سید فتح اله آل آقا امور کتابخانه را عهده دار میباشند .

بخش چهارم

اوضاع فعلی مدرسه عالی سپهسالار

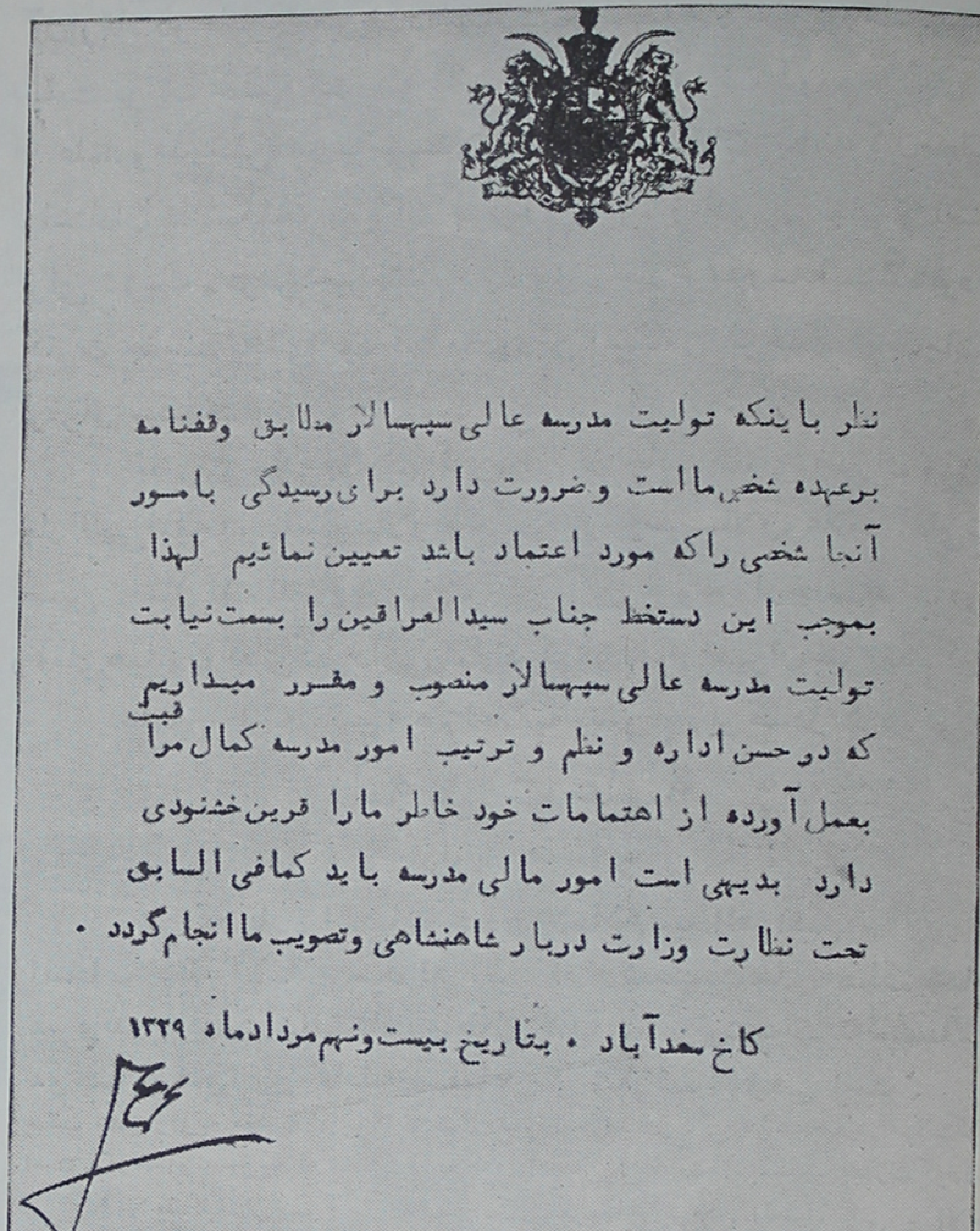
چنانکه گفته شد هنگامیکه نیابت تولیت مدرسه عالی سپهسالار بوزیران فرهنگ تفویض شد، ابتدا دانشکده معقول و منقول و سپس مؤسسه وعظ و خطابه در این مدرسهٔ تأسیس و در دانشکده معقول و منقول ۱۲ دوره ودرمؤسسه وعظ و خطابه‌دودوره فارغ‌التحصیل‌شدند.

ساختمانی هم در زمین‌های مدرسه سپهسالار شد که فعلا انجمن فرهنگستان ایران است دانشکده معقول و منقول هم موقتاً در آن ساختمان میباشد و در نظر است‌این‌محل که متعلق بمدرسه‌عالی‌سپهسالار است بکتابخانه مدرسه ومحل سخنرانی ها اختصاص دادهشود.

پس از حادثهٔ شهریور ۱۳۲۰ اخلالی در امور مدرسه رخ داد و به تبعیت از سایر آشفتگی هائی که در اثر جنك جهانی در کار های کشور ما رخ داد این مدرسه هم رونق خود را از دست داد و برای پایتخت یك کشور مهم اسلامی شایسته نبود که این مؤسسه دینی وعلمی واجدعظمت و منشاء اثر نباشد و این موضوع بیش از همه مورد توجه شهریار دادگستر و معرفت پرور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمد رضاشاه پهلوی قرار گرفته بود و سال گذشته امرفرمودند که‌دانشگاه روحانی در این‌مدرسه تأسیس گردد و با اینکه در روز افتتاح‌دانشگاه روحانی شخصاً تشریف فرماشدند ولی آنطور که منظور نظروموافق همت‌عالی‌شاهانه بودنشد و وضع‌مالی‌مدرسه نیزرو بخرابی گذاشته بود بطوریکه مبلغی مقروض بانك ها ومؤسسات دیگر شده بود.

در تاریخ ۲۹ مرداد ماه ۱۳۲۹ ارادهٔ مبارك شاهانه تعلق گرفت که‌مصلح بزرگوار علامه حاجی سیدالعراقین را که‌از شخصیت‌های ممتاز

در کشور های اسلامی است و علماء و رؤساء و بزرگان عالم اسلام اهمیت بسزائی برای ایشان قائلند بنیابت تولیت عظمی برقرار سازند و فرمانی از طرف قرین‌الشرف شاهانه شرف صدور یافت .



نظر باینکه تولیت مدرسه عالی سپهسالار مطابق وقفنامه
برعهده شخص ما است و ضرورت دارد برای رسیدگی بامور
آنجا شخصی راکه مورد اعتماد باشد تعیین نمائیم لهذا
بموجب این دستخط جناب سیدالعراقین را بسمت نیابت
تولیت مدرسه عالی سپهسالار منصوب و مقرر میداریم
که در حسن اداره و نظم و ترتیب امور مدرسه کمال مراقبت
بعمل آورده از اهتمامات خود خاطر ما را قرین خشنودی
دارد بدیهی است امور مالی مدرسه باید کمافی السابق
تحت نظارت وزارت دربار شاهنشاهی وتصویب ما انجام گردد .

کاخ سعدآباد . بتاریخ بیست ونهم مردادماه ۱۳۲۹

فرمان مبارك شاهانه

صدور این فرمان که مؤید توجه خاص همایونی باین مؤسسه

دینی و علمی بود تأثیر خاصی در میان مسلمانان ایران و جهان نمود و آنرا بفال نیك گرفتند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء که آن‌اوقات در طهران تشریف داشتند صبح یکشنبه ٥ شهریورماه بهمراهی نیابت تولیت عظمی بمدرسه عالی سپهسالار تشریف آوردند.

علماء و مدرسین مدرسه سپهسالار و جمعی از وزیران و نمایندگان مجلسین استادان دانشگاه و مدیران جراید و گروه زیادی از تجار و اصناف برای تبریك و عرض خیر مقدم در داخل و خارج مدرسه ایستاده بودند و کثرت جمعیت بحدی بود که مأمورین انتظامی بزحمت انتظامات را برقرار میساختند.

حضرت حجت‌الاسلام کمره ای از جانب علمای طهران و آقای جار اللهی امام مدرسه سپهسالار از جانب مدرسه سپهسالار و علامه آقای سید حسین کاشانی از جانب مدرسین و جناب آقای فروهر از جانب هیئت دولت و آقای همایون کفیل شهرداری بنمایندگی از اهالی طهران خیر مقدم گفتند.

علمای زاویه مقدسه هم اعلامیه بشرح زیر صادر کرده بودند:

نامه هیئت علمیه

زاویه مقدسه

در بارهٔ انتصاب حجت‌الاسلام سیدالعراقین

انتخاب حجة الاسلام سیدالعراقین که از شخصیت‌های ممتاز بشمار میروند بریاست دانشگاه روحانی و نیابت تولیت مدرسه سپهسالار موجب امیدواری قاطبه مسلمانان و تشکرات عمومی است

هیئت علمیه زاویه مقدسه از بذل توجهات ملوکانه نسبت باین مؤسسه دینی سپاسگزار است و از خداوند جل جلاله مسئلت دارد که این حسن انتخاب را بمسلمین مبارك گرداند.

الاحقر عبدالرحیم آیت‌الله کنی - الاحقر حاج برهان العلماء کنی - الاحقر سیداسمعیل موسوی الشیرازی - الاحقر سیدمهدی صدر - الاحقر سید رضای مرتضوی حسینی - الاحقر سید حسن الموسوی - الاحقر الجانی ابراهیم قدسی - الاحقر امیرمحمد رضوی - الاحقر سیدمحمود الموسوی - الاحقر ابوالحسن الحسینی فتوحی - الاحقر اسدالله دوروسی - الاحقر سید تقی صدر -



نیابت تولیت عظمی بهمراهی آیت‌الله کاشف الغطاء وارد محوط مدرسه میشوند

آنگاه استاد محترم آقای سیدحسین کاشانی قصیده ذیل را در ستایش علامه بزرگوار سید العراقین که سروده بودند خواندند

بسم الله الرحمن الرحیم

تعلم فنون العلم یا طالب الهدی — من المهد حتی اللحد حما مؤبدا

فتحصیله فرض علی کل مسلم — لیحظی بنیل المکرمات لیسعدا

و ماهو الا سلم یرتقی به — الی مرتقی فیه السلام تمهدا

ونور به‌کم نور الله قلب من — دنالسنا برق له لاح فاهتدی

فکم من‌حسیب طیب الاصل ماجد — تردی رداء للذل اذعنه جردا

وامسی مهانا وهو من‌خیر عنصر — زکا فی‌ریاض المجد فرعا ومحمدا

رعاش مسودامیت‌الذکر خامدا — رآباه کم فاقوا علاء وسوددا

وکم خامل نال العلی باقنائه — وفی افق العلیاء اشرق فرقدا

وشنف اسماع الملا حسن صیته — وغار باصقاع البقاع وانجدا

و اصبح بحراً بالفواضل مفعماً — وبدرا بآفاق الفضائل موقدا

له‌الله من بحرخضم ومورد — لوارده الظمان یهنی موردا

عوارفه وفر بها متلاطم — معارفه زهر بها لاح مزبدا

لك الله یاقلب الادیب ام عن — مناهله ترتاد وهداً وفد فدا

وتعزی نیاط البید فی‌ظهر منامر — من العیس فیها هائماً مترددا

انخه رعاك الله وانزل لرشف‌ما — عذا لغلیل الظامئین مبردا

من‌الشرع العذب الهنیئی ارتشافه — لمرتشف کم مسه الم الصدی

و من معهد العلم الذی لمریده — اذا ما اتاه فی ارتقاه تعهدا

هوالمدرس العالی الذی فی‌رجامه — هزار ریاض الفضل بالیمن غردا

هوالمدرس العالی الذی حجراته — بدت مبدیات للهدی کل مقتدی

فکم من فتی فی‌العلم مجتهد بها — لیصبح فی عقد العلوم مقلدا

مکب علی تحصیله طول لیله — کما التذ فیه ان یکون مسهدا

يبيت بها يدعو المهيمن خاضعاً … لتاييده من فبه اضحى مؤيدا
مليك العلى الاسمى محمد الرضا … الذى بوضا الاوصاف راق محمدا
و حامى حمى ملك المعالى بعزمه … اعز شباً من ان تسمى مهندا
رجد بنشر العلم فيه معارفاً … طوالع اخضعن الدرارى سجدا
و امسى عذاباً للعدى مثلماغدا … سحاب الندى الهامى لجيناً وعسجدا
له العلم الحكى عن قرج السما … عقيقا جماناً ناصعاً و زبرجدا
يحاكين منه العضب فى الفتك بالعدى … وغرته الغراء و الخصب فى الندى
حوى العزارثاً والعلاء سجية … و علق الثنا كسبا اذالمال بددا
يفرق شمل السمال يجمع حمده … ليبقى له فى النشأتين مخلدا
له قلم يستخدم السمران جرى … على الطرس فى شقيقه اروس العدى
وسيف يرى فى كفه منه قائم … و فى حده اضحى البغاء محصدا
تمثل روح العقل فى شخصه فتى … يواليه فخرا ماالحديد ان جددا
ايا طالب العدل القويم اعدلن الى … حمى ملكه الزاهى تجده ممهدا
ربارائد المعروف جى بابه تجد … اليه حديث العرف يرفع مسندا
فلا غروان حل امره فى حماه ان … يمثل مولى للعراقين سيدا
و ينصب عنه نائبا فى نظام ما … بروق لاهل العلم عقداً منضدا
و يصبح مصباحاً بمدرسة العلى … زجاجته فيها يضيى محمدا
د يجعل فيها للمكارم قائدا … تسامه منها زماماً و مقودا
خزينة اهل الفضل لكنها بدت … بلا رصد للمجتدى حينما اجتدى
له طلعة غراء فى مطلع العلى … تراقبه زهر الكواكب حسدا
له المجد ارث والعلاء مزية … وكسب الثنادأب بهقد تعودا
له اعتيد بسط الكف فضلا فلز هفا … الى القبض كف الكف عن قبضها بدا
فكم خدم للاسلام اصدق خدمة … يروق لهم فى كل يوم تجددا
وفرق شمل المال فى جمع شملهم … وصونهم من ان ينالوا البددا
لقد حاز مضماراً من المجد والعلى … على غيره ماجد فى السبق ابعدا
فقل للذى فى عز علياه طامع … هدوءاً اليه لم تجدقط مصعدا
له الشرف الوضاح من آل هاشم … ومن جده اعلى النبى محمدا
فيا حجة الاسلام والشرح والتقى … ومحمود رب الحمد اذلحة احمدا
عليك سلام الله مازر شارق … ومامنك للاسلام لاح سنا الهدى

آقای شیخ ردیف الغزالی مقیم کربلانیز قصیده‌ای بزبان عربی در تهنیت سروده بودند که درمیان جمع خواندند .

درستایش سیدالعراقین

قدغنت الدنیا بانشادها — و اوفت العهد بمیعادها
و ابتهجت اوجه غیه العلی — و البشر قدحل با کبادها
و اختالت العلیا فی مشیها — ساحبة اذیال ابرادها
بث لها الافراح یوم رات — فیه الوری مبهج ارشادها
محمد و شرعة الفضل له — بت قوی الحق بافرادها
أضحی العراقان به تزدهی — تجسبه اعظم اعیادها
مذاحرزانشاه به موثقاً — فاختاره من بین عبادها
ولده وقفاًلسبه سالاالذی — قد کان من ارفع عباد ها
فاشرقت طلعته بالسنا — والشهب امث بعض حسادها
حازعلومالم تزن للوری — الا فبهاعداً باحادها
هذی ریاض العلم فی کربلا — تشفی به ادواء انکادها
لقد بنی فی کربلا مکتباً — مندرجاً یطوی بافرادها
فقبة الاسلام فیه اعتلت — نفاخر الشهب بذوادها
مصر ولبنان وایران زهت — وکان من اثبت اوتادها
خزانة وجده سقی الوری — تروی ظماً احشاء ورادها
فهو قسیم النار و الخلد فی — ألحشر زهت روضاً لروادها
من مثله وهو ابن خیر الوری — اصلحا من بعد افسادها
له المعالی انصتت کلما — قام خطیباً فوق اعوادها
مناقب حفت بـه جمة — قلت لها الشهب باعدادها
سید العراقین له حکمة — انور من کوکب وقادها

قصائد ومنظوماتی هم بزبان فارسی خوانده شد که یکی از آنها درج میگردد :

شهنشاه دین پرور ودین پناه — که بر قلب ملت بود پادشاه
محمد رضا شاه ایران زمین — که نازد بدو تاج وتخت و نگین
جوان وجوان بخت وروشن ضمیر — بدولت جوان و بتدبیر پیر
بروزی خجسته ، بفالی نکو — رقم کرد کلکش مثالی نکو
که میر خردمند والا گهر — محمد گزین پور خیر البشر

امیر العراقین ذوالاحترام
جهان یادگاری زقائم مقام (۱)

بگیرد بکف امر روحانیان
فزاید از آن قدر ایرانیان

بدین جامع فرخ و جانفزای
شود نایب شاه و فرمانروای

بلی از چنین شهریار بزرك
ندیده است کس غیر کار بزرك

نمایندهٔ شاه باید چنین
هم او دانشی مرد و هم مرد دین

نه‌تنها در ایران بود مستطاب
بخاور بود شهره چون آفتاب

دراین ملك محبوب‌خاص است‌وعام
بدینسان بسوریه و مصرو شام

همه پیشوایان مشرق زمین
بزرگان دانش. امیران دین

غنیمت شمارند گفتار او
ستایند رفتار و کردار او

پذیره شوندش بجان هر کدام
که‌هم نیك مرد است وهم نیك نام

بزرگی که در دانش و درنسب
امیر عجم هست و فخر عرب

زپاکی و رادی بهرکس سر است
که از دودهٔ پاك پیغمبر است

بهرجا که نام گرامش برند
بزرگان بتعظیم نامش برند

زهی مکتب فرخ علم و دین
که پرورده مردی بدامان چنین

زهی مصلح راد و آزاده مرد
بتدبیر و هشیاری از جمله فرد

خردمند و فعال و نام آوری
سیاست مداری و دین پروری

بدین فکر والای وطبع بلند
یقین است در پیش هر هوشمند

بدین و بدانش تو خدمت کنی
بسا خدمت ملك و ملت کنی

بدست توانای صدر اجل
شود مشکلاتی در این ملك حل

جناب آقای ظهیرالاسلام که قبلا نیابت تولیت‌را عهده‌دار بودند صدور فرمان همایونی را دایر بانتصاب مصلح بزرگوار سیدالعراقین باطلاع حاضران رسانیدند و گفتند امیدوارم که نواقص این مؤسسه بدست حضرت سیدالعراقین مرتفع گردد و این مدرسه همدوش جامع الازهر مصر شود.

سپس آیت‌الله کاشف‌الغطاء رشته سخن‌رادر دست گرفتندوفرمودند

---

(۱) اشاره باین است که نیابت تولیت عظمی از احفاد مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام وزیر مشهور ودانشمند قاجاریه است.



حضرت آیت‌الله کاشف الغطاء وحضرت حجة‌الاسلام سیدالعراقین

من رجاء واثق‌دارم که باسر پرستی حجت الاسلام سیدالعراقین آرزو وانتظاری که مسلمانان ممالك دیگر از ایران وایرانی ها دارند بر آورده شود .

توجه اعلیحضرت همایون شاهنشاه باین مؤسسه شریف ، اسباب خوشوقتی و امیدواری همه است و این پادشاه تنها پادشاه ایران نیست بلکه پادشاه تمام‌شیعیان‌جهان است ، خداوند بطول‌عمر وعزتش بیفزاید بسیار متوجه‌امور دینی یعنی معارف وحکم‌اسلامی بمعنی واقعی‌خودش میباشد وهمین انتصاب جناب سیدالعراقین بهترین حجت است که این پادشاه توجه خاصی بدیانت حقه‌اسلام دارد زیرا جناب سیدالعراقین هم صاحب شخصیت بزرك هستند وهم احتیاج بامور مادی ندارندوخداوند ایشان را بی‌نیاز کرده است .

اینکه‌اشاره‌شد که‌مدرسه‌عالی‌سپهسالار همدوش‌جامع‌الازهرمصر شود ، من قبول‌ندارم زیرامعنویت این محل بیشتراست ومن آرزومندم که مجاهدت جناب سیدالعراقین بزودی ثمر دهد .

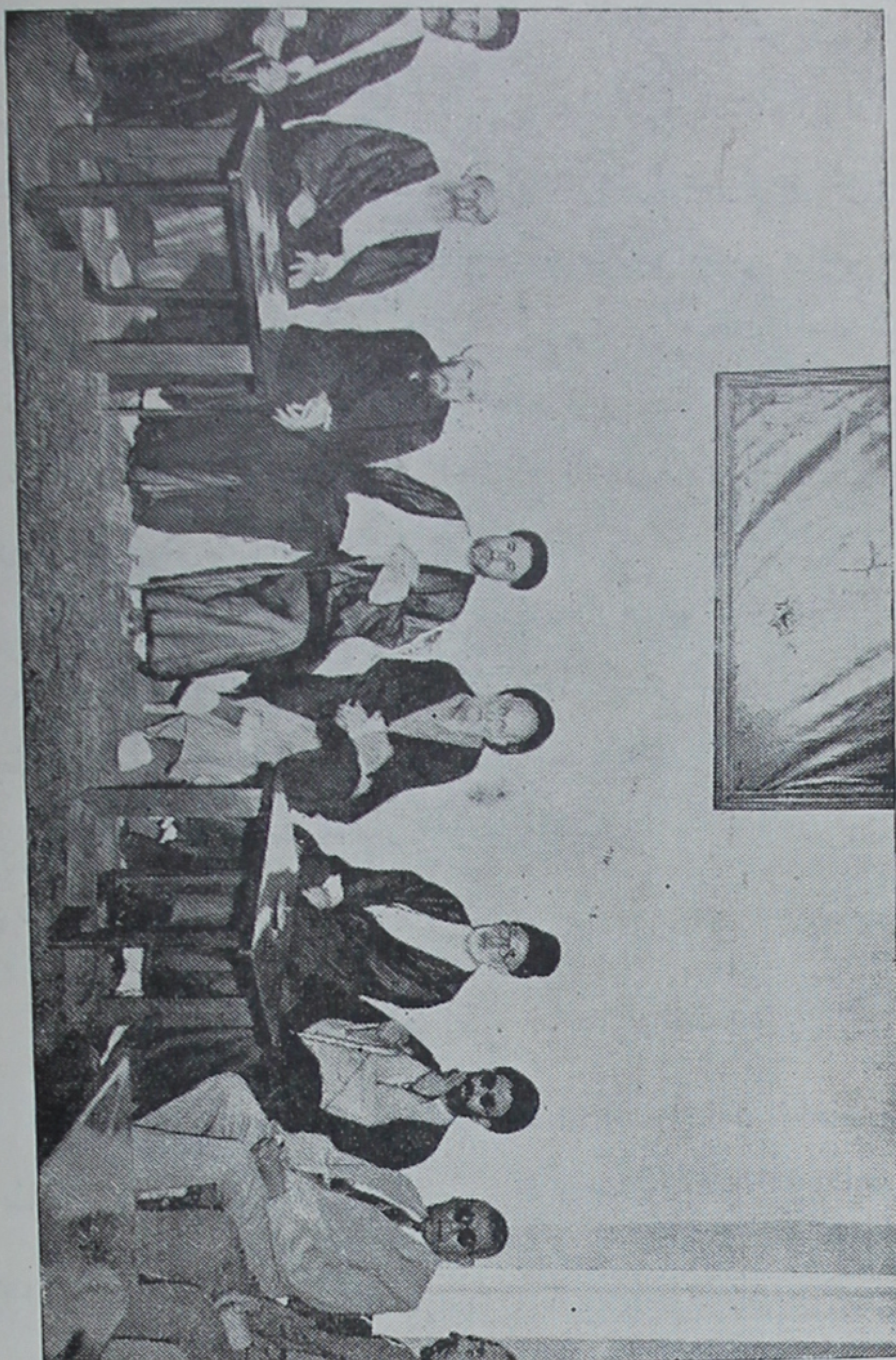
پس از بیانات آیت‌الله آل کاشف‌الغطا ، جناب‌سیدالعراقین بیاناتی بشرح زیر ایراد کردند .

بیانات جناب سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی

منظور من ازقبول این مقام ، نخست‌امتثال امر شاهنشاه میباشد که اطاعت امرایشان برهر مسلمانی فرض است **اطیعوا‌الله‌واطیعوا‌الرسول واولی الامر منکم .**

سپس‌منظورم‌این‌است که باین دانشگاه واین مؤسسه دینی‌سرو صورتی بدهم واینکار محتاج عنایت وهمراهی آقایان است که بحول‌و قوه الهی وتوجه شاهنشاه‌ومساعدت کسانیکه دراین‌امر دخیل‌وذیمدخل هستند بخدمتی بعالم‌اسلام ودرنتیجه بعظمت کشور موفق‌شویم.

من ازاین احساسات برادرانه و حسن ظن آقایان متشکرم و امیدوارم
شکرانه این محبت ها را بتوانم باخدمت باین مؤسسه دینی و علمی ادا نمایم



منظره‌ای از تالار مدرس درحالی که آیت‌الله کاشف‌الغطاء بیاناتی میفرمایند

سپس نیابت تولیت عظمی بهمراهی آیت‌الله کاشف‌الغطاء مدرسه
را بازدید کردند و چون عده زیادی برای عرض تبریک از طبقات مختلفه

آمده بودند تا یکساعت بعداز ظهر آنروز پذیرائی و عرض تبریك ادامه داشت.

عصر روز دوشنبه هم مجلس ضیافتی در مدرسه عالی سپهسالار



صف جلو آیت الله کاشف الغطاء و نیابت تولیت عظمی و جنابان سفیر کبیر عراق و سفیر دولت سعودی و سفیر کبیر افغانستان و سفیر کبیر مصر و وزیر فرهنگ دیده میشوند

بر پا شد که در آن تمام سفیران ممالك اسلامی مقیم طهران و بسیاری از رجال مهم و دانشمندان حضور داشتند .

در این ضیافت چند تن از نمایندگان کشور های اسلامی بیاناتی راجع بعظمت اسلام و اتحاد و یگانگی مسلمین و اینکه علمای ایران



آقای سعید نفیسی و نیابت تولیت عظمی و آقای دهخدا و آقای فروزانفر و آقای احمد حامد عراقی

خدمات گرانبهائی بعالم اسلام نموده اند ایراد و از توجه شاهانه بامور دیانت و انتصاب حجة الاسلام سید العراقین بنیابت تولیت مدرسه عالی سپهسالار و ریاست دانشگاه روحانی ستایش کردند و مجلس بدعای خیر ذات مبارك شاهانه خاتمه یافت و آیت الله کاشف الغطاء نیز باحاضرین تودیع نموده صبح آنشب بعتبات عالیات مراجعت کردند .

النظافة من الایمان

یکی از کارهائی که روزهای اولیه انجام شد تمیز کردن حجرات و تهیه آب مشروب برای طلاب بود

حجرات که غالباً تاریك و کثیف بود بهیچ وجه شایستگی سکونت برای طلاب را نداشتند و هنگامیکه بنظافت آنها پرداختند دویست کامیون خاك و خاشاك و زباله که سالها در حجرات و گوشه و کنار مدرسه بود بخارج شهر بردند و حجرات را ضدعفونی کردند و نواقص کلی حجرات را مرتفع کردند

کنتور برق مدرسه از دفتر مدرسه مجزی شد که در حجرات اضافه از موقع لزوم برق مصرف نشود و بعلاوه حجرات مدرسه طبق دستور واقف فقط بطلاب علوم دینیه اختصاص داده شد و از ورود کسانی که بعنوان مهمان وغیره در حجره ها بیتوته میکردند جلوگیری گردید.

ورود و خروج اشخاص خارجی « جز در موقع نماز برای کسانیکه میخواهند بمسجد بروند » در تمام مدت ممنوع است و طلاب نیز بایستی قبل از ساعت نه بعدازظهر در حجرات خود باشند.

بدیهی است برای دانشمندانی که بکتابخانه میخواهند مراجعه کنند و سیاحان و مستشرقینی که میخواهند این بنای اسلامی را مشاهده یا عکس برداری نمایند با اجازه و اطلاع قبلی هیچ گونه ممانعتی بعمل نخواهد آمد.

دفتر حاضر و غایبی هم برای آقایان طلاب علوم دینیه گذاشته شده که در آخر هرماه بامضای مدرسین مربوطه میرسد و چنانچه غیبتی داشته باشند از حقوق آنها کسر خواهد شد و بعلاوه در شورای مدرسین که هرهفته باحضور نیابت تولیت عظمی تشکیل میشود پیشرفت تحصیلی وحسن اخلاق طلاب هم مورد بحث قرار میگیرد.

علاقه مندی شدید آقایان مدرسین در جلسات شوری و همچنین

حضور متوالی وبدون غیبت آنان درساعت‌های مقرره قابل تقدیراست ودراین چندماه بیش از پیش علاقه باصلاح و عظمت این مؤسسه دینی و علمی بخرج میدهند متأسفانه تا کنون مدرسه‌عالی سپهسالار نتوانسته



نیابت تولیت عظمی درطرفین ایشان آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه طهران و آقای سفیر کبیر عراق

است شخصیت های علمی چنانچه منظور نظر واقف است بجامعه اهداء نمایدامسال کلاس ششم که‌مرحله نهائی است بدستور نیابت تولیت عظمی تشکیل وچهار نفر ازاساتید مدرسه که‌ازشخصیت‌های بزرك علمی وعبارت ازجناب شیخ محمد علی لواسانی وجناب سید کاظم‌عصار و جناب آیت‌الله زاده مازندرانی وجناب آقای وحید گلپایگانی هستند صبح‌وعصر دراین کلاس مشغول‌افاضه وتدریس میباشند وسال آینده چندتن مجتهد بجامعه اسلامی اهداء مینمایند .

روز افتتاح درمانگاه و نصب بلندگو و اتصال مدرسه سپهسالار بدستگاه فرستنده رادیو تهران

روز عید غدیر که از اعیاد بزرک شیعیان است دو کار مهم در مدرسه سپهسالار بدست توانای حضرت علامه بزرگوار حاجی سیدالعراقین انجام گرفت که هر کدام قابل یاد آوری و ضبط در تاریخ است : نخست ایجاد درمانگاهی بنام درمانگاه مدرسه عالی سپهسالار که عموم طلاب علوم دینیه و اهل علم مقیم طهران بتوانند از طبیب و داروی آن برایگان بهره‌مند شوند .

آقای دکتر فقیهی شیرازی و آقای دکتر سید جعفر شمسا پزشکان مشهور ، متصدی این درمانگاه هستند که سرویس صبح وعصر را بنوبت اداره میکنند ودارو نیز تاآنجاکه ممکن بوده است دردسترس آنان گذارده شده است .

هنگام افتتاح این درمانگاه نیابت تولیت عظمی بیانات ذیل را ایراد نمودند :

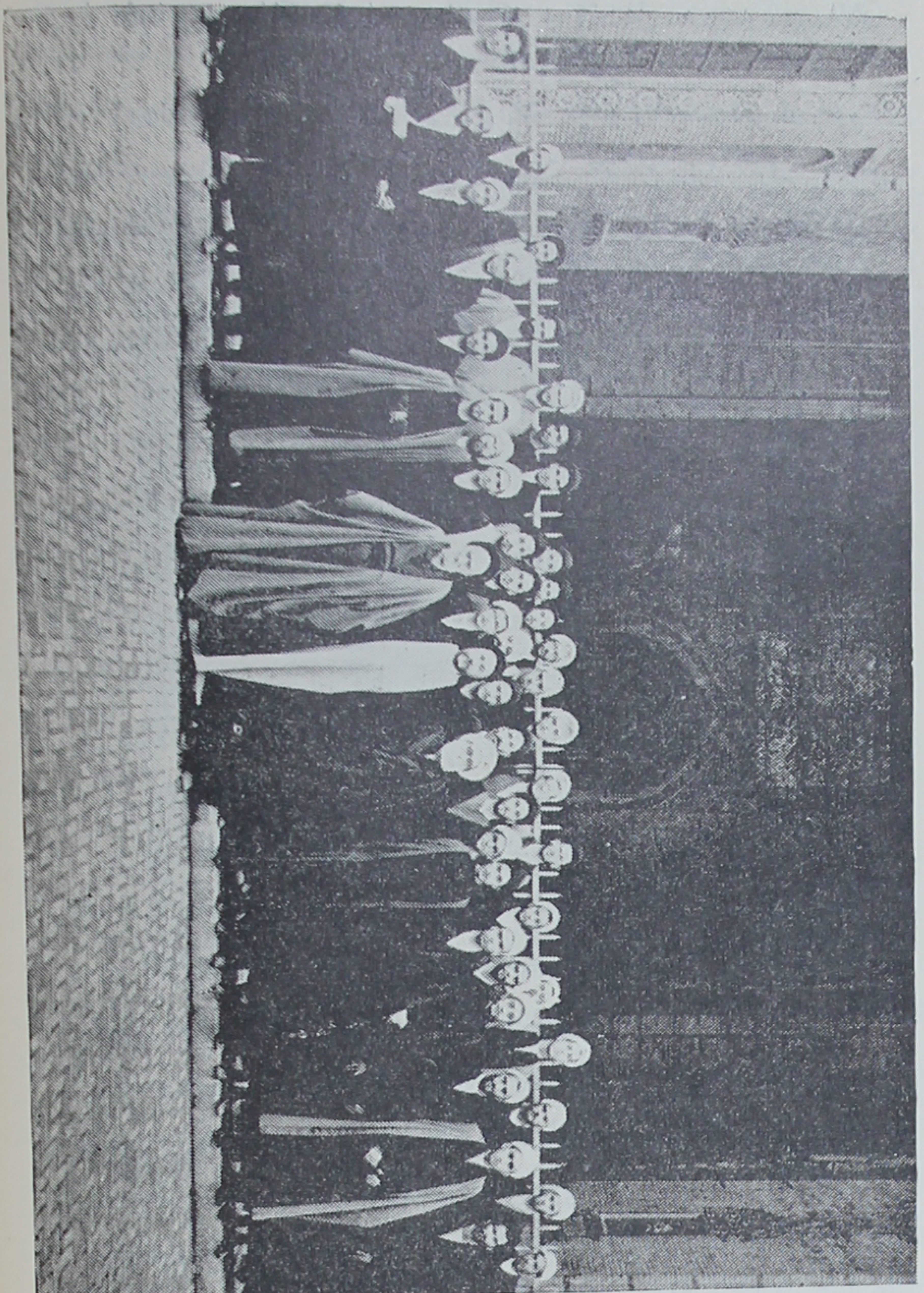
بسم‌الله الرحمن الرحیم

در نتیجهٔ تأکیدات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دست بیک رشته اصلاحات زده ایم که آقایان مدرسین وطلاب از آن آگاهند .

امروز که روزی مبارك وفرخنده است این درمانگاه راافتتاح میکنم و امیدوارم که روز بروز بتوانیم بکیفیت و کمیت آن بیفزائیم .

توجهات همایونی بجامعه‌روحانیت مارا تشویق میکند که وسایل آسایش ساکنان مدرسه سپهسالار را فراهم کنیم واکنون باایجاد این درمانگاه ، یکی ازکارهای لازم وضروری این مؤسسه انجام شد .

درهیچیك ازادیان مانند دین حنیف اسلام برای حفظ بهداشت تأکید نشده است و در این دین مبین است که دانش بهداشت را در شمارعلم دین آورده وفرموده است : **العلم علمان علم الادیان و علم الابدان**



حضرت آقای سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی در میان طلاب علوم دینیه
جناب آقای لواسانی و جناب آقای سید حسین کاشانی طرفین ایشان

فعلا خوشوقتم که آب مشروب و گوارا و روشنائی و نظافت حجرات تأمین شده و با این درمانگاه هم میتوانیم هر کدام از مدرسین و طلاب علوم دینیه را که بیمار شوند معالجه کنیم و مخصوصاً دستور داده ام که پزشکان این درمانگاه صبح و عصر حاضر باشند و شب نیز تلفن مخصوص در اختیار آقایان طلاب است که در موقع لزوم



آقای دکتر فقیهی شیرازی از اطباء مشهور و مدیر روزنامه پرچم اسلام

طبیب معالج را احضار نمایند و بعلاوه چون قصد بانی اولیه و نیت پاک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تولیت عظمی رفاه اهل علم و دانش است

علماء و دانشمندان خارج از مدرسه نیز میتوانند برایگان از طبیب و دارو استفاده کنند .

من امیدوارم همانگونه که شبانه روز کوشش میکنم تاآقایان طلاب علوم دینیه در رفاه باشند آنها نیز سعی بلیغ کنند که دانشمندی برجسته و صاحب ملکات فاضله باشند و برای خدمت بکشورو شاهنشاه عضو مفیدی بشمار آیند سپس آقای محسن نقوی از طرف طلاب علوم دینیه خطابهٔ زیر را خواندند :

مدعوین محترم این بنده ازطرف عموم طلاب ومحصلین مدرسه عالی سپهسالار موقع را غنیمت شمرده و از توجهات مخصوصه اخیر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باموراین بنگاه بزرك روحانی واوامر مؤکدی که برای اصلاح اساسی ووضع تحصیلی ماصادرفرموده وشخصیت بارزولایقی مانند حضرت حجةالاسلام آقای حاج سیدالعراقین را برای انجام این امرانتخاب فرموده‌اند تشکرات قلبی خود را تقدیم میدارم .

خواجه آنست که باشد غم خدمتکارش از چنین شاهنشاه رؤف و دانشمندی جزاین انتظار نمیرفت وما امیدواریم بتوانیم این بذل توجه وابراز مرحمت مخصوص ذات اقدس ملوکانه را باسعی و کوشش بسیار برای استفاده از وسائلی که در دسترس ماست تحت سرپرستی نیابت تولیت عظمی وتعالیم مدرسین عالیقدر خود جبران و خود را فرزندان میهن پرست وشاهدوست تربیت نمائیم .

حضرت آقای حاج سیدالعراقین در اینمدت کوتاه که از طرف ذات ملوکانه مأمور اصلاح این مؤسسه مهم روحانی شده‌اید قدم های بزرگی در اصلاح وضع عمومی مدرسه مخصوصاً قسمت بهداشت آن برداشته‌اید اطاقهای ما پاك و تمیز گشت فرشها که سالهای متمادی گردوغبار مذلت برروی آنهاجایگزین شده بود شسته شدآب آشامیدنی

ما که واقعاً قابل خوردن نبود ومورث امراض گوناگون بود مبدل بآب گوارا و پاك گردید بطوریکه نگرانی مامحصلین وطلاب رامرتفع ساخته است حقوق ما با اینکه وضع مالی مدرسه کاملا سروصورتی بخودنگرفته پرداخته شده است وقطع دارم در آینده نیز مرتباً پرداخت خواهد شد ووسائل آسایش ما فراهم خواهد گشت از همه بالاتر تذکرات اخلاقی واندرزهای حکیمانه ایست که حضرتعالی بمامیدهید ومارادرطی طریق کمال هدایت میفرمائید واثرات این راهنمائیها در اینمدت کوتاه ظاهر شده است



آقای دکتر سید جعفر شمسا ازپزشکان مشهور

حضرت آقای سید العراقین درمانگاه مدرسه عالی سپهسالار که بامرمبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه و با همت وتصمیم حضرتعالی افتتاح میشودخود قدم مهمی است که در بهبود وضع بهداشت وحفظ صحت مامحصلین وطلاب علوم دینی برداشته شده ما تابحال هرموقع ببیماری وکسالت دچار میشدیم مجبور بودیم درخارج بطبیب مراجعه کنیم ولی اکنون که با تأسیس این درمانگاه و وجود پزشکان حاذق و دانشمند ووسائل طبی ودارو فراهم شده میتوانیم هرموقع که دچار بیماری شدیم باکمال سهولت بمعالجه بپردازیم سایر طلاب مدارس ازاینمؤسسه خیریه بهداشتی میتوانند استفاده کنند چون بهمت وتوانائی حضرتعالی و اقفیم

یقین داریم سایر اصلاحاتی که در نظر دارید بتدریج عملی خواهد شد درخاتمه مجدداً ازطرف خودوسایر محصلین بحضرتعالی اطمینان میدهم کــه برای جبران مساعی و زحمات شبانه روزی سعی خواهیم کرد که درتکمیل معلومات خود جدیت شایان بنمائیم تا پس از ختم تحصیلات بتوانیم تحت توجهات اعلیحضرت‌هایون شاهنشاه جوانبخت محمد رضا شاه‌پهلوی درخدمت بجامعه ودین مقدس اسلام اقدام نمائیم.

نصب بلند گو

ظهر روز عید غدیر صدای مؤذن مدرسه عالی سپهسالار بگوش همه جهانیان رسید و مردمی که در آن روز برای تبریك عید غدیر بحضور مصلح بزرگوار نیابت تولیت عظمی آمده بودندشاهد یك‌منظره‌دلپذیر ومستمع یك سلسله بیانات شدند که اینك بشرح آن می پردازیم پس از اینکه مدرسهٔ سپهسالار بدستگاه رادیوی طهران نصب شد و این مؤسسه بزرك علمی و دینی بدنیای خارج متصل گردید ابتدا مؤذن اذان گفت و سپس قاری سوره مبارکه «هل اتی» را تلاوت کرد و در میان شادی‌و مسرت‌عموم نیابت تولیت‌عظمی بیانات‌زیررا ایرادفرمودند:

اینك متن بیانات

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیك من ربك فان لم تفعل فما بلغت رسالته.

شنوندگان محترم امروز روز هیجدهم‌ماه ذیحجة الحرام وروز عید غدیر خم است‌امروزیکی از بزرگترین روزهای اسلامی‌ومهمترین افتخار عالم تشیع است باتفاق محققین علمای مسلمین ازعامه وخاصه در چنین روزی رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم موقع مراجعت از



آقای مهندس فراهانی متخصص فنی دستگاه فرستنده مدرسه سپهسالار و معاون ایشان

حجة‌الوداع در غدیر خم بین مکه و مدینه در برابر جمع کثیری خطبه‌ای را انشاء و حضرت علی علیه‌السلام را بمقام ولایت در جامعه مسلمین معرفی فرمود و درباره آن حضرت فرمود الست اولی بکم من انفسکم قالوا بلی پس فرمودند من کنت مولاه فهذا علی مولاه پیغمبر راستگوی که جز از طریق وحی سخن نمیگوید مقام ولایت و اولویت خود را که خداوند در کتاب مجید برای او مقرر نموده برای علی علیه السلام اثبات و اورا جانشین خود نمود.

اینجانب افتخار دارم که در چنین روز مقدسی از مدرسه عالی سپهسالار که مدرس فقه و معارف جعفر بن محمد علیه‌السلام است تبریکات صمیمانه خود را در این عید سعید تقدیم کلیه شیعیان جهان نموده و ضمناً شمه‌ای از این مدرسه اسلامی باطلاع شنوندگان محترم برسانم مدرسه عالی سپهسالار یکی از بهترین ابنیه اسلامی در کشور ایران است این مدرسه فعلا دارای ۹۰ نفر محصل است که در حجرات آن سکنی دارند و ۱۸ نفر از علماء و دانشمندان استاد این مدرسه هستند که در رشته‌های مختلف علوم دینی تدریس میکنند.

در این چندهفته‌ای که اینجانب بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عهده‌دار تنظیم امور مدرسه هستم درمانگاهی بنام درمانگاه مدرسه عالی سپهسالار تأسیس یافته این درمانگاه در صبح و عصر برای مراجعه کلیه آقایان علماء و طلاب علوم دینیه تهران و ولایات آماده است و داروهای لازم مجاناً در دسترس آقایان گذارده شده است. مهمترین امر مورد توجه تهیه وسیلهٔ تبلیغ و معرفی مذهب مقدس جعفری بمردم جهان بخصوص کشورهای اسلامی میباشد زیرا دیرزمانی است که در اثر پاره‌ای تبلیغات مسمومه و خلاف واقع عالم تشیع را نزد ملل اسلامی متهم و بعقاید سخیفه منتسب نموده‌اند.

درحالیکه شیعیان حقیقی کسانی هستند که تعلیمات رسول اکرم را از بهترین و مقدس ترین منبع فضیلت و کمال یعنی اهل بیت طهارت



آقای راشد خطیب مشهور ازفرستنده مدرسه عالی سپهسالار جهانیان را بعظمت اسلام آگاه میکند

اخذ نموده اند شیعیان درس توحیدو خداپرستی را از بزرگترین شاگرد مکتب رسول اسلام مولی الموحدین علی علیه السلام آموخته و دستورات اخلاقی و عملی اسلام را از بیانات اهل بیت بخصوص حضرت جعفر بن محمد علیه السلام گرفته اند مذهب مقدس جعفری مذهب بحث و تحقیق در کتاب و سنت و دقت در مبادی اسلام است. علی التحقیق مذهب شیعه از نظر بحث علمی در فقه و احکام زنده ترین فرق اسلامی است و پیوسته از قرون اولیه اسلام تا کنون مجتهدین بزرك و علمای عالیمقامی در این مکتب تربیت شده ودر کتاب وسنت تعمق ودقت نموده وفقه اسلام را زنده نگاه داشته اند مع الاسف کسانی ندانسته یا از روی عناد سخنان ناروائی در باره پیروان مذهب جعفری علیه السلام گفته و اذهان بسیاری از مسلمین جهان را مشوب نموده اند.

بدیهی است چون برای مبارزه باآن تبلیغات دروغ و برای معرفی عقاید حقه واحکام منزه مذهب شیعه جز بسط وانتشارحقایق راهی نیست لذا ازپیشگاه اعلیحضرت همایونی که پیوسته بنشر معارف اسلامی وتجلیل مقام روحانیت ابراز علاقه فرموده اند استجازه نموده که دستگاه پخشی درداخل مدرسه نصب ودردسترس علماء ومدرسین محترم گذارده شود که لدی الاقتضاء آقایان علماء ودانشمندان محترم اسلامی بتوانندمقالات عالمانه خود را بسمع عموم برسانند.

امید است بدینوسیله بتوانیم مذهب مقدس جعفری را که مذهب رسمی کشور ایران است بعالم معرفی نموده و بانشر مقالات دانشمندان عقاید جامعه را تحکیم وافراد را بدین مقدس اسلام که دین عقل و علم است بیش ازپیش متوجه نمائیم.

شنوندگان گرامی چون بیشتر اوقات اینجانب دراین چند هفته مصروف تنظیم اموردا خلی مدرسه عالی سپهسالار وترتیب امور تحصیلی طلاب وغیره بود فرصتی برای تهیه و ترتیب برنامه فرستنده مدرسه و ساعات سخنرانی نبود. امروز فقط بمناسبت عید غدیر بافتخار مدرسه دستگاه فرستنده را افتتاح نموده امید است در آتیه نزدیکی برنامه سخنرانیهای مدرسه مشروحاً باطلاع شنوندگان محترم برسد.

در خاتمه افتخاردارم که این مدرسه اسلامی مورد توجه مخصوص حضرت آیة‌الله العظمی آقای بروجردی دام برکاته که دررأس روحانیت عالم تشیع است واقع شود واز کلیه علماء ودانشمندان درخواست مینماید که باکمک های علمی وقلمی خود وسائل نشر وحقایق اسلامی رافراهم نموده وباعث سربلندی واعتلای این مؤسسه فرهنگی اسلامی گردند.

والسلام علیکم ورحمة‌اله وبرکاته



آقای صدر بلاغی خطیب مشهور ازفرستنده مدرسه عالی سپهسالار مشغول افاضه و تبلیغ
جهانیان بدیانت حنیف اسلام میباشند



آقای امیر ناصر خدایار مسئول قسمت رادیوئی

عزاداری مدرسه سپهسالار واقامه سوگواری
از طرف دربار شاهنشاهی در این مدرسه

سال گذشته بر حسب امر شاهنشاه روز روضه خوانی در چهل ستون مسجد منعقد گردید و فقط مجلس تعزیت محدود و در داخل چهلستون بود که متأسفانه حادثه شومی رخ دادو مرحوم عبدالحسین هژیر وزیر دربارشاهنشاهی مقتول گردید ولی امسال ده‌شب‌ازطرف نیابت تولیت عظمی مجلس عزاداری برپا گردید که بغیر از اطعام مساکین همه شب نیز عده‌ای از وجوه‌اهالی هیئت دولت و نمایندگان مجلسین و سفیران ممالك اسلامی و سایر رجال و دانشمندان پذیرائی شدند واز بیانات وعاظ واهل منبر مستفیض گردیدند: بجز مجلس سوگواری از طرف مدرسه عالی سپهسالار شهریار دین‌پرور ایران مقرر فرمودند که سه روز نیز از طرف اعلیحضرت ایشان ، مجلس سوگواری برپا شود و در تمام این ایام و لیالی کثرت جمعیت بحدی بود که تا کنون‌سابقه نداشته و تمام صحن مدرسه و حجرات مملو از جمعیت بود و بیشترمردم طهران در این سوگواریها شرکت کردند و انتظامات بقدری برقرار



جناب آقای حاج میرزاعبدالله همدانی‌واعظ شهیرهنگام وعظ درمدرسه عالی سپهسالار

بود که مورد تحسین همه واقع شد و جلسات با نظم‌وترتیب پایان‌یافت بسیاری از وعاظ واهل منبر مقیم‌طهران‌د راین جلسات‌مستمعین



جناب آقای حاج محمد تقی فلسفی واعظ شهیرهنگام وعظ درمدرسه عالی سپهسالار

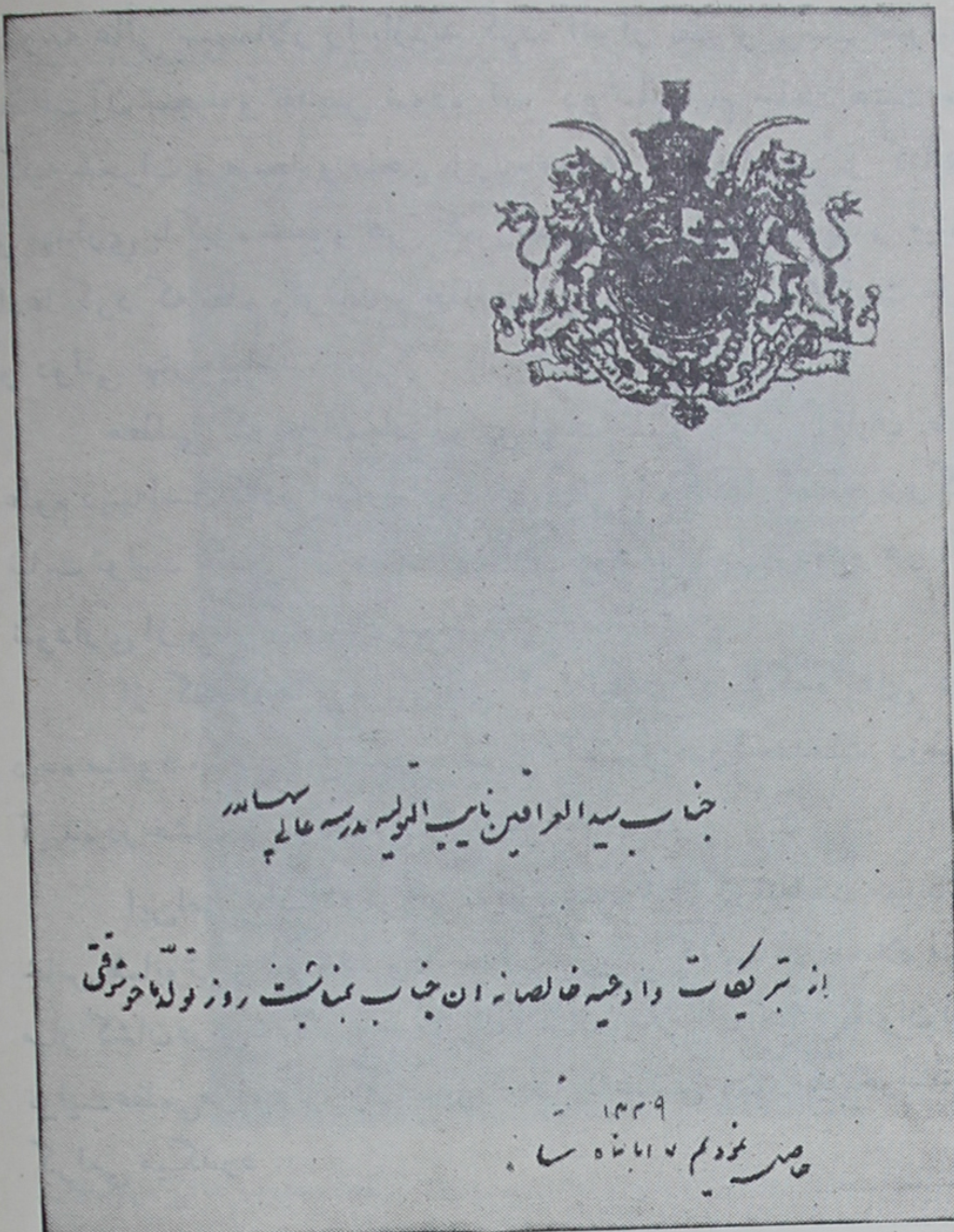
را مستفیض گردند و چون بلندگو هم نصب شده بود در خیابان های اطراف نیز جمعیت کثیری بیانات وعاظ را که ذکر محامد اهل بیت‌و ارشاد مردم برای خدمت بکشور و پادشاه بود استماع میکردند

عده ای از رجال و دانشمندان خارجی که در این سه چهار ماه مدرسه عالی سپهسالار را بازدید کرده اند از نظم و ترتیب مدرسه و نظافت آن تمجید و تقدیس نموده اند در تمام ایام ساعت هشت صبح کلیه حجرات و مسجد و صحن بزرگ مدرسه و حیاط دفتر و کتابخانه و بهداری پاکیزه شده و هر کس بکار خود مشغول است و میتوان ادعا کرد که نظم و ترتیب و نظافت این مؤسسه ازهر مؤسسات ملی و و دولتی بهتر میباشد

مطلبی که شایان یاد آوری است طرز رفتار آقایان طلاب علوم دینیه‌است که‌در اثرارشادو سخن رانی‌ها وپندهای‌مصلح بزرگوار نیابت تولیت عظمی بشخصیت اجتماعی خود بهتر پی برده و هر کدام نموداری از وقار و متانت میباشند

از گفتگوها و هایهویائی که غالباً در دانشکده های دیگر دیده میشود ساحت این مدرسه مبری است و همین مقدمات درست ، آینده درخشان و سودمندی را نوید میدهد.

این اصلاحات که مورد تقدیس عموم قرار گرفته‌است موردتوجه خاص همایونی واقع شده ودر جواب تبریکی که بمناسبت میلاد مسعود مبارکشان عرض‌شده ، بخط مبارک دستخط ملاطفت آمیزی بعنوان نیابت تولیت‌عظمی‌مرقوم وشرف‌صدور یافته که‌عکس آن‌ازنظرخوانند گان گرامی میگذرد .



جناب سید العراقین نایب التولیه مدرسه عالی سپهسالار

از تبریکات و ادعیه خالصانه آن جناب بمناسبت روز تولد ما خوشوقت

۱۳۲۹ ش
حاصل نمودیم ۷ آبانماه سال .

دستخط ملوکانه



هنگام مسافرت علامه بزرکوار سیدالعراقین بکشور هاشمی اردن ازطرف اعلیحضرت ملک عبدالله پادشاه ماوراء اردن تجلیل وپذیرائی شایانی ازایشان بعمل آمد .
دراین عکس اعلیحضرت پادشاه ماوراء اردن وحضرت سیدالعراقین دیده میشوند

نمایندگان فوق‌العاده دول اسلامی درمدرسه سپهسالار

یکی ازوقایع مهم امسال که طهران بخود دید تشکیل کنفرانس اقتصادی اسلامی است که‌طبق تصمیم دول اسلامی دومین جلسه آن‌درطهران منعقد شد و نمایندگان دولت‌های مسلمان برای آشناشدن باموراقتصادی ونزدیك شدن بهم در طهران گرد آمدند و یك روز هم برای مشاهده این بنای تاریخی وملاقات حضرت سیدالعراقین بمدرسه سپهسالار آمدند.

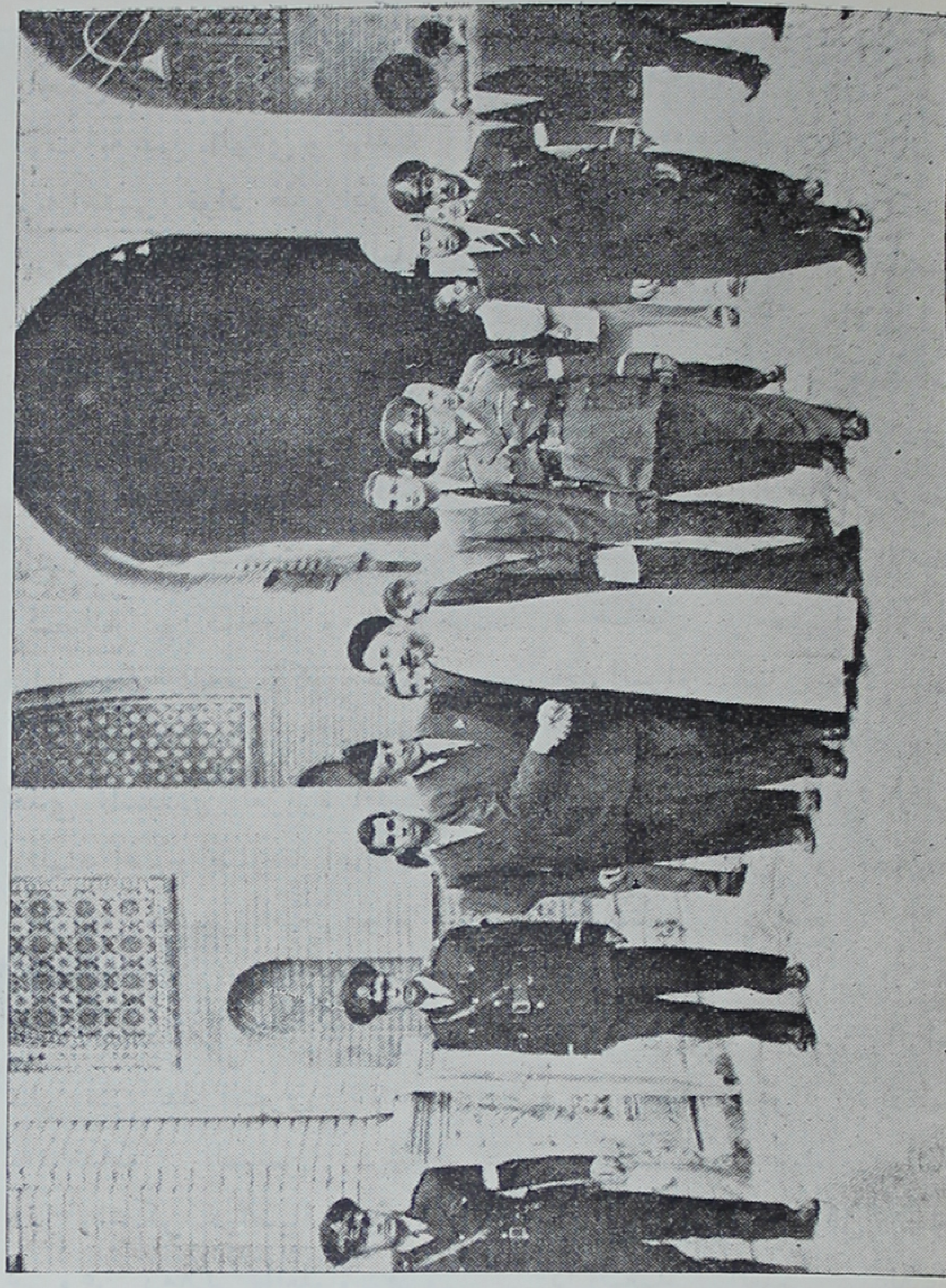
ساعت چهار بعد ازظهر روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۲۹ عموم نمایندگان اعزامی دولت‌های مسلمان دراین مدرسه پذیرائی شدند

هنگام ورود بمدرسه، جناب آقای علامه وحیدی بنمایندگی‌از طرف نیابت تولیت عظمی هیئت را استقبال کردند و خیر مقدم گفتند وآنان را بداخل مدرسه راهنمائی کردند سپس در داخل مدرسه، مقام نیابت تولیت عظمی خیر مقدم گفتند و استادان مدرسه عالی سپهسالار را معرفی نمودند.

آنگاه آقایان طلاب علوم دینیه که درمحوطه مدرسه بحال‌اجتماع بودند بافریاد زنده‌باد شاهنشاه اسلام و پاینده باد اتحاد اسلامی ابراز احساسات نمودند وبعداً جناب آقای‌سیدحسین کاشانی قصیده ذیل‌راکه سروده‌بودند خواندند.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اهلا با ضیاف ذوی الاقدام — نحو اقتصاد طوائف الاسلام
اکرم بهذا الاقتصاد ولجنـة — فی نشره قامت اتم قیـام
یامرحبا فیکم و فیما دمتم — من مقصد زاه شریف سامی
لذتم بحبل الاعتصام فلحتم — لمجامع الاسلام خیر عصام
وبما تمسکتم به کم ارغمت — بکم انوف ضراغم الاجـام



در داخل مدرسه هنگامیکه نیابت تولیت عظمی بنمایندگان خیر مقدم میگویند

تبا لوقده من تفرد عنكم متلذذا بسفا سف الاحلام
ياحسن هذا المقصد الاسنى الذى سينال فيه الدين كل مرام
قوت به عين الهدى و تهللت فيه وجوه قوابل الاعوام
وبه استسر فواد طه اذراى منكم زوال النقض بالابرام
ابرمتم امرا به فرح العلى فرح الكمى بقائم الصمصام
ياخاصمى الدين المبين تنافسوا لنفائس الاعزاز والاكرام
بحماية الاخوان فى دين الهدى لكم فليس لكم سواها حامى
وتبادر و التناول المجد الذى فيه تمام العزو الاعظام
فى نشر انواع الصناعات التى تجمو الى الاسلام عزمقام
وبها اعدوا ما استطعتم من قرى فيها تؤيد ملة الاسلام
كمصانع و معامل ومناسج و متاجر و محابرا الاعلام
بالعلم نال الخصم كل مزية حاز المرام بها غداة خصام
لولا اقتنا ئهم فنون العلم لم تنهب بلاد الله بالا رغام
هذى فلسطين العزيزه افلتت لعوابث الا وهام فى الافهام
والهند اصبح صارخا اسلامها هل من معين او مجير حام
والرزء فى كشمير اضحى مولما اكبادنا بلواعج الالام
يا ملة الا سلام ان لم تنهضوا فى نصرهم لستم من الاسلام
شمتت بنا اعدائنا يا بوس من كف الرمى له يصير الرامى
فالى متى هذا التفرق سائد فى جمعنا يدعوالى الاعدام
يا ايدالله المهيمن ديننا بمواعظ الخطباء والعلام
هذا واشكر غراضياف اتوا للائتلاف ورفع كل تحامى
عنى وعن زملائى العلماء فى ذا المعهد العلمى للاعلام
ونقدم الشكر الجزيل الى حمى حامى الرعيه ملكنا المقدام
ذى الطلعه الغرا محمد الرضا الزاهى بافق الجد بدر تمام
بتقابل الاضياف فى فرح وفى وجه يبشرهم بنيل مرام



هنگامیکه علامه کبیر بهر کدام از نمایندگان محترم دول اسلامی کلام‌الله اهداء مینمایند

و بامره بالاحتفال بهم لدی ترحابهم بالفضل والانعام
فی معهد العلم الوضئین بنائب عنه لنظم الامرای نظام
مولی العراقین المحلق فی العلی بدرا وضیأ حجة الاسلام
سیما السیادة لامع بجبینه متلالا فیه اغرو سام
دامت به اضیافه مسرورة ما اطرب الاعضان سجع حمام

سپس بسالن پذیرائی هدایت شدند ودرضمن پذیرائی نطق های بلیغی از جانب نماینده گان دول اسلامی و علامه حضرت سیدالعراقین و دانشمندان دیگر ایراد شد آنگاه علامه بزرگوار نیابت تولیت عظمی بهر کدام از نماینده گان دول اسلامی یکجلد کلام الله مجید هدیه کردند واضافه نمودند برای ما مسلمان‌ها و برنامه اجتماعی ما این کتاب الهی کافی است و آرزومندم که این رشته ارتباط ، و واسطه آسمانی روزبروز مارا بهم نزدیك‌تر سازد و بآن عظمتی که اسلام وعده فرموده نائل شویم

فاعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا

پس از پذیرائی شایان، میهمانان گرامی کتابخانه وسایر مؤسسات را بازدید کردندو خواستند که دراین بنای مقدس وتاریخی و باحضور علامه سیدالعراقین عکسی از آنان برداشته شود .

این مجلس پذیرائی دراین محیط روحانی بسیار باشکوه برگزار شد و نماینده گان دول پس از ابراز خوشوقتی وخداحافظی بافیلسوف بزرگوار سیدالعراقین محیط مدرسه عالی سپهسالار را ترك گفتند .



ازراست بچپ جنابان صادق نشأت ـ علامه وحیدی ـ میرزاحسین شیرازی- لواسانی-
عصار - نیابت تولیت عظمی . شیخ محمدعلی طالقانی- سیدحسین کاشانی - نجم آبادی-
ابن الدین-سیدمحمود طالقانی اساتیه ومدرس مدرسه عالی سپهسالار

شرح حال جناب آقای لواسانی بقلم خود ایشان

بسم‌الله تعالی : احقر راشرح حال بطوراجمال بدین منوال است یوم یکشنبه سیزدهم ذی‌الحجه‌سال یکهزارودویست و نودوهشت‌هجری درطهران متولد پس ازایام کودکی برسم معمول آن زمان در منزل خدمت چندین نفر استاد درس خوانده ودر سن چهارده تاحدی‌از کتب معموله عربیه فارغ‌ودرمدرسه‌مروی مشغول بتکمیل تحصیل علوم ادبیه گردیدم و نظر بعلاقه بسیار که باشتغال علمی داشتم جدمبرورم‌عالم‌اواه حاجی ملاشکرالله طاب ثراه وپدر مغفور بزرگوارم مرحوم حاجی‌شیخ عیسی قدس‌سرهما که‌شرح حال‌وتألیفات آندودر کتاب‌مآثروالآثارو کتاب ذریعه علامه بزرگوار طهرانی ثبت و ضبط است من را باعدم قابلیة سنی ازمدرس خودمشمول‌لطف وترشحات‌علمیه‌میفرمودند درچهاردهم صفر یکهزاروسیصد ودوازده هجری خدمت مرحوم والدبرای‌تحصیل بنجف‌اشرف مشرف وبکتب سطوح فقهیه و اصولیه مشغول گردیدم کتاب قوانین را خدمت مرحوم تحریر بزرگوار آقای حاجی‌سیدآقا قزوینی که‌تخصص بسزادراین کتاب‌داشت‌ودرمحضر نادره‌زمان مرحوم آقاسیدعلی‌قزوینی‌صاحب‌حاشیه‌تلمذفرموده‌بودند فرا گرفتم کتاب‌فصول را خدمت حکیم صمدانی مرحوم‌حاجی‌شیخ‌احمدشیرازی صاحب‌حاشیه فصول تلمذ نمودم سپس‌ازمحاضر آیات عظام‌آن اعوام مرحومین علامه خراسانی صاحب کفایه وسیدطباطبائی‌یزدی صاحب عروةالوثقی وشریعة اصفهانی قدس‌الله اسرار هم بقدر استعداد استفاده و استمداد نمودم و پس ازهفت سال تشرف در ربیع الاول یکهزاروسیصد ونوزده هجری بطهران بازگشتم‌چون‌شوق معقول‌را هم‌تااندازه داشتم وسنوات‌معدوده

از محضر درس حکیمین بارعین مرحومین حاج شیخ علی نوری صاحب حاشیه شوارق وحکیم اللهی ثانی مرحوم میرزا شمس‌الدین شاگرد مرحوم حکیم جامع ومتکلم بارع حاجی سبزواری نورالله مضاجعهم حاضر واز کتب مشهوره حکمت و کلام مستفید گردیدم ودرمدرسه مروی بتدریس مطول وسطوح فقهیه واصولیه مشغول شدم ودرشعبان یکهزار وسیصدو چهل ویك هجری درمدرسه عالی سپهسالار بتدریس رسمی مشغول وسه رساله فقهیه وقضائیه دردرایه حدیث را دراینمدرسه تالیف وتدریس نمودم وتاحال بیست ونه سال است باداء وظیفه تدریس منقول مشغول و ازخداوند ترقی وتعالی این جامع اعظم روحانی راخواهانم.

الاحقرالجانی ورهین‌الامال والامانی محمدعلی اللواسانی

استاد علامه سید کاظم عصار

حضرت آقای سید محمد کاظم فرزند آیت‌الله مرحوم حاجی سید محمد عصار در ۱۳۰۵ قمری هجری در کاظمین بدنیا آمده و در سال ۱۳۰۶ بمعیت والد ماجدخود بطهران‌وارد شده اند از سال ۱۳۱۰ شروع بتحصیل نموده اند

تاسال ۱۳۲۳ درطهران بتحصیل ادبیات فارسی و عربی و سطوح فقه و اصول و کلام وفلسفه مشغول و بعداً باصفهان مسافرت نموده اند سه سال نیز در آن شهر بتحصیل فلسفه مشغول بودند وپس ازمراجعت شش سال نزد مرحوم میرزا شهاب الدین شیرازی که از اساتید فلسفه بودند و نزد میرزا هاشم رشتی عارف مشهور و مرحوم آقا میرزاحسن کرمانشاهی فلسفه‌و عرفان خواندندودرهمین اوان بتکمیل فقه‌واصول نزد والد بزرگوارشان و آقای سید عبدالکریم شفتی و میر سیدمحمد تنکابنی اشتغال داشتند

در سال ۱۳۳۰ بعتبات عالیات مشرف شدند وابتدا درسامره در

محضر آیة‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و پس از آن بنجف اشرف از محضر آیت‌الله مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم نائینی و آقا ضیاء عراقی و سید کاظم یزدی اعلی‌الله مقامهم استفاضه نمودند و از مرحومان آیت‌الله شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله عراقی اجازه اجتهاد دارند.

استاد علامه عصار بسال ۱۳۴۰ هجری بطهران مراجعت و در مدرسه صدر و مدرسه عبدالله خان بتدریس و افاضه پرداختند و اکنون مدرس فلسفه در مدرسه عالی سپهسالار میباشند

تألیفات ایشان آنچه بطبع رسیده علم الحدیث و تفسیر کلام‌الله مجید و مسئله بدا و آنچه تاکنون چاپ نشده نتایج الافکار و دوره فلسفه و نتایج الانظار در منطقیات و مفاوضات در اصول فقه و غیره

جناب آقای آیت‌الله زاده مازندرانی

آقای حاج شیخ محمدباقر آیت‌الله‌زاده مازندرانی در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در کربلایمعلی در خانواده فقه و تقوی متولد و پرورش یافته اند شرح حال والد بزرگوار و جد عالیمقامشان در کتاب مآثر و الآثار و ملحقات روضات و سایر کتب تراجم احوال مشاهیر رجال و مراجع تقلید شیعه مذکور و این خاندان در عراق عرب و هند و ایران مشهورند علوم ادبیه و فقه و اصول را در کربلا و نجف نزد فحول مدرسین زمان خود خصوصاً آیات‌الله خراسانی و اصفهانی و حکمت و معقول را نزد مرحوم آقا شیخ احمد شیرازی و آخوند ملاعلی محمد اصفهانی تحصیل نموده نبوغ علمی و دقت نظرشان از زمان جوانی مشهور و در عین حال که بدریافت اجازه اجتهاد از اساتید عظام خود موفق شده بودند بتکمیل مدارج آن اشتغال داشته و دچار کسالت مزاج گردیده ناچار بایران رهسپار و پس از معالجه در تهران بزیارت ارض اقدس رضوی سلام‌الله علیه نایل و در مراجعت بتقاضای دوستان خاندانشان به‌مازندران رفتند و مدتی

در ساری و سپس در بابل متوقف و در مدرسه صدر آنجا بتدریس فقه واصول مشغول ودرماه مبارك رمضان باقامه نماز جماعت و افاضه تفسیر آیات قرآن باطرز مؤثری بدون اینکه بمنبر بروند اهالی را بحقوقشان آشنا فرموده و جوه طلاب و دانشمندان از بیاناتشان استفاضه مینمودند سجلات و مرقوماتشان در نهایت اتقان و یگانه محضر شرع مورد اطمینان بودند تادرسال ۱۳۰۶ شمسی هجری باابلاغ تلگرافی وزارت عدلیه برای تشکیل محکمه شرع خراسان به مشهد مقدس عزیمت نموده و با کمال قدرت قضایای مهمه مترا کمه راحل و فصل فرموده و پس ازمدتی بتهران مراجعت ودر دادگستری تا کنون بوظائف شرعیه اشتغال دارند و مدتها در دانشکده حقوق استاد درس فقه بوده رساله دکترای ایشان مورد تقدیر و جزوات تدریس قانون مدنی و قانون ثبت در مجموعه حقوقی وزارت دادگستری وجداگانه طبع ومنتشر شده یادداشتهای دیگر هم از نکات و دقائق علمی دارند که هنوز تنظیم و طبع نگردیده است .

در مدتیکه بتدریس درمدرسه سپهسالار جدید اشتغال دارند از افکار صائبه ایشان درشورای مدرسین معظم استفاده شده وفوق العاده مورد علاقه مقام نیابت تولیت عظمی و آقایان اساتید عظام وعموم محصلین میباشند

جناب آقای وحید گلپایگانی

استاد محترم هدایت الله وحید گلپایگانی نسب ایشان منتهی میشود بمالك اشتر نخعی از بزرگان صحابه امیر المؤمنین علی علیه السلام ودر سلسله آباء ایشان اغلب ازعلما وعباد وزهاد و بعضی صاحب مقامات و کرامات بودند و فعلا هم قبور بعضی از آنها در گلپایگان مورد توجه عموم اهالی است ولادت ایشان روز سیزده ماه رجب سنهٔ هزاروسیصدوهشت قمری در قریه گوگد که از قراء گلپایگان است در سال سوم تولد پدر ایشان برای تکمیل تحصیلات خود بنجف اشرف مشرف شده و کفالت ایشان

را بر عهده یکی از اعمام استاد که از بزرگان علماء گلپایگان بودند قرار دادند و پس از هفت سال اقامت در نجف و تکمیل تحصیل خود در حوزه درس مرحوم آیت‌الله علامه خراسانی و علامه سیدمحمد کاظم یزدی مراجعت بگلپایگان نموده در حالی که ایشان بسن ده بودند در همان اوان نوشتن و خواندن فارسی را آموخته وارد مقدمات ادبیات شده و پس از فراغ از تحصیل علم نحو وصرف و منطق و ادبیات باندازه لزوم وارد سطوح گردیده سطح را نزد والد ماجد خود تلمذ نموده و در سنه هزار وسیصد وسی وشش قمری که مرحوم خلد آشیان آیت‌الله‌العظمی آقای شیخ عبدالکریم حایری یزدی از عراق هجرت بایران نمودند و در اراك اقامت نمودند ایشان هم هجرت باراك نموده و از بدو شروع جناب معظم‌له در تدریس ، ایشان هم در حوزه درس جنابشان حاضر و در خدمت ایشان اشتغال بتحصیل داشتند تا در سنه هزار و سیصد و چهل که حضرت آیت‌الله محل اقامت خود را تبدیل بارض اقدس قم نموده و تأسیس حوزه علمیه قم را نمودند ایشان هم بصحابت حضرت آیت‌الله مشرف بقم و تا ده سال هم در قم خدمت علامه حایری تلمذ می نمودند و در سال سیصد و پنجاه والد ایشان در گلپایگان مرحوم و بر حسب خواهش اهالی گلپایگان و امر حضرت آیت‌الله حائری بمحل اصلی خود معاودت نمودند و بامر ترویج و ارشاد مردم پرداختند و در قریه گوگد که مسقط‌الرأس ایشان است و تا شهر گلپایگان شش کیلومتر فاصله است تأسیس مدرسه نمودند و در ظرف اقامتشان در آن محل متجاوز از چهل نفر محصل تربیت کردند که همه فعلا در قم مشغول بتحصیل و اغلب از فضلای حالیه قم بشمار میروند و در حدود سنه هزار و سیصد و شصت و شش از گلپایگان هجرت بطهران نموده و فعلا در مدرسه عالی سپهسالار بتدریس فقه اشتغال دارند .

جناب آقای میرزاعباس حایری

استاد محترم آقای میرزاعباس حایری بواسطه حادثه ای که بر ایشان پیش آمده پای راستشان شکسته و چندی است در بیمارستان



فیروزآبادی بستری هستند شرحی از بستر بیماری تقریر کرده اند که ذیلا نگاشته میشود.

اسم من عباس حایری وفرزند میرزاعبدالجواد میباشم که بسال ۱۳۰۳ هجری قمری در کربلا متولد شده ام.

تحصیلات مقدماتیم را در کربلا انجام و نزد مرحوم شیخ غلامحسین مرندی ومرحوم شیخ علی گنابادی سطوح فقه واصول را خواندم.

واز درس خارج فقه واصول آیت‌الله سیداسمعیل صدر اصفهانی نیز استفاضه کرده ام ودوسال هم در نجف رسائل و کفایة را نزد آیت‌الله خراسانی خوانده‌ام واز آیت‌الله صدراصفهانی دارای اجازه اجتهادهستم.

در جنك اول جهانی بایران آمدم و در طهران مدرسه سعادت

ومدرسه ثریا را تأسیس کردم و در مدرسه محمدیه مقابل مسجد جامع بتدریس رسائل شیخ مرتضی انصاری و کفایهٔ اخوند خراسانی وجواهر پرداختم وشاگردان بسیاری تربیت کردم که اغلب آنها ازمبرزین اهل علم ومنبر هستند.

از سال ۱۳۲٤ شمسی که دانشکده معقول و منقول از مدرسه سپهسالار منتزع شد من کلاسهای روحانی را ترتیب دادم وآئین نامه برای مدرسه و دروس نوشتم و باسمت ریاست علمی مدرسه بتدریس کفایة و رسائل پرداختم.

عقیدهٔ من در بارهٔ این مؤسسهٔ علمی و دینی این است که بااساتید بزرك فعلی واستعداد طلاب میتوانیم موفقیت های بزرگی بدست آوریم واگر تاحال مسامحه شده در اثر نداشتن سرپرست دلسوزی بوده‌است واینك که جناب حجت‌الاسلام سیدالعراقین منصوب بنیابت تولیت شده اند آیندهٔ درخشان و مهمی نصیب خواهد شد زیرا سیدالعراقین شخصیتی باهوش و کیاست و شجاع و بهر فضیلتی آراسته است و اوست که میتواند ازهمه حیث این مدرسه را اداره کند من امیدوارم که بزودی از این بستر بیماری برخاسته و بتدریس مشغول شوم و در قدمهائی که این سیدجلیل‌القدر برای دین ودانش برمیدارد بسهم خود همراهی نمایم

علامه سید حسین کاشانی

جناب آقای سید حسین کاشانی «ضوءالرشد» که در سیزدهم ماه شعبان ۱۳۰۰ در نجف اشرف متولد گردیده و تا سن بیست‌سالگی در آن شهر در خدمت علامه نحریر مرحوم شیخ عبدالرضا دشتی بتحصیل مقدمات پرداخته سپس در خدمت‌مرحوم سید محمد سعید خوئی بتکمیل ادبیات عرب و سطوح فقه اشتغال داشته بعداً در خدمت پدر بزرگوارش مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمد کاشانی بکربلا

مهاجرت و در آنجا در دو درس خارج اصول فقه وفقه پدر بزرگوارش ونگاشتن آنها مشغول بوده است .

در سال ۱۳٤۲ یکدوره فقه از آغاز کتاب طهارت تا انجام کتاب دیات نظماً تألیف فرموده و ترجمه آنرا بفارسی هم نگاشته اند «مسماة بضوء الرشدفی احکام النبی الامجد» که بچاپ رسیده و نظم منظومه در ایة الحدیث که دو تقریظی که آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری طاب ثراه و آیت‌الله کاشف الغطامدظله بمؤلفه ایشان نوشته‌اند کمال دلالت برعلوشان واقتدار استاد محترم درعلوم دینیه وادبیه دارد .

استاد کاشانی مصنفات دیگر هم نثراً و نظماً در موضوع های مختلف دارند از قبیل بعض مباحث اصول و معانی و بیان و بدیع و از آن جمله دیوانی است در مدایح ومراثی ائمه هدی باندازه دیوان سید رضی اعلی‌الله مقامه که هنوز بچاپ نرسیده است .

شرح حال جناب آقای حسینعلی راشد بقلم خود ایشان

اینجانب در ماه تیر از سال یکهزار و دویست و هشتاد و چهار شمسی هجری درشهرستان تربت حیدری (یکی ازشهرستانهای خراسان) متولدشده واکنون که ماه آذرازسال یکهزار و سیصد و بیست و نه میباشد درچهل وششمین سال ازعمر خود میباشم .

پدرم مرحوم آقای حاج شیخ عباس تربتی مردی روحانی و بسیار زاهد بود که بادست خود کشاورزی میکرد و از آن راه نان میخورد وتمام عمر در راه ارشاد مردم و برآوردن حوائج مستمندان شب وروز میکوشید ودراین راه مشقتهارا بارضایت خاطر تحمل میکرد .

اینجانب تاسن شانزده سالگی در همان تربت حیدری مقدمات فارسی وعربی رایعنی نحو وصرف وقسمتی از معانی و بیان با منطق و مقداری ازفقه واصول فقه خواندم وچون هوش وحافظه‌ام خوب بود و

پدرم نیز در کار درسم توجه میکرد و خودم علم را دوست میداشتم آنچه میخواندم بادقت میخواندم و اغلب آنها را از بر میکردم .

در سال یکهزار و سیصد شمسی هجری برای ادامه تحصیلات علمی خود بمشهد رفتم و در مدت ده سال که در مشهد بودم معانی و بیان را مجدداً نزد مرحوم میرزا عبدالجواد معروف بادیب نشابوری و سطح فقه و اصول فقه را که عبارت بود از شرح لمعه و قوانین الاصول و فصول و مکاسب و فرائدالاصول معروف برسائل شیخ انصاری و کفایة الاصول بترتیب نزد مرحوم آقامیرزا محمدباقر مدرس رضوی و آقاشیخ آقابزرك شاهرودی و مرحوم آقاسیدجعفر شهرستانی و مرحوم حاج شیخ حسن برسی و آقای حاج شیخ محمد نهاوندی و پس از آن خارج اصول را دو دوره نزد مرحوم حاج میرزا محمد معروف بآقازاده خراسانی و مرحوم آقای حاج آقاحسین قمی و مرحوم آقامیرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آقاشیخ موسی خوانساری و کتاب شرح اشارات را در فلسفهٔ قدیم با امور عامهٔ اسفار نزد مرحوم آقا بزرك شهیدی خواندم و در سالهای آخر کتبی را که خوانده بودم درس میگفتم .

درمدت مزبور بتحصیل بعضی از علوم دیگر نیز مانند قسمتی از ریاضیات و مختصری فیزیك و تاریخ طبیعی و تشریح پرداخته و در کتب ادبی و تاریخی و اجتماعی مخصوصاً تاریخ ادیان و مذاهب و مباحثات و مجادلات دینی و همچنین تفاسیر قرآن مجید مطالعات نسبةً فراوان کردم .

در سال یکهزار سیصد وده شمسی هجری برای تکمیل تحصیلات عالیهٔ خود بنجف اشرف رفتم و نزدیك یکسال در آنجا بودم و بدرس اصول فقه مرحوم آقامیرزا محمد حسین نائینی و درس فقه مرحوم آقا سیدابوالحسن اصفهانی حاضر میشدم لکن بر اثر کسالتی که عارض شد و ممتد گشت ناچار شده بایران برگشتم .

در سال هزارسیصدو دوازده که برای گردش بشیراز رفته بودم ایام ورودم مصادف با ماه محرم بود و چنین پیش آمد که روزی در یکی از مجالس مرا تکلیف منبر کردندو پذیرفتم و چون مردم حسن استقبال کردند این کار ادامه یافت و نزدیك بیك سال و نیم در شیراز ماندم و بمنبر میرفتم و مورد محبت فراوان مردم آندیار گشتم.

پس از آن در حالیکه عازم تهران بودم بعضی که مرا در اصفهان می‌شناختند دعوت باقامت در آن شهر کردند و در آنجا نیز در حدود پانزده ماه منابری رفتم ومردم توجهی داشتند تا آنکه در ماه رمضان سال یکهزار وسیصد وچهارده بر اثر سوء تفاهم یا اعمال غرض دچار حادثه‌ای گشتم که روحم را بسیار فشار داد وتا اوایل بهارسال یکهزار و سیصد وشانزده بطور غیر آزاد در اصفهان ماندم.

در بهار سال یکهزار وسیصدو شانزده بتهران آمدم و بکارهای مختلفی ازقبیل گفتن درسهای خصوصی و نوشتن مقالات در جرائد ومجلات وتنظیم فهرستی برای کتب عربی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی و رفتن منابر محدودی در مجامع خصوصی پرداختم و در آن اثناء بعضی از یادداشتهای علمی خودرا در باب دو نظریه فلسفی: یکی نظریهٔ حرکت در جوهر منتسب بصدرالمتألهین شیرازی ویکی نظریهٔ نسبیت منسوب بانیشتین درصورت کتابی بنام: «دو فیلسوف شرق وغرب» چاپ و منتشر کردم.

در سال یکهزارو سیصدو بیست از طرف اداره رادیو تهران از این جانب دعوت شد که برای شبهای تاسوعا و عاشورا و یازدهم محرم گفتار های مناسبی نوشته در رادیو ایراد کنم وچون مردم ازاین عمل حسن استقبال شدید و تقاضای ادامه این سخنرانی را کردند مقرر شد شبهای جمعه مدت نیم ساعت در رادیو تهران سخنرانی کنم که تا

چندی قبل ازاین سخنرانی های مزبور ادامه داشت و قسمتی از آنها در پنج مجلد بنام: «سخن رانی های راشد در رادیو تهران» چاپ و منتشر شده است.

در آخر سال یکهزار و سیصد و بیست و پنج و آغاز سال یك هزارو سیصدو بیست و شش سفری بعتبات عالیات کرده و از آنجابشام و بیروت وفلسطین ومصر رفتم و تا حدی که ممکن بود در آن کشورها مطالعاتی که باید کردم.

در آغاز سال یکهزارو سیصد و بیست و نه برای معالجه مرض حمله ای که پس از حادثهٔ اصفهان بآن مبتلا گشته ام باروپا رفتم و در این سفر که مدت هفت‌ماه‌ونیم طول کشید کشورهای‌فرانسه‌وانگلستان وآلمان و سویس و ایطالیا را سیاحت کردم.

فعلا سه سال است که در مدرسه عالی سپهسالار افتخار تدریس فقه و فلسفه و فن خطابه را دارم و مایلم که زندگی علمی آرامی داشته باشم.

جناب آقای حاج‌میرزامحمدحسین‌شیرازی فرزند مرحوم آیة‌الله آقا میرزا مهدی شیرازی که‌از اجله و مبرزین حوزه مرحوم آیة الله حاج میرزا محمدحسن شیرازی بوده است

معظم له در حدود سال ۱۳۰۱ قمری در سامرا متولد گشته فارسی‌وادبیات عربی‌را نزد مرحوم شیخ حسین گروسی و سطوح فقه‌و اصول را در سامرا نزد مرحوم میرزا یحیی نوری اصفهانی و مرحوم شیخ محمد کاظم شیرازی ومرحوم شیخ علی‌اصغر کشمیری‌ومرحوم‌ملا ابراهیم مازندرانی ومرحوم حاج محمد حسن کعبه که هر کدام آنها از مشاهیر علماء بودند تلمذ نموده وپس از فراغ از سطوح در سن ۲۰ سالگی بنجف مسافرت نموده ودر حدود شش ماه در حوزه فقه و

اصول مرحوم آخوند خراسانی حضور یافته و پس از آن بواسطه عدم مساعدت آب و هوا بسامرا مراجعت نموده و نزد مرحوم آیة‌الله میرزا محمد تقی شیرازی دائی والد معظم خود تلمذ کرده و خارج فقه و اصول را حدود ۱۸ سال که منتهی بفوت آیت‌الله گردید فرا گرفته پس از فوت ایشان بنجف مسافرت نموده باخذ اجازه از علمای نجف آیات‌الله مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم شیخ مهدی مازندرانی و آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و مرحوم حاج شیخ حسین حائری مازندرانی و آقا شیخ محمدعلی شاهرودی نایل گردیدند و از آنجا مسافرت بایران نموده و در همدان اقامت گزید و بامور روحانیت و تدریس اشتغال داشتند و در سال ۱۳۲۳ شمسی از همدان بطهران مسافرت نموده و بسمت مدرس مدرسهٔ عالی سپهسالار معین شدند و چهار سال است تدریس در این مدرسه را دارا میباشند.

شرح حال جناب آقای علامه وحیدی بقلم خود ایشان

محمدعلی معروف بعلامه وحیدی متولد ۱۳۲۴ قمری هجری در کرمانشاه ناظم اصول منطق بفارسی و احسن‌الاساس در منطق بعربی و حاشیه بر کفایه‌الاصول تا پایان مشتقات و مؤلف حکمت علامه و سراینده اشعار بسیار بزبانهای فارسی و عربی و دارای نگارشهای سیاسی و علمی و ادبی فرزند ابوالقاسم ابن محمد ابراهیم ابن احمد ابن محمدعلی ابن آقا محمد باقر بهبهانی استادالکل فی‌الکل ده بسلسله مراتب بشیخ مفید و سعید ابن جبیر می‌پیوندم و بر حسب تحقیقات مرحوم حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری پدر بر پدر رشته اجتهاد در خانواده احقر قطع نگردیده است پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه ادبیات را نزد مرحوم شیخ محمدتقی شیرازی که از اجله دانشمندان عصر بود فرا گرفتم و در عصر

مرحوم آیةالله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی بکربلا رهسپار گردیده ودر محاضر مرحوم شیخ محمد سعید فارسی و مرحوم سید محمدسعید شیرازی ومرحوم سیدمرتضی شهرستانی سطوح را تعلیم گرفتم وبرای آشناشدن بتنقیح مسائل وطرز استدلال وانتقاد بدروس خارج مرحوم آیةالله حاجی میرزاعلی شهرستانی و مرحوم آیةالله شیخ محمدحسین مازندرانی حاضر میشدم سپس بنجف اشرف مشرف شده و از محاضر درسی آیات الله نائینی واصفهانی وعراقی وغروی استفاده نمودم ولی بیشتر از محضر آیةالله مرحوم حاج شیخ محمدحسین غروی معروف بکمپانی استفاده اصولی و فلسفی نموده بحدی که از متقربین و مقررین درس معظم الیه محسوب بودم تاعلاوه بر نیل باجازات اجتهاد مطلق از نواحی مقدسه اکثر آیات الله نجف اشرف در تشرف بقم هم موفق بدریافت اجازه اجتهاد ازساحت مقدس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی شده‌واکنون باسمت مشاورت وزارت فرهنگ افتخار تدریس در مدرسه عالی سپهسالار را دارم .

شرح حال جناب آقای ابن الدین

آقای عبدالحسین ابن الدین فرزند مرحوم علی اصغر . بسال ۱۲۸۳ در قم متولد شده و در حدود هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از تکمیل ادبیات فارسی و عربی بتحصیل سطوح فقه واصول وفلسفه پرداخته وپس از آن حدوددوازده سال بدرس خارج فقه واصول مرحوم آیةالله حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری درقم حاضر شدم وباخذ اجازه اجتهاد از معظم الیه مفتخر گردیده است وبسال ۱۳۱۶ پس از فوت مرحوم آیةالله حائری بطهران آمده ومشغول تدریس گشته و اکنون حدود ۵ سال است کـه در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال بتدریس دارد .

از آثار مشارالیه نشرمقالات دینی عربی درمجلات مصرو بیروت

وعراق است ونیز ترجمه کتاب اعجاز قرآن مرحوم رافعی وپاورقی بر آنست که بطبع رسید ودوره تاریخ ادبیات عرب وتاریخ ادبیات ایران و رساله در صنایع بدیعیه ویکرشته سخنرانی های دینی در رادیوی طهران که مستقلا بطبع رسیده است .

شرح حال جناب آقای بهزادی

میرزاعلی بهزادی نواده مرحوم آیةالله آقای حاج میرزاحسین محدث نوری در سال ۱۲۷۰ شمسی در سامره متولد شده مقدمات وادبیات را در نجف تحصیل کرده سطوح فقه واصول وفلسفه را در طهران تلمذ نموده اند مدتی هم در اصفهان اشتغال بتکمیل فلسفه و اصول داشته اند چندین سال در محضر حضرت آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حایری و مرحوم آیةالله آقای میرزا حسین نائینی در قم اشتغال بتحصیل داشته اند ویکسال هم از محضر آیةالله آقای بروجردی و آیةالله آقای حجة استفاده نمودند وازسال ۱۳۲۶ در مدرسه عالی سپهسالار بتدریس ادبیات وفقه واصول مشغول اند .

شرح حال جناب آقای طالقانی

آقای سیدمحمود طالقانی فرزند مرحوم آیةالله حاج سیدابوالحسن طالقانی درسال ۱۲۹۹ شمسی درطهران بدینا آمده اند پس از طی مراحل تحصیلی مقدماتی درخدمت والدماجدشان درسالهای اول تأسیس حوزه علمیه قم در تحت سرپرستی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری بقم عزیمت نمودند .

سطح را نزد اساتید نامی آنحوزه خوانده و در پنج سال اخیر زندگانی مرحوم آیت‌الله حایری از درس خارج ایشان استفاضه کرده اند دراین اوقات نیز چندی بعتبات عزیمت نمودند واز درس خارج آیت‌الله



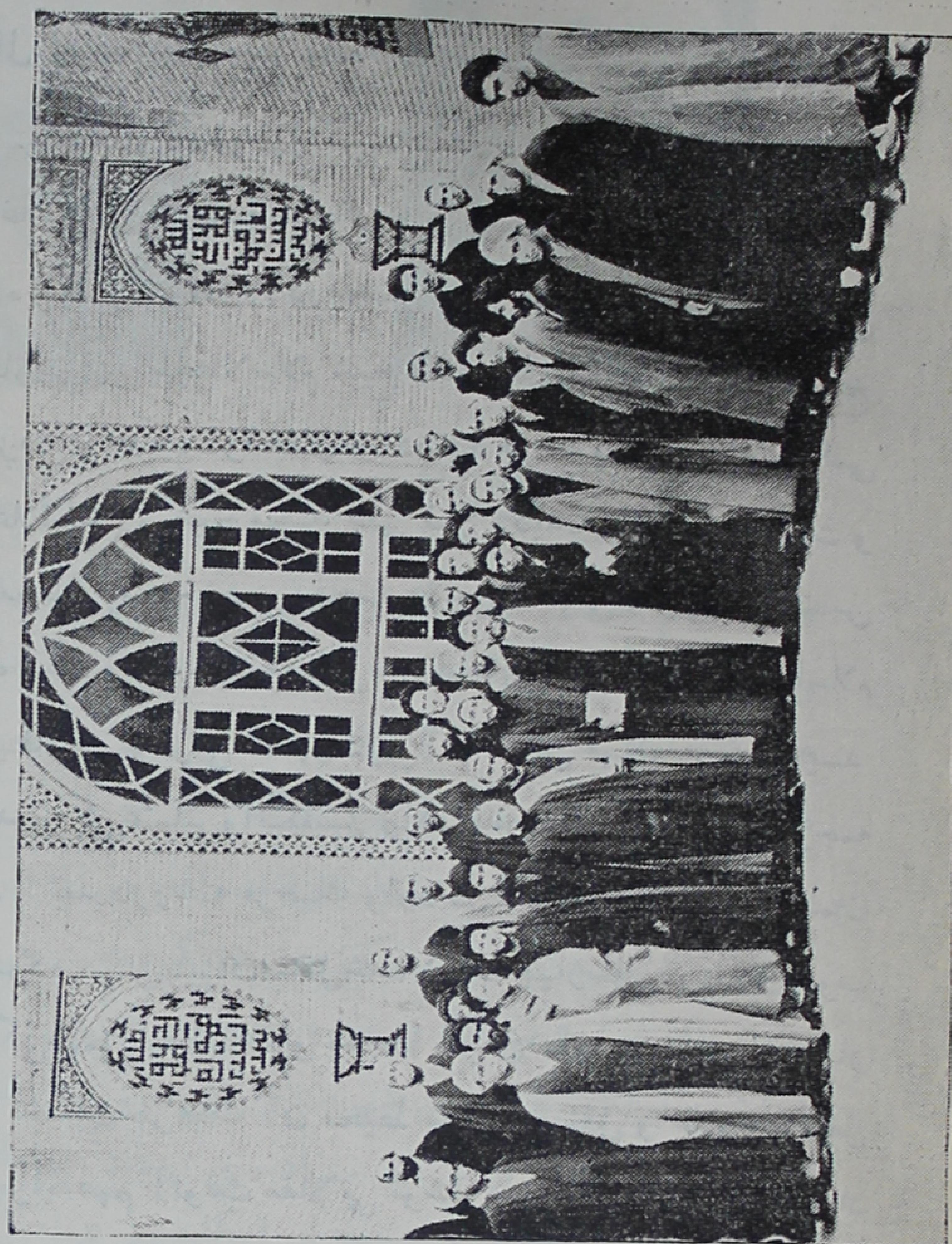
جناب آقای حاج میرزا مهدی
مجتهد آشتیانی

مدرس محترم معقول درمدرسه عالی سپهسالار
واز اساتید بزرك ونامی ایران میباشند
متأسفانه بعلت کسالت ممتدی که مبتلا
شده‌اند ناگزیر باروپا مسافرت نمودند
ازطرف نیابت تولیت عظمی مساعدت لازمه
شد که انشاءالله بزودی معالجه و بایران
بازگشت نمایند

اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین غروی «معروف بکمپانی» و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کردند.

از مرحومان آیت‌الله حایری و آیت‌الله اصفهانی باخذ اجازه اجتهاد نائل شده اند و پس از رحلت آیت‌الله حایری بطهران آمده و بتدریس وافاضه مشغول وامام جماعت مسجدهدایت (خیابان اسلامبول) هستند

درزمان نیابت تولیت آقای صدرالاشراف که‌دانشکده معقول و منقول از مدرسه منتزع شد و دوباره حوزه درس روحانی این مدرسه تشکیل گردید آقای طالقانی عهده دار تدریس فقه و تفسیر و منطق شدند وتاکنون باین خدمت ادامه میدهند.



علامه بزرگوار حضرت سیدالعراقین

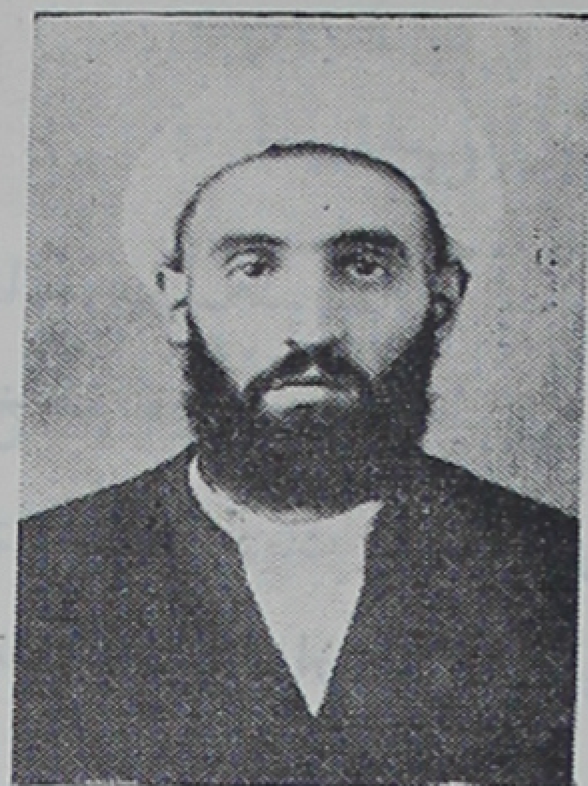
در میان آقایان طلاب علوم دینیه

شرح حال جناب آقای سید محمد صادق نشأت بقلم خود ایشان

این بنده از ابتدا باخانواده خود در کربلا اقامت داشته ادبیات فارسی وعربی را نزد شیخ غلام نحوی ، شیخ عبدالرحمن گویتی ، شیخ احمد اصفهانی تحصیل کرده و اصول وفقه را درمحضر شیخ مهدی کرمانشاهی ، شیخ محمد سعید فارسی ، وحجة‌الاسلام شیخ محمد علی قمی ، و آیة‌الله شیخ عبدالکریم یزدی و حکمت واخلاق را در نزد مرحوم شیخ مهدی حکمی معروف به (علاقبند) و شیخ محمد علی قمی ، دیده و تفسیر وحدیث و تاریخ راهم ازمحضر پدر خود سیدمحمد مهدی حسینی معروف بمهندس استفاضه نموده است ومطالعات مفصلی در تاریخ وجغرافیای ایران واسلام دارد علاوه بر فارسی وعربی که بهر دوی آنها سخن میگوید ومینویسد وتألیف میکند ترکی عثمانی وانگلیسی راهم بقدر کافی درمطالعه وترجمه آموخته است . بعد دررشته فرهنگ وارد در کربلا و بغداد و کاظمین مدتی خدمت نموده سپس بایران منتقل شده (مدت چهارسال در بنادر جنوب خدمات فرهنگی مهمی انجام داده و مجدداً بعراق معاودت و پس از چهار سال اقامت و خدمت بفرهنگ آن محیط بتهران منتقل و علاوه برشغل تدریس ، درجرایدمهم آنوقت مقالاتی نوشته در ۱۳۰۹ بنا برپیشنهاد سفارت شاهنشاهی ازطرف وزارت فرهنگ بسرپرستی آموزشگاههای ایران بآن سامان اعزام گردید و مدت ۱۸سال دیگر یعنی از (۱۳۰۹- ۱۳۲۵) آموزشگاه‌های نامبرده را بامنتهای جدیت اداره نمود ودراواخر سال (۱۳۲۵) بنابه اصرارخود بتهران منتقل گردیدو از آن تاریخ تـا



حضرت آقای رفیع رفیع
امام مسجد سپهسالار



جناب آقای شیخ‌محمود جارالهی
نایب امام مسجد سپهسالار

حال بانجام خدمات فرهنگی وعلمی ومطبوعاتی از جمله تدریس تاریخ و جغرافیای اسلامی درمدرسه عالی سپهسالار اشتغال دارد تا کنون ۲۱ جلد کتاب در موضوعات تاریخی و اجتماعی و اخلاقی و دینی بدوزبان عربی و فارسی ترجمه و تألیف نموده

۱ـ کتاب عمران بغداد فی العصر العباسی به زبان عربی . که در عراق و کشورهای عربی دیگر معروف گردید . ۲ ـ ترجمهٔ رسالهٔ فتح بغداد بقلم خواجه نصیرالدین طوسی ازفارسی بعربی . ۳ ـ ترجمه توحید اهل‌توحید علامه هبة‌الدین شهرستانی ٤ ـ ترجمهٔ مقدمهٔ تاریخ عمومی احمد رفیق مورخ ترك ٥ ـ راهنمای تربیت جوانان درتعلیم وتربیت ٦ ـ (دستور کامیابی) ترجمه از انگلیسی ۷ ـ کتاب معلم جدید در تدریس زبان‌عربی بطرز جدید ۸ ـ تاریخ روابط‌ایران‌وعراق وترکیه. ۹ ـ تاریخ تربیت درایران و جهان . ۱۰ ـ تاریخ طبیعی انسان ۱۱ ـ خواندنیهای کهنه ونو . ۱۲ ـ جغرافیا و تاریخ مفصل کشور ایران . ۱۳ ـ تاریخ وجغرافیای ممالك‌عرب مرادفات‌واضدادلغوی‌فارسی وعربی

کتابخانه

کتابخانه مدرسه‌سپهسالار یکی از کتابخانه‌های مهم ایران است که دارای نسخ کم نظیر و بی نظیری است.

این کتابخانه نزدیك به‌یازده‌هزار جلد کتاب دارد که بیشتر آنها خطی است و تعداد زیادی از کتب خطی بخط خود مؤلفین است.

هنگامیکه مرحوم سپهسالار در سال ۱۲۹۷ هجری در صدد بنای مدرسه ومسجد بزرگی برآمد درنظر گرفت که کتابخانه مهمی‌هم در آن ایجاد کند تاطلاب علوم و سایر اهل فضل از آن بهره مند شوند و کتابخانه خود راکه شامل بسیاری کتب نفیسه وپر بها بود وقف این کتابخانه نمود و بعداً کتابخانه علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم راکه‌مردی دانشمند بودودر شعرهم‌فخری تخلص‌میکرد یکجاخریداری کرد ووقف این کتابخانه نمودبنا براین دو کتابخانه مهم و مشهور بنیان کتابخانه مدرسه سپهسالار شدند.

کلیه این کتب را سپهسالار باخط خود منتقل و وقف مدرسه نموده است و بااین اندیشه پاك این دو کتابخانه از دستبرد دزدان و و صادر کنـندگان کتب بخارجه مصون ماند.

ناگفته نماند که در قرن گذشته کتابخانه های خصوصی بسیاری متعلق برجال وافاضل در ایران بوده است که پس ازفوت آنها متفرق و پراکنده شده و بیشتر آنهااز ایران بکشور های‌دیگر منتقل گردیده است بطوریکه اکنون در کتابخانه های لندن و پاریس و لنیـنگرادو مسکوواستانبول و کراچی‌وبمبئی وغیره کتب‌خطی‌فارسی

بسیاری است که در ایران نسخه‌های آن نایاب است و غالباً وزارت فرهنگ یافضلاء ومحققین مجبورند بوسائلی عکس از آن کتاب‌ها بردارند واستفاده نمایند واگرمرحوم سپهسالار نسبت بکتابخانه‌خود واعتضاد‌السلطنه این عمل را نمیکرد اکنون بیشتر از این کتب درایران نبود.

از مندرجات وقف‌نامه هم چنین برمیآیدسپهسالار که میخواسته بتدریج کتب این کتابخانه افزون‌تر شود قسمتی از عوائد رقبات‌موقوفه را برای خرید کتاب اختصاص داده است ولی متأسفانه ازاین محل که سالها تاکنون میگذرد مقدار قابل توجهی کتاب خریداری نشده و از طرف عموم هم چندان کتاب بکتابخانه اهدا نگردیده است و کتب‌قابل ذکری که باین کتابخانه رسیده بشرح زیر است.

مرحوم احمد خان مشیرالسلطنه (۱)	٦ جلد
مرحوم شیخ‌مصطفی فیروز کوهی	۳۸ جلد
علامه سیدمحسن جبل عاملی شامی(۲)	۳۱ جلد
علامه سید هبت‌الدین شهرستانی (۳)	۲۰ جلد
آقای حاج آقااحمد کرمانشاهی رئیس کتابخانه	۲٤۰۰ جلد
از وزارت فرهنگ	۱۱٤ جلد
از ثلث‌مرحوم محمدعلی کاتوزیان بوسیله آقای‌محمددرخشان	۲۲۵ جلد
ازثلث حیدرقلی‌خان شاملو «عون‌الوزاره» بوسیله آقای محمددرخشان	۳۸۰ جلد
مرحوم شیخ‌الرئیس محمدهاشم میرزا افسر رئیس انجمن ادبی ایران بوسیله جناب آقای بدیع‌الزمان فروزانفر	۲۰۷ جلد

---

(۱) پس از سپهسالار اولین کسیکه در سال ۱۲۲۲ کتاب باین کتابخانه هدیه کرد
(۲) بیشتر از مؤلفات خود ایشان است
(۳)بیشتر از مؤلفات خود ایشان‌است

کتب مرحوم سیداحمد ادیب پیشاوری

بوسیله جناب آقای شیخ‌الملك اورنك	۱۱۷ جلد
مرحوم شیخ‌علی مدرس نوری	۱۲۲ جلد
مرحوم یحیی‌قریب بوسیله بانورقیه مادر آنمرحوم	۱۹۴ جلد
هدیه جناب سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی	۱۰۰ جلد
ازحقوق استاد محترم آقامیرزا مهدی آشتیانی	
خریداری‌شده	۳۲ جلد
از مؤسسه وعظ و خطابه	۳۰ جلد
از جامع‌الازهر مصر	۲۲ جلد
ارسالی از لندن	۲۰ جلد
ارسالی ازسفارت انگلیس مقیم ایران	۱۷ جلد
ارسالی‌از انستیتوی‌شرقی کامابمبئی	۱۴ جلد
هدیه دانشگاه طهران	۲۲ جلد
مرحوم‌میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران	۱۵ جلد
جناب آقاشیخ محمد خالصی‌مجتهد	۱۳ جلد
جناب آقای فاضل‌تونی	۱۱ جلد
انجمن فرهنگستان ایران	۹ جلد
جناب آقای سید کاظم‌عصار	۷ جلد
آقای کاظم‌زاده ایرانشهر از برلین	٦ جلد
آقای پارساتویسرکانی	۵ جلد
مرحوم وحیددستگردی مدیر مجله ارمغان	۵ جلد
آقای محمدتقی مدرس‌رضوی استاد دانشگاه	۵ جلد
آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه	۵ جلد

وبجز این اشخاص ، غالب مؤلفین و ناشرین کتب نیزاز تالیفات ونشریات خودشان‌هر کدام یك نسخه بکتابخانه‌فرستاده اند که‌درفهرست

کتابخانه بنام آنها ثبت گردیده ومقداری هم مدرسه سپهسالار کتاب مورد لزوم ومطالعه طلاب را خریداری کرده است ولی چنانچه گفته شد کتب خوب ونفیس این کتابخانه همان کتبی است که مرحوم سپهسالار وقف نموده است و کتبی که بعداً رسیده اکثر چاپی است آنچه در اینجا یادآوری



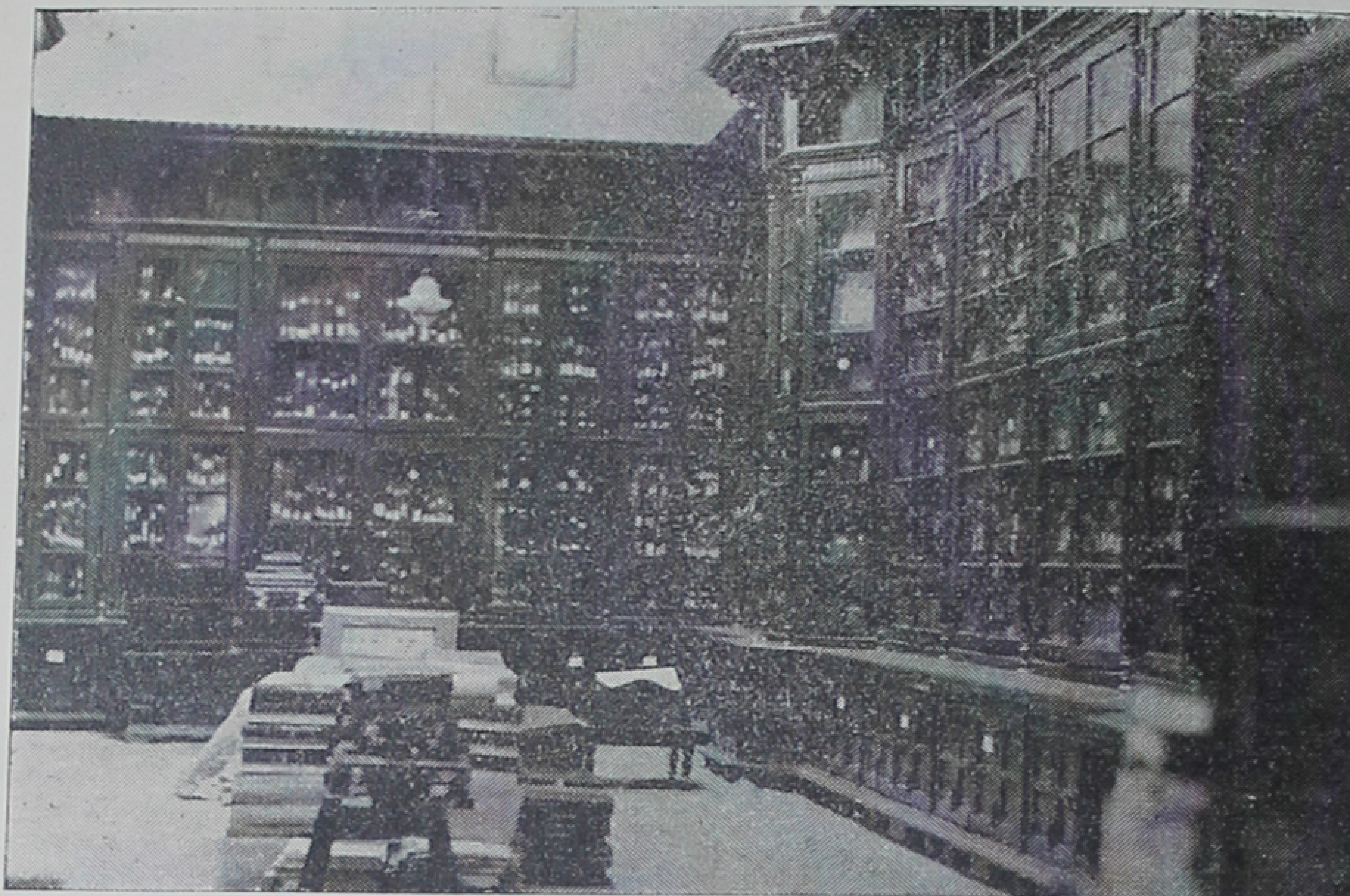
جناب آقای حاج آقا احمد دروسط وطرفین ایشان آقای آقا اسدالله آل آقا کتابدار و آقای سید فتح‌الله کتابدار درکتابخانه

وتقدیر از آن لازم است وجود مرد دانشمند وامینی است که ۳۱ سال است رئیس این کتابخانه میباشد و آن جناب آقای حاج آقا احمد کرمانشاهی است که میتوان گفت وجود این کتب بیشتر مرهون امانت و درستکاری اینشخص است .

آقای حاجی آقا احمد گذشته از اینکه خود ۲۴۰۰ جلد کتاب باین کتابخانه بخشیده در حفظ کتب باحوادث وآسیبی که معمولا برای کتاب و کتابخانه زیاد است وتغییرات وتحولاتی که در این مدت بوجود آمده است بانهایت امانت و صداقت و مقاومت از این گنجینهٔ هنری نگاهداری نموده‌اند وبااینکه محل کتابخانه متناسب نیست در حفظ کتب بسیار اهتمام کرده اند .

شرح حال جناب حاج آقا احمد رئیس کتابخانه بقلم خود ایشان

این بنده احمد ابن هادی ابن محمود ابن محمدعلی ابن آقامحمد باقر البهبهانی قدس سرهم در سنه ۱۲۹۱ قمری در طهران تولد یافته ودر سن شباب مثل سایر احباب اشتغال رسمی به تحصیل ومباحثهٔ نحوو صرف و ادبیات و غیر ها داشته وفقه و اصول و کلام سطحی را خدمت اساتید عصر مثل مرحوم حاج شیخ محمد حسن نهاوندی و مرحوم آقا سیدعبدالکریم مدرس لاهیجی ومرحوم آخوندملامحمد آملی ومرحوم حاج شیخ علی نوری وغیرهم استفاده نموده وبعد به نجف اشرف مشرف ومدتی در مدرس مرحوم آقا شیخ حسن تویسرکانی ومرحوم ممقانی و مرحوم آخوندملاعلی نهاوندی وغیرهم اشتغال داشته و بعد بواسطه عروض کسالت وناخوشی برحسب امر علماء و مرحوم والد قدس سره ناچار بمراجعت ومعالجه درطهران شده و به تحصیل وتکمیل علوم کلام ومعقول ومنقول پرداخته و مدتها در خدمت آقایان مرحوم حاج شیخ عبدالنبی نوری و آقامیرزاحسن کرمانشاهی ومرحوم آقا میرزاهاشم رشتی ومرحوم حاج شیخ محمد قوچانی قدس سرهم اشتغال داشته و در تاریخ ۱۳۲۸ برحسب امر پدر بزرگوارم در مدرسه ومسجد مرحوم جد مرحومم آقا محمود بتدریس وامامت وامور راجع بوظیفه روحانیت مشغول ودرسنه ۱۳۳۷ بموجب فرمان ملوکانه امور کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار بداعی تفویض واسباب سرگرمی واشتغال بکتب و کتابخانه وخدمت بعلم وعلما گردید واینک ها انا ذا و نعوذ بالله من السهو و النسیان وارجو منه المغفره ومن الاحباء طلب الغفران



نمای داخلی کتابخانه که کتب خطی در این قفسه‌ها گذاشته شده

قدیمترین نوشته ای که در این کتابخانه است قسمتی از کلام‌الله مجید میباشد که درقرن سوم هجری نوشته‌شده .

این قرآن بخط کوفی و ثلث در ۱۷۸ ورق نوشته شده . اسامی سور و تقسیمات قرانی را با طلا نوشته اند و اطراف آنها نقاشی قدیم مخصوص شده .

اولین آیه‌اش « آیه ۱۲۲ از سورهٔ بقره « **کتب علیکم القتال وهو کره لکم** » وآخر آن آیه ۲۸ از سورهٔ احقاف میباشد « **صرفنا الیك نفراً من الجن یستمعون القران** » .

کاغذ این قرآن حنائی خیلی قدیمی بقطع وزیری کوچك میباشد این قرآن از جمادی الاولی ۱۲۹۲ داخـل کتابخانـه علی قلی میرزا

اعتضاد السلطنه قاجار شده و در ذی‌الحجه ۱۲۹۷ مرحوم سپهسالار آنرا وقف کتابخانه مدرسه نموده‌است و بشماره ۱۰۱۷ در دفتر کتابخانه ثبت گردیده و بااینکه هزار سال از تاریخ کتابت آن گذشته بسیار سالم نگاهداری شده است .

نفیس ترین کتابی که دراین کتابخانه است یك جلد خمسه حکیم نظامی (ابومحمد بن ویس بن یوسف بن‌زکی مؤید مطرزی گنجوی) ازاعاظم‌شعرا وحکمای ایران وازنوابغ ادبی قرن ششم هجری است .

این کتاب گرانبها و بی‌مانند را بسال ۹۵۶ مرشد شیرازی پسر خواجه میرك شیرازی نوشته و گذشته از خط زیبا و دلفریبی که دارد دارای سی‌مجلس بسیار ظریف نقاشی وصورت سازی استو گذشته از مجالس نقاشی که‌هرمجلس بطول‌وعرض‌صفحه کتاب‌میباشدپیش‌ازشروع بکتاب دارای دو صفحه مینا کاری بسیار زیبا و ظریف میباشد که در وسط آنهامرغ‌های ماهی خوار چندی بشکل های گوناگون رسم‌شده ودرمیان این‌مرغان‌درهرصفحه ترنجی است که درمیان آنکه ازلاجورد پوشیده شده این رباعی نوشته‌شده :

گنجینه گشای گنجه آن مؤیدراد   کامد زازل سخن وران را استاد
دریای معانی از گهر کردتهی   روزی که بنای پنج گنجینه نهاد

وبرترنج دیگر نیز این رباعی که نامهای خمسه رابیان کرده

خمسه که بمخزنش بود زیب تمام   ازخسروشیرینش فزوده‌است نظام
لیلی مجنون وهفت پیکر زعقب   تاریخ سکندرش دهد ختم کلام

بخط ثلث نگارش یافته وتمام دوصفحه اول که هریك شش‌بیت از مخزن الاسرار را شامل میباشد باکمال ظرافت نقاشی و میناکاری گردیده میان سطر های دو صفحه بعداز این دو صفحه و هر صفحه ای که مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد و دو صفحه اول هریك



آقای دکتر صدیقی استاد دانشگاه که برای جشن هزارهٔ ابن‌سینا مشغول مطالعه در اطراف رسائل ابن‌سیناست در طرفین ایشان آقای پارساتویسرگانی و آقای‌مدرسی نویسندگان فهرست کتابخانه نشسته و درباره‌چند رساله‌ابن‌سینا که در این کتابخانه است بحث‌مینمایند .

از کتاب های خسرو شیرین و اقبال‌نامه که نیز دارای سرلوح های « پنج سرلوح » زیبائی است طلا اندازی و نقاشی شده ودو صفحه آخر نسخه بطرز جالب توجه میناکاری و نقاشی و طلا اندازی شده‌است و گذشته‌از اینها دو صفحه آخر خسروشیرین ویك ورق از میان لیلی و مجنون و دوصفحه آخر آن ودوصفحه هفت‌پیکر میناکاری های ظریف دارد (۱)

تمام صفحات باکمال استادی و مهارت متن و حاشیه گردیده و مجدول بطلا ولاجوردوشنجرف‌وغیره‌میباشد عناوین مطالب این کتاب برسر سوره‌هائیکه ازطلاپوشیده شده باسفیدآب نگارش‌یافته واطراف آن نگارش هم برك و گل نقاشی شده است .

برحسب یاد داشتی که پشت نخستین برك کتاب است بسال ۱۲۸٤ اعتضادالسلطنه مالك این کتاب بوده و سپهسالار آنرا خریده‌و بکتابخانه وقف کرده‌است و بشماره ٤٠٠ ثبت دفتر کتابخانه‌شده است .

فاضل محترم آقای ابن یوسف که در جلد دوم فهرست کتابخانه این کتاب را بشرحی که گذشت معرفی کرده در بارهٔ آن مینویسد: اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت باسلیقه و صنایعی که در این نسخه بکار برده نیاز مند بگواه

---

(۱) عنوان خمسه روی مثنویات نظامی بعد از درگذشت وی گذاشته شده وگرنه مثنویات نظامی ، شش کتاب است مخزن‌الاسرار - خسرو و شیرین - لیلی ومجنون - هفت پیکر - اسکندر نامه - اقبال نامه که هر کدام کتابی جداگانه‌است و انجمن ادبی حکیم نظامی در طهران این کتاب را تصحیح و جلد هفتم آنرا نیز شرح حال نظامی و غزلیات و قصائدش قرار داده است .

این انجمن بدستیاری فضلائی . چون مرحوم وحید دستگردی - مرحوم عبرت نائینی - مرحوم تقی بینش - مرحوم مایل تویسرکانی - آقایان هادی حائری - احمد اشتری - علی اصغر حکمت - سعید نفیسی - هادی اشتری - محمد علی بامداد - محیط طبا طبائی - مجدالعلی بوستان - پارسا تویسرکانی - محمد علی ناصح - محمد علی نجاتی - امیر فیروز کوهی - رهی معیری - احمد مهذب - قویم‌الدوله - احمد سهیلی خوانساری - احمد گلچین - صادق انصاری - محمد درخشان از ۱۳۰۸ شمسی تأسیس و تاکنون هم دایر است .



طلاب مدرسه سپهسالار در تالار کتابخانه هنگام مطالعه

دیگر نبود و معتقد است معرفی این کتاب از عهده قلم خارج است .
« یدرك ولا یوصف »

اوقات مطالعه در کتابخانه‌ازساعت هشت صبح تاظهر میباشدولی درنظراست که بعد از ظهرها نیز این گنجینه علمی وادبی برای مطالعه کنندگان باز باشد .

بواسطه رسائل نایاب و کتب کم‌نظیر غالب اساتید ودانشمندان نیز باین کتابخانه مراجعه واستفاده مینمایند .

طبق‌دستور واقف ازاین کتابخانه کتاب بخارج از مدرسه نباید بیرون‌ببرند ولی آقایان طلاب میتوانند کتب‌مورد نیاز خودرا در برابر رسید گرفته ودر حجرات خود مطالعه کنند .

تاسال ۱۳۳۸ قمری این کتابخانه دفاتر منظمی نداشته ولی‌از آن سال ببعد که جناب آقای‌حاج آقا احمد عهده‌دار ریاست کتابخانه‌شده‌اند کلیه کتب را در دودفتر « یکی‌بترتیب شماره‌ودیگری‌بترتیب حروف تهجی »نوشته اند .

جزء اصلاحاتی که‌حجة‌الاسلام ومصلح معظم حاجی سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی فرموده اند یکی هم تهیه فهرست جامع کتابخانه است که‌از جلد دوم ببعد باید نوشته شود و بهشت جلد خواهد رسید

اکنون دونفر از فضلای مشهور «آقای پارساتویسرکانی‌وآقای مدرسی چاردهی » مشغول تهیه این فهرست میباشند و جلد سوم آن در هزار صفحه قریباً منتشر میشرد .

ناگفته نماند که بسیاری از کتب کتابخانه هر کدام شامل چند کتاب ورساله میباشد واغلب این رسائل نایاب و کمیاب واز غنائم علمی وادبی قرون گذشته است ونیابت تولیت عظمی در نظر گرفته اند نسخ منحصر بفرد را بتدریج چاپ ودردسترس عموم بگذارند وازهم‌اکنون اجازه داده اند که از نسخ نایاب عکس برداری شود وبکتابخانه های مهم جهان و مجامع علمی بفرستند .



مقام نیابت تولیت‌عظمی درطرفین ایشان آقای موسی شاهرخی ناظر امور
مالی دربار شاهنشاهی و آقای پزشگان رئیس حسابداری دربار شاهنشاهی که بامور
مالی سنوات گذشته مدرسه عالی سپهسالار رسیدگی مینمایند



آقای احمدراد رئیس حسابداری «مستوفی» مدرسه عالی سپهسالار



آقای حسن نوری حائری رئیس دفتر مدرسه عالی سپهسالار

باید دانست که در گذشته برای این مدرسه خرج هائی پیش بینی کرده اند که اگر عواید مدرسه وصول شود ، مطابق همان مخارج است و وجهی باقی نمی‌ماند که بتوان با آن اصلاح جدیدی را آغاز کرد و مخصوصاً امسال پیش آمد هائی شد که عواید بموقع و درست بدست نیامد و در اجاره بندی های مدرسه هم که قبلا صورت گرفته است چنانچه باید و شاید رعایت صرفه مدرسه نشده است ولی نیابت تولیت عظمی با دعوت از اصحاب معامله و نصایح با آنها که نباید موجب زیان موقوفات گردند و اینکه اگر مستأجرین حق مدرسه را بدهند بمصرف خیر و صلاح جامعه میرسد تا حدی این نقیصه را جبران کردند و در سالهای آینده که مدرسه عالی سپهسالار از قید تعهد گذشتگان آزاد خواهد شد طبعاً عواید افزونی خواهد یافت

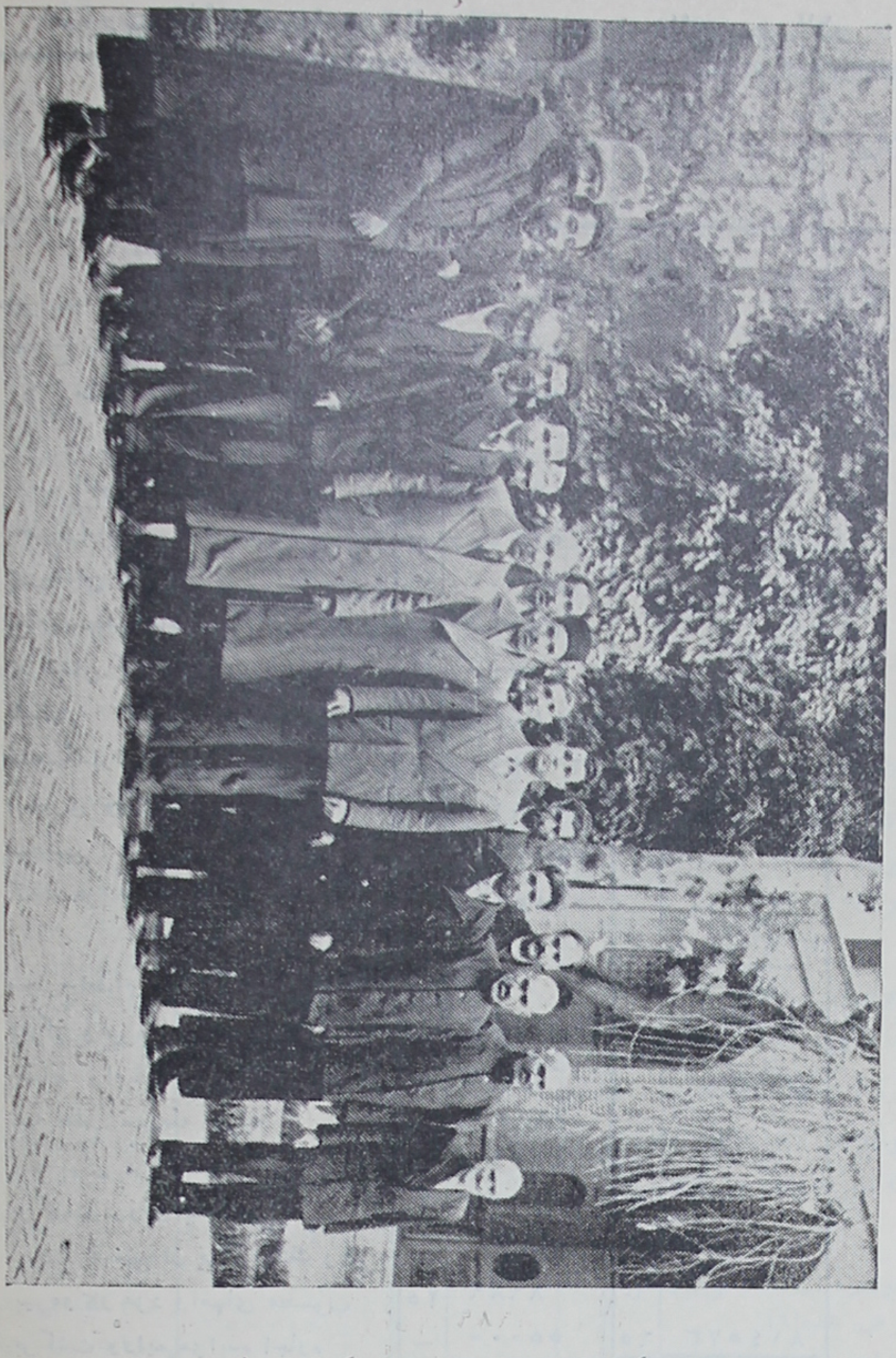
اینک صورت جمع و خرج فعلی مدرسه نگاشته میشود

صورت خلاصه وصولی سال ۱۳۲۸ مدرسه عالی سپهسالار

شماره ترتیب	شرح	مبلغ وصولی دینار	مبلغ وصولی ریال	جمع دینار	جمع ریال	ملاحظات
	(مستغلات)					
١	اجاره بهای مستغلات	—	٨٤٤٤٠٠			
٢	اضافه اجاره بهای سال ١٣٢٧ محل دبستانهای سعدی و آذرم	—	٦٦٠٠٠			(١) ٨٠٠٠٠ ریال دیگر بابت سرقفلی باید در سال ١٣٢٩ بپردازند
٣	سرقفلی (١)	—	٦٠٠٠٠	—		(٢) مبلغ ٢٤٠٠٠ ریال هم بابت سال ١٣٢٨ در سال ١٣٢٩ وصول شده است
٤	آب بهای قنات مهران	—	٦٦٠٠٠		١٠٣٦٤٠٠	
	(املاک مزروعی)					
١	عواید میان آباد (٢)	—	١٠١٠٠٠			(٣) ٣٢٠٠٠ ریال هم بابت سال ١٣٢٨ درسال ١٣٢٩ وصول شده است
٢	« شهرک طالقان (٣)	—	١٠٨٠٠٠			
٣	« املاک زنجان (٤)	—	٣٦٢٠٥٠			(٤) ١٣١٠٠٠ ریال هم باقیست
٤	« « قزوین	—	١٩٠٠٠٠			
٥	عواید املاک خالدآباد و شویه (٥)	—	٢٥٨٤٠٠	—	١٠١٩٤٥٠	(٥) ٤٨٠٠٠ ریال هم درسال ١٣٢٩ بابت سال ١٣٢٨ دریافت شده و در حدود یکصدهزار ریال دیگر نیز باید مستاجر پس از تصفیه حساب بابت سال مزبور بپردازد
	(متفرقه)					
١	وصولی از بقایای سنوات گذشته	—	٢٤٥٥٣٩			
٢	اعانه وزارت فرهنگ	—	٦٠٠٠٠			
٣	فروش اشیاء اسقاط	—	٦٢٥٠			
٤	موجودی آخر سال ١٣٢٧ که بسال ١٣٢٨ نقل شده	٤٠	٣٢٤٦٥	٤٠	٣٤٤٢٥٤	(٦) مبلغ ٢٦٤٠٠٠ ریال از این قرض ببانک درهمان سال ١٣٢٨ برگشت شده و باقی باید درسال ١٣٢٩ پرداخته شود
	(جمع وصولی)			٤٠	٢٤٠٠١٠٤	
	دوفقره از بانک ملی و رهنی قرض شده (٦)				٣٥٠٠٠٠	
	ودایع مزایده اجاره میان آباد (٧)				٥٥٠٠٠	(٧) کلیه این مبلغ پس از خاتمه مزایده بصاحبانش برگشت شده است
	جمع کل واردات سال ١٣٢٨			٤٠	٢٨٠٥١٠٤	

صورت خلاصه مخارج سال ۱۳۲۸ مدرسه عالی سپهسالار

شماره ترتیب	شرح	مبلغ سالانه دینار	مبلغ سالانه ریال	دینار	ریال	ملاحظات
	(مخارج املاک)					
۱	تعمیرات مدرسه و مسجد و مستغلات شهری	۵۰	۲۱۵۴۰۸			
۲	مخارج قنائی و بنائی املاک	۰۵	۸۷۹۰۸			
۳	« قنات مهران	—	۲۵۰۳۵	۵۵	۳۲۸۳۵۱	
	(حقوق)					
۱	نایب التولیه	—	۸۶۰۰۰			
۲	ناظر رقبات	—	۵۳۴۰۰			
۳	کارمندان دفتری	—	۱۷۰۶۰۰			
۴	امام مسجد و نایب امام	—	۳۶۰۰۰			
۵	کارمندان کتابخانه	—	۴۴۷۶۰			
۶	طبیب	—	۱۸۰۰۰			
۷	خدمتگذاران جزء	—	۲۲۸۴۰۰			
۸	مستمری وراث	—	۲۸۹۲۰			
۹	مدرسین	—	۳۸۰۷۴۰			
۱۰	کمک هزینه طلاب	—	۵۸۸۵۰۰	—	۱۶۳۵۳۲۰	
	(متفرقه)					
۱	مخارج اطعام و انعام و اثاثیه و نوشت افزار وغیره	۴۰	۲۹۴۵۸۴			
۲	اقساط وام بانک رهنی از بدهی سابق		۱۰۰۰۰۰			
۳	تتمه طلب مدرسه خیریه	—	۵۰۰۰۰			
۴	تتمه بهای فرش مسجد	—	۴۲۰۰۰			
۵	برگشت قروض بانک ملی	—	۲۰۰۰۰۰			
۶	« قسمتی از قرض بانک رهنی	—	۶۴۰۰۰			
۷	بهره و کارمزد وامهای محسوب	۲۵	۸۹۸۹			
۸	برگشت ودایع مزایده اجاره	—	۵۵۰۰۰	۶۵	۸۱۴۵۷۳	
	جمع کل مخارج			۲۰	۲۷۷۸۲۴۵	
	موجودی آخر سال ۱۳۲۸ برای موازنه			۲۰	۲۶۸۵۹	
				۴۰	۲۸۰۵۱۰۴	



کارکنان مدرسه عالی سپهسالار که در وسط
آقای محمد کرمانی مدیر امور داخلی دیده میشوند

لطفاً این اغلاط مطبعی را قبل از مطالعه تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۸	بترتیب	بتربیت
۵	۱۳	قتل و نفی	نفی بلد و قتل
٦	۲۰	انجام دادن	انجام
۱۰	۲۳	روز بمنصه	بمنصه بروزو
۲۰	۱۸	نمی پذیرم	نمیپذیریم
۲۳	۱	تقویب	تقویت
۳۵	۱۰	حددو	حدود
۳۵	۱۵	نفسیه	نفیسه
۱۰۸	٤	عمارتی است	عمارتی
۱۰۸	٤	میباشد	میباشدوقف کرده است
۱۱۱	۲۳	نوزی	توزی
۱۱۱	۲۵	خان	خوان
۱۱۲	۹	بدینشان	بدینسان
۱۲۸	٤	منسوب	منصوب
۱۵۷	۳	روز روضه‌خوانی	۳ روز روضه‌خوانی
۱۵۷	۱٦	میرزاعبدالله همدانی	میرزاعبدالله سبوحی طهرانی
۱۵۹	٦	از هرمؤسسات	ازمؤسسات
۱۵۹	۱۲	هایهویائی	مشاجراتی
۱٦٦	۱	بالاحتقال	بالاحتفال